

دیا

نشریه ایک دیای کمیته مرکزی حزب توده ایران



بنیادکنار دکتر تقی ارانی

دُنْسَا

در این شماره :

صفحه

- ۲ سختی چند درباره انقلاب کبیر سیاسیستی اکابر
۶ حزب توده ایران در هزاره برای تشکیل جبهه واحد ملی و دموکراتیک
۲۰ پنهانیت بیست و پنجمین سال درگذشت دکتر تقی ارانی
۲۹ عهدی خوینی با صبحی روش نو
۳۲ از جنبش رهایی به خشن تأسیسالیسم
۵۸ انتقاد رستواز فلسفه اجتماعی مارکس و انتقاد براین انتقاد
۷۱ از زوراه تکامل اقتصادی که امکن را باید برگزید؟
۸۵ تصحیح لازم
۸۶ در بیرون جهان بینی احمد کسری

ارگان شوریک و سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران.
هر سه ماه یکبار تحت نظر هیئت تحریریه منتشر میشود.

دورة دوم
سال پنجم
شماره سوم
پائیز سال ۱۳۴۳

سخنی چند در باره

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر مبدأ ده ران نوین در تاریخ پسر، نقطه چرخشی در تاریخ پرولتاڑی کشورهای سرمایه داری، سرافراز مرحله جدیدی در جنبش‌های رهائی پیش‌ملی در کشورهای مستعمره و واپسیه، نقطه تحولی در شیوه‌های مبارزه، اشکال سازمانی و سبک کاروفرهنگ اجتماعی و جهان بینی استئمارشوندگان و استعمارگران در مقیام تمام جهان است.

در اعلامیه جلسه مشاوره نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری (نوامبر ۱۹۶۰) دروانی که با انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر آغاز شده است چنین توصیف می‌شود:

"د ران ماکه مضمون عده اش عبارت ازکه از سرمایه داری سوسیالیسم است، اذاری که بـا انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر شروع شد، د ران مبارزه د وسیتم اجتماعی متفاضل است، د ران انقلاب‌های سوسیالیستی و انقلاب‌های ملی رهائی پیش است، د ران فروختن امپریالیسم و برافتادن سیستم مستعمره ای است، دروانی است که هر روز خلقهای جدیدی برای سوسیالیسم کام می‌کنند، د ران پیروزی سوسیالیسم و کمونیسم در مقیام جهانی است".

لذین برای تشخیص طبقه ای که در مرکز د ران قرار ارد و نقش عده رایاً مینماید اهمیت زیاد قائل بود. قبل از انقلاب اکتبر در د ران گذار از نفوذ ایمپریالیسم سرمایه داری (باستانی کمون پاریس) همیشه بیرونی از د ران قرار داشت. پس از انقلاب اکتبر بیرونی از اهمیت مرکزی خود را در بروزه اندک از دست داد و طبقه کارگر و مولود عده آن سیستم جهانی سوسیالیستی جانشین آن گردید. در اعلاوه جلسه مشاوره ۱۹۶۰ دراین باره گفته شده است:

"طبقه کارگر جهان و مولود عده آن یعنی سیستم جهانی سوسیالیستی در مرکز د ران معاصر قرار ارند. آنها اضامن پیروزی در مبارزه بخاطر صلح، د مکراسی، رهائی ملی، سوسیالیسم و ترقی پیشرهستند".

انقلاب اکتبر بد ران سیطره جهانشمول و بالارقیب سرمایه داری خاتمه داد، شکاف عمیقی در جبهه امپریالیستی بوجود آورد، بنیاد توافقی و فرم انفرمایی امپریالیسم را هم در کشورهای مستعمره و واپسیه سست و متزلزل ساخت. بدینسان انقلاب اکتبر خود مسئله وجود پژوهش و روزی سرمایه داری جهانی را در مجموع خود در برابر علامت سئوال قرارداد.

در انقلاب‌های گذشته همیشه یک طبقه استعمارگرانشین طبقه استعمارگرد یگر میشد. استعمارگران با تغییر شکل استعمار جای خود را عرض میکردند ولی استعمار باقی میماند. انقلاب اکتبر نخستین انقلاب در جهان است که اصل استعمار انسان از انسان را براند اختر و استعمارگران را در رعصره پیروزی انقلاب برای همیشه از اریکه قدرت فرود آورد.

انقلاب اکتبر بیرونی امپریالیستی را در روسیه تزاری سرنگون کرد و حکومت کارگران و هقانسان را جانشین آن ساخت. با انقلاب اکتبر در ران انقلاب‌های پرولتاڑی ای د رکشیورهای سرمایه داری رشد یافته

وغضرنقلابات درکشورهای مستعمره و واپسنه آغاز میشود. انقلاب ملی و ضد امپرالیستی درکشورهای اخیر از جمهار جوب تک ملی و محلی خارج شده جنبه بین المللی بخود میگیرد و بجزئی از انقلاب جهانی پرولتاریائی نبند میشود. لینین یکگویید انقلاب موسیالیستی جهانی "شها و بطوع ده مبارزه پرولتاریائی انقلابی در هر کشور بر ضد بروژوازی آن کشور خواهد بود، نه، بلکه باز راه همه مستعمرات و کشورهای مستعمره ستبدیده از اراضی" همه کشورهای واپسنه علیه امپرالیسم بین المللی خواهد بود "(۱)".

از اینجهت است که پس از انقلاب اکثر پیوند جنبش‌های رهائی بخش‌ملی خلق‌های مستعنه مالک مستعمره و واپسنه با مبارزات زحمتکشان مالک امپرالیستی و استعماری مستحکم و مستحکمر میشود و مجموع آنها در آغاز در وجود اتحاد شوروی و پس از جنگ دوم جهانی در وجود سیستم جهانی موسیالیستی که اتحاد شوروی برای من آن قرارداد را حاوی و پایگاه و مدفع نیرومندی میباشد.

قبل از انقلاب اکثر جنبش‌های رهائی بخش‌ملی خلق‌های مستعمره و واپسنه ضعیف، غیرمتکل و ناچوان بود. در این کشورها هنوز کارگران بستا به طبقه قوام نیافته و حزب خود را بوجود نیاروده بودند. شهبا پس از انقلاب اکثر همراه با آغاز بحران عمومی سرمایه داری است که در عده ای از کشورهای مستعمره و واپسنه احزاب کمونیستی و کارگری تشکیل میگردند.

لینین در گزارش خود بکثرة سازمانهای کمونیست ملل شرق در ۲۲ نوامبر ۱۹۱۹ وظایف ایسن سازمانهای اچنین تشریح میکند:

"د رایجاد روابر شما وظیفه ایست که در مسابق در روابر کمونیستهای سراسر جهان قرارند است. شعباید بانکی به شوری و پرتابیک عمومی کمونیستی و انتطباق آن بر شرایط ویژه ای که در کشورها اریوائی نیست، این شوری و پرتابیک را بشرایط انتطباق دهید که تولد اعداء عبارت است از دهقانان و باید مسئله نبرد علیه بقای قرون وسطایی راحل کرد نه علیه سرمایه را "(۲)".

لینین در این گزارش بویژه به نقش کارگران و زحمتکشان در کشورهای مستعمره و واپسنه و نقش شهبا محتسب اینها پرولتاریائی جهانی توجه خاصی معطوف میدارد و علیرغم منحرفین دگماتیک معاصر چنین میگوید:

"شما باید برآن ناسیونالیسم بروژوازی که درین این خلقها بیدار میشود و نمیتواند بیدار نشود و دارای توجیه تاریخی است تکیه کنید. بعلاوه باید راه را برسیوی توده های زحمتکش و سهره ده هر کشوری بگشایید و بنیانی که برایشان مفهوم باشد بگوئید که پیروزی انقلاب جهانی شهبا ایسید رهائی است و پرولتاریائی جهانی شهبا متحدد همه زحمتکشان و سهره دهان صدها ملیون خلق‌های خاورزمین است" (۳)".

در اینتای جنگ اول جهانی بویژه با پیروزی انقلاب کبیر موسیالیستی اکبر خروج اتحاد شوروی از سیستم سرمایه داری، سرمایه داری جهانی وارد دهان بحران همه جانبه ای میگردد. دوران میسور دهان نسبتاً طولانی انقلابات و تلاشی سرمایه داری و پیروزیهای موسیالیسم است. درین دوران است که در بعضی کشورها در رازضفای مختلف مقدمات انقلابات موسیالیستی فراهم میشود.

مهمترین صفت مشخصه دهان منور تقسیم جهان بد و سیستم موسیالیستی و سرمایه داری است. تا مسین دلت اتحاد جهانی بیشتر شوروی و تا مشیر عظیم انقلابی آن پرروزی زحمتکشان تمام جهان باعث

(۱) لینین، کلیات بچاپ روسی، صفحه ۱۳۸

(۲) همانجا، صفحه ۱۴۰

(۳) ایضاً، صفحه ۱۴۱

تضعیف تر ریجی سرمایه داری جهان و تغییر ریشه ای در شرایط مبارزه طبقاتی و ملی ود موکراتیک است. پیدا شیخ نشستین دولت پرولتاوی و ساختمان کامیابانه سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شور وی سرمتشق و تمنه الهام بخشی برای زحمتکشان کشورهای سرمایه داری و ملل استیزم است.

لذین بزرگ درباره تشکیل دولت شوروی و نقش این دولت در سیاست جهانی چنین میگوید:

” دروضع کنونی جهان ۰۰۰ چنگنگی مناسبات ممل بایک دیگر و تمام سیاست جهانی دول راهبرده گروه کوچکی از مل امپریالیستی علیه جنبش شوروی و کشورهای شوروی که روسیه شوروی در راه اُس آنها قرار ارد معین می‌سازد. اگر ما این نکته را از نظر در مرتبه نفوذ افتد، توین شاطق جهان باشد بدستی طرح کنیم. یا مستعمراتی را لواینه سخن برسرد و افتد، توین شاطق جهان باشد بدستی طرح کنیم. فقط باشکای این نظریه است که احزاب کمونیست چه در کشورهای متدن و چه در کشورهای عقب ماند ه میتوانند مسائل سیاسی را بررسی طرح و حل کنند ” (۱)

یک از عنصر مربکه بحران عمومی سرمایه داری بحران سیستم مستعمراتی امپریالیسم است. انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر امپریالیسم را شدیداً در متول و بد رجه زدای تری حکومت اثرا رهستورات متزلزل ساخت. از این پس مستعمرات از صورت ذخیره امپریالیسم خارج شد و به ذخیره انقلاب پرولتاویائی جهانی تبدیل میگردند.

انقلاب اکثر در همسایگی کشورها بظهور پیوست و بجائی روسیه تزاری، روسیه شوروی را پدید آورد. بالانقلاب اکثر کشورها از خطر اضحاک حاکمیت و استقلال رهایی یافت و خلق مادر روجود روسیه شوروی بهترین دوست و پیشیان و مدافعان ازادی و استقلال خود را یافت.

بالاصله پس از انقلاب اکثر دولت شوروی قرارداد ۱۹۰۷-۱- قرارداد تقسیم ایران بد و منطقه“ نفذ مابین انگلستان و روسیه تزاری - را ”ازهم در بد و نایب شده“ اعلام داشت. از کلیه حقوق و مطالبات و استیارات خود و اتباع روسیه تزاری در ایران صرف نظر نمود و حقوق کاپیتالیسین روسیه تزاری را در ایران لغو کرد. احالمیه ای که بدین منظور در ۲۷ دی ۱۹۱۹ از جانبد دولت شوروی مشترک گردید با جملات زیرین خاتمه میباید:

” مردم روسیه ایمان دارند که خلق پانزده ملیونی ایران خواهد مرد زیاری دارای سابقه ای بس افتخار آمیز و پراز تبرانی است و بر صحایف تاریخ و فرهنگی ناهاشی بیش است که جهان متدن بحق در برابر آن سر تکریم فروید می‌آورد. چنین خلقی بانهایی نیرومند از خواب قررون برخواهد خاست و تجزیه ستم درند کان پلید را ازهم خواهد درید و در صوف برادرانه مل آزاد و با غرفه‌نگ برای خلاقيت نوين و نورانی بخري و سعادت سراسر شرست پای خواهد گذاشت.“

تحت تأثیر انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر جنبش رهایی پیش می‌نمای از سال ۱۹۱۸ و سنت و دامنه یافت و در سالهای ۱۹۲۰ و ۱۹۲۱ در آذربایجان و کیلان و خراسان بصیرت قیامهای مسلحه دارد. قیام های منور توده های وسیعی از کارگران و هقانان و بورژوازی متوسط و بورژوازی تجاری را در بسیار گرفت. قشراهای وسیعی از زحمتکشان شهروده با شعارهای خود در این جنبش شرکت گردند و حزب انقلابی خود حزب کمونیست ایران را تشکیل دادند. حزب کمونیست ایران در گیلان به نیروی محركة انقلاب تبدیل شد، دست بعصاره املاک بزرگ زد و حکومت جمهوری انقلابی تشکیل داد.

گرچه جنبش ضد امپریالیستی و ضد نفوذ ای در سالهای ۱۹۲۱-۱۹۱۸ سرکوب شد ولی اثر عیقق خود را در روح خلق می باقی گذاشت. تمام جریان بعدی رشد و تکامل جنبش رهایی پیش در ایران و در سایر

(۱) کلیات آثار، لذین، چاپ روسی، جلد ۳۱، صفحه ۲۱۶

کشورهای مستعمره ووابسته نشان داد که با انقلاب اکثر عصر انقلاب‌های ملّ مستعمره‌اش امپرالیسم و ارتقای آغاز می‌شد، عصری که پرولتاریائی‌بایه نیروی مستقل و با شعارها و حزب خود وارد صحنه مبارزات سیاسی شده و به پیگیری‌تین نیروهای انقلاب مدل گردیده است.

چنگ دوم جهانی و پیروزی ارتش سرخ علیه آلمان فاشیستی و میلتاریسم را پن و تشکیل د مکرا می‌باید توده ای دریک عده از کشورهای اروپا و آسیا بیویه تشکیل حکومت توده ای چین که سخت ترین شریه پس از انقلاب اکثر و با استفاده از تعالیم انقلاب اکثر برآمده ایسم جهانی وارد ساخت سوسیالیسم را از چهار جوی یک کشور خارج نمود ویک سیستم جهانی مدل ساخت.

تناسب قوا در صحنه جهانی پنفع سوسیالیسم و پسر امپرالیسم و ارتقای تغییریم یابد و با آن تضاد‌های جهان سرمایه داری حاد تر و عقیقرمیشو و بحران عمومی سرمایه داری پرحله دوم خود که یکی از مظاہر عده اش آغاز تلاشی سیستم مستعمراتی امپرالیسم است وارد می‌گردد.

در این مرحله از بحران عمومی سرمایه داری است که حزب توده ایران وارت منن انقلابی و د موکراتیک خلق‌های ایران تشکیل شد و دردت کوتاهی بحران عظیم اجتماعی تهدیل گردید. جنبش‌های ملی د موکراتیک تمام کشور را فراگرفت و دراستانهای آذربایجان و کردستان بقیام های مسلحانه تهدیل شد. و در همین مرحله از بحران عمومی سرمایه داری است که طی سالهای ۱۲۲۹ - ۱۲۳۲ اجنبش‌رهایی پخش در میهن مادرهاره اچ میگرد و ایران بیکی از حلقات ضعیف امپرالیسم تهدیل می‌شود و در این مبارزه وسیع مردم ایران نود و لوت د کتر مصدق صنایع نفت در کشور مملی می‌گردد.

متاً سفانه همه کوشش‌های میزبان بر اثر برازش روشهای ای دری امپرالیسم و ارتقای و ترقه در صفو ف ملی و د موکراتیک بانک‌های رو برو شد ولی اثرات بسیار زیف خود را در رکلیه شئون زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در جامعه ما باقی گذاشت.

کشورهای انقلابی و د موکراتیک در داخل و خارج کشور کما و یقای منشاً و محرك همه تحولاتی هستند که اکنون در جامعه ماصورت می‌گرد و مبارزه آنها د لیل عقب نشینی هایی است که رژیم کود تار رسالهای اخیر برای ثبتیت وضع بسود خود و حمایان استعمار طلب خود بد انتها متوسل گردیده است.

پیروزی سوسیالیسم در گروه بزرگی از کشورهای اروپا و آسیا ورشد نیروهایی که در سراسر جهان بخارط سوسیالیسم مبارزه می‌کنند، اعتقاداً جدید و عظیم مبارزه ملی نجات بخش و فروختن بازهم سیاست مرحله سوم مستعمراتی امپرالیسم همه وهمه عواملی است که بحران عمومی سرمایه داری را برعجله جدید یعنی مرحله سوم وارد نموده است. خصوصیت عده ای مرحله سوم بحران عمومی سرمایه داری در آنست که برخلاف مرحله اول و دوم پیدا شی آن بعثتیت جنگ جهانی نیست بلکه در شرایطی است که مبارزه توده های وسیع مردم در راه د موکراتیکی مبارزه ای و سوسیالیسم روز بروز بکامیابیهای تازه ای نائل می‌باشد.

مبارزات طبقاتی پرولتاریا در کشورهای سرمایه داری، مبارزات رهایی پخش ملی کشورهای امیر، تشدید ایم تضاد های در رفی سیستم جهانی سرمایه داری پسونت امپرالیسم را از داخل ناتوان گردیده شد. جبهه آنرا ناپایدار ترمیازد.

پیویسه ای که با انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر آغاز گردید همچنان ادامه دارد. زندگی هر روز لائل تازه ای بددست میدهد که سرمایه داری برای همیشه امکان رهبری سیر رشد و تکامل اجتماعی جهانی را از دست داده است. پیشریت وارد مرحله جدیدی از تکامل خود گردیده است که طی آن سوسیالیسم به نیروی قطعی ترقی و تکامل جهانی تبدیل شده است.

حزب توده ایران

در مدارزه

برای تشکیل جبهه واحد ملی و دموکراتیک

صفحه ای چند از تاریخ حزب ما

تاریخ گذشته مبارزات مدم کشور مانکجهنه ایست از تجارب استفاده صحیح ازان میتواند کم شایانی برای مبارزه رهایی بخش مادر آینده باشد. این مبارزه فراز و نشیب های بسیاری طی کرده است. آنچه امروز دیگر نمیتواند در مقابل واقعیات تاریخ گذشته منکری داشته باشد لزوم وحدت نیرو های زاد خواهد داشتاره برای دموکراسی و استقلال شهور، علیه امپرالیسم و ارجاع داخلي است.

مراحل کوتاکون مارزه هرار وحدت نیروهای معینی را ضرور می‌سازد. لذا تحلیل صحیح، تشخیصی هدف و حصارت داشتگاب متحده میتواند تا «مین کندن» پیروزی سریع باشد. و بالاکن تشخیص ناد رست، استفاده ناصحیح از تجهیزات شده و تردید و تزلزل در تکیه به این یا آن نیروی همراه پیروزی را (برحسب رجۀ اشتقاء) به عقب می‌اندازد و یا چنین راد چارشکست فاحش و طولانی می‌سازد.

اموزود شمن عدد ۲ ما امپریالیسم و رژیم کود تا است که با گلک مستقیم امیریالیستها بر ماتحمیل شده و پرسکردگی شاه هرگونه آزادی و دموکراسی را در یکشور سرکوب نموده است. مبارزه در راه برقراری آزادی یهای دموکراتیک علیه این رژیم انجان عرصه پنهانی ای است که میتواند همه خلق را در پیگیرد.

اگرتون ضرورت تشکیل جبهه واحد برکسی پوشیده نیست. این فقره هم گیرشده است. همکاری، سرفقظ از تعلقات گوگان، عمالاد ریان توهه راه بازیستند. مشکل این تبروهات آغاز پایان سلطنه میرزا لیسم وارتراج خواهد بود. لذا طبیعی است که دشمنان برای جلوگیری از چنین مشکلی به رغونه فشارو برخوب خدعا و نینره شیث پیکند.

تحلیل دقيق تاریخ مبارزات اخیر خلقهای ایران بخوبی نشان مید.^{۱۵} که علیرغم گرایش نیروهای مسترقی و آزاد یخواه بسوی وحدت، هریار امپریالیستها و مرتعجین توائسه استند، باصرفت رکد ن موقت از قابتهاخی خود، به تحرك بیشتری نائل نمایند. از طرفی این تحرك و از طرف دیگر ایجاد عدم اعتماد و غرقه ایان نیروهای آزاد یخواه، گواه ساختن نااگاهترین آنها، فعالیت از طریق "ستونهای پنجم" و غیره به رنج ایجاد امکان میدارد است که بر نیروهای دموکراتیک غالب آید.

هد فعده ه همواره عبارت است از ازدختن جد ائم بین حزب توده - یعنی رکن عدد ائم جبهه - ایسا یونیورسیو ها . اینک دیده می شود که علاوه بر تهمت زدنها و افتراگوئیها و برچسب هاشی از قبل "غیر اصولی" غیره و بموازات بکاربردن این حرمه های زنگ زده ، گاه هیگاه دست به تحریف تاریخ جنبش و مبارزة نشته نیز می زند . نظوراً زاین تحریف اندکار نقشی است که حزب مادرگذشت و حال در راه مشکل ساختن بیوه های دموکراتیک و ضد امپریالیستی و تشکیل جبهه واحد افقاً کرده است .

سابقاً مجله "دنیا" در مقاله‌ای تحت عنوان "ملی کیست" (سال سوم شماره اول) از زاوية دیگر به برخی از این نکات واژجه به این نوشتۀ مجله "سوپرالیست" پاسخ داد که مدعی بود: "تاسمال ۱۳۲۹ هیچ حزب و جمعیت سیاسی برای مبارزه علیه آمریکا بیسیم برخاسته بود و با اینکه نه سال از سقوط دیکتاتوری میکند شدت و شرایط اجتماعی و سیاسی مساعدی برای مبارزات ملی و ضد استعماری فراهم بود" هیچیک، از احزاب و نیروهای سیاسی در راه تحقق استقلال ملی و اقتصادی ایران جنبشی را "آغاز نکرد" بود" اکنون این فکر نه تنها در مطبوعات بلکه در پرخورد های گوناگون و بحث هایی که انجام میکشد گاه دانسته و کاه ندانسته بچوانانی که تازه پاد رعصره مبارزه گذارد اند تلقین میشود. نتیجه ای هم که گرفته میشود همواره یکی است: کاستن از اهمیت همکاری با حزب توده ایران. و حال آنکه حزب مادرگذشتۀ مبتکر و تامد تی یگانه بترجم دار وحدت نیروهای بوده است.

از اینروزه تنها از نظر فاعل از حق حزب توده ایران بلکه از نظر احیا واقعیات تاریخ اخیر جنبش ملی مردم ایران بجاست نکاتی را از این طریق بالارائه اسناد و مدارک از نظر خوانند کان بگذرانیم. هدف و منظور اصلی مقائله حاضر همین است.

نخستین گامها برای تشکیل جبهة وحدت نظر مبارزه در راه استقلال آزادی ایران توسط حزب کمونیست ایران برد اشته شد. ولی در شرایط ترور رضاشاه نتوانست به نتائج مشتقی برسد. این کار را حزب توده ایران با شکل های نوین آغاز نمود و پیکری و سرسختی اد اهداد.

با زیمان و فتن زیم دیکتاتوری رضاشاه امکانات تازه ای برای جنبش پیدا شد. ارتاجع د چار سراسریکی بود. پشتیبان های آمریکا بیستی آن در آغاز امنیتی و امنیت آشکار علیه آزادی های ختم سر دموکراتیک که مردم بدست آورده بودند به ارتاجع گفت برسانند. از جانبد یکر توده های وسیعی از مردم زحمتش امکان یافتد با خواستهای خود که طی میست سال انباشته شد بود وارد میدان مبارزه شد. تشکل پذیرتر از همه طبقات خواه از لحظات ماهیت طبیعی خود و خواه از لحظات آمادگی، طبقه کارگر بود. این طبقه طی ده سال اخیر حکومت رضاشاه از لحظات کنی نیز رشد قابل ملاحظه ای کرد و بود.

سازمان دادن طبقه کارگر و تهدیل مبارزه مدد و نهانی آن پیمانه از شکار و بسیج نیروی این طبقه ضرور تو بود که حزب طبقه کارگر را با اشکال و وظایف نوینی رو برو ساخت.

بدینهی است که وظیفه حزب طبقه کارگر، مانند همه جا، در این چارچوب نهاده است باقی بماند. طبقه کارگر تحت رهبری حزب خود میباشیست تدو های هرچه وسیعتری را برای مبارزه پذیرد امنه در راه تثبیت و توسعه د مکاراسی و پاره کرد ن هزمنوع قید و بند خارجی سازمان دهد. برای این منظور میباشیستی جبهه ای از همه نیروهای دینفع د مبارزه بوجود آید. این کار مراحلی لازم داشت: تعکیم سازمان خود طبقه کارگر، بوجود آوردن استخوان بندی جبهه موردنظر از طریق کارد میان ده قاتان و یاجاد اتحاد محکم از این دوطبقه که متحدین طبیعی و دراز مددند، جمع اوری طبقات و قشرهای دیگر که میتوانند در مراحل معینی هدفش با کارگران و هقانان مبارزه کنند.

حزب توده ایران هنوز در حال جنبشی بود که پیکار وسیعی علیه افکار فاشیستی انجسما داد و کامیابی های قابل توجهی پذیرت آورد.

در همان گامهای نخستین تشکیل خود حزب آزادگی خود را برای همکاری هرچه وسیعتری مدد می که تازه از قید دیکتاتوری آزاد شد و بدن اعلام داشت. روزنامه "نیاپست" نخستین ارکان مسرکی حزب در شماره اول خود بازیانی ساده منظور خود را چنین بیان نمود:

" هر کس که در این سر زمین طرفد از آزادی نظر و دارای عقیده بوده که به مملکت و معاشر اهل آن خدمت کند ، برای تحقیق رنج بدختان قد مبرداشد و برای زیردستان در اجتماع همان حقوق را که قانون به آنها اعطا کرده است بسناشد ، خدمتگذار را در رهربالا سی که هست تقدیر کند و جنا پیشکار را در رهربالا سی که هست از خود براورد و بدست عدالت بسپارد ، ما اورا از خود مدید اینیم " .

در این زمان مردم هنوز شبح دیکتاتوری و حشمتانک رضا شاهی را میدیدند ، در این بیست ساله ای گذرانده بودند که در این اثری از آزادی نبود ، قانون حقوق مفهومی نداشت ، مصونیت جانی و مالی برای کسی یا قیمت نمانده بود .

حزب تude ایران در عرض مدت یک سال بعد کافی از مبارزات گذشته حزب کمونیست ایران بهره جست ، سازمان خود را سوسنتر داد ، نیروهای را که در را خیارش قرار گرفته بودند بسیج نمود . در این مدت احزاب و گروه های مختلفی آمدند و رفتند و هیچیک از آنها نتوانست سازمان قابل توجه بسازد . ولی حزب تude ایران که راه صحیح انتخاب کرده بود و متنی به متوفی تین طبقات و مستنهای گذشتان بود روز بروز بدرجه اعتبارش افزود .

از این جهت وظیفه سنگین اند اختن جنبش رهایی بخش مردم در مرجای صحیح بعهده حزب ماقرائی گرفت . حزب میباشد در اینه بالا بر اینه درجه آکاهی توده ها بکوشد ، باقتضای اوضاع و احوال شعارهای انتخاب کند که بانی از مند بیهای مردم وقق دهد .

در طریق ۱۷ مهرماه ۱۳۲۱ نخستین کنفرانس ایالتی تهران حزب باحضور ۱۲۰ نماینده تشكیل شد . این کنفرانس با آنکه یک کنفرانس ایالتی بود نقش سازماندهی مهمتری در مقیاس سرتاسری ایران باری کرد و برنامه و اساسنامه حزب را درین نمود .

شعارهای اساسی حزب در این کنفرانس از تصویب گذشت : " کارگران ، دهقانان ، روشنگران پیشه و ران منحد شود " . بر عایله هرگونه استعمال کشیده ایران مبارزه کنید .

نیروهای متوفی در این زمان با اوضاع و احوال خاصی رو برویدند : جنگ علیه آلان هیتلری موجب شده بود که کشورهای دارای سیستم های مختلف اجتماعی (کشورهای سوسیالیستی اتحاد شوروی از یک طرف و کشورهای سرمایه داری انگلیس و امریکا از طرف دیگر) در یک جبهه قرار گردند . تضاد های اجتماعی بین دو سیستم فرصت بروز نمی یافت . عمل امپریالیسم میکوشیدند این وضع را اشتبه میان دو سیستم قلمداد کنند . برای این منتظر از سطح نازل آکاهی سیاسی از نمان مردم حد اعلی استفاده میشد .

شها فعالیت خستگی ناپذیریک حزب مارکسیستی - حزب تude ایران - میتوانست نقشه های محیانه عمل امپریالیسم را انشان نماید . تبلیغاتی درآمدت و تیف نازم بود تا ماهیت امپریالیسم و استعمار را بادرنظر گرفتن اوضاع آن زمان برای توده مردم آشکار سازد ، آنچه را که پس پرده طرح ریزی میشد تا پس از جنگ اشکارا بد ان عمل شود پیش ایشان افشار میشد ، توده هارا برای مبارزه آکاهانه اماده و تجهیز کند .

برای ارزیابی کوشش حزب تude اینوان در این زمینه کافی است به فعالیت مطبوعاتی حزب در این زمان رجوع شود . از الگوی سیاست برای توده های عالمی گرفته تاکتب بخراج علمی ، اجتماعی ، اقتصادی برای قشراهای روشنگری ، حزب مانچه را که در حیطه امکان بود درست میشود توده های وسیع مردم قرار داد . حجم مطبوعات اموزنده سیاسی ، علمی ، اجتماعی و ضد امپریالیستی که حزب ماطبی دو ران فعالیت علمی خود نشود اد است افزونتر از مجموع انتشارات همه احزاب آن زمان و دران ماقبل است .

حزب توده ایران برای مبارزه با هرگونه استعمار کشور ایران طبقات مختلف مردم را دعوت با تجارت ممکن است گفته شود یکی از شعارهای اساسی حزب - کارگران، دهقانان، روشنگران، پیشه وران متحد شود - ناقص بود و کاملاً جمع کنندگ نبود، بورژوازی ملی در آن فراموش شده بود، ایندادی است بجا از نظریه هنری حزب توجه لازم را باین موضوع نکرد بود. ولی این عدم توجه دلیل عینی نیز دارد که از نظر تحلیل وضع آن زمان مهم است:

پس از شروع جنگ و بخصوص پس از ورود ارتش متفقین به ایران رابطه بازگانی ایران باد نیای خارج تقریباً قطع شد. اجتناس داخلی رونق خاصی گرفت. بهای این اجتناس چندین برابر ترقی کرد. سرمایه داران ملی و حتی قسمتی از پیشه وران و بورژوازی کوچک شهری از عرصه رقابت اجتناس خارجی برگزار ماندند. سودهای کلانی عاید سرمایه داران ملی میشد. مزد کارگران کارخانه های ملی از زمان گذشته در سطح نازلی باقی مانده بود. تضاد میان کاروسماهی در برهله اول بشکل حدادی خود را نشان داد. کارگران یک سلسه مبارزاتی برای بالا رفتن دستمزد انجام دادند که حزب توده ایران همواره از این پیشتبانی کرد. بورژوازی ملی نیز ضررها اقتصادی امیریالیسم نبود. فشار آرای احسنه نمیکرد. جنبه ضد امیریالیستی آن نمیتوانست بچشم بخورد و سیاستی آنرا شنا درد و تنادید. این پدیده بطور عینی تحلیل وضع این طبقه را دچار دشواری میساخت.

معهد احزاب توده ایران علاوه نیووهاي متقد را برای مبارزه دعوت و جلب میکرد. لزوم یافتن مبارزه متحده هر روز بیش از پیش آشکار میشد. ارتاج رفته رفته بخود می آمد. خود را برای تعریض آماده میساخت. میایستی آزاد پیهای بدست آنده را حفظ کرد و باینروی دسته جمعی در راه بسط آن کشید. مدیران جرائد و نویسندهای کان متوقی، رجال و فراز آزاد بخواه میتوانستند نقش بزرگی در آماده ساختن افکار عمومی بازی کنند. حزب توده ایران گردآوری این قبیل عناصر متقد را در ریک جبهه وجهه همت خویش قرارداد. کوشش پیگیر حزب و کارزار تبلیغاتی که خواه در جرائد حزبی و خواه از طریق تماام بد نه حزب و دستگاه تبلیغاتی انجام شد تخفیف شرعاً خود را در اوائل سال ۱۳۲۴ بخشید. با بتثار حزب توده ایران و بادعوی این حزب جبهه ای از مدیران جرائد متقد مرکز و ولایات تویسندگان، نایندگان که کروه ها دسته های متقد تشکیل شد.

این "جهبه" رفته رفته سیمای سازمانی بخود گرفت، شورای عالی انتخاب کرد و برنامه خود را اعلام داشت. این "جهبه" را در شماره ۴۸ روزنامه رهبر در تاریخ ۱۳ بهمن ۱۳۲۳ پیش زیرنویش تاریقات:

"جهبه از ارادی سازمان اشتلافی از مدیران جرائد و نویسندهای کان و فراز آزاد بخواه است که برای پیشرفت مقاصد مشترک زیر با احزاب و اتحادیه ها همکاری و تشریک س ساعی مینماید:

- ۱) مراقبت در حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی و تعامل خاکی ایران و مبارزه قطعی علیه هرگونه سیاست استعماری.

- ۲) مبارزه شدید برای برقراری حکومت ملی بر اساس قانون اساسی و رژیم دموکراتی.
 - ۳) تشکیل داد گاههای طی برای محاکمه و مجازات خائنین بعنای عدوی.
 - ۴) مبارزه برای تأمین عدالت اجتماعی بمنظور بهبود زندگی عومی مردم."
- جهبه از ای ای بسرعت رسید یافت. در بد وامر ۱۲ روزنامه د راین جبهه عضویت داشتند، در آخر سال ۱۳۲۳ - ۳۰ روزنامه عضوان شده بود. در اوائل ۱۳۲۴ - ۴ روزنامه، یعنی نصف تمام جرائد منتشره در شهر راین جبهه عضویت یافته بود.
- جهبه آزادی "خد مات گرانهایی به حفظ آزادهای موجود جلوگیری از هجوم ارتجاع انجام

داد : مبارزه پیگر علیه حکومت صدر و برای براند اختن این حکومت ، علیه تمدید مجلس چهاردهم ، برای تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی وغیره *

در تاریخ مبارزات رهائی بخش کشتهای این نخستین بار بود که عدد ای دارای نظریات و عقائد مختلف برای مبارزه در راه هد فهای مشترک که عدد تین آن حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی ایرانست بنام "جهة" در هم جمع شدند ، مبارزه کردند و موقتی بدست آوردند .

برای اینکه نیروهای مختلفی که در ریک جبهه گرد می آیند پایگاه محکم داشته باشند میباشد و موقتی وحدت در عده تین طبقات مختلف این جبهه یعنی وحدت میان طبقه کارگر وجود داشته باشد . حزب مبارز تمام نیروهای اتحادیه کارگرانی که مبتنی شکیل آشیم خود حزب بود کل رساند تابوتاً و اتحادیه های مختلف را نیز یک پرچم گرد آورد .

در اردی ۱۳۲۲ این وحدت انجام شد و شورای متحد مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران یعنوان یکانه سازمان صنفی طبقه کارگر ایران بوجود آمد . این یکی از نزدیکین کامیابی های بود . پس از انجام این وحدت شورای متحد با سرعت بی نظیری پیش رفت . اگر راواخر سال ۱۳۲۲ شما صنف و جمعاً ۵۰ هزار کارگر رسانان اتحادیه ای مشکل بود ، چند ماه بعد این عدد به ۷۰ هزار ، یکسال بعد به ۱۱۰ هزار نفوذ بعد از انجار سید که حدود ۹۵ هزار کارگر رهبری شورای متحد مرکزی گرد آمد .

در مرداد ماه ۱۳۲۳ نخستین نکنگره حزب تولد ایران تشکیل گردید . درین نکنگره از ۶ سازمان ایالتی و ولایتی ۱۶۹ نماینده حضور داشت . علاوه بر قدرت معنوی در میان طبقه کارگر و دیگر قشرهای زحمتکش در خود حزب پیشناک شکیل نکنگره اول بیش از ۵ هزار نفر غصه است .

ولی ترکیب اعضاً احزاب حاکی ازان بود که باید نیرو را متوجه کار در روسانند و اتحاد واقعی و نیرومندی از کارگران و دهقانان بوجود آورد که بتواند پایه و استخوان بندی جبهه واحد همه نیروهای متفرقی گردد .

ترکیب حزب در آن موقع عبارت بود ۷۵٪ کارگر ، ۲۲٪ کارمند روشنگرد و ۲٪ دهقان .

صله نکنگره حزب تصمیم به بسط هرچه بیشتر فعالیت در دهه های گرفت . در تعقیب این تصمیم بالآخر پس از نکنگره اقدام به تشکیل اتحادیه دهقانی در سراسر شوهد . این نخستین و یکانه سازمانی بود که برای دهقانان ایران داده میشد که حقوق حقه اثناشر امام طرح مازد .

تشکیل این اتحادیه به کان نیرومندی بجهت شده قاتی ایران داد . در نتیجه فعالیت این اتحاد و تأثیر اصلاحات ارضی که بعد از اغاز جنبش آذری یگان در انجام انجام شد چندین صد هزار نفر دهقان بعوضیت آن درآمدند . جنبش نیرومندی سرتاسر روسانی ایران را فراگرفت . در نقاطی نظیر ایارک ، گیلان ، قزوین ، کرمان ، شیراز کار به تعداد های متعدد و در برخی از نقاط بپهاره سلحنج انجامید .

بجزئی میتوان گفت جنبشی که این اتحادیه به نهاد اصلاحات ارضی آذری یگان بوجود آورد پایه تمام آن چیزی است که دهقانان ایران بدست آوردند . از خشوده شدن بیگاری و رسم و سیروساتو ۱۰٪ تذکری بسیار مالکانه در زمان قوام گرفته تا اصلاحات نیم بند اموری که بعنه اسناد روسانی ایران و فرو ششادن جنبشی بعمل می آید . اکنون هم دهقان ایرانی گرایش خود را بسیو حزب تولد ایران ازدست نداده و نجات واقعی خود را بدست این حزب میداند . شکوه دکتر اسنادی و نیز کشاورزی وقت از اینکه دهقان ایرانی یگانه به تبلیغات آنها توجه داشته باشد همواره گوشش به راد بیوی " پیک ایران " است بیمهود نبود و منعکس نکنند واقعیت بود .

در ایجاد اعتماد متفاصل بین نیروهای ترقیخواه ، در پایه گزاری همکاری و تجمع نیروها نقش قابل توجهی فراکسیون حزب تولد ایران بازی کرد . این همکاری بانیروهای دیگر در مقیام کوچک پارلمان

نمونه‌ای بود برای نشان دادن امکان همکاری در مقیا موسیقی کشوری . در مبارزه علیه سید ضیا الدین، در مبارزه برای طرد میلسیو و مستشاران امریکائی، در مبارزه با حکومت صدر، در مبارزه برای جلوگیری از تعذیب مجلس چهارد هم ، - در تمام این موارد رفراکسیون حزب ماسنیو وصل دهنده و تقویت کننده همکاری بود . در مبارزه با حکومت صدر رفراکسیون حزبی ما هم همکار صادق وهم وزنه اصلی بین دنیرو وهم پیغمبرترین نسبوی سید که گوا معاون صدر، ائمداد و تابع خوب موضع خود وفادار اماند .

در پایان جنگ جهانی حزب مابینتوان برگزیرین نیروی مشکل د مکارای شناخته شد و بود .
موقوفیت هایی که حزب در تشکیل "جهة آزادی" و فراکسیون حزبی ماد رهمناکاری بایرون های متوجه بدست آورد بودند، تهیخات مد اول و موئیزی که حزب در زمانی لزوم واحد تغیر و هامینه دود، موجب گذاشتن روز افزونی شیوه های جوان روشنگر مسوی حزب شد . این گرایش کاهش شکل اختلاف مستقیم در استحصال مخطف با حزب وگاه شکل الحاق به حزب بخود میگرفت . مثلا سازمانهای حزب "میهن" که خود شرعا اتحاد جند حزب وکره از آنچه احزاب "پیکار" و "میهن پرستان" بود بد ریج یا با سازمانهای جهانی م ائتلاف کردند و یا به آنها ملحق شدند . نخستین سازمان حزب "میهن" که کاملا ملحق بحزب بوده ایران شد سازمان داشت .
خبری این الحاق در روزنامه و هر شطره ۱۲۴ / ۱۶ / ۱۴ بیان شده بود .

حضرتین ایالتی حزب در ایران تأسیس شد و پس از این مدت همان حزب از این دو ایالتی جدا شد و این دو ایالتی حزب توده ایران غرب و کمیته شهرستان از کارخانی که قبل این بین کمیته ایالتی حزب توده ایران غرب و کمیته شهرستان حزب میهن جریان یافته بود، تصمیم گرفته شد کمیته حزب اخیر که سمت نمایندگی از طرف عموم افراد حزب را داشته و تصمیم خود را به تصویب عموم اعضا رساند بودجه کمیته ایالتی حزب توده ایران رسماً الحاق شده و عموم افراد کارت عضویت حزب توده ایران را دریافت دارند.

اند کی بعد سازمان حزب میهن در خراسان نیز سازمان حزب توده ایران پیوست و مشترکاً بیانه ای دادند که در آن از جمله چنین نوشته شده بود:

"دراین موقع که کشور بنا بر مبنای اتحاد کلی قرار دخواهان است افراد حزب میهن و حزب توده خراسان این نتنه را اریشی خویی دریافته و پس از وماه مطابعه دقیق و مذکوره درباره اتحاد کامل د و حزب امروز دست اتحاد و پرادری بینک یگرداده باعزمی راسخ و ایاعنی کامل... برای مبارزه در راه استقلال ایران گرد آمده ایم..."

بموارز این، پیکره های از سازمانهای این حزب و گروه های دیگر در گلستان، سمنان و سایر نقاط با سازمانهای حزب توده ایران برخواهی زمینه اختلاف کردند.

یکی از اتهاما بیشماری که بحزب مازده شد این بود که کوچک‌ترین فرقه تیرسایه وجود ارتش شوروی توانسته است نیروی پلیگرد و مبارزه کند و پس از تخلیه ایران قطعاً از هم خواهد پاشید.

در فروردین ۱۳۲۵ آخرین سربازان ارتش شوروی ایران را ترک گفتند. ولی فعالیت حزب مانع تنهای ضعیف شدن بالکه گسترش یافت. حزب نفوذ خود را تا القعده ناقاط جنوب بسط داد و نشان داد که قابلیت حیات از جای دیگر، از مردم وحدت اقتضی در پیشگاه خلق سرحشمه میگیرد.

دستیک سیم خان، ابی دیار، زیر، رزوم و مده مسکن ریاست جمهوری مرکزی یزد
اکسون حزب خطراتی راه پایان جنگ متوجه کشور ما میگرد بخوبی میدید. شکست آلمان هیتلری و پایان
هعکاری دولتی ایران راد مقابل مطابع دامنهای اسلام امریکا و انگلستان قرار میداد. درباره بااین خطر
قشرهای وسیع مردم نمیپنچندند. حزب تدبیه ایران در تاریخ ۲۳ خرداد ۱۴۲۵ اعلامیه‌ای داغربه
دعت حدی، اینجا از آزاد بخواه، ای تشریک مساعی، وصاوه، شستیک صادر کرد. در این اعلامیه‌ای باز اذکر

اینکه اکتوبر دیگر هیچ نیروی خارجی در کشور نیست و پس از رد آتهامات و نسبت‌های ناروایی که به این حزب داده شده بود چنین گفته می‌شد:

”حزب توده ایران نه تهابیکانه پرست نیست بلکه باکلیه کسانی که از سالیان د راز جیره خوار بیکاران هستند و منافع استعمار طلبان را بصالح حقیقی می‌بین خود ترجیح میدهند حد اماراته میکند ۰۰۰ ملت ایران برای حفظ استقلال ملی خویش و در راه مبارزه با استعمار تاکتوں قربانیه‌ها بیشمارد اده است ۰۰۰ لیکن این قربانیها برای استعمار طلبان کافی نیست ۰۰۰ هزاران ایرانی شرافتعنده باید جان بکند و اغتاب سوزان صحرای راحمل دند و روزه‌اخد و عائله اش گرسنگی پیکش ناقر را این خداوندان زمزد تر و زنجیر اسارت مندگی ملت ایران رونزور فشرده ترکرد ۰۰۰ د مقابله چنین اوضاعی که حیات سیاسی واستقلال واقعی می‌بین مارا تهدید میکند وظیفه هر ایرانی با شرف و مهین د دست، هر حزب و جمعیت آزاد یخواه اینست که بدن توجه پسمائل طبقاتی، مذاقات حزبی و سیاسی برای ستجات ایران عزیز ۰۰۰ از هیچ‌کوئه قد اکاری مضایقه نکند و زمینه یک اتحاد وسیع و نیرومند از کلیلیون و می‌بین پرستان حقیقی را فراهم نماید“.

حزب توده ایران که مارزه علیه هر نوع استعمار کشور ایران را شعار خویش قرارداده است امر و ز بیش از هر موقع دیگر بلزم چنین اتحادی معتقد است و تصمیم دارد باتمان نیروی مادی و معنوی خویش برای ایجاد یک جبهه واحد ملی مرکب از احزاب و ستجات آزاد یخواه و اصلاح طلب کوشش نماید“ ۰۰۰

پس از این تقدمه حزب توده ایران رسماً احزاب آزاد یخواه را برای تشکیل جبهه ای بنام ”جهجهه موئلف احزاب آزاد یخواه“ دعوت نماید.

چنانچه می‌بینیم حزب توده ایران در همان موقع درک صحیح از جبهه واحد داشت: ائتلاف احزاب (نه حل احزاب در داخل یک حزب) در راه اجراء اموری تین شعارها - حفظ استقلال ملی -

نخستین حزبی که دعوت حزب توده ایران را حابیت کرد حزب ایران بود. با ائتلاف این دو حزب یک روز (۱۸/۳/۱۳۲۴) در روزنامه ”رهبر“ ارگان مرکزی حزب توده ایران و روزنامه ”جهجهه“ ارگان مرکزی حزب ایران منتشرشد و از طرف حزب ایران آقایان الهیار صالح و مهندس بنزیک رزاده امضا کرده بودند عبارت بود:

در سیاست داخلی - از مارزه مشترک برای شکست کامل عناصر ارتاجاعی - یعنی دست نشاندگان استعمار و مخالفین اصلاحات - مارزه در راه آزادی و ترقی ملت ایران.

در سیاست خارجی - از مارزه مشترک در راه تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی ایران و ریشه کن ساختن استعمار:

یکی از موقیت‌های بزرگ این جبهه تأویف نظر رباره حفظ وحدت سازمان طبقه کارگری بود. ”جهجهه موئلف احزاب آزاد یخواه“ اعلام داشت که شورای متحده موزنی اتحاد یه کارگران و زحمتکشان ایران را پگانه سازمان کارگری می‌شناسد و از هیچ‌کوئه نمکی به آن درین نخواهد ورزید.

جنیش دموکراتیک پس از جنگ همواره در حال اچ‌گرفتن بود. در سالهای ۱۳۲۵-۲۶ حکومت دموکرات کرد سلطان بوجود آمدند و به موقیت‌های زیادی نتائج گردیدند.

حکومت قوام این جنبش را بعنوان جنبش دموکراتیک برسمیت شناخت. علاوه بر آن چهار نفر از

"جبهه موئلف احزاب آزاد یخواه" را در دلت شرکت داده و لی این شرکت سه ماه بپشت طبل نگشیده است. ارجاع از وجود تبروهای دموکراتیک هراسنگان بود و خود را آماده هجوم مینمود. تبروهای آزادی و ارجاع آشکارا درد و قطب متسلک مینشدند. حزب دموکرات ایران که توسط قوام شکل یافته بود بطور موقت محل تجمع تبروهای پراکنده ارجاع شد. از طرف دیگر دعوت حزب تude ایران مورد اجابت روزگار ازون تبروهای قابل قرار میگرفت. در مواردی که این بسوی دقطب پصهرت انشاعاب احزاب و دستگات میان میگذشت، جناحهای مختلف و گرویدن آنها از سوی بحرب دموکرات قوام و از سوی دیگر بحرب تude ایران ظاهر می شود.

مثلث در واخر مهر ۱۳۲۵ وقتی حزب آزادی الحاق خود را بحرب دموکرات ایران اعلام داشت، سازمان جوانان آن حزب بالا فاصله خود را بحرب تude ایران ملحق ساخت. در زمانه این سازمان مدنظره در روزنامه رهبر شماره ۸۴۶ / ۸ / ۱۳۲۵ میخوانیم:

"سازمان جوانان روشنگران حزب آزادی که در اشاعاب افکار نو و متقد و مبارزه با ارجاع در طول یک سال عمر حزب نام برده نه تنی بزرگ را بایزی کرد" است چون حزب آزادی بد ون جلب نظر افراد فعال سازمان مذکور به حزب دموکرات ایران پیوسته ۰۰۰ بدینوسیله الحاق خود را بصفوف مبارزین حزب تude ایران ۰۰۰ ابلاغ و جوانان کشور را ۰۰۰ به پیوستگی بحرب مبارز تude ایران دعوت می نماییم."

بد تبیان آن جمعیت مختلط ملی "که پایگاه عده اش رومتا بود، الحاق خود را بحرب تude ایران اعلام داشت و خبر آن در روزنامه "رهبر" شماره ۸۰۷ بشرح زیر داده شد:

"هزاران نفرد تهران و پرخی از شهرستانهای تحت عنوان "جمعیت مختلط ملی" مشکل شده بودند بحرب تude ایران پیوستند. فقط یک هزار و پانصد نفر از این جمعیت در زند بحر باما و اتحاد پی ده قاتان وابسته به مامحاق شده اند و روز پنجم شنبه افراد این جمعیت از ساعت سه و نیم بعد از ظهر در کلوب خود شان واقع در رجه باراه حسن آباد مجتمع میشوند تا بستون چهار بطر کلوب مرکزی حزب تude ایران حرکت کنند..."

با اینکه با شکل "جبهه موئلف احزاب آزاد یخواه" والحادق تبروهای پراکنده دموکراتیک به حزب تude ایران و تمرکز تبروهای کارگری در اتحادیه واحد دموکراتیک "جبهه آزادی خواهان" بمقیام سیاست پیمانه توسعه یافته بود، بد ون ایجاد همکاری محکم با احزاب بزرگ نظیر فرقه دموکرات آذربایجان و حزب دموکرات کردستان قابل عملی با تبروهای مشکل ارجاع که در ای قدرت نظایر و زیستهایی کامل امپراطوری بزرگتر بودند، اکنون پنهان شدند. در واخر شهریور و اوائل ابان جریان مذاکره با این احزاب پایان پذیرفت و چهار حزب الحاق خود را به "جبهه موئلف احزاب آزاد یخواه" بوسیله نامه اعلام داشتند: فرقه دموکرات آذربایجان، حزب دموکرات کردستان، حزب جنگل، حزب سوسیالیست.

بعنوان توضیح چگونگی این ائتلاف در روزنامه "رهبر" شماره ۸۰۲ / ۸ / ۹ بتابع:

"عده ای از خوانندگان باطنالعه نامه کمیته های مرکزی حزب دموکرات آذربایجان، دموکرات کردستان، سوسیالیست و جنگل متوجه شده بودند که این چهار حزب به "جبهه موئلف احزاب آزاد یخواه" مرکب از احزاب تude ایران و ایران پیوسته اند. اینک برای مزيد اطلاع اعلامیه "جبهه موئلف احزاب آزاد یخواه" را که در شماره یکشنبه ۹ تیرماه روزنامه مادرخ شده بود د پیاره شرد اد و توضیح میدهیم که اکنون شش حزب تude ایران، دموکرات آذربایجان، ایران، دموکرات کردستان، سوسیالیست و جنگل روی اساس اعلامیه زیر "جبهه موئلف احزاب آزاد یخواه"

راتشکیل مید هند *

با اینکه تجزیه و تحلیل علل شکست آنروزی جنبش از موضوع این مقاله خارج است معهد این نکته را نمیتوان در همین حاشیه کرد از عمل آن بد و شک این بود که علی رغم همه کوشش‌ها تجمع نیروهای آزاد پیخواه بکدی اندیام میشد و هنگامی که ارتجاع خود کاملاً آماده هجوم متراکز کرد هنوز جبهه آزاد پیخواهان نضج لازم را نکرفته و موفق به هماهنگ ساختن اقدامات خود نشد بود.

ارتجاع ایران کمان داشت که حزب توده ایران پس از خروج نیروهای متقدیس و پس از شکست جنبش در آذربایجان و پیروش همه جانبی و منظمه ارتجاع خود بخود از میان خواهد رفت. ولی حزب با سرعت کمراست کرد و باز پیشاهمگی مبارز شد. اکنون دیگر پیدا نموده که ارتجاع ایران در صدد محو کلیه آزادیهای دموکراتیک و برقراری دیکتاتوری آشکاراست.

نخستین قدم حزب توده ایران بازآمد ام برای گردآوری نیروهای متوق و مبارزه مشترک علیه این خطربود. نیروی سازمانی و تبلیغاتی خود را حزب متوجه این کار کرد.

در راهنمایی هیئت اجرایی حزب منتشره در روزنامه مردم شماره ۲۹۱۰ / ۱ / ۱۵ زیر شعار "خطrumومی وهد ف مشترک" پس از نزد سائنس ارتجاع برای برقراری دیکتاتوری چنین نوشته شده: "ما باید بدینوسیله به آن عده از تواندگان مجلس، ارباب مطبوعات، ارباب اجتماعی و هموطنانی که مایلند حق آزادی بیان برای آنها حفظ بماند و زنجیر غلایی برگردان آنهاگذ اشته نشود اعلام کنیم . . . که در این هدف مشترک تمام عناصر را فتحنده باید هم آواری شند". اگرکسانی بیان شد که خطررا از خود دور می‌بینند، خود رایه انواع وسائل می‌فرینند و باور میکنند که آنها را این بالاصون خواهند ماند باید اکنون بیداری شند . . .

شعار حزب در آن موقع برای تشکیل جبهه این بود: "همه باهم برای دفاع از مشروطیت و فانیون اسامی". موقعيتی که در آن موقع بگفته‌ام تدقیل "جهة مطبوعات ضد دیکتاتوری" بود که توانست برای مدت قلیلی ۷ روزنامه را در خود گرد آورد. "جبهه مطبوعات ضد دیکتاتوری" بیان شد که خود را در خود گرد آورد. اعلام داشت (روزنامه مردم شماره ۳۴۸ / ۲ / ۲۹) :

"از اینجنبه ما امضا کنندگان زیرین - ارباب جرائد و سردبیران - با حفظ عقائد و مسالک متفاوت خوش بمنظور چلوگیری از دیکتاتوری . . . یک جبهه مطبوعاتی بنام "جهة مطبوعات ضد دیکتاتوری" بوجود آورده ایم . . .

"ما اینکه بنام وظیفه نامه نگاری خوش بطلب ایران اعلام خطرمکنیم که دشمن ایران برای دیکتاتوری جدید زمینه چنین مینمایند و اکررشد ملت ایران و هشیاری و بیداری آزاد پیخواهان نباشد زید است که ظالم و حشمت زای خود کامی ایران را فراگیرد . . .

ولی "جهة مطبوعات ضد دیکتاتوری" دیری نپائید. یکاره پیار ارجاع و ستنشاندگان امپریسم توانستند باد سائنس آزمایش شده خود تخم نفاق بكارند و آنرا ملاشی سازند.

از آن پس دیزمانی حزب توده ایران یکانه نیرویی بود که جلوی هجوم ارجاع را سد کرد. بالاخره ارجاع، حد نه ۱۵ بهمن (حد نه سو قصد بشاه) راکه کوچکترین ارتباطی با فعالیت حزب توده ایران نداشت موجب منع فعالیت حزب قرارداد و حزب توده ایران را منع ساخت. سازمانها و فعالین حزب در معرض حملات خرد کنند و قرارگرفتند، ولی حزب سنگرهای خود را محفوظ داشت. در اندک مدتی توانست بسازمانهای خود در خفا سروسامان دهد. تنها هشت ماه از حد نه ۱۵ بهمن گذشته بود و از هیچ حزب

ودسته ای اثربنیود که روزنامه "مردم" ارگان مردمی حزب مرکز منتشرشد و فعالیت حزب رو بدد امنه گرفتن نهاده، برای آنکه اهمیت فعالیت حزب و تأثیراتی را که این فعالیت بسایر سیره هاد رجولوگیزی از اقدامات خیانه ارتیاج میدادند دهیم کافی است بگوئیم که مهتمین گام هایبرای فراهم ساختن زمینه دیکتاتوری شاه و پسرقراری آتی رزیم اختلاف و تبرور رست د رقطه رمانی انجام گرفت که حزب موقتاً از عرصه خارج گردیده بود؛ تشکیل مجلس موسمان، تجدیدنظر در قانون اساسی، تشکیل مجلس سنای دادن حق تعطیل مجلسین به شاه، برگرداندن املاک اختصاصی، ساختن بت ارزش شاه و اعطای "لقب کبیر" برای استفاده بعدی پسرش، ایجاد شرایط برای ادامه فعالیت بانک انگلیس و نهایت آغاز مذاکره برای تجدید قرارداد نفت جنوب.

بسیط مندرج فعالیت حزب توده ایران نکان نوینی به نیروهای ساکن داد. اکنون تحریر قابل توجهی در اوضاع سیاسی و اقتصادی کشور رخ داده بود. رقابت آشکار و امپریالیسم که موقعیت فراتر از همه بودند تغییرات مخصوصی دارای این قوای داخلی بوجود آورد و بود. از طرف دیگر بحالت مربیز شدن امعنه خارجی وشدت یافتن رقابت آن صنایع داخلی زیر پرده قرار گرفتند. طبق آمار رسمی از فروردین ۲۷ تا فروردین ۲۸ واردات ایران به چهار میلیارد دلار و سی و هیجده میلیون ریال در مقابل یک میلیارد و هشتصد و میلیون ریال صادرات رسیده بود. هر روز به حد بیکاران می افزود. صاحبان صنایع ملی، خرد بیرونی از شهر در صفت نیروهای فعال برای خود جا باز میکردند.

در چین شرایطی اواخر سال ۱۳۲۹ و بهار سال ۱۳۲۸ شاهد انبوهی از قایع بود؛ آغاز فعالیت انتخاباتی دکتر مصدق و تجدید انتخابات دوره ۱۶ مجلس در تهران، "تشکیل" "جهة ملی" توسط دکتر مصدق، یک مسلسل انتخابات در شمال و شمالی شاهزاده ایوان ریاست جمهوری خود را پسندید و با جرئت میتوان گفت که اگر حزب توده ایران نتوانسته بید مجدد این ریوی خود را پسین گند و وارد میدان مبارزه شود جنبش رهایی بخشیده باشد آن درجه از اوج و موقفيت، که در دره روان بعدی نصیحت شد، نمیرسید.

د وران حکومت مصدق در صفحات پرسخته ای از بازیاره رهایی بخش خلقه ای ایران در تاریخ کشور ما گشود. حزب توده ایران در این دو روان د چارشتهای را که در این رسانیده باشند خلقه ای ایران در تاریخ کشور ما آن شد. پایانحال نقش عده ای که حزب مادر این مبارزه ایفا کرد اشتباهات را زیر سایه گرفته است. با تلفیق کارعلی و مخفی حزب موانت قشرهای وسیعی را در سازمانهای علیه د مکراتیک گرد آورد، مطبوعات خزی و هاله اطراف آن بارونی پیسا به ای که داشت برای تجهیز افکار عمومی فعالیت موگری کرد. پانزهم چهارم کمیته مرکزی حزب با کمال صدق و صمیمیت در مقابل ملت ایران، اشتباهات حزب را گفت، روش چپ روانه و سکتاریستی آنرا انتقاد شدید کرد ولی در عین حال ارزش اقدامات را نیز متذکر گردید. شایشهایی که حزب بمنظور تدارک جبهه واحد ضد استعماری و خشی کرد اقدامات اریاع ترتیب داد، تبلیغات حزب بمنظور تشکیل این جبهه، مذاکرات با سران جمهوری ملی برای تحقق بخشیدن به آن، افشا توطئه های محافل امپریالیستی و ارتیاجی و شرکت در رفراند م

شکست جنبش رهایی بخشی ملی مردم مادر ۱۳۲۸ مرد ایکاره یگرشنان داد که با چه سرعی نیروهای ارتیاج به نکام خطر رقابت های ایکاره یگرشنان ملی میکنند و تاچه حد نفاق و پر اکنک نیروهای ملی و قدران جبهه واحد موجبات چنین شکست های را فراهم میسازند. پانزهم چهارم کمیته مرکزی حزب توده ایران که پس از گذراندن یک دهان بحرانی تشکیل شد باز هم نخستین توجهش به همین نکته بود. پانزهم متد کرد که "نفاق و پر اکدگی نیروهای ملی و قدران جبهه واحد ضد استعمار یکی از عده ترین موجبات شکست و ناکامی هرجنبش ضد امپریالیستی است. تجربه مبارزا

گذشته خلقهای ایران این حقیقت را بارها به ثبوت رسانده است . در جریان مبارزه برای ملی‌کردن صنایع نفت این امر بطور بارزی تأثیر داشت . از این‌رو کوشش در ترتیب ارک زمینه و تشکیل جبهه واحد نیروهای ضد استعماری مردم ایران است .

از آن‌روز حزب توده ایران باز در این زمینه همواره کوشاییده است .

در پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به کلیه عناصر ملی و ازاد یخواه ایران که در شماره اول دوره اخیر روزنامه مردم در فروردین ما ۱۳۲۸ انتشار یافت از جمله گفته می‌شد که " تهمه ارک زمینه واقعی تا مین استقلال سیاسی و اقتصادی کشور و هائی مردم از نوع استعمار و مستعمرات ارجاع نمی‌کند که همه عناصر میهن پرست " همه قشرهای ضد استعمار و ارتجاع . . . قطع نظر از عقاید مختلف سیاسی ، خواستهای طبقاتی و نظریات اجتماعی خود در لیک جبهه واحد و در زیر پرچم مشترکی برای رستاخیز واقعی کشورگرد آیند . کوشش در تشکیل چنین جبهه واحدی مهمندان وظیفه هر ایرانی میهن پرست و شرافت‌خواهی است . اعمال هرگونه سیاست نفاق و تفرقه و تعامل در تشکیل این جمیه پسورد شون مشترک است .

شعارهای حزب مباری تشکیل جبهه واحد در این دوران نیز همواره بتحویل بوده است که بتواند زمینه وسیع‌ترین همکاری هارا فراهم سازد . مأتفقیم که تهمه اپروری شعارد فاعل ازد مکراسی و از آزادی و استقلال کشور حاضریم با هر حزب و دسته ای همکاری کنیم . در نخستین کارزار انتخاباتی دوره بیستم همه نیروهای متفرقی را در عوت کرد یعنی به دلکتریسم در یکانه نامزد انتخاباتی را ای بد هند . دستگاه تبلیغاتی پرورد یوی ماههواره در راه وحدت نیروهای ملی کوشیده است .

هنگامی که جبهه ملی ، با استفاده از وضع مناسب ، مجدداً پایه عرصه سیاسی گذارد ، کمیته مرکزی حزب ما ، طبق نامه سفرگذاره ای ابراز مسربت کرد ونوشت :

" پیروزیها و شکستهایی که در پیش از سرد ایرم باید برای ماسرهشی و درین عبرتی پاشد و موارد زنیده‌ها آینده هدایت کنند . اگر جبهه واحد نیروهای خلق وجود داشت ، اگر حزب توده ایران و جبهه ملی برضد دشمنان مشترک متحد عمل مکرر ند ممکن بتوان ارتجاع ایران سرکردگی شاه و به پشتیانی امیریالیستها پیروزی گرد و با چنین قیامت نهضت ملی ایران را بخون کند . . . "

درست بهمین جهت است که دشمنان مشترک طامساعی سیاری بکار می‌برند تا بین مانعوقان از ایند . . . حزب توده ایران در آن موقع متن‌کر شده بکار می‌برد پیکارهای شرایط مسانده برای حصول کامیابی نیروهای ملی فراهم می‌شود و برماست که از این شرایط استفاده صحیح مکنیم .

سرگار آمدن دلکتری و انجام مجلسین نمود ایری از بحران رژیم شاه و کود تابود و کشور مارا بر سر دروازه قرارداد . در آن موقع ما باز هشدار ایشان دادیم ، درین میانی را که در مقابل جنبش ماقرائگریه بود تشریح کردیم و گفتیم : " یانی نیروهای دلکتریتیک ، باکاران از این منافع بیگانه نظرانه دست بدست یک دیگر داده و با سلط آنچه که تاکنون بر اثر مبارزات بدست آمده راه را برای تغییر دلکتریتیک می‌ساخت اخلي و خارجی می‌گشاید ، یا اینکه ارتجاع با ایجاد تفرقه و پیروکاری در صوف مبارزان راه استقلال و آزادی کشور مانع اتحاد آنها گردیده و دوباره مواضع خود را تقویت می‌کند و آنچه را که از استداده بازی می‌کنید . . . "

مانعفانه باز هم دلایل ارتجاع وساعی دشمنان مشترک مازنده ای صادقانه حزب توده ایران مو" شرتو واقع شد . رهبران جبهه ملی همینکه درین میانی برای فعالیت خود دیدند باعجله هرچه تمام تسلیم کوشیدند از حزب توده ایران تبری پیویند و از این راه بطور غیر مستقیم خواسته دشمنان خود را برآورد کنند مساعی حزب مازاد رزمینه ایجاد همکاری " د سیسه و حیله " ولی حیله " عیث " برای " راه یافتن به جمع پیوسته " جبهه ملی خوانند (نامه آفای باقر کاظمی - روزنامه های اطلاعات و کیهان - ۱۳۲۹) ۲۸ بهمن

و در اعلامیه دوم مرداد ۱۳۴۰، با استفاده از جملات روزنامه پلیسی "فرمان" حزب ماراکبارد یگر مورد اهانت قرار آمد.

علاوه بر اجتناب از همکاری با حزب توده ایران عاملی که در چند سال اخیر به تجمع نیروهای دموکرازیان فراوانی زد می‌باشد اشتیاه امیزی بود که جبهه ملی بطورکلی درمود همکاری با احزاب و گروههای ملی پیش‌گرفت. علی‌غم نظر اکثریت این احزاب و گروهها و بد و نفع توجه به توصیه‌های آفای دکتر مصدق - حتی با پنهان نگاه داشتن این توصیه‌ها - عده‌ای از سران جبهه ملی در اروپا با پشتیبانی رهبری جبهه‌ملی در ایران، با استفاده اینکه در ایران مادران پیروزی جبهه هاست همکاری با جبهه‌ملی راست‌لیزم اتحاد احزاب و گروههای میانی و پیوستن ارکانیک انتہای جبهه ملی دانسته و با این نظر جنبه تصمیم سازمانی دادند. ولی با اتخاذ این تصمیم نه تنها نیروی جبهه‌ملی نیز رد، بلکه ترقه قابل ظرفی در سازمان خود جبهه ملی بوجود آمد. خوشبختانه در اثر خالت آفای دکتر مصدق، که یکباره یگر معنی جبهه را بر ایران جبهه ملی گوشید کردند، این تصمیم دیگر را خیرسازمانهای اروپائی جبهه ملی لغو کردید و نظر دکتر مصدق قتاً بید شد.

گوینده در این کنگره هم باز موضوع همکاری با حزب توده ایران با سکوت برگزار شد ولی لغو تصمیم سابق و اظهارات سالی که از جانب عده ای داشت بلزوم اجتناب از نفاق و پراکندگی نیروهای دموکراتیک شده است خود گامی است بجلو و مشیت. سکوت کناره شدن همکاری با حزب توده ایران هم اکر نگرانی در مایجاد کند شهاب از نظر علاقه ایست که مایه پیشرفت هرچه سریع‌تر جنبش‌رهایی بخش مردم کشور خود داریم. ولا از آنچه این همکاری در جهت تاریخ چنین ماست گریزی از این برای آن نیروهای ملی، که صادقانه خدمت بخلق را پیش گرفته باشند، تغواصید بود.

حزب توده ایران وظیفه‌گرایی بد و شد از دو اندیش فعالیت در راه احیا و تحکیم سازمانهای خود، پسیج نیروهای عده‌جهانی مانند کارگران و دهقانان است که استخوان بندی جبهه واحد مبارزه مان را تشکیل میدهند. بموازات انجام این وظیفه، حزب توده ایران، چنانچه در گذشته نیز عمل کرده است از هیچ کوششی برای همکاری با نیروهای مخالف پیش‌گیری و امیریالیسم درین نخواهد هرزید. در نهانه سرگشاده کیتی‌صریزی حزب توده ایران بکلیه سازمانهای لی و ازاد بخواه، که در آستانه تشکیل کنگره اخیر سازمانهای اروپائی جبهه ملی منتشر شد، یکباره یکراین موضوع تکرار و گفته شد که اخلاف نظر بین سازمانهای لی و حزب توده ایران، هرقد رهم مهم و اصولی تلقی گردد در برای هدف مشترک مبارزه در راه استقلال و آزادی ایران فرعی است و نمیتواند ونباید مانع اتحاد عمل بین نیروهای ملی گردد." (مودم شماره ۸۵، پانزدهم تیر ۱۳۴۲))

آنچه در ایالات متحده ای بود از واقعیات تاریخ مبارزه حزب توده ایران در راه گرد آور نیروها ملی، در راه دموکراسی و تأثیم استقلال کشور. طی تمام تاریخ مبارزه خود حزب توده ایران همیشه در گرد ار به گفتار خود وفاد از بوده است. حزب ما نه تنها برای ایجاد وحدت در مقیاس یک جبهه و سیچ بلکه برای ایجاد امنیتی از احزاب و نیروهای جد اکانه دموکراتیک آمادگی نشان داده و در موقع بحرانی امکانات و مقدورهای خود را درست می‌نموده است. کافی است گفته شود که کید تای اولیه ای که در ۲۵ مرداد از جانب امیریالیسم امریکا شاه و زاهدی نقشه کشی شده بود در اثر گوشش حزب ما خشنی ماند که هم طرح ریزی آنرا قبول از شروع به عمل و هم حرکت عده تحت فرماندهی سرهنگ نصیری را به نگام عمل به دولت دکتر مصدق اطلاع داد. درمود کید تای ۲۸

مرد اد نیز حزب ما اطلاعاتی را در سترمود ولت مصدق و شخص وی گذارد و آمادگی خود را برای هرگونه اقدامی اطلاع داد. واگر تردید و تزلزل دلت مصدق که بزبان رئیس دلت اظهارداد اشتد ولت به اوضاع مسلط است و باعینی از هرگونه اقدامی خودداری شود نمیشود، حزب مالییرغم این تذکر از اقدام قاطع خودداری نمود، چه بسا این کودتا نیز در رهم میشکمت.

پانوم چهارم وسیع کمیته مرکزی این کوتاهی را بر هبری حزب خود را گرفت و متذکر شد که حزب ب بهر حال میباشد و در راه ریاستی وارد عمل میشند و در راه ریاستی کیفیت این اقدام چنین گفت:

"این امورستگی به بسط حوار اشتد و رأغا زیتون است تحت شماره دفع از حکومت قانونی د کترمصدق بصرورت مشکل کرد ن تظاهرات نیرومند مردم را یاد و پندربیج و در صورت ضرورت به اقدامات قطعی هراکت کوب کودتا و حفظ حکومت د کترمصدق منجر گرد (ازقطعناهه پانوم - تکیه ایزنکارند است). اکنون ببینیم منشأ تردید و تزلزل دلت مصدق چه بود. پاسخ این سوال رایتون در سرمهقاله روزنامه "نیروی سوم" (۲۸ مرداد ۱۳۲۲) و مدرجات همانوز روزنامه "رهائی کارواند یشه" یافت. خط سخ طالب این د روزنامه که اولی در واقع یکی از راگنهای اعلام نشده آنروزی دلت مصدق بشار می آمد این بود که اکنون دیگر خطر شاه منتفی است و خطر عده هزب تدوه ایرانست و باعینی لبه تیز مبارزه متوجه این حزب گردد.

چنان بود وظیفه ای که پانوم کمیته مرکزی حزب تدوه ایران برای حزب ما در صورت اقدام قاطع معین کرد ه بود - یعنی حفظ حکومت د کترمصدق و چنین بود الفاظی که به حکومت د کترمصدق میشند - سرکوب حزب تدوه ایران یعنی بزرگترین نیروی متفق.

متعاقباً معاشرانه در موادر دیگر مآشده این طرز عمل بود و هستیم ولو بعنوان حاشیه در اینجا برای بهترشان داد روش حزب ما در همکاری با سایر نیروها ذکر نمونه های رالزم میدانیم. هنگامی که حزب ما پس از اگراند د شوارو پحرانی مجدد آغاز فعالیت نمود، دست به انتشار طبعوات خود زد و طبق میاست سننی خود پیکار دیگر نیروهای ملی را خواه د رایران و خواه در اروپا دعوت به همکاری و وحدت نمود، مجله "علم و زندگی" (صفحه ۲۲ - دیماه ۱۳۲۸) تحت عنوان "نامه ای از المان" چنین نوشت:

"هرچه بیشتر میگذرد فعالیت تدوه ای هابهتر و سیعتر معلوم میشود که حتی قابل تصویر نمیست. واقعاً حزب تدوه را به اینجا منتقل کرده اند و سازمان منظمی مچشم میخورد. در آلمان بیش از ۲۰۰۰ دانشجوی ایرانی وجود دارد که بهترین طمعه برای حزب تدوه میتوانند باشند و در ایران مورد بهترین استفاده قرار گیرند. بطوطی که شنیده ایم وضوح اطربیش بد ترازا بین جاست ۰۰۰ این موضوع خیلی جای تعجب است که دولت فقط "سرش رازی بر فر کرد ه است" و غیرزاد اخسل ملکت - آنهم با وضعی که معلوم است - از جای دیگر خبر نداشت. رفتار و لولت با انشجویان درست منطبق با مقاد اینست که منک را بسته و سک را رها کرد ه اند. علام محمد دیت برای د اشنجویان میهن پرسن و آزادی عمل برای بیکانه پرستان".

در اینجا دیگر برای سرکوب حزب تدوه ایران توسل به دولت مصدق نیست بلکه توسل به سیاهتر نیروهای ارتیاج و سازمان امنیت شاه است. نویسنده راحتی آنچه هم که در ایران نسبت به اعضاء حزب ما از شکنجه و کشتار شده است ارضاء نمیکند. ضمناً برای اینکه دیده شود کی "رها" است و کی "بسته" مجله مزبور در همین صفحه دسته ای سازمان خود در ایران د ریاره چگونگی گذراندن کفرانسها و کنگره ها میدهد.

نظیره‌مین کوششها اکتون به شکل‌های نوینی برای ایجاد شکاف در حزب توده ایران بعمل می‌آید که علاوه کاری است عبیث ولی در عین حال نشان دهنده طرز کار برخی از طرائف ایران ظاهري و در حقیقت مخالفین واقعی وحدت عمل نیروهای دموکراتیک میتواند باشد .
برای حزب ماجنین طرز علی بیگانه است . حزب ما به رویه سنتی خود اراده خواهد داد و اطمینان دارد که مبارزه مردم ، خود وحدت عمل نیروهارا بوجود خواهد آورد .
تفرقه نیروهای دموکراتیک هم اکتون به شاه و رژیس اجازه داده است دست بیک سلساله اقدامات اسارت آور نوینی بزند : وام د ویست ملیون دلاری بمنظورهای نظامی و تشدید مبارزه با جنبش مردم ، دادن حق مصونیت سیاسی به مستشاران امریکائی که بمنزله احیا کاپیتلولا سیون خواهد بسود ، فشار نوین نسبت به مخالفین رژیم که نمونه بارز آن تبعید آیت الله خمینی است الخ
هزب مادر عین اینکه از امکانات خود برای مقابله با این گامهای اسارت آور استفاده کرد و خواهد کرد یکباره یکباره با پیشنهادهای مشخص ، از آنجلمه تشکیل کمیته مشترک برای دفاع از آیت الله خمینی و آزادی همه زندانیان ، نیروهای ملی و دموکراتیک را دعوت به همکاری نموده است .
در اعلامیه کمیته مرکزی حزب بتاريخ اول آذر ۱۳۴۳ گفته میشود :
” در این موارد حسامن باید مشترکاً عمل کرد ، چهره سالیون شاه را لفشا نمود ، رژیم ترور را در ایران پر ملاساخت ، از عناصری که با استبداد شاه مبارزه میکنند مد افعه قطعی بعمل آورد . مسا بنوه خود رکشور و رخاخ از شور با تمام نیرو در این زمینه مبارزه خواهیم کرد . ”

بمناسبت بیست و پنجمین سال درگذشت دکتر تقی ارانی

بیست و پنج سال از تاریخ یکی از نزدیک‌ترین جنایات طبقه حاكمة ایران گذشت . روز ۱۴ بهمن ۱۳۱۸ دکتر تقی ارانی در سن ۳۷ سالگی در مسیاه چال زندان رضا شاهی قصر قاجار جان داد . اما اندیشه‌های بلندی که این داشتند بزرگ مارکسیست ایران جان خود را در سر آن گذاشت امروز بچنان پیروزی‌های عظیم جهانی نائل آمده که هیچ آموزشی در تاریخ بشر به نظیر آن توفیق نیافر است .

شی‌ارانی روز پنجم میتاپر ۱۹۰۲ در تبریز پایه‌مرصده وجود گذاشت . در چهار سالگی بهمراه پدرش ابوالفتح ارانی کارشند وزارت دارایی که بتهرازن منتقل شده بود باین شهر امداد . در سال ۱۹۱۴ پس از بازگشتن مدرسه شرف وارد ارافقون شد . بعد از اخذ دیبلم بارقه هاگرد اولی در سال ۱۹۲۰ بعد رسمیت عالی طب وارد شد و در ۱۹۲۲ برای ادامه تحصیل عازم برلن گردید و در رشته علوم طبیعی به تحصیل پرداخت . دروان طفولیت و تحقیقات ابداعی او خارج از این رشته معرفوت داشت (۱۹۰۵-۱۹۱۱) . بود که با وجود سرکوب شدن از طرف نیروهای دول امپریالیست انگلیس و روسیه تزاری معد لک نقش مهمی در تاریخ کشور ایفا کرد .

انقلاب کیمیوسیالیستی اکبریه صفحه نازه ای در تاریخ پس از تأسیس شایانی در رشد افکار اجتماعی و توسعه چنین ارادی پخش ملی در ایران نمود . در این دوره ارانی چوanon وارد صحفه همراهات حاد می‌باشد ، نخستین قدم عملی خود را با شرکت فعال در نهادهای اعتراف امیز تدوه های مرد علیه قرارداد نمی‌گیرد .

دوره تحصیل ارانی در دانشگاه برلن مصادف با این نهضت کمونیستی کارکری در آلمان بود . ارانی که بخوبی خود باین کشور آمد بود با کارکردن در رطبعه "کاویانی" امارات عماش نمود و متحصیل اد امداد . تماش علیی ارانی با طبقه کارکران قلبی و اشنازی نزد یک او با آموزش مارکسیسم - لئنینیسم در این دوره آغاز می‌شود . این تماش و این آشنازی که بسرعت استحکام و توسعه می‌باید ، بیویه شرکت فعال در سازمان روش نظری ایرانی قسم آلمان علیه دیکتاتوری رضاخان و هدکاری نزد یک باکونیستهای ایرانی نقش قاطعی در تمام حیات این او داشته است .

در وقتی که بچاپ یک کتاب اول از "سلسله اصول علوم دقیقه" یعنی بکتاب "قیزیک" در تاریخ ۲۶ ربانیه ۱۹۲۶ در بران نوشته است ارانی برای نخستین بار رصاعيون دانشمندی مارکسیست مسخر گفته می‌نویسد :

"سلسله اصول علوم دقیقه رشتہ متوالى است از کلیات و اصول علوم پشرکه از ماد پترین و بنابراین د قیقرین علوم یعنی علوم طبیعی د قیقه (قیزیک و شیمی) شروع نموده نوع مخصوص از تغییرات طبیعت را در حالات مادی و روحی موجود نزد مورد دقت قرارداده (بیولوژی و پیکولوژی) بالاخره در اثره همین معلومات خود بنی نوع بشر و کلیات علم و حد ارزش علوم وی را اصول ماتریالیسم د یا لکتیک موضوع بحث قرار

مید هد

ارانی در کتاب "پسیکولوژی" خود که یک مقاله بعد یعنی در سال هر ۱۹۲۷ در برلن پایان یافته و کتاب چهارم از سلسله علوم دینیه را تشکیل میدهد "مینویسد": پس از مرور طبقه دیالکتیک را در تئاترات خود بکار میرید " (چاپ یکم، ص ۱۶) . مبلغ بر جسته امارکسیسم - لشیونیسم در ایران قصعتی از این کتاب خود را بیویه به تشریح متد دیالکتیک اختصاص داده مینویسد: " طریقه دیالکتیک را بتد " هر اکلید من " و بعد " ارمسطو " و " افلاطون " در تئاترات فلسفی خود بکاربرده اند در درجه سوم " مکل " آنرا نگیسل مینماید و در رخطچهارم " مارکس " آن طریقه را به اصول ماتریالیسم تطبیق میکند " (صفحه ۲۷۴) .

در این اثر ارانی اختلاف میان دیالکتیک ساده و بخطاطه " هر اکلید من " و دیالکتیک اید آلمیستی " افلاطون " و سپس تفاوت آنها را با دیالکتیک " مکل " که " این اسلوب قوی را در راید آلمیست زمان خود بکار میرد و از همین جهت نتیجه مستقیم و پشتی نیز گرفت " و بالآخره اختلاف اساسی آنها را با دیالکتیک مارکسیستی که " از تطبیق اسلوب دیالکتیک بر اصول عقاید ماتریالیسم علوم طبیعی ۰۰۰ بوجود می آید و تسامع علوم را مانند حلقة زنجیر مسد و بینک یک ارتباط میدهد " تشریح کرده است (صفحات ۲۷۷-۲۷۲) . یکی از مشخصات عدد آثار و فعالیت ارانی و همزمتش اینست که به تبلیغ اصول ماتریالیسم دیالکتیک مارکسیستی اکتفا نمی کرد بلکه به تطبیق آن در رشته های مختلف حیات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نکشید کوشیده اند . در آثار علمی ارانی برای اولین بار در تاریخ علوم در ایران به تطبیق اصول ماتریالیسم دیالکتیک در رشته های فیزیک، شیمی، بیولوژی، پسیکولوژی، سوسیولوژی و تاریخ همت گماشته شده واید اذعان کرد که نتایج نیکوکری نیز بدست آمده است .

تحقیق ارانی رسالت دکترای خود را در رباره " خواص احیا " کنند " اسید هیپوفیفسفریک " در د و ۸ زمستانی سال تحصیلی ۱۹۲۷-۱۹۲۸ بپایان رسانده ناسال در دانشگاه برلن به تدریس در رشته السنّة فارسی، عربی و ترکی ادامه میدهد . او یک مسلسله متون گرانبهای و کمیاب فارسی و فارسی را مستخان و پندتیج بچاپ رسانده بدینوسیله بحفظ فرهنگ باستانی ایران و رونوی خاورشناسی اروپا خدمت شایانی مینماید . از این جمله اند کتب " بدایع سعدی "، " ریاعیات خیام "، " اثرات عبید زادائی "، " وجه دین " زاد المسافرین " و " سفرنامه " حکیم ناصرخسرو قباد یانی و بیویه " رساله فی شرح ماشکل من مصادرات کتاب اقلیدیں للحکیم عمرین ابراهیم الخیامی " که در ۱۹۲۵ از روی نسخه کامل منحصر بفرد کتابخانه " لبدن است . مستخان و در سفند ۱۳۱۴ در تهران به چاپ رسانده است .

در قدمه هاشی که به اغلب این کتب نوشته و سعدت دائره معلومات این دانشند جوان بخوبی آشکار میشود . مثلاً مقدمه هاشی که به رسالات حکیم ناصرخسرو نوشته شده حاوی نکات تاریخی مفید پیرامون شرح حال این تقدیر بزرگ قرن پنجم هجری و متألف مجموعه و تألیفات او است (" وجه دین "، برلن، ۱۹۴۲) . و یاد رقدمه پر تبعی که به کتاب تابهرد خیام نوشته ارانی از اصول و مبانی هند سی اقلیدی می بحث کرده خاطرنشان میکند که " از همان زمان تولد این هند سه نطفه های مخالفت با آن نیز تولید شده " این تضاد باعث پیشرفت علم هند می گردید و می سمعتمهای هند می نظری " هند ملہ لیما چنگی و ریمان " بوجود آمد . ارانی در این قدمه " نقص ۰۰۰ منطق جامد " را که " تحت تأثیر ایدئولوژی اجتماعی ارتقا یابد " طرفدار اصول علوی دوازد سنت است " نشان داده " متده دیالکتیک " رایگانه و سیاسته درست تدقیقات علمی معرفی میکند (ص VIII) .

دروان پس از مراجعت ارانی بوطن تارید پیهش ۱۳۱۶ که بدست پلیس رضاخانی بازداشت میشود دوره درخشنان فعالیت علمی، اجتماعی و یخصوصی مبارزه شریخش سیاسی اوست . جریان رشد

اند یشه های مارکسیستی ارانی در این دوره بوده از این لحاظ قابل دقت است که این حریان فکری و تئوریک در وجود تناقض است باعمال و پرواتیک صورت میپذیرد . پس از رکودی که از سال ۱۳۱۰ و هجومی در پسی پلیس به سازمانهای حوزی در فعالیت حزب کمونیست ایران در کشور پیش میآید ، دکتر ارانی و یارانش بسا کوشش خستگی ناپذیر خود موفق میموند با لآخره مرکز فعالیت حزبی رادرتهران احیا کنند . این زمان مصادف بفیاضه ای بود که رضا شاه در سیاست داخلی و خارجی از اتفاق شیوه تقلید و به فاشیسم نکیه میکرد . زاد یهای سیاسی و اجتماعی، بلکی پامال و بقول ارانی "مخالفت با موافین اخلاقی و نتوا میں مقدمة مشتری مقداری صورت وقوع بخود گرفته" بود که "عقیده ای^۱ از آزادی ، صلح ، جلوگیری از فرق و خواسته و خویز برتری سمجحت میکند با مجازات دهی می تعقیب" میشد (متند فاعع صفحه ۷) .

برای اینکه بهایت ضد ملی مجلس در و هشتم که "قانون سیاه" ضد کوئینیستی را تصویب کرد پس
برد و شود کافی است رشته مخن را بد کرمتین دفتری که خود از گرد اندکان دستگاه حاکمه ایران بوده است
دشیم. اور رخترانی خود پیروان "سویاقونگاری در ایران" دوشنبه ۲۵ بهمن ۱۳۲۷ در راشکاه
مهرگان "ضعن اظهاره طلبانی در راه قانونگذاری" از در و ره ششم ناد و ره دوازد هم "بصراحت گفت: در
ین د و ره ها مجلس مطبیم خام حکومت بید" (اطلاعات همایش، ۱۱ سپتامبر ۱۳۲۷).

دراین دوره ازمنی مجله "د تیا" راکه نه شهادر تاریخ طبیعت ایران بلکه در تاریخ رشد فکری
شور بعلوکلی و جنبش کارکری و مکونیستی ایران بطور اخسن نقش بر جسته فرموش نشدنی دارد پایه کسنداری
زند. دراین مجله است که اراثت و هم زمان مدد پیش به ترویج عقید و علمی افکارمارکسیستی در ایران پرداخته.
برای اینکه نمونه مشخصی از این افکارمارکسیست اراثت ارائه دهیم کافی است مثلاً طرز برخورد از این نظریات
برای اینکه مثبت شهود را بگاهشی "ولیام جمس" در نظر آوریم. اگر از این در اثمار قابل خود، مثلاً در کتاب سایر
"پسیکولوژی" مینوشت که "ولیام جمس" متعدد بالکنیک رادران (منظور علم پسیکولوژی است سع آ.) پسکار
زند (صفحه ۷)، و یا اینکه "در قرون جدیده" "ولیام جمس" این اصل مسلم را (صحبت از اصل دیالکتیکی
حرکت و تغییرهاست - ع آ. ادر ریسکولوژی بکار میبرد" (صفحه ۲۱)، در روشه های بعدی خویش مثلاً در
ش" ماتریالیسم یا الکتیک" بشدت پراکنده ایسم و پیوند تیپیسم را مورد انتقاد قرار میدهد ("ماتریالیسم
یا الکتیک" (۱۳۲۵)، صفحات ۴۶۲-۴۶۰-۴۶۸).

در همین بحث دقيق انتقادی از مکتب پژوهش‌نویسی است که ارائه به اندیشه‌ها و ادای پیچ لینین "ماتریالیسم و امپریوکریتیسیسم". اشاره کرد مینویسد: "از مکتبهای مخالف، پژوهش‌نویسیم" زده خطرا کنترل است، زیرا ایده الیسم و اکتوستیسیسم با اندک توجه شناخته می‌شود و حال آنکه پژوهش‌نویسیم پیون از جنبهای علوم و از در رکات حسنه شروع می‌کند بعکتب مادی شبیه جلوه می‌کند. از همین جهت هم سمت که یک عدد، این عقاید را مادی دانسته و باشته افتداده اند. کتاب "عقاید مادی و حسنه انتقادی" ترجمه لغوی "ماتریالیسم و امپریوکریتیسیسم" است (ع. آ.) از این انحراف با کمال دقت جلوا کری پیکند" (صفحه ۴۴).

دکتر اراثی به اهمیت فوق العاده این اثرجاید ان لینی بخوبی ببرده بود . در رساله تئوریهای علم " دریخت " نقدمات صحیح و نتایج غلط ارجاعی در علم " که به " ارجاعی ها یعنی شخصی که از علوم دقیق بر حسب احتیاج طبقاتی و اجتماعی خود نتیجه میگیرند " و " بنفع ابد ثولوی خود بیان میزنند : " ماده از منحصراً علم معدوم شد " جواب میدهد تفصیل از این اثرلیلی استقاده کسر ده یعنی وسیله : " کتاب " ماتریالیسم و آمیریوکریستیسیسم " این موضوع را باند از آن کافی تشریح نموده و مادر رکتاب نتایج (از سلسله اصول علمون دقتیه - ع [۱۰]) جلدی را مخصوص تحقیق این حقیقت خواهیم نمود تا نتایج

شوریهای جدید (شوری‌پلانک و شوری‌ایشتاین) که در کتاب «منیر اشاره به آنها نموده است تیزک‌املاً واضح شود» (شوری‌های علم، چاپ دوم، صفحه ۶۹).
ارانی و هنکارانش ترویج افکار مارکسیسم - لشیونیسم را با روشنی درست، با رهاظنرده یک باواقعیت روز و توانم با میازده نظری پیکربندی ایدئولوژی ارتقاوی حاکم به پیش‌میردند. مجله «دنیا» از شتریج میانی فلسفه ماتریالیستی مارکسیستی آغاز کرد، بتوجه اصول دیالکتیک را تشریح مینمود. در عین حال چون مسائل نظری در صفحات مجله با رهاظنرده یک بازنده‌گی اجتماعی تشریح میشد بخودی خود مسائل عمده «ماتریالیسم تاریخی» نیز مورد بحث قرار گرفت.

نخستین مقاله از مشتمله مقاصد «عرفان و اصول مادی» که در شماره یکم «دنیا» (بهمن ۱۳۲۲) منتشرشد پا به بحث «ناپیره محيط مادی در مقایسه آغاز میشود. در اولین سطوح قاله ارانی جواب ماده و دندان شکنی به آیده‌ایسته‌ای ذهنی که مدعاً اند تدویر شعروقدم برجهان مادی و طبیعت و خالق آنستداده مینویسد: « فقط با مغز میتوان فکر کرد. مغز ماده و فکر کی از خواص این ماده است ». او نتهاً عامل هیز بولویک و بیولویک را بحسب نیازه طبقه محیط اجتماعی را در فکر انسانی گویند نموده مینویسد: « اگر دو برادر و قلو را که ساختن مغزشان تقریباً یکی است در درد و جامعه متفاوت که طرز تولید (زیست و صفت) و اداب و رسوم، مذهب و غیره در آنها باهم فرق دارد ترتیب کنیم طرز تفکر دو برادر را یکدیگر اختلاف خواهد داشت ». و بلاقله سخن مشهور فیلسوف ماتریالیست آلمان «فویریاخ» را که «فریدریش انکلمن» در اثر خود «لود ویک فویریاخ و پایان فاسقة کلاسیک آلمان» شاهد آورده است نقل مینکند که: « یک شخص در خرابه و در قصر و نوع مختلف فکر میکند ».

در رفاقت «روح هم مادی است» (شمراه های ۴۰ه دنیا) ارانی باین نتیجه میرسد که: «روح و حیات از خواص معین دستگاه مخصوص ماده است ». این موضوع را مجله «دنیا» بتفصیل در مقاصد «جبراوختیار» (شمراه های ۱۲ه دنیا) مورد بحث قرارداده عقیده و لونتاریست‌ها (اراد یون) را تقدیم کرد و باین نتیجه میرسد که «اراده انسان اختیار نموده و باسته پیشراع طویل و وضعیت خارجی حیات ایست ». ارانی بخوبی نشان میدهد که دشاینه مجموعه ایست از تعداد مات نامه بو و اتفاقی و نه میدان اختیار مطلق و بی‌شرط، بلکه تابع قوانین عینی مشخصی است که فقط از این شناختن صحیح این قوانین پسرمیتواند به نیروهای بیکران طبیعت فائق آید و آنها را در خدمت احتمام بگذرد. ارانی مانند هر مارکسیست - لشیونیست اصولی که عقیقه انتزاعیونیسم پژوهشی معتقد است نشر حقایق درباره رژیم سوسیالیستی، دفاع از اران و رد اتهامات نارواید شمنان را وظیفه تأمین‌خیران پذیرخورد میشود. «دنیا» در نخستین شماره خود در مقاله «ناشیونیسم» توجه خوانندگان را مخصوصاً باین نکته جلب میکرد که « طرز تولید بالغه مرتبت و معین ». یکی از زیاری‌ای جامعه سوسیالیستی یعنی «مخصوص» جوامعی است که در ارث تکامل تاریخی بد رجه ای رسیده اند که منظمان میزان تولید خود را با احتیاجات اجتماع توافق میدهند.

در کتاب «بشر از نظر مادی» ارانی هنگامیکه از نقش قاطع نیروهای مولده در پیشرفت اجتماع و معیار منجش مراحل تدن سخن میگوید قطعاتی از «کاپیتال» مارکس نقل کرد، برای توضیح بیشتر جامعه سوسیالیستی رامثال میآورد. او مینویسد: « تضخیص مراحل تدن که فقط و فقط منوط باین عمل تولید است می‌بوشد و خود محصل نموده بلکه بطرز تولید و نوع وسائل تولید می‌بوشد است ». یعنی ممکن است در وجا مه غله تولید کند، در یکی رعیت با وسائل ماده برای اریابا و دیگری توده با ماشین برای صرف‌عویتی. در هر حال محصول غله است ولی این دو رژیم از نظر اجتماع و اقتصاد باهم اختلاف دارند » (چاپ چهارم، ص ۲۱).

هنگامیکه دولت اتحاد شوروی توانست باعقد قرارداد ۲۲ مارس ۱۹۲۵ موضوع راه آهن شرق چین را حل و فصل کرد، مانع از جنگ افروزی امپریالیستهای ژاپن کرد، مجله "دنیا" این موقعیت دیپلماسی را که نشانه بارز اجزای سیاست صلح و معزیزمی مصالحت آمیز از طرف دلت شوروی بود بدروستی ارزیابی کرده باطلاع مردم ایران رساند.

بیانیه ای که اراثتی و همزمائش بیناسبت اول ماه مه ۱۹۳۶ منتشر شد و یکی از مدارک پلیس رضا شاه علیه آنان شد، از این لحاظ بیویه قابل توجه است. این "بیانیه" به نقش بزرگ انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثره بسب ایجاد شرایط لازم برای لغو قرارداد ادارست بار ۱۹۱۹ دارد و بکمل های دلت شوروی خصوصاً در مردم افغان کاپیتولیون اشاره کرد و مینویسد: « استقلال ظاهری و جنبه ملی را که ایران فعلی دارد باید رهین نموده است و دلت شوروی باشیم و گرته مطابق قرارداد ۱۹۱۹ ایران جزوی از هند وستان شد ». بود ۰۰۰ پیش از گسترش تحریک اسلامیت که تزاریسم روسیه برگزین ایران اند اخته بود و مطابق قرارداد سیاه ایران را مستعمرات خود ملحق کرد ».

این "بیانیه" تاریخی مسئله تشکیل جبهه واحد ملی ضد امپریالیستی که هنوز هم یکانه راه را مست نجات جامعه ایران از اسلامیت استعماری و طبقاتی است بصراحت طرح کرد و خطاب به توهه های مردم ایران اعلام میداشت: « آزاد یخواهان ایران برای تشکیل یک چین جبهه ملی دست خود را بطریق ملت ایران دراز میکنند و قطعی است که این مبارزه بعلت ایران نیز مانند سایر ملل دنیا شان خواهد داد که پیش قرار ولان حقیقی تعدد بشر و خالص کنند و توده رنجیر و بهارزه کنند کان جدی و عملی با جنگ و تو حشو و بربری همان "سوسیالیسم" است ».

مبارزه ای که اراثتی و مبارزان پیگیریش علیه فاشیسم و راسیسم پیش میردند یکی از صفحات پرافتخار تاریخ مبارزه افکار مورکراتیک علیه اند پشه های نایاب نژادی است. در صحیحه قدرت فاشیسم ایرانی ماهیت چنگکوبانه و ضد پسری شوری نژادی را باید لائل واضح و متفق آشکار ساخته در مجله "دنیا" نشان مید اد که "شوری نژادی و اقنا اسلحه خوش برای چنگکوبان و طرفداران استعمار را شمارکاره یکران میاند" ("بشر از نظر مادی" ، صفحه ۲۲) در اثری خود "ما ترا لسم دیالکتیک" اراثتی شوری میین راسیسم و چنایتکاری بعدی جنگ "روزنبرگ" را محکوم کرد و مینوشت: « در کتاب "روزنبرگ" میخوانید - تاریخ نزاع های پشتاریخ نزاع های نژادی استه . اختلاف نژاد هیچ وقت محو شدن نیست و همیشه وجود خواهد داشت . نژاد "عالی" (بمعنی "روزنبرگ فقط نژاد آلمانی") باید حکومت کند - البته طرفداران شوروی نژاد ها جلوه هم نمیروند و ادعاد ارتدک در داخل یک نژاد هم اختلافاتی که میان طبقات مختلف موجود است مسلم و مطلق و دائمی است . بنظر این متکرین این اختلافات از هر نقطه نظر حتی از نظر استحقاق استفاده از جامعه موجود میباشد ».

این بیچاره که طرفدار شوروی نژاد هاست چشم باز نمیکند که ببیند رقابت بحری بین امریکا و انگلیس نژادی است یاما دی . حمله را پن به چن نژادی است یا طبقاتی؟" (صفحه ۶۳-۶۴)

پس از توضیح مفصل و رد دقيق و منطقی شوری نژادی اراثتی مینویسد: « حالا تعجب نخواهید کرد در همانجا که شوری نژاد های یکم منطق جاد حکم را ماست وحدت دیالکتیک زن و مرد در مفهوم انسان که ابتدا بینزنشاخیلی ساده جلوه کرد با کمال صراحة نفی میشود . همان منطق جادی که بد لیل سیاهی پوست ملت را بخلانی محکم میکند از اختلاف جنس بین زن و مرد استفاده کرد و چنانکه گفتم فقط کلیسا ، مطبخ و مثل ماشین بجهه بیرون ریختن راوظیفه زن قرار میدهد . حلامی فهمید که بشرط ترقیخواه برای پیش

بردن همان عقایدی که صحت آنرا مسلم و بد یعنی فرض میکرد ید باید نزاعها و فکارهای زیاد کند" (ص ۲۲) چنین مبارزات و فکارهای ایرانی و همکارانش کردند اند. بهمین سبب نیز قسمت اعظم "بیانیه" فوق الذکر را افشاری ماهیت فاشیسم اختصاص داده بودند. در این "بیانیه" بیان شده است: «رقا! سرمایه مالی و همیستگی بین المللی رنجیران جهان به رنجیران ایران چنین نوشته شده است: «فقا! سرمایه مالی و فاشیسم که مهلك ترین اسلحه این سرمایه است در تهیه‌جگنگ بین المللی جدید است» . میهن بیانیه مقصود عدد ارجاع بین المللی رادرت ارک جنک علیه یکانه کشورسازند سوسیالیسم یعنی کشورها افشار گردند: « فاشیسم مهمترین جرقه اشتغال جنک خوین جدید است . زیارتگرین دشمن فاشیسم صلح و آزادی و بزرگترین خطر برای سلاح و آزادی فاشیسم است » .

در این "بیانیه" که نمونه خوبی از تطبیق خلاق اصول عالم مارکیسم - لینینیسم برحق ایقون شخص اوضاع کشور و جهان در آن زمان است روزی ضد توده ای رضاشاه بدروستی افشا شده از "تمام ملت ایران" دعوت میشود که جبهه ملی وصف محکم واحد و متحدی تشکیل داده بوسیله آن ایران راد رجت آینده جبرا بحال بیطوفی نگاهدارند . بیانیه هدف اصلی این "جهبه ملی" واحد را چنین توضیح میدهد: « این جبهه ملی باید قوای خود را برای کوتاه کردن دست خارجی و تشکیل یک حکومت ملی واقعی که منافع توده ملت ایران را هدف خود قرار دهد . » بکاربرد ، این سند تاریخی بطریز انتاریا پذیرگواهی میدهد که میتوان ایده تشکیل "جهبه ملی" واحد ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری دیگر که میتواند کشورهای این کشور بوده اند .

مضمن درست این "بیانیه" را تاریخ تصدیق و تأیید کرد . آنچه که از مطالب بعد از آن به حیات داخلی کشور مربوط است میتوان گفت که امروز هم صحت خود را دارد و است .

انتشار مجله "دنیا" با مخالفت کنه پستان واید ٹولوگهای مرجع دستگاه حاکمه روپو کردید . آنها که در مبارزه با افکار مرتباً علمی و منطقی "دنیا" عاجز بودند با اعاراتی نظیر "الدنا" چیف طالب‌هو کلاب که از زیاد خانه اید آلیسم گرفته شده بود به هنای و دشمن کوشیدند . اکنون پس از سی سال از شروع اول "دنیا" مبلغین دستگاه حاکمه ایران نازه حملات نا روا به ارائه آثارگرانهای پیش راشد داده اند بجایست جواب را که این مبارز پیگیر و فد اکار راه آزادی و سعادت مردم ایران در آن زمان داده است تکرار نکنیم .

"دنیا" در سرمهقاله شماره ششم نوشته است: « البته واضح است که مجله دنیا با آن منطق قوی و قدر ناقد ش مانند برق بر فرق این دسته میزند . این افکار مخدود و نمیتواند تحمل کند که براین بـ هـ اـی مقدس این بطوف حمله کند . بگویند تو اشرف خلوقات نیستی . روح تو از خواص ماد است . اجتماع سورا اشخاصی که میتوانست ایجاد نکند اند و جریان تاریخ مولد است . فلاں کتاب که هزار سال پیش نوشته شد است برای تو میتواند حکم یک اثرباری خی را داشته باشد ولی هادی فقرش امروز نمیتواند بشود . این دسته مطابقاً توجه که بطوف تیق پیش بینی کرد و بود یم با افکار مخالفت شدید کردند . ولی این درخت کهن سال دیگر بوسیه واجزاً آن از هم گسته است یعنی یک ایدئولوژی و طرز تئکر صحیحی که این دسته را بـ اـی زنگیر اخلاقی مربوط کند وجود ندارد . بهمین جهت مبارز دفاع یا جلب توجه این دسته بخسود رحمت نمید هیم » (صفحه ۱۶۶)

دستگاه حاکمه ارتجاعی ایران که آنروزه ایزیمانند امروز از مبارزه ایدئولوژی با افکاری که ارانی و همکارانش مروج آن مجد ند عاجز بـ بد بـ سلاح نزد و تحریر توصیل جست . وزارت فرهنگ رضاشاهی با صد و بخششانه ای نشر مقاله توسط کارمندان دولت را منع کرد و "دنیا" در خرد اد ۱۳۱۴ بـ بـ حـیـات خـود خـاتـمه

بخشیده، امامعالیت ارانی و مژمانش اد ام داشت تا اینکه اداره سیاسی شب شنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۱ دست به توپیف ارانی زد. پلیس رضاشه عده‌ای از هموزمان، شاگردان، دوستان و آشنايان او را بازدشت کرد و بزندان فرساند. حکومت رضاشاه که تا آن‌زمان سیاری از آزادی خواهان راحتی بد و کوچکترین تشریفات قانونی ظاهری و بازیرسی و محکمه زندانی کرد و یاد رسانه جالهای زندان بقطول رسانده بود، مجبور شد پس از یک‌سال وهفت ماه یعنی در ایان ۱۳۹۲ محاکمه^{۵۲} نفر را بعنوان عضویت حزب کمونیست تشکیل دهد. یکی از علله عده‌ای امر مبارزه سرمهخت خود زندانیان سیاسی و فشار افکار عمومی در خارج از زندان بود. فخری مدیر "طوفان" که خود ارجمله زندانیان بود راهی زیرابناییت اعتساب غافلگی بزرگ زندانیان سیاسی مروج:

<p>اعلان گرنگی بزندان کردند صد مرد جو شیر عهد و پیمان کردند شیران گرسنه از پی حفظ مسرام با شیر و شمع فترك سروjan کردند</p>	<p>د کتر ارانی در محکمه شهابد فاع از خود نپرداخت بلکه بد فاع از لکله متهمن، بد فاع از طبقه کارگر ایران، بد فاع از تقدیم و اذاری که در راه آن پیکر ایه مبارزه میکرد پور اخته، ماهیت خد ملی دیکتاتوری رضا شاه و "قانون سیاه" ضد کمونیست را فاش نموده نگفت: چطه‌میتوان عقائدی راقد غن کرد که ریشه علمی آن با غاز جامعه پرشروع شد و در جمیع شعب زندگی فردی و اجتماعی از روی اصول و پایه‌های کاملاً علمی و منطقی اظهار نظر مینماید. هیچ عقیده اجتماعی و مذهبی در تاریخ پیش‌روجود نداشد ارد که در مدت کوتاه حیات خود باند از سوسیالیسم و کمونیسم راجع به آن کتاب تا ملیف و باین کرت انتشار یافته باشد و این نشریات از مشکلترین موضوعات متفاوتیک و متعلق گرفته اعلیع ترین و تازه ترین مطالب زندگی را در معرض انتقاد و بررسی قرار میدهند. چطه‌میتوان بد ون معاالمه کوچکترین ورق از این کتابخانه‌ها، داشتن یک عقیده ه را با یک قانون ارجاعی قدر نموده؟ چقدر برای لک جامعه ننگنی است که طرفداری رنجبران و حفظ حقوق انسان در آن اینقدر رسخت مجازات میشود. چرا اینقدر از رنجبر میتسید؟ چقدر چشم زنده است که ما موریز شهربانی تا چشم‌شان بورقه ای که کلمه رنجبر دارد میافت با سرمهخت هجوم می‌ورزد و جن از اسم الله باند از شهربانی تهران از رنجبر نمیترسد. مگر رنجبر تمام جزئیات حیات شمار ای این نمیکند، مگر اکریت ملت ایران به نسبت نه دهم رنجبر نمیست؟ مگر مخالفت با رنجبر مخالفت با ملت ایران و مخالفت با همان مشروطه د موکراسی نیست؟ (صفحه ۷)</p>
--	---

دفع مین وستن و مرد ارانی در محکمه رضاخانی تراد یسیون افتخار ایزی برای کلیه آزاد خواهان ایران شد. در دروان اخیر که بارزین راه آزادی مرد ایران مرد تعقیب و حشیانه مقامات ارجاعی قرار گرفته اند بکرات نمونه‌های درخشانی از چنین دفع جسوارانه دیده شده است. دفع خسرو روزنه فرزند قهرمان ایران نمونه بارزی از ای است.

دیکتاتوری رضاشاه با کشتن ارانی و زجر و شکنجه یاران و فادرش به آخرین نقطه او جواب گفت. اما اند یشه های ارانی مرد نی تبود چنانکه با وجود سیاست تهدید، ترور، ارعاب و شکنجه و قتل که پس از جنگ جهانی اخیر از طرف نیروهای متحد ارجاع ایران و امریالیسم نسبت به اعضای فعل و کادر رهای پاساچه حزب تجد ای ایران اعمال شده و میشود این اند یشه هاد روطن ماروز بروز توسعه و توپیت میابد.

شہاد رعیض ده سال اخیر ده ها کتاب ضخیم و مجده و جزو د رکشور منتشر شده است که مقصد اصلی همه آنها بطور اخص تخطیه اصول مارکسیسم - لنینیسم، افترابوسیالیسم و کمونیسم و تهمت بحزب تسوده^{۵۳} ایران نمایند. پیکر این جهان بینی و مبارز سرمهخت راه تحقیق آن در کشور است. و بهمچوچه صد افسی نیست که مؤلفین این کتب و مصنفین ایدئولوگی ضد کمونیسم در ایران پس از ده ها سال که از شهادت

ارانی میکرد خشونتین به او و آثارش حمله میرند. بهتر است علت این حمله ناجوانمرد اند و تلاش مذبوحانه را از زبان خود آشنا شنیم.

گرد آورند کان کتاب "مارکسیسم در شیری - در عصی". مقدمه خود را باین عبارت آغاز کرده اند: "جای تمحب نیست که عده ای از جوانان تحصیل کرد و با حرارت تحت تأثیر شوریهای مارکسیست قرار گرفته و در صفحه کوشیستهای متحصبه در می‌آیند" (صفحه ۱) . این کتاب بطوط عده معجون زهرآگینی از ترجمه های ناموزون بد ترین آثار مولفین ضد کوئیسیم پژوهی از غرب است. به تقلیل قولهای چسته- گریخته و نامروط از آثار مارکس، انگلستانی پرداخته شده بخصوص دکترارانی مورد حمله خصمانه قرار گرفته است. نمونه دیگر کتاب قطبی سه جلدی محمد حسین طباطبائی (تیریزی) تحت عنوان "اصول فلسفه و روش رالیسم" است. مرتضی مطهری در مقدمه ای که بجلد اول آن نوشته مقدمه اصلی کتاب را چنین توضیح میدهد: "در این کتاب سعی شده است که تمام اخراجات ماتریالیسم دیالکتیک بطوط و پاسخ نمایانده شود. البته مکن است افرادی که شخها بی پاکی این فلسفه را در رفاقت اند با اعتراض کنند که بیش از حد لزوم بمندو و برآمد مسائل این فلسفه پرداخته ایم. ولی معتقد کردم شویم که در این جهت ارزش فلسفی و منطقی این از اراد رناظر نگرفته ایم بلکه از لحظ اینکه نشریات مروط به ماتریالیسم دیالکتیک بیش از اند ازه در رشود مانند شرشد و افتخارید نسبتاً زادی از جوانان را بخود متوجه ساخته و تایید عده ای باشد که واقعاً باور کرد و باشند که ماتریالیسم دیالکتیک عالیترین میستم فلسفی جهان و شهره مستقیم علوم و خاصیت لاینفلک آنهاست و درجه حکمت این میری شد و است لازم بود که تمام محتویات فلسفی و منطقی این رسالت تجزیه و تحلیل شود تا ازش واقعی آن پخوبی واضح گردد" (جلد اول، ۱۳۳۲، صفحه "لا").

میکسری میتوانیم: "ماد را بر قی ها آنجا که ارا و عقايد ماد بین را تغیر یابیم بیشتر بـ نوشته های دکترارانی استناد میکنیم و سیس علت را چنین توضیح میدهد: "بالاکه تغیریا پانزده سال از مرگ ارانی میکرد هنوز طرفدار ماتریالیسم دیالکتیک در ایران توانسته اند بهتر از اینویسند" بمعنیده این "مقد" نویسیده مارکسیسم - لنینیسم دکترارانی د را از اینچه مارکس و انگلستانی بزیان وادی بات فارسی واشنایی فی الجمله بزیان عربی ماتریالیسم دیالکتیک را روصوفتی، سه تراز از نچه مارکس و لینین و غیره داده بودند داده است و از آنچه کتابهای فلسفی وی برگتابهای فلسفی پیشمنی انش برتری دارد. باین مذاق است که با وجود بسیاری از تأثیرات و ترجمه ها در این زمینه ما بیشتر دکترارانی را سند قرار دادیم (صفحه "لب").

کرچه همین تویسند د مرقد مه جلد دوم مدعی است که "مقبود فقط ره فلسفه مادی و بیان اخراجات ماتریالیسم دیالکتیک" نیست بلکه "هدف اصلی بوجود آوردن یک سیستم فلسفه عالی" است (جلد دوم، ۱۳۳۲، صفحه "ه"). کتر صفحه ای از کتاب دیده میشود که بنحوی ازانجا بطوط مستقیم یا غیر مستقیم در متن و یاد رزینویسیهای د را زتازمن به "ماد بین" ، "پیروان ماتریالیسم دیالکتیک" ، "طرفدار اران دیالکتیک" جمله نشود. درین از ۵۰ صفحه از این کتاب بطوط اخض نام ارانی برده شده از آثار او تکه هایی نقل گردیده و باصطلاح مورد "انتقاد" قرارداده شده است.

این مولفین که عالیترین شمارشان "بر حرف هیچکس منه انگشت اعتراض" است و قصت صحبت بر سرمناقع محد و طبقاتی است باعصبانیت غیرقابل وصفی شدت اعتراض بلند میکنند.

سید احمد صفائی در مقدمه ای که بجلد یکم "علم کلام" نوشته همه "خد اپرستان و د اشمند ان را فرامیخواهد" که جبهه متحدی تشییل داده بجهاره میلیخاتی علیه مکتب ماد دست و سکاهه شد خدا و هو خواهان آن بپردازند و گوهرایان نظری پهلوی ایضاً جوانان را زد ستبرد د زان حقیقت و فضیلت

د و نگاهدارند" (جلد اول، ۱۳۳۹، صفحه ۳)، این دکتر عالم کلام که مینویسد " در مقابل منطق ماتریالیستهای امروز نمیتوان بمعنون کتب کلامی داشتمند ان سابق که مطابق با اوضاع و احوال و افکار آن روز نوشته شده اتفاقاً کرد" (صفحه ۳) بنترازد کوارانی نام برد و به استهرا اولاً " مقلد مارکن" مینامد و از اندیشه های مارکسیستی بعبارات "یاوه سرائی" ، " مقالله مضطک" ، " تقلب و تحریف یعنظومی سیاسی" ، " ترهات" و غیره یاد میکند.

احتیاجی نیست در اینجا به کتبی نظریه "سیر کوئنیسم در ایران" ، "کتاب سیاه" و هزاران مقاله، مجلات، روزنامه و مقدمه ها و زیرنویسهای کتب کوئنکون اشاره کنیم که همه آنها به تحریف اید شولو ری مارکسیست و جمل و تزییر و تهمت و افترا پیش از خاص داده شده است. همینقدر کافی است که شود که این تلاش های مبلغین دستگاه حاکمه خود نشانه و انتکاں این حقیقت اثکارنا پذیراست که اتفکاری که ارائه یکسی از بر جسته تربیت موجین قد اکار آن در ایران بود روز بروز نخود و اعتبار پیشتری بین بوده هکی مود م کشور کسب میکند، و تاریخ بطریزی پارز به ثبوت رساند که " فکر و قدرتی در تولد و رسوخ کرد قوهٔ ظهیری میشود". ترس از همین شیوه بزرگ تولد هاست که دستگاه حاکمه و مبلغین مرتعج از این ایام بی در بی به جهان پنهانی مارکسیسم - لینینیسم و موجین آن وارد از کرد است. لیکن تولدیدی نیست که این قوهٔ عظیم که در مقایسه جهانی در خشانترین پیروزی های تاریخ پیش را بدست آورد است در میهن ما ایران نیز علی رغم تمام تلاش های مقامات ارتقا یافته های پیروز خواهد شد. نیما این حکم تاریخ و قانون رشد جامعه انسانی است.

اندیشه های ارائه اندیشه های آزادی مود م از هر کوئنه ستم استعماری و طبقاتی، راه ارائه راه پیروزی همه مود م ایران در مبارزه علیه اسارت و بندگی است.

این اندیشه از همین راه بکامیابی خواهد رسید.

عهدی خوین با صبحی روشن تر

د هosal پیش، د رمهرماه آباناه ۱۳۲۳ مه کروه از افسران عفو سازمان نظامی حزب تسویه ایران و همراه آنان شاعر جوان مرتفعی کیوان بد متور شاه و بد لخواه ارتقای وامپرایالیسم تیپیاران شدند. قریب د ومه از اعدام مومنین کروه میگذشت که در تاریخ ۱۳۲۴ مه داد ۱۳۲۴ شش تن دیگر بنام کروه چهارم افسران پیشه‌دار ترسیدند و بدین ترتیب ۲۶ تن از افسران سازمان نظامی حزب تسویه ایران و یکتنان از اعضا غیرنظامی این حزب در پیار زندگی، بجزم حق طلبی و میهن پرستی، در خون خود طبیدند.

از این ۲۶ تن افسر شش نفر سرهنگ، هفت نفر سرکرد، هشت نفر سروان و ۵ نفر ستوان بودند.

اسامی آنها چنین است:

سرهنهک سیاپک، سرهنهک مبشری، سرهنهک عزیزی، سرهنهک افشار یکشلو، سرهنهک محمد جلالی، سرهنهک کاظم جمشیدی، سرهنهک بهزاد، سرهنهک سروشیان، سرهنهک وکیلی، سرهنهک صحی، سرهنهک عطارد، سرهنهک وزیریان، سرهنهک بهشتیا؛

سروان مهدیان، سروان شفا، سروان مدنه، سروان واعظ قائمه، سروان بیاتی، سروان کلالی، سروان کله‌بری، سروان محقق زاده؛

ستوان موزوان، ستوان نعمیری، ستوان مختاری، ستوان واله، ستوان افراخته.

در اثر گشایش سازمان نظامی حزب تدوه ایران، این حزب از احتمال آنکه و بد ارخد محروم ماند و مستقیم در زیر پرست دشمن خشنناک و خونخوار قرار گرفت. کشف سازمان نظامی حزب تدوه ایران که مکتب می‌سیامی و افزار پیکار اجتماعی مددگار شریف ترین افسران ارشت ایران بود و سرکوب خوین این سازمان و شهادت پیشه‌ترین و پرجسته‌ترین اعماق آن فاجمه ایست که هرگز از این خواهد رفت.

خشرو روزبه قهرمان ملی ایران در وصف اعضا "سازمان نظامی حزب تدوه ایران در دفاعیه خود در ادکاه درسته نظامی چنین گفت:

"همه اعضا تشكیلات انتخیه افسران وکلای سرپید ارش بودند. همه آنها از ایکسانی بودند

که بد رستی، پاکی، میهن پرستی، شرافت، انسان دوستی و بامدادی شهرت داشتند.

دستگیری این افسران محبوب موجب تعریق هد وره ها و همکاران و زید ستان و حتی رو سای آنهاشد و این تا شیر با وجود شرایط تهیقاتی ناساعد آنروزد بیوارهای سریاز خانه را شکافت و در شهران سکان یافت."

بسیاری از رفقاء شهید از جمله کسانی بودند که از همان آغاز بد ایش حزب تدوه ایران پای در جاده مبارزة انتقامی گذاشتند. رفیق شهید سرهنهک سیاپک مدتها پیش از آن به صفوغ چنیش پیوسته بود. مبارزة این رفقا در شرایط ناساعد ارش و با بجان خریدن خطر محظوم انجام می‌گرفت. قهرمانی آنها کوتاه مدت و یکاره نبود. این یک قهرمانی معنده و آکاها نه و خونسرد انه ای بود که تنها مساحبان

اعتقاد و یقین و آراستگان بصفت مردم وستی و برآزند کان عرصه جانبازی و فد اکاری از عهد آن بر می آیند. در حیط فاسدی که همه د فکر "با مین آتیه" خود بودند، آنها به آینده ملت می اند پیشیدند. خون سرخ این مردان با شهامت برای آن جاری شد که امواج سیاه نفت چند باره پیکر بسوی غرب سیلان یابد. مجلس هیجدهم میباشد لایحه خانشانه کنسرسیون بین الفعلی را تصویب کند. شاه و حاکمانش به محیط رعب و تسلیم نیازمند بودند تا مقابله با خود شود و خیانتهای مروحد ابدی از افران دلار ماقرانی این توطئه شدند. "کوساله سامری" باین قدری انسانی تیازد است. آری "گلوه آخرین حجت پادشاهان است" (۱).

رفقای شهید مادر رازجویی دادرسی و بویژه در بازیمین مرحله حیات و در آستانه اعدام قهرمانی شکری از خود پروردند. ایران ازین قهرمانی تکان خورد. جهان ازین قهرمانی آگاه شد. فرزندان مزدک و بابلک، حیدر عمو اوغلی و ارانی نشان دادند که روح مقاومت و عناد انقلابی در ایران نمرده است. کماکان با پرتوی شیرومند در تجلی است. تهران در روز شهادت گروه اویل بهوت و ماصرد بود. چنانکه انتظار میوقت قهرمانی شهید این تحسین و آفرین فراوانی را برانگیخت و احساسات عواطف عالیه ای را بیدار کرد و مایه پرورش نسلهای نازه ای از جانبازان حقیقت و دالت شد. مردم اشاره از استانهای زیادی بنام شهیدان پرداختند و ترانه "وابیوس" خواه ساراند، اش میخواست یانه، از جانب مردم بتعابه بدرود نامه شهیدان تلقی شد.

که من از این پس دل در راهی دیگردارم
براه دیگر شوی دیگر در سردارم
زصح روشن باید اکنون دل بسردارم
که شهیدی خوینیم با میخی روشن تردارم

مکن است شکاکانی باشند که بگویند: آیا برای این جوانان پرقریحه و آرزومند روابد راهی را برگزینند که پایان آن گلوه آققین است؟ آیا آنها ازدیگی خود را در آغاز آن بعثت برپادند و خاندان و فرزندان خود را متغیر شریعت کردند؟ این مطلع همه آنهاست که ذرا ن جانوارانه و هستی بی بار و بر رازندگی نام می نهند. هر خادم ای که در ده روانی میگذرد و هرفردی که در ده روانی مسیر حتما کولا جز "تاریخ" انسان نیست. تاریخ آن مسیری است که در آن تمام مادی و معنوی جامعه انجام میگیرد. طرازندگان نسج تاریخ آن کسانی هستند که در این مسیر میگشند و برای غلبه امر نو و متفرق از هیچ فد اکاری تن نمیزنند. در نبرد نو و کهن، زمانی است که کهن پرسیطره است و نو نزارو نساتوان، یاران امر نو مترقب در این هنکام با هجموهمای جسوانه به دژ ظلماتی نیوهای ارتقا یافته تکار، حق اهلیت امر نو و متفرق را میرهن میکنند. فد اکاری آنها عبث نیست. جانبازی آنها راه گشاد و رانسار است. بقول گوکی در منظوظه "شاهین":

جنون قهرمانان را ثنا می خوانیم
زیاجنون قهرمانان چریزند کی است

(۱) لوى چهارد هم پادشاه مستبد فرانسه بروی توپهای خود این عبارت لاتینی را داد نقر کنند:

Ultima ratio regum

کسی که به تکامل تاریخ خدمتی نکرد اگرچه دیری است زنده است زنده نیست و کسی که بسیان خدمتی شایان کرد اگرچه دیری است مرد است نمرد است^(۱). بقول ارنست همینگوی: « قهرمان را میتوان تایید کرد ولی نمیتوان مغلوب ساخت ». در مجموعه شوردهای شهیدان شاعری که دلایلی شهید پسر استند و است نیکو مرد »:

وه چه پرفخر است

رُنْجَ بِرْدَنْ ، پَاشِرْدَنْ

دَرْرَهَ يَكَ أَرْزَوَ مَرَدَ آنَهَ مَرَدَنْ

وَنَدَ رَامِيدَ بَزْرَكَ خَوِيشَ

بَاسِرْدَ زَنْدَگَيَ بَرْلَبَ

جان سپید ن

سبای ارجمند شهید ان مابپیوه در کارچه ره تاریک دزخیان و شنجه گران آنها شاه، راهدى تیمور خاتر، حسین آزمود، زیباشی، امجدی، بیصر، سیاحتگر، زمانی و امثال آنها در خشش خیوه کننده دارد، شهید ان مزاوار عشق و احترام مردم شدند و شعنان و جلد انشان در خود قهر و نفرت آنها و این خود بهترین پاداش یک زندگی است.

در روی به قهرمانانی که فرزندان خلف آن خلقهای هستند که تاریخ

آنها سرشار از قهرمانی است و آن جنبشی که در جهت رهایی میهن

و خلق آن پی رزد و آن حزبی که با آرمان روشن و بیکار سرسخت

خویش چین راد مردانی رادرد امن پرورد است!

با زماند کان این شهید ان باید به آنکه چنین گوهرانی در هر آنها در خشیده اند ببالند و با پیروی از راه آنها و صیانت معنوی آنها را برآورده کنند. مجاهد ان راه آزادی باید از نام و برام و منش و روش این شهید ان الهام گیرند و درستیز باد شعنان عدالت و حقیقت پاکیاز باشد. بهترین احترام به آنها پیروی عملی از سنن آنهاست.

۱۰۰ ط.

(۱) این اندیشه در قرآن چنین آمده است: ولا تَحَمِّلْنَ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللهِ أَمْوَالَهُمْ لَلَّهُ أَحْيَا إِنَّهُمْ بِرُزْقَوْنِ (کسانی را که در راه خدا اوند کشته شدند مرد نشمارید، زندگانی بیانکارید که در نزد پروردگارشان روزی خوارانند).

از جنبش رهائی بخش تا سوسیالیسم

/ مبارزه، جنگ و ایجاد جامعه نوین در الجزایر /
بخش دوم **

لازم بنتد کرو توجه است که نگارنده مقاوله خود جوینده ای
بیش نمیباشد، هیچ ادعای خاصی هم ندارد. لذا
احتلاط لا بعضی از فرمول بند پهان ممکن است بحق موجب
ایراد و انتقاد خوانندگان باشد که امید است بساکارهای
بعدی دیگر علاقمند آن بنت دریج تکمیل و بهتر شود.

رشد انقلاب الجزایرسوی سوسیالیسم ونقض احراز ب

جنگ الجزایر برای استقلال و آزادی بعلت مصادف شدن با دروان تلاشی کامل سیستم استعماری
ورشد جنبش‌های آزادی ملی و همچنین تماد فش با دروانی که در آن همیستگی جهانی نیروهای ضد
امپریالیستی بسطح بی نظیری رسیده بود، توانست توجه داشم ویمعترین محافظ جهانی را بخود جلب
نماید. سرنوشت الجزایر و تجزیات آن برای مردم کشورهای مستعمره وواسته و در زیر یک مفهوم خاصی
پیدا کرد. در این میان انقلابیون وطن ماجه مارکسیست‌ها و چه دستگاه واسطه با حراب ملی دیگر
هر کام بنوته خود و بجهاتی کاهی مشترک، کاهی متفاوت با این موضوع علاقمند شده و رشد حوادث آن را با
علاقه دنبال کرده و میکنند.

مسئله ای که بطور اخلاص در این قسمت از تجسس ما مورد توجه قرار میگیرد موضوع و مطالب منوط به راه
الجزایرسوی سوسیالیسم است. این موضوع بخصوص بعد از جلسه "شورای ملی انقلاب الجزایر" در روزیه
۱۹۶۲ که منتج بتصویب برناه طرابلس معروف شد، جلب توجه عدد نمود که بعد هاده راقنون اساسی
جمهوری دموکراتیک توده ای الجزایر (سپتامبر ۱۹۶۳) و سپس در کنگره اف. ال. ان (آوریل ۱۹۶۴) تکمیل
و تعمیق شد.

در اینجا حق یک سلسله سوال مطرح میشود: ملا آیا ساختمان سوسیالیسم در الجزایریک واقعیتی
است؟ اگر آری، در اینصورت این چه نوع سوسیالیسمی است؟ علمی است یا یک شبه سوسیالیسم است؟
برای ما مارکسیست‌ها بطور اخون این مسئوالها پیش می‌آید: حزب طبقه کارگر، حزب کمونیست الجزایر
چه نقشی در آن بازی کرده و میکند؟ جایش در کجاست؟ سوسیالیسمی که اف. ال. ان بسازد چگونه
واقعیتی میتواند باشد؟ بنابراین منطقاً سوال درباره کیفیت و روابط متقابل آن با حزب کمونیست الجزایر
** بخش اول این مقاله در شماره دوم سال چهارم مجله "دنا" درج شده است.

پیش می‌آید. این مسئوال پیش می‌آید که آیا سوسیالیسم بد ون د یکتاوی پرولتاریا ممکن است؟ اگر نه، تونه مشخص دیکتاوی پرولتاریاد را الجزایر در کجا هاست؟

برای احزاب ملی دیگر بطور اخسن تفکرات و مسئوالات زیربیش می‌آید: چرا سوسیالیسم تنها شرق قطبی برای حل واقعی مشکلات و مسائل کشورهای عقب مانده ای چون الجزایر و لذا ایرانست؟ جرسه الجزایر از این بابت چه می‌آموزد؟ چه تغییرات و تحولاتی در اف. ال. ان بوجود آمد تا اورا از پیشقاوی مبارزه برای استقلال ملی به پیشقاوی ساختمان سوسیالیسم مدل کرد؟ و با آخره برای قدم کذاشتمن در راهی که اف. ال. ان گذاشت و طی مرحله که اف. ال. ان پیمود انتظار آرایش قوا بجه د و مسئنانی در داخل درجهان پاید تکه کرد و مقابلاً دشمنان درد داخل و خارج که هاهستند؟

کوشش ما اینست که باین مسئوالات تا آنجاکه در خود امکانات یک مقاله است پاسخ داده شون طبیعی است که امکان وجود رجزیات و تحلیل وسیع یک سلسه مطالب و مسائل نظری پا سمعت و موشکافی لازم که هر کدام شایسته یک مقاله جد اکانه و خاصی است، درینجا غیرمendum است.

یکی از خصوصیات مهم جنگ استقلال الجزایر طولانی بودن آنست. از اثرات مثبت آن دادن امکان به انقلابیون و میهن پرستان الجزایری برای درک عمیق خصلت واقعی امپریالیسم و اشناختی با بازی های سیاسی استعماریون بود. عامل طولانی بودن جنگ همچنین با انقلابیون و میهن پرستان الجزایری امکان داد که با فرستاد و بطور ریشه ای بمسائل آینده الجزایر بیاند پیشند و پراسام تحریيات کشورهای دیگر برای آینده کشور خود نقشه های عملی طرح ریزی نمایند. عامل طولانی بودن جنگ و مشکلات طاقت فرسا و غیر قابل تهمدن از روشنشکری و کشانی بر حمله استعمارگران فرآنه موجب شد که پی دریج بارزترین، راسخترین، پیکرترین انقلابیون روی کار بیانند و انقلاب در طول زمان صد ها و هزارها کادر در ریان مردم تربیت کند و برای آینده انقلاب ذخیره نمایند.

عامل طولانی بودن جنگ فرمود داد که تقابلاً از چهره های برافت، بازیهای کوتاه و لحظه ای سیاست^۴ بی اثر بودن خود را نشان دهد و دستان واقعی انقلاب و دشمنان آن پی دریج صفتند شوند. خوشابهای اول نسبت به امپریالیسم امریکا پی دریج جای خود را بیک واقع بینی در مرور مساهیت امپریالیسم داد. درین حال پی دریج به قاید و مضر بودن سیاستهای تلقین شده از طرف بعضی عنصر رهبری اف. ال. ان داغر به تعقیب یک سیاست ضد کمونیستی برای جلب مهرو معجب حاصل می‌شوند: این جهانی (بخخصوص ایالات متحده امریکا) بشدت رسید. ناجاییکه نه شهاد رسالهای آخر جنگ استقلال، ارکانها و نمایندگان اف. ال. ان "مریحا از امپریالیسم بطرام و از ایالات متحده بطور اخسن و باذکر نام انتقاد میکردند، بلکه در "برنامه طرابلس" که مهمنترین و روشترین جمع بندی از اصول "اف. ال. ان" تا بازروز شمرده میشد، در آستانه کسب استقلال، صریحاً موضع جهانی این سازمان بنحو زیرین بیان شده:

"در منیزگ جنگ رهایی بخش ماعتارت از اینست که در مقابل فشار مقاومت ناید برمد م، رقابت کشورهای امپریالیست (علیغم آنکه تضاد های جزئی خود را حفظ میکنند) جای خیر را بمه هبستگی میدهد و نتیجه این درعن بزرگ عبارتست از: پشتیبانی کشورهای سوسیالیستی که با شکال مختلفه در رسالهای جنگ بجانب ماروی می آورند و نیز اینکه ماباید روابط موجود با آنها را تقویت کرد و امکان واقعی ایجاد کنیم تا خود را از امپریالیسم آزاد سازیم"^۵.

(۱) نقل از جزوی انتشره در الجزایر، ۱۹۷۶، ۱۰ مارس، ۱۹۷۶، ص ۲۴۱.

د پیگاز خصوصیات مهم جنک استقلال الجزایر جنبه کامل توده ای و تمام خلقي بودن آنست . صرف نظر از اینکه در تمام جنکهای چریکی و آزاد یخش علیه استعمار تا توده د هقانی ازان پشتیانی تناید هیچگونه شناس موقیت ندارد و بنابراین جنک چریکی و آزاد یخش **واقعی همیشه** خصلت توده ای دارد، مسیداً باید اضافه کرد که وضع خاص الجزایر این جنک را **اقحاتام خلقي** نمود . کترخانواده **الجزایری** بود که مستقیماً سنتی بارجتک را روی دوش خود احسان نمکند . از ۹۰ میلیون جمعیت ۵۰ میلیون نفر کشته شدند . د میلیون نفر در بیان شناخته شده بودند، ۵۰۰ هزار نفر زنگزند ای سیاسی، بیش از ۵۰۰ هزار نفس رهایت کردند و نزدیک به ۲۰۰ هزار نفر مستقیماً (بصیرت مجاهدین) و غیر مستقیم (بصیرت و فدائیان) در جنک شرکت داشتند . میاستختن استعماری فرانسه عبارت بود از نفت آنها به هر مسلمان **الجزایری** (البته اگریک قشر سپارکوچکی که باد سکانه استعماری همکاری میکردند کنارگذاشته شود) . این جنبه کامل توده ای بودن آن طبیعتاً در اف . ال . ان وارتش نجات بخش ملی تا **عیار اسامی میکنند** آنکه کارفعال اف . ال . ان وارتش آزادی ملی چنانچه کفته شد را غاز از چند صد نفر **جزایر و زنگزند** . بنابراین اف . ال . ان وارتش نجات بخش ملی بحدی و امروزی رادر جریان مبارزه همین توده های مردم، هنقاً و کارگران کشاورزی در در رجه اول تشکیل داده و بوجودش آوردند . کارهای اساسی اف . ال . ان در قسمت اساسی در جریان جنک خوین و د شوار بوجود آمد ، رشد و تربیت یافته اند .

لذا **کواینکه** اف . ال . ان در آغاز کار، سازمانی بود که بان احراز ملی گرویدند و در صوف آن نمایندگانی از احزاب بجزایر ای ملی نظیر فرهت عباس واحد فرانسیس و از اتحادیه علماء نظیر راهیمی و غیره شرکت کردند ، ولی توده اصلی اف . ال . ان را **زمینکشان ده** و شهر تشکیل دادند . در واقع نمایندگان تمایلات مختلف **بعض عده** درین وزیران و نمایندگان بین المللی اف . ال . ان بود که تمام رخراج از میدان اصلی مازره قرار داشتند ، حقیقت که منجر به پیدایش تضادی بین نیروهای داخل و خارج کشور شد و مدت تها موضوع بحث روزنامه ها و مخالف سیاسی بود . صرف نظر از اینکه توده **زمینکش الجزایر** در جریان ۳۰ سال قبل از قیام اول نوامر در جریان مبارزاتی که شرح آن در قسمت اول این مقاله گذشت تربیت یافته بودند ، مسیداً هفت سال و نیم جنک که هرسالش باندازه دهها سال زندگی عادی بانها آموخت ، آنها را رشد داد و بسیار پخته شان کرد . هفت سال و نیم جنک استقلال فرستاد که توده نظمی که استخوان بندی اصلی اف . ال . ان را تشکیل میدادند تاحدی با سعاد شوند و بگذشت کمیسرهای میاسی که اغلب از انشعابیان با پژوهش مارکسیستی بودند با حقایق ملتف طبقاتی خود بطور علمی اثبات شوند و با شعرو طبقات و خصلت اتفاقی خود این آموزشها را بخوبی خلاق بکار بردند ، چیزی که نتایج بارز آن از همان روزهای فرد ای استقلال ملی دیده شد .

د هقانان و کارگران الجزایر در طول ۱۳۰ سال استمار طبقاتی، استعمار واستمار را بعنوان یک پدیده لاینک از هم روی پوست و گوشت خود احسان کردند . بجزایر ای میم و بزرگ در **الجزایر بجزایر خارجی بود ، مالک بزرگ مستعمره نشینان خارجی بودند . برای نمونه ذکر میشود که در آغاز جنک استقلال در مجموع اقتصاد کشور از ۴۰ میلیارد سرمایه خصوص فقط ۸٪ آن به **الجزیره** ایها تعلق داشت . از ۹۰ میلیارد سرمایه که در این سالیانه فقط ۶۹ میلیارد ریال مال **الجزیره** ایها بود ، در مناج و تجارت و مؤسسات مالی ۹٪ فعالیتها درست اروپائیها متکری بود . از کارهای حقوق پیغور عالیته ۷٪ ولی از نیروی کار ۵٪ را **الجزیره** ایها تشکیل میدادند .**

رئیم استعماری یک بخش کشاورزی جدید را که تا ۲ میلیون هکتار از بهترین زمینهای زیر کشت **الجزایر** را در بر میگرفت ، توسعه داده بود که تماماً درست عدد محدودی مستعمره نشین بود . هشت

میلیون دهقان الجزایری روی ۴ میلیون هکتار از بیتلرین، فقیرترین و بی آب ترین زمینهای الجزایر با ابتدائی ترین وسائل کشت و نزد در تلاش تأمین حداقل معاش بودند^(۱) .
این در هم آمیختگی و واحد بودن دشمن ملی و دشمن طبقاتی موجب شده بود که در اعتقاد و تفکر دهقان و کارگر الجزایری پیروزی جنگ استقلال و نابدی استعمار متعاقباً به استعمار طبقاتی هم خاتمه بدهد.

الجزایر در فرد ای تحصیل استقلال ملی، موقعیه حق تعیین سرتوشت خود را به زیر از استعمار گران گرفت یک دنیا مسائل مهم اقتصادی، فرهنگی، بهداشت و اجتماعی داشت که میباشد آنها راحل کند. دولت الجزایر مکلف بود برای ازین بودن عقب ماندگی کشور راه رشد اقتصادی و سیاست مناسب و میهن پرستانه ای در جهت تأمین منافع طبقات اصلی شرکت کنند در انقلاب انتخاب نماید. بطری طبیعی منافع توده های زحمتکش دهقان که ۸٪ از شرکت کامل در انقلاب وداد آنهمه قربانی و کشیدن تمام بسیار سنگین استعمار و جنگ استقلال بحق خواهان راه حل قطعی و یکبار برای ابد برای مسائل مبتلا به خود و خاتمه دادن به قروچهل و بدینختی خود بود.

"احسان برای سوسیالیسم، هرجقدرهم که در هم و بهم بیود، در میان توده قیام کنند
به خصوص در میان توده دهقانی همیشه زنده بود"^(۲) .

این کشش بطریف سوسیالیسم که بدریج در میان توده بارزیزمند گان چریک الجزایر سخن پیدا کرده و ریشه دوانده بید از جمله خصوصیات بر جسته در رانی است که مادر آن بسرمیریم و به الجزایر هم مخدود نشده یک جنینه همراهی و سیعی دیگر شیوه های عقب مانده بخود گرفته است. این کشش تهدیل با آن جناب عامل مادی شده است که تا دید گرفتن آن کارآسانی نیست. آقای بن بلاد رنط خود در ۲۸ سپتامبر ۱۹۶۲ در اذاعان باین واقعیت چنین اظهار میکند:

"حققاً علاقه بسوسیالیسم یکی از خصوصیات اساسی مردم کشیوه های عقب مانده است که عقب - ماندگی آنها همراه با ساختمان سیاسی و اقتصادی شان، مخصوص استعمار امپریالیستی است. این علاقه بمجرد اینکه سلط استعماری ازین رفت مجدد ادر رین توده های مردم کسسه در جستجوی راه حلی هستند، ظاهر میشود".

در حقیقت امر این اراده و تمايل و خواست همین توده دهقان و کارگر است که در " برنامه طرابلسی با جملات زیر بیان شده است:

"بعد از خاتمه واقعی مبارزه برای استقلال، یک انقلاب دموکراتیک توده ای تحققیب خواهد شد، انقلابی که عبارت خواهد بود از ساختمان آکاها نه برمیان اصول سوسیالیستی و با قدرت دردست توده مردم زیرا اگر شد الجزایر میخواهد سریع و موزون وهد ف آن تا مین احتیاجات اقتصادی مردم باشد، باید لزوماً بایک در نمای سوسیالیستی برآسان جمعی نمودن وسائل اساسی تولید و بر نامه ریزی علمی توان باشد"^(۳) .

(۱) امارها از مجله "Realités Algériennes et Marxisme" شماره دسامبر ۱۹۶۰ او نشریه تحت نام "Premier congrès des Fellahs" منتشره در الجزیره اکتبر سال ۱۹۶۲ برد آشته شده است.

(۲) نقل از "Documents on Self-Management" منتشره در الجزیره، سپتامبر ۱۹۶۳ ص ۹
(۳) انتشاریه بالا صفحه ۱۳

اما در صورتی ممکن بود راه سرمایه داری رشد در الجزیره انتخاب شود که بروزهای در راه من انتقال می بود . صریحتان غیرمتا سب و غیر متعلق بودن چنین راهی برای شرایط مشخص **الجزیره**، به صورت اگر هم چنین راهی انتخاب می شد می باست بطور کاملاً معنوی و با نیز و کوشش، بروزهای **الجزیره** را تسا خد و دی در بخش های مهم ایجاد و بعد تقویت و بال و پرداز ناینکه بتواند بعنوان نیروی اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی مهمی رهبری را درست بکند ، نیز بروزهای **الجزیره** برخلاف مثلاً هند وستان قبل از استقلال بسیار ضعیف و ناقص و ناتوان بود .

کروه اقتصاد دانهای جوان اف . ال . ان در تحقیق خود درباره راه **الجزیره بطرف سوسیالیسم بروزهای **الجزیره** چنین ارزیابی می کند : « بروزهای **الجزیره** خلیل ضعیف است بروزهای وارد در معاملات ، بروزهای سرمایه داری پعنی مارکسیست کلمه عمال وجود ندارد » (۱) .**

حال آنکه اندام سیستم استعمار فرانسه یک بخش حیاتی از اقتصاد کشور را به دست دستگاه استعماری ، بروزهای صنعتی و کشاورزی فرانسه اداره می شد را اختیار دلت ملی **الجزیره** قرار داد که امکان میداد با یک سیاست صحیح ازان بعنوان پایگاهی برای ریختن پیشنهاد ولتی اقتصاد و بخش جمعی استفاده نمود و راه افتادن آنها را بدست بروزهای سد کرد ، کاریکه در را واقع با تمام دلسوزی و دقت با شرکت فعال و ابتکار خلاق زحمتگذار و دستگاهی بروزهای مدرن انجام گرفت .

ولی مسئله اساس ترد را بینجامست که با وجود اینکه بروزهای ملی در جنگ استقلال شرکت کرد و جزو نیروهای انقلاب محسوب می شد و قوامی هم در رهبری انقلاب داشت ولی رهبران انقلاب و سرکرد آن نمود . حتی در جلسه شورای ملی انقلاب **الجزیره** (CNRA) در طرابلس در ۱۹۱۲ هنگامیکه تمام نیروهای مختلف شرکت داشتند و بحرانهای داخلی که بعد ا شجر بکناره گیری عوامل مخالف سوسیالیسم شد هنوز آغاز نشده بود و هنوز دلت ملی و مستقل تشکیل نشده بود ، سئله بروزهای ملی چنین مطرح می شود :

” در زیرنام واحد ملی — که او به سه ترین وجهی آزان بهره داری می کند — بروزهای مدعا است که در جهت منافع خلق عمل می کند ، تضادی پشیمانی تدوین مردم را در این دلت ملی یعنای تحداد در اطراف بروزهای نمیست . این وحدت ملی عبارت است از ایجاد وحدت خلق براسامن اصول یک انقلاب دموکراتیک و توده ای که در برابر نیازشده بیهای آن بروزهای عزیماً منافع خود را تابع نسازد ” از طرف دیگر بروزهای سلطنت **الجزیره** که بطور عده بروزهای دلال و سود اگر بود همیشه بعض از اندیشکار بروزهای انصار ای خارجی در مکیدن شیره جان مردم دست کمی از پکان نداشت و بحق نفرت و کینه مردم زحمتکش را بخید جلب کرد و بود . این کینه از یک طرف بعلت نفرت عمومی خلق علیه استمار گران خارجی و شباهت طبقاتی آنها بهم و از طرف دیگر بعلت تلاش های آنها در فرد ای استقلال برای تصرف و جانشینی شدن و پر کردن خلا ” ای که بارانه شدن سرمایه داری خارجی بوجود آد و بود شدید می بافت . افای بن بلا در همان نقطه ۱۰ آوریل ۱۹۱۲ خود در راین باره چنین میگوید :

” اگرما بروزهای (Borgaud) را بیرون کرد یم بعلت نژادی نبود ، ما از خودی ها هم یاندازه کافی زجر کشیده ایم ” . سفته کاران واستفاده جی هاچه یا کله و چه بافینه ۱۲۲ سال خود شان را از راه استعمار مردم مافیه کرد و آن ” (۲) .

بعمارت دیگر بروزهای ملی **الجزیره** علی رغم شرکت درانقلاب از نظر اقتصادی و یا به مادی و نه از نظر اخلاقی و سیاسی دروضی نبود که ساختمان کشور را در فرد ای استقلال در چهار چوب منافع خود هدایت

(۱) از " Fidel Castro ou Tschombe " صفحه ۳۶
(۲) از " Documents on Self-Management " صفحه ۴

و رهبری نماید. مهتر اینکه اف. ال. ان موتورانقلاب چنانکه بعداً به تفصیل بیان خواهد شد آنچان سازمان سیاسی نبود که در خدمت بورژوازی باشد. هم‌اهنگی اسامی آن بیشتر و بطور عدد باتلا شهای سوسیالیستی رشد انقلاب در الجزایر مطابقت داشت.

معهداً آنچه که باید در اینچهان تجربه کرد اینست که نه دولت فردای استقلال فلی‌یک دولت سوسیالیستی و نه "برنامه طرابلس" در مجموع خود هنوز برنامه ساخته‌ان سوسیالیسم بود. " برنامه طرابلس" در مجموع خود وظایفی اولیه یک انقلاب دموکراتیک تدوه ای و خند ایدیستی را منعکس می‌کند.

اما " برنامه طرابلس " متوازیاً یک مسلسله شرایط وظایفی را تعیین و در مقابله دولت آینده قرار داد که انجام آنها راه را برای انقلاب سوسیالیستی باز و هموار نمود. دولت فردای برنامه طرابلس سربیما شروع به ویران کردن وضع سرمایه‌داران و تحصیر گران فرانسه می‌کند و توأمًا اقدامات جدی برای معانعت از جانشین شدن بورژوازی الجزایر بسیاره دارخواجی خلیع بدشده مینماید. درینماه تائید شده است که : " هشیاری می‌طلبید که در فرست اول علیه این خطوات جنگید و با اتخاذ اقدامات مناسب از توسعه پایه اقتصادی بورژوازی در اینجا طبی سرمایه داری استعمار نوین جلوگیری کرد "

" برنامه طرابلس " ورشد بحدی حوداً انقلاب الجزیره در واقع اجرای خلاق و در عمل نظریات مطرح شده در اعلامیه احزاب برادر روضوع راه رشد غیر سرمایه داری است و بجز این طلب است کفت که یک کلک وهنگاری می‌بینی برای ادراک همه " جانبه این طلب است .

تجربه الجزیره می‌نمود که راه غیر سرمایه داری در اثراقد امامات بمقوم و مناسب دولت و حزب و شرکت فعالانه و اکاهه تدوه هانگزیر و بطری احتجاب نانزیری بسوسیالیسم نجاح دیدی است.

در وران بالا قابله بعد از استقلال، دولت ملی مبارزه پیگیری علیه عاقب استعمار، ریشه کن کردن اقتصادی آن بطور عدد، تحکیم استقلال و حاکمیت ملی، تجدید حیات اقتصادی کشور و بهبود ویرانیهای ناشی از جنگ و باسخ به دهیا مسئله برم و فوی رایبندیده داشت. درستله ارضی اقد امامات دولت متوجه زمینهای مستعمره نشین ها و قسم ازاله‌ای راه را بر قرار ترجیح-چ داده و زمینهایا مرخد و هاکرد و بودند. (از سال ۱۹۶۴ است که مرحله دوم رفرم ارضی اعلام و مطرح می‌شود که هدف آن متوجه زمین داران الجزایر است) درین‌ش صنایع و کارخانجات هم به عنین ترتیب عمل می‌شود و اساس ملی کردن و سپردن اداره اینها بدست کارگران (Self-Management) محدود ببعضی از سرمایه داری خارجی می‌شود.

ولی با بتکار و اقدام فعل و خالق زحمتکشان ده و شهر و پشتیبانی و تشویق دولت از همان اول زمینهایا و موسیات صنعتی با روشهای جمعی به مرور نطفه های سوسیالیستی آغاز بکار می‌کنند. دهقانیان از الجزایری از جانب خود و با بتکار خود زمینهایکه از طرف مستعمره نشین ها سرخود رهاشده بود تصرف کرد و بطور جمعی مشغول بهره برداری از آنها شدند (۱) به عنین ترتیب کارگران کارخانه ها و موسیات تولیدی راه سرمایه داران خارجی رها کرد و بودند، بدست خود گرفته و بطور دسته جمعی اداره نمودند (۲).

سند مربوط به خود گردانی (Self-Management) در نشریه وزارت اطلاعات تحریت

عنوان " مدارک درباره خود گردانی " این طلب را بصورت زیر توضیح میدهد :

" اگر در جریان مبارزه و با انتزاع همه دارائناً استقلال دسته های کارگران، موسیات صنعتی و

(۱) در حدود ۲۶۴۸۸۹۰ هکتار از این نوع زمینهای بسته هقانان بطور دسته جمعی نا اول اکبر آزاد از

(۲) از ۴۸۰ موسیة صنعتی ترک شده نا اول زوئیه ۱۹۶۲ - ۴۸۰ مؤسسه بدست کارگران احیاء و بکار افتاده و اداره می‌شد.

کشاورزی راکه توسط صاحبان قبلی آنها رهاده بود تصرف کرد و اند به بجهجهه تحت نام آئین حاضر و آمده، تصرف وسائل تولید نبود. عقل سلیمان ذاتی کارگران و دهقانان با آنها گفت که این شهادت راه بازی برای ساختن کشور و ارادی انسانی خود آنهاست^(۱)

رشیس جمهور بن بلا در نطق رادیو- تلویزیونی خود در ۲۹ مارس ۱۹۶۳ این مطلب را چنین تأثیر مینماید: «۰۰۰ در آنچه که فربوط بوضعیت میشود، فرمانهای ۲۲ اکتبر ۵ نوامبر ۱۹۶۲ در استقرار کمیته - اداری (Management-Committee) صرفناصوبی وضع موجود بود که تهدیه های زحمتکش بالتها بحال وطن پرستانه و اقلایی خود در سراسر کشور ایجاد کرد و بودند^(۲)

دهقانان از همان آغاز زمین را بعنوان مالکیت تمام خالق دنی رنگرخته و هرای بهره داری جمعی از آن استفاده کردند. جالب است که در اولین کنگره فلاحان (اکتبر ۱۹۶۳) حتی یکنفره هقان بنفع مالکیت خصوصی و تقسیم زمین را می تقدیم کردند. این روحیه اجتماعی تهدیه دهقانی و تغیر روحیه مردم الجزیره که خود عامل مهمی برای پیشرفت افکار سوسیالیستی در کشور است در شریجه بیش از ۱۳۰ سال استعمار اسلامی و دهقانهای دشوار زیر قشار و مست خارجی و بطری اخضاع هفت سال و نیم جنگ استقلال و مقاومت دسته جمعی آنها در برابر قدرت عظیم استعماری ناشی شده است.

در مارس ۱۹۶۳ دولت الجزیره یک سری تحویل نامه های بسیار مهم و تاریخی راکه شامل سازمان و اداره صنایع، مادان و واحد های کشاورزی و همچنین صورت قانونی دادن به اقدامات کارگران و دهقانان در راه ارائه مؤسسات اقتصادی بدست خود آنها (خود گردانی یا Self-Management) میشد تنتیف نمود که در عین حال اشکال صحیح فعالیت و عملیات ارگانیتهای خود گردانی را مشخص مینمود. در این لواح همچنین الگوی توزیع درآمد مؤسسات، دستمزد کارگران و دهقانان در این مؤسسات، رابطه داده و لوت آنها و یک رشته مسائل مهم دیگر از این قبیل را مشخص مینمود.

جزوه منتشره از طرف کمونیستهای الجزیره^(۳) در ازیزی ای راجع به راه خود گردانی چنین مینویسد: "ایجاد یک بخش خود گردان بمناسبت وسعت ان و معنی سیاسی و اجتماعی اش از حد یک اقدام مساده سازمانی در ریاره اموال رهاده از طرف استعمارگران خارج شده است".

این تعمیمات اولاً - ضد امپریالیستی هستند زیرا یک پایگاه مهم اقتصادی استعماری را زانها قطع مینماید. ثانیا - یک اقدام دموکراتیک و تقدیم ای و دارای خصلت ضد سرمایه داریست زیرا راه به امال بروزی ای الجزیره که در مدد تصرف این اموال بنفع خود بود می بندد. ثالثاً - این اقدامات خصلت سوسیالیستی دارد زیرا در درجه اول نه برایه مالکیت فردی بلکه مالکیت دسته جمعی استوار شده است، در ثالثی اصول توزیع درآمد، رابطه باد ولت، رشد اقتصادی این راههای تولیدی با برنامه های طویل العده است و بالآخر اداره آن بر اساس دموکراسی سوسیالیستی پرقرار شده است.

در نظریه "استناد در ریاره خود گردانی" اهمیت اقتصادی و اجتماعی این بخش خود گردان (Autogéré) در ریاره برای سوسیالیسم چنین ارزیابی شده است: « بالاستقرار یک بخش باکتریل جمعی واقعی یک پایگاه مبارزه استواری برای جنبش سوسیالیستی الجزیره تأمین میشود. از این پرسس سوسیالیسم الجزیره میتواند ریاره اش علیه نیروهای سرمایه داری داخلی و خارجی نه فقط روی یک حزب و سازمانهای تهدیه ای بلکه همچنین روی پشتیانی یک پخش کامل اقتصادی هم حساب نماید»^(۴)

(۱) "Documents on Self-Management" صفحه ۲۱ (۲) همانجا صفحه ۲۹

(۳) از جزو "L'Algérie marche le Socialisme" صفحه ۵۷

(۴) "Documents on self-Management" صفحه ۵۶

اهمیت دیگر این تصریفات درباره ایجاد و تقویت بخش خودگردانی از نظر سیاسی دادن امکان به زحمتکشان شهروده است برای اینکه بطور روزافزونی نظر فعال و بتدیریج رهبری در حیات کشوری را کنند که شرط لازم و مهیی برای ساختمان یک اجتماع سوسیالیستی است.

باین ترتیب در شرایط انتخاب راه رشد غیرسما به داری ممکن میشود که درین اجتماع کهن یک کشور عقب ماند، نطفه و تناصر صورت بندی اجتماعی ایند ه یعنی سوسیالیسم بوجود آمد و بطور روز افزونی با شرکت فعال تهدیه های زحمتکش و پشتیبانی و کلک د ولت و حزب بمعامل تعیین کنند ه و مسلط مدل شود. درحالیکه درین یک صورت بندی سرمه داری صرف امکان ندارد که صورت بندی سوسیالیستی بوجود آید و فقط توانم منطبق کنند ه سوسیالیسم مانند طبقه کارگر، حزب و رشد عالی و سایل تولید سرمایه داری امکان پذیرمیگردد.

درالجزایر از همان فرد ای تشکیل دلت مستقل مانی اقتصاد کشور با خصلت دلائمه ضد امپریالیستی از طرفی و برای سوسیالیسم از طرف دیگر در حال رشد بود و همین موجب ظایف دلت و کانه انتقام دلت و لست میگردید. نتیجتاً مانع از بخششای متعدد اقتصادی می بینیم که تازه آنها ه بنویش خود در حال تغییر و تحول و یک نوع درهم بر همی است. بخششای موجود اقتصادی درالجزایر بطور عدد عبارتند از:

- پخشش د ولت که پر حسب موارد یا کاملاً در اختیار دلت قرارداد و یا با سرمایه داری و یا با پخشش د سته جمعی اقتصاد کشور تواناً بهره برد اری میشوند.
- پخشش مربوط بتواند کان کوبچ و پیشه وان.
- پخشش سرمایه داری و مالکین ارضی الجزایر.
- پخشش سرمایه داری انصاری خارجی.

"مبارزه ایکه برای توسعة انقلاب سوسیالیستی درگیر است درین ادامه مبارزه ضد امپریالیستی و فشار روی آن، هدفش عبارت از تحسیل برتری بخششای عمومی، خودگردان و تعاونی، روی بخششای خصوصی سرمایه داری (اطی و خارجی) میباشد" (۱).

جهت گیری در راه سوسیالیسم و اقدام مشخص دلت ایجاد پایه مادی سوسیالیسم روزگری در حال پیشوای و تحریف سنگرهای جدیدی است. در سپتامبر ۱۹۶۳ قانون اساسی جمهوری دموکراتیک تدوین ای الجزایر تضمیب شد که "ساختمان کشاورز ابرمنای اصول سوسیالیستی" از اصول وحد فهای اساسی کشور قرار میدهد. هیچکس راجارت نمیکند که با استفاده از اراده یهای داده شده در قانون اساسی حد مسنه باستقلال و حاکمیت لی و خواسته ای سوسیالیستی مود وارد نماید. قانون اساسی وظیفه دلت و اف ال ان راساختمان سوسیالیسم درالجزایر قرارداده و در ماده ۲۱ تأیید میکند که "اف ال ان هد فهای یک انقلاب دموکراتیک و تدوین ای رابانجام میرساند و سوسیالیسم راد را جزایر میسازد" (۲).

در تنظیم برنامه پنجساله کشاورزی (۱۹۶۳-۱۹۷۸) این سیاست تحقیب میشود که "تو سعه بخش کشاورزی سوسیالیستی بطور اخسن باید مدل بد تحرک ترین بخش در توسعة کشاورزی الجزایر در مجموع باشد" هد فهایکه اقتصاد ملی باید برقرار کند دیگر عبارت از غنی ساختن سریع یک عدد ممتاز، چه مستحمره نشین خارجی وجه بزرگی الجزایری نمیباشد" (۳).

اولین نکره اف ال ان در آوریل ۱۹۶۴ که تحریض و سال و نیم بعد از جلسه رؤیتی ۱۹۶۲

(۱) از "Le socialisme en marche" ۱'Algérie" صفحه ۵۱

(۲) از "La constitution" منتشره درالجزیره، سپتامبر ۱۹۶۲

(۳) از نشریه "premier congrès des Fellahs" الجزیره، اکتبر ۱۹۶۲

طرابلس واستقرار حکومت ملی الجزایر تشکیل میشود رقطعنامه سیاست عمومی خود چنین تید میکند:

”... ناگفید علی راه سوسیالیستی منتخب از طرف الله عبارت از توپوت مظلوم بخش سوسیالیستی در مقابل بخش خصوصی، با افزودن به بخش سوسیالیستی تمام واحد های اقتصادی لازم بسراي پیشرفت سریع کار دهی بخش، با توسعه این بخش از راه ایجاد بازهم بیشتر موسمات خود کرد انى و یا ملی کردن هاست“ (۱) .

اختافه بران تصمیمات اساسی دیگری در قطعنامه اقتصادی و اجتماعی آغاز شده و از جمله قید شده است که ”کنکره تصمیم گرفته که تدارک لازم دیده شود و بمجرد امکان ملی کردن تجارت خارجی، باندها و حل و نظر بمورد عمل گذاشته شود“ (۲) .

اختافه برآنها تصمیماتی در کنکره مبنی بر نقشه ای کردن تمام اقتصاد ملی، تقویت بخش خود گردانی و همچنین تبدیل موسمات دیگر هم سیمین صورت برای پیشرفت بهتر و بیشتر بخش سوسیالیستی و اجرای مرحله دوم رفرم ارضی اتخاذ شده است.

بدون رحمت میتوان موارد، اظهار انتظارها و اقدامات فراوانی را برای نشان دادن تصمیم و علاوه مردم و دلت برای ساختمان یک الجزایر سوسیالیستی برآنچه که تابحال گفته شده است اختافه نمود و نشان داد که چگونه قدم عملیات مخصوصی در رجهت ریختن پایه های مادی اقتصاد سوسیالیستی و ایجاد روتای متناسب با آن انجام میشود . ولی برای اینکه بسطالب دیگر مورد بحث مقاله برسیم گمان میروند آنچه که تابحال ذکر شده است برای رساندن هدف کفایت میکند . علاقه مندان به اطلاعات بیشتر و مشروحتر از جمله میتوانند به مدارکی که درمنت این مقاله اشاره رفته است مراجعه نمایند .

لکه ای که تذکر مجدد و مجدد آن ضروریست اینست که راه الجزایر بصوی سوسیالیسم، بمحصلت شرایط تاریخی، فرهنگی، وضع جنگ استقلال و نیروهای شرکت گفته داران و حزبی که پیشقاول ساختمان آنست و حتی میتوانست وجود شرایط بین المللی بمعماری متناسب، راهیست طولانی، تدریجی و آرام که علی آن برد اشتمن کامبا بصوی سوسیالیسم همراه با انجام وظایف انقلاب دموکراتیک و توده ای و مذا امپریالیستی است . راه سوسیالیسم در الجزایر توأم این اثواب و اقسام که داشتما، کتاب آندها، تحمل و پرد برای نسبت به قشرها و طبقاتیکه هم در طول قرنها از استعمار صد هدیده اند و هم در چنگ استقلال شرکت عملی و فعال داشته اند .

در ارزیابی انقلاب سوسیالیستی الجزایر باید از هرگونه چه روی و شتاب درقضاوت واژه سرگشته الگو سازی و شبیه تری خود داری نمود . مسئله رأانظری که هست باید کوشش در فرمیدنش نمود نه به ترتیبی که مادر تمصر و ارزوهای خود میخواهیم باشد .

الف . آن رهبر چنگ استقلال، نیروی محرك و پیشاہنگ ساختمان سوسیالیزم

داد رائینجا برای بهره دهی بیشتر بحث این واقعیت را که اف . آل . آن امروز حزب پیشاہنگ ملت با وظیفه ساختمان سوسیالیسم در الجزایر است باز کراز چند منبع و مأخذ مختلف و معتبر بد ون است لال فقط نشان میدهیم و بعد میبیند از زمینه این مسئله اساسی که چگونه و تحت چه شرایط و عواملی اف . آل . آن از یک سازمان تمام خلقی رهبر سیاسی چنگ استقلال ملی بیک حزب پیشاہنگ که ساختمان سوسیالیسم را در الجزایر وظیفه خود قرارداده است مبدل شد .

(۱) نقل از زبانه "Le monde" ۲۲ آوریل ۱۹۶۴ صفحه ۹

(۲) ایضا

در زد ارک پراعتبار و مهم نظیر قاتون اساسی جمهوری دموکراتیک توده ای الجزایر صراحتاً این نقش وظیفه اف.ال . ان قید شده است . "اف.ال . ان جزب واحد پیشقاول د رالجزایر است" - و یا "اف.ال . ان هستد فهای یک انقلاب دموکراتیک توده ای رایانجام موساند سوسیالیسم راد رالجزایر میسازد "(۱) . در تکریه اف.ال . ان در آوریل ۱۹۶۴ این وظیفه و نقش وسیعتر و عمیق تر تعیین میشود و حزب اف.ال . ان راموتور انقلاب ارزشی میکند .

در نشریات حزب کمونیست الجزایر بخصوص درسالهای اخیر تحولی در جمیعت شناسائی این نقش اف.ال . ان دیده میشود و اهانتیهای پواریشی برای بهبود اف.ال . ان در تجول بیش از پیش به جلو و حائز بودن تمام شرایط یک حزب پیشقاول مینماید .

نشریه منتشره از طرف کمونیستها تحت عنوان "الجزیره در حرکت بسوی سوسیالیسم" باین مشوال که چه کسی باید ترکیب حزب پیشقاول را بدهد باین نحو پاسخ میدهد : " آنهایکه حزمنشکشان در وجود آنها خود را بدیده و آمالشان را در آنها در ری یابند ، تمام آنها یکه هر فناظر از طبقه ای که از آن برخاسته اند برروی پایه های سوسیالیسم علمی و بربرو موضع حزمنشکشان و در راه منافع عالی ملت قرارگرفته باشند "(۲) . با توجه باینکه حزب کمونیست الجزایر از نظر سازمانی و میاسی شناه حزب ملی است که در خارج از اف.ال . ان قرارداد رجیعنی پیشقاول در حال حاضر همکاری در راه اف.ال . ان نیستند . ۰۰۰ بنابراین یکی از اوضاع کنکریت اف.ال . ان عبارتست از تهیه بهترین شرایط برای اینکه تمام عوامل پیشقاول باهم عمل کرده ، در هم گرد آیند تا اتحاد تمام نیروهای خادم برای سوسیالیسم نزد یک شود .

صرف نظر از تاییدات مکرر رنشریات کمونیستهای الجزایر در باره اقدامات دلت و اف.ال . ان چه در مسئله وحدت وجه برای ماختهان و ایجاد پایه های اساسی سوسیالیسم ، نقل قول فوق بطری روشنی نشان میدهد که حزب کمونیست الجزایر در شرایط د وان بعد از استقلال ملی هاتوجه به تحولات مثبت و متفرق که در داخل اف.ال . ان بوجود آمد است ، لزوم حزب واحد و پیشقاول راد رالجزایر را میکند "(۳) . در اخراج اف.ال . ان انسان و هسته های آنرا میبیند ولی بحق اصرار میتواند که تمام طرفداران سوسیالیسم و انقلابیون پیشقاول در داخل اف.ال . ان قرارداد رکنکریت اف.ال . ان (منظور همان تکریه آوریل ۱۹۶۴ است) باید شرایط مناسب را ایجاد کند تا همه نیروهای واقعی طرفدار سوسیالیسم

(۱) از "La constitution" الجزایر ، سپتامبر ۱۹۶۳

(۲) از "شروع" (Le début) در آوریل ۱۹۶۴

(۳) هنوز در ۱۹۶۱ رفیق پیش راحح علی از هبران حزب کمونیست الجزایر در نشریه حزب "واعیان" الجزایر و مارکسیسم " چنین نوشتند بود : " نیتوان در خارج از واقعیت بنگذار . واقعیت الجزایر کمونی عبارت از یافتنست که میارزه مودم الجزایر توسط اف.ال . ان رهبری شده است . کمونیست های الجزایر این را از زمان تا عیسی اف.ال . ان تایید کرده اند . حزب کمونیست الجزایر خود را عضو لایتزرای اف.ال . ان میداند . این بعنای پشتیبانی اش ، میاره اش ، حضورش در بین اعضاء ارتش نجات ملی ، درجه بندی و همچنین در سازمانهای توده است " ۰۰۰ مسئله وحدت باید روی شهزاده همکرم واقعیت مطرح باشد : اف.ال . ان باید تمام الجزایریهای ضد امپریالیستی و طرفدار پیشرفت را بدون تبعیض در هم جمع نماید ، بدون مابقیه هنی به مستکن آنها باین یا آن سازمان ملی ، چه این سازمانهای توده ای باشد . ۰۰۰ وجه بطریق اولی حزب کمونیست الجزایر بقیه دزیر تویس مفهوم بگشود .

در آن فعالانه شرکت نمایند. حزب کمونیست الجزایر در ضمن اصرار میکند که اف. ال. ان از حزب همه آنطروپیکه در جریان جنگ استقلال بود پهلوی پیشاوهنگان مبدل شود و از صفو خود رفیقان نیمه راه را در بر میکند. باین نظر و موضع حزب کمونیست الجزایر کنگره اف. ال. ان (بخصوص روی اصرار بن بلا) پاسخ مثبت میدهد. قطعنامه کنگره اف. ال. ان این موضع را چنین مشکس میسازد: «کی از وظایف اساسی برای دادن نیروی جدید به حزب و تقویت ارتباط آن با توده ها عبارتست از بهبود ترکیب اجتماعی آن بازراه تقدیر کارگران و هفقاتان فقیر داعضو گیری و همچنین اضافه کردن پارزین انقلابی پیکری که هنوز هم در خارج از صفو قرار ندارند» (نهی روی کلمات از تویستند ه مقاله است) که در حقیقت پاسخ مثبت و رضایت بخشی بخواست کمونیستهای الجزایر میدهد.

این نشان اف. ال. ان در پیشگویی بودن و ایفا نقص مازنده سوسیالیسم در الجزایر از طرف احزاب سنتور کمونیست جهانی هم تأیید و موقع خود شناخته شده است و نماینده آن در موقع بازدید رئیس جمهور و دبیرکل حزب اف. ال. ان بن بلا از اتحاد شوروی در آفریل - مه سال جاری بود. رفیق خوشچف در تعقیب خود بعنایست وود بن بلا به مسکو چنین اظهار میکند: «برای ما بطور اخص ماینه خوشوقتی است که شمار از رخاک شوروی دوست بعد از خاتمه کنگره اف. ال. ان ملاقات میکنیم که در آن طرح راههای مشخص ساخته اند پایه های سوسیالیسم در جمهوری دموکراتیک توده ای الجزایر ریخته شد» (۱).

در پیام رفقا خوشچف و برزنف بنام حزب و دولت و شورای عالی اتحاد شوروی چنین قید شده است: «ما بر اکتشاف رفیق بن بلا و تمام مردم قبربان الجزایر، دولت آن و حزب جبهه آزادی ملی موقفيتهای نازه و پیزگی در راه تحقق طرح پرتابه ساختمان اجتماع سوسیالیستی در الجزایر، در راه استحکام و حاکمیت ملی آن و آرزومندیم» (۲).

این نقل قولها و ذکر نمونه ها از این جهت قید شد تا چنانکه در اول بیان شد کمتر روی صحت و یا عدم صحت ماهیت و نقش امروزی اف. ال. ان صحبت شود تا در علل و چیزگویی این تحول در تاریخ ده ساله آن.

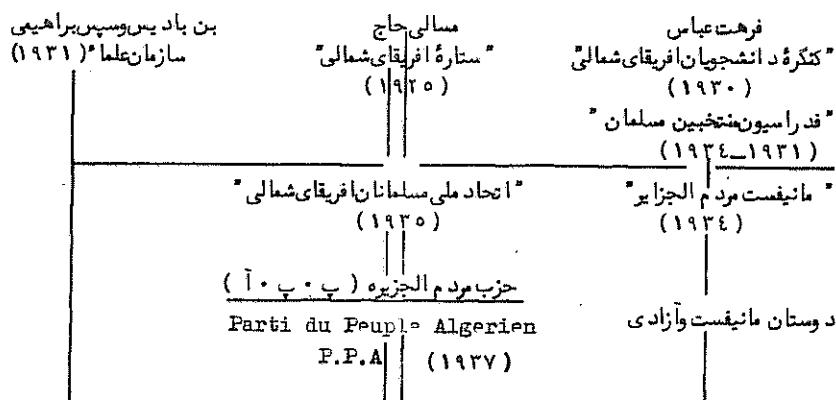
بقیه از زیرنویس صفحه قبل

همین رفیق بشیر حاج علی در مصاحبه خود باروزنامه اونیتا ارگان حزب کمونیست ایتالیا در تابستان ۱۹۶۴ در پیاسخ باین مسئوال که "شمادر ریاره برتانه کنگره جبهه آزادی ملی چه فکر میکند" چنین میگوید: «این برنامه نتیجه تحلیل علمی و وضع در الجزیره است و ساست و ترقی سوسیالیستی را تامین میکند. در این برنامه احکام عامی وجود دارد که برای تکامل سوسیالیستی شاخص است و اجتماعی کردن همه وسائل عدد توکید را پیش میکند و نیروهای محرك انقلاب را پرونواری شهر و دهه د هفائی و روشنگران انقلابی میشود». این نیروهای اجتماعی که محرك انقلابند در حزبی پیشاوهنگ و بد ورد ولتی که نماینده آنهاست گردیده اند (مجله "زارویژن" شماره ۳۱ تاریخ ۲۱/۸/۱۴۷۰ ص ۲۴)

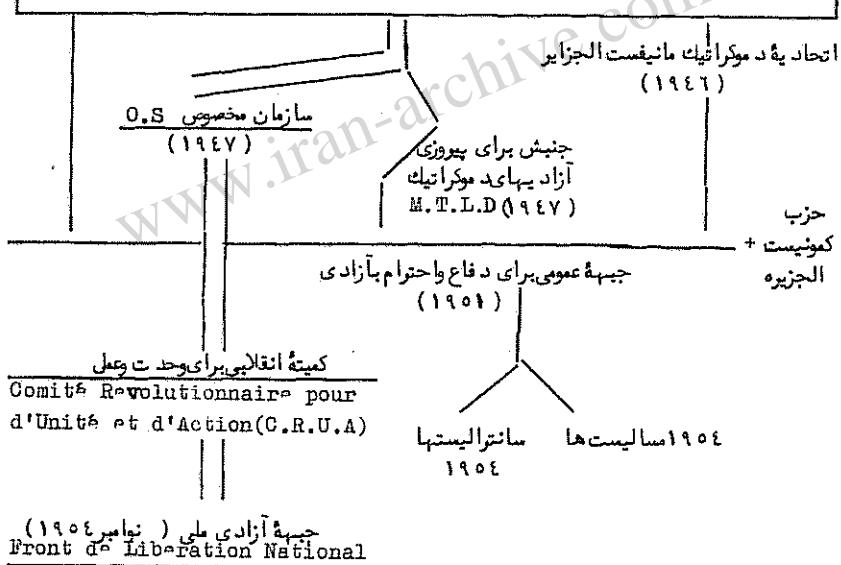
(۱) پراودا، ۱۶، VII صفحه اول

(۲) پراودا، ۱۶، VII صفحه اول

برای نشان دادن این تحول بدوا به منشاء و مبدأ اف.ال. ان برگردید یعنی "شجره" اف.ال.ان به ترتیب زیراست: (۱)



حوالات و کشته رستیف در ۱۹۴۵



چنانچه دیده میشود اف.ال. ان از نظرمنشاً و بدء حزب خلپ پ.پ آآ (حزب مردم الجزایر) است . این حزب از همان آغاز فعالیت خود بحلت طرح شعارهای ملی ریشه دارد (هیشه در مقایسه با شعارهای معمول زمان خود) بیش از هر حزب دیگر الجزایر از طرف استعمار فرانسه تحت پنگرد و فشار بود رهبران مسالی حاج دائم از زندان به تبعید و از تبعید بزنده اند یا افداد . حزب پ.پ آآ قسمت عمده حیات سیاسی خود را بصورت مخفی و غیرقانونی اداره داده است . در دروان بعد از جنگ جهانی دوم در شرایط نسبی دموکراتیک موجود در فرانسه و مجالس محلی بود ، پ.پ آآ نهاد حزبی بود که از امکان شرکت و سیاست در انتخابات مجلس ملی فرانسه و مجالس محلی بود ، پ.پ آآ نهاد حزبی بود که از این حق محروم ماند و برای انجام فعالیت علنی و شرکت در انتخابات چنانچه قابل اتفاق نداشت جبتش برای پیروزی آزادی های دموکراتیک (MTD) را تشکیل داد .

قبل این بیان شد که در ۱۹۴۷ با پیکارهای تحرک ترین عنصر این حزب ، سازمان مخصوص باغلام اختصاری OS که یک سازمان نیمه نظامی کاملاً مخفی بود تشکیل شد . در این این سازمان افرادی نظیر بن بلا، بود یافته ، بالقاسم کریم ، دیدوش ، بن مهدی وغیره قرارداد شدند . در آستانه ۱۹۵۴ وقتی که این حزب با پیکارهای در رهبری روپر شد و حزب بد وسته مسالیست ها و اسانتالیست ها تقسیم گردید ، گروهی از فعالین حزب بطور عمده واساسی از مشمولین OS در خارج از این کشور بی حائل و پسر قرار گرفته و تعاملی سویی بین کمیته انقلابی برای وحدت و عمل را تشکیل دادند . و همین کمیته است که تاریک قیام را فراهم دیدند که جبتش ملی را زاین بن بستی که در نتیجه کشمکش های خصوصی و نفوذ فردی بوجود آمد . بیرون پیاوند (۱) .

خوبست که با روحیه و خصوصیات افراد این هسته اولیه و پایه کذا را ان اف . ال . ان از زبان خود آنها که در اعاده اول نواحی مسکونی شده بود آشنائیم . در مقابل این وضع که خطر چیران ناپذیر شدن آنرا تبدیل میکند ، گروهی از جوانان مستول و مبارز آگاه که عناد مردم و مصمم در آنها گرد آمده بودند ، وقت را مناسب بیدند که جبتش ملی را زاین بن بستی که در نتیجه کشمکش های خصوصی و نفوذ فردی بوجود آمد . بیرون پیاوند (۱) .

برهمنای بیوگرافی رهبران اصلی قیام بین آسیاد هقان زاده ، زحمتکش ، روشنکر و از طبقات متوجه میشوند و بد و استنای همه آنها در ارای تربیت چندین ساله وازو سین و فعالین درجه اول سازمان نیمه نظامی OS بوده اند .

این گروه از نظر شعار سیاسی در شرایط یک کشور استعماری فری ترین و درین حال اساسی ترین و عدد ترین شعار را که استقلال ملی بود مطرح کرده اند که در مقایسه با شعار احزاب نمونه بوزواری ملی مانند UDMA (فرهت عبا من) و حتی حزب کمونیست الجزایر که شعار استقلال و وحدت با فرانسه را مطرح میکردند متفرق تر ، صحیح تروانقلابی تر بود . همین گروه کمیته انقلابی وحدت و عمل بود که توانست بایک تحالیل صحیح تروشم سیاسی بهتر و روحیه انقلابی تر بهترین و مناسب ترین و موثر ترین روش مبارزه را در شرایط آنروز الجزایر استعمار شده تشخیص و بعرحله عمل کذا اشته و پیروز گرد اند . بعیار دیگر موئسین اف . ال . ان از نظرمنشاً و بدء ابه آن حزبی تعلق داشته که از تمام احزاب دیگر ریشه ای تر و تازه درداخیل آن حزب به انقلابی ترین و مژه ترین تنازع تعلق داشتند و از نظر رشد طبقاتی فردی هم در اساس و بطور عدد بخانواده های فقیه ای و بوزواری تعلق داشتند . از جمله این مخصوص از روشنکران طبقات

(۱) نقل از نشریه " نوامبر ۱۹۴۵ تا نوامبر ۱۹۶۳ " ، الجزیره ، ۱۹۶۳ صفحه ۵

متوسط بودند که در کشورهای عقب مانده آماده داشتن غالیتین روحیه نظامی و مبارزه جویانه هستند. اغافه برآن، نکته ای که توجه آن در خروج اهمیت اساسی برای توضیح مطلب است، اینست که گوینکه جبهه آزادی ملی محل تجمع تمام نیروهای سیاسی ملی و خدا استعماری بود، گوینکه هر کس که طرف آستقلال ملی و آماده مبارزه تا هر حد و بهترین حیوي علیه استخمار فرانسه بود جایش در رابطه با این بود، کو اینکه تمام احزاب ملی موجود (پجز بخشی از حزب پ. ب.) برهبری مسالی حاج که با قیام نیاپد و در ۱۹۵۵ تشکیلاتی بنام جنبش ملی الجزایر MNA را بوجود آورد و حزب کمونیست الجزایر که از نظر سازمانی در خارج از اف. ال. ان مانده ولی دستگاه نظمی ای ان به ارش آزادی ملی پیوستند) داخل در اف. ال. آن شدند، معندها جبهه آزادی ملی بهیچوجه بصورت جبهه ای از این احزاب آنطوریکه از ظاهر اسم آن بر می آید تشکیل نشد بلکه تمام این احزاب خود را منحل کرد و بطور انفرادی بعضوف اف. ال. آن پیوستند.

بنابراین پجز اشخاص سرشناصی از این احزاب مانند فرهت عباس، احمد فراصین، بو شجیل، براهیمی و غیره که آنها هم در خارج از کشور ماندند و بعد هاهم بدربیج اختلاف نظرها یشان مسوب جب برخورد آنها باید اف. ال. آن شد (در دوره بعد از استقلال) افراد عضو این احزاب در جزیران هفت سال و نیم چنگ نابود گشته با هم در هم آمیختند و چه سما جان خود را در راه استقلال فدا کردند و اینچه که ماند همراه باد ها و دهها هزار نسل تازه از هقانان و کارگران که بعوف اف. ال. آن و آ. ال. آن پیوستند نتنه درخت شوند اف. ال. آن را تشکیل دادند که در آن کسی ریشه اصلی و اولیه خود را بخاطرند اینست (منتسبی علیرغم این پروسه مثبت درین توده ها نباید از نظر در است و کم بهادر اد که وجود این نمایند گا و عوامل طبقاتی پذیره از احزاب ملی دیگر ایکطرف بعلت مخدودیت افق نکریشان و از طرف دیگر بعلت خاصیت طبقاتی پذیره ایشان و ترس آنها از سودت و عمق مبارزه و تا، میرتاکتیک های سازشکارانه بورژواشی اشخاصی نظیر بوقیبا درین آنها یک مسلسل اثرات منفی در رسایست داخلی و بین - العلی اف. ال. آن در سالهای اول بطور اخص و در مجموع حیات اف. ال. آن تاهمنین او خراز خود بچای گذاشت. ولی چون اساسی درین توده تشکیل دهنده و پایه عینی رشد انقلاب الجزایر داشت هیچ وقت نتوانست بقدرت مسلط و رهبر مبدل شود)

با این ترتیب اف. ال. آن بصورت معمول ملت الجزایر را آبد که در آن طبقات مختلف متنا بسا قدرت وسعت شرکشان در مبارزه نشان خود را رانقلاب و جهت گیری اف. ال. آن گذاشتند. بهینه نهایت بازدشت زمان و تندید مبارزه و چنگ استقلال اف. ال. آن بدربیج پیمانه دهقانان و کارگران که نتنه اصلی آنرا تشکیل میدادند در میان آنها بینز من مردمیاند. بهینه نهایت در هریچ در ور ای نماینده بورژوازی نبوده است علیرغم اینکه در سالهای اول چنگ استقلال و نامه تی بعد بورژوازی ملی نفوذ در فکر و روش اف. ال. آن داشته است.

نکته اساسی دیگر آنکه اف. ال. آن در جزیران تقریباً همال زندگی خود بهمان صورت روز اول باقی نماند است و مثل هر پدیده اجتماعی تغییر و تحول یافته است اف. ال. آن تحت تأثیر تغییرات وعوامل داخلی و جهانی در تغییر و تحول داعی بوده است اف. ال. آن در آغاز متعلق بد وان سالهای اول ۵۰ بود. هنوز جبهه سوسیالیسم شکوفانی در وان بعد از مبارزه علیه کیش شخصیت استالین را پیدا نکرده بود. هنوز حدود تأثیر سوسیالیستی در حرکت جامعه عصر ما بجلویه وسعت امروزی ترسیده بود. هنوز نقش قاطع و تغییر کننده اتحاد شوروی در مسئله کاتالان مسوئز، انقلاب موسیالیستی کو بسا، حواله خاوریانه و غیره در برابر چشم جهانیان قرار گرفته بود، هنوز در وان چنگ سرد و سیاست است

سکتاریستی استالین در مسئلهٔ ملی کشورهای عقب ماند و از طرف احزاب کمونیست تعقیب میشد، هنوز امپریالیسم و بخوص امپریالیسم متفوق امریکانیوی موثر در تعیین سیاست جهان در سیاری از نقاط و در سیاری از موارد میبود.

اضافه بر اینها ناسیونالیسم الجزایر بطور کلی واقعهٔ آن بطور اخص یک سلسهٔ تجربیات نامساعد و تاخیل احزاب کمونیست الجزایر و فرانسه به بخصوص در یکی دو سال اول قیام داشت.

عقاب ماندگی نسبی اید ئولوژیکی ناسیونالیستها و وطن پرستان الجزایر و اساساً اجتماع بطور کلی و شرایط واضح و احوال جهانی روزهای اول قیام، بجهة آزادی ملی همانند چنین های ملی در خیلی از کشورهای دیگر (از جمله میهن ما ایران) یک خصلت کلی ضد کمونیستی و تاحد وی سازشکارانه نسبت به امپریالیسم در مجموع خود داده بود. در سالهای اول قیام روی عامل تضاد امپریالیستها بیش از حد حساب میشد و تلاش برای جلب مهروهمیت و پشتیبانی امپریالیسم امریکا بطور اخص بعمل میآمد. یک نوع خوشبازی نسبت به خصلت "ضد استعماری" امپریالیسم امریکا وجود داشت و تشدید روحیه ضد کمونیستی تاحد و کی برای جلب همین پشتیبانی امریکاییها بود.

مثلاً سرفنترا را انتقادات شدیدی که در رنگره سومان (Souman) در ۱۹۵۶ از حزب کمونیست الجزایر بعمل آمد، در یکی از هنودهای تکره چنین قید شده است "تفذکه کمونیسم را باید در نظره نه داشت" (۱)، و یاطبق شرحی که آقای راک دشمن در کتاب خود "تاریخ اف. ال. ان" میدهد آقای بن بولائید مسئول امانت اوره با حمکد گروف نماینده لابری بوهالی رئیس حزب کمونیست الجزایر ملاقات میکند و در آن ملاقات آقای بن بولائید پیشنهاد خدمت دسته جمعی کمونیستهارا رد میکند (۲). حتی بعد از روییه – اوت ۱۹۵۶ که دستجات مسلح کمونیستها تحت موافق تئامه ای که بین آنها و هبری اف. ال. ان انجام میشود بد ون قید و شرط بعنوان ارش آزادی ملی می پیوندند تاهد تها المجاده ارگان اف. ال. ان از عدم وجود کمونیستها در صفوی پارهیز اینها صحبت میکند.

ولی بیاند شست زمان و تجربه زندگی هیرارکه شمع فروزان زندگی یک راد مرد الجزایری بدست یک سرباز جیوه خوار اجنبی با کلولا شهر ساخت امریکا، انگلستان، فرانسه و دیگر اعضاء پیمان اتلانتیک شما لی خاموش میشد، وجد ان انقلابیون شلاق بید اری بیخورد. روز بیرون مسلم میشد که (بدون کمک سادی و دیلمانیک تأثی و بخصوص ایلات متعدد امریکا) فرانسه قاد رنمیودید یک چین جنگ طولانی علیه الجزایر را برای بیاند از د و درسایه پشتیبانی مادی و دیلمانیک کشورهای ارد و سوسیالیستی و افریقا و آسیا و امریکای لاتین بود که مردم توانستند سرخود را در مبارزه علیه فرانسه و متحد نش باانکار ازد. آقای بشیر حاج علی از هیران حزب کمونیست الجزایر برد رمقالهٔ خود در مجلهٔ "واقعیات الجنایروم رکسیم" این تحول اف. ال. ان را چین ارزیابی میکند: "این فقط زندگی است که ساخت یک شوری را تدبیق میکند." نظریه ای که زندگی آنرا رد کند باید در ورش اند اخた. با تجربه ساخت این سالهای جنگ، میهن پرستان تحول یافته اند، رابطه بین ملیون و کمونیستها مستحکم شده است، سکتاریسم طرد شده است." (۳). این تحول فکری از یکطرف بطور عدد و راشر تغییرات و رشد تبدیل متشکله اف. ال. ان و انعکاس آن در هبری جمهه و بهبود میباشد حزب کمونیست الجزایر وجهت یابی صحیح جبهه جهانی سوسیالیسم در مسئلهٔ رشد ملی، رشد و قدرت روز افزون از قلایه سوسیالیستی و جاذبه روز افزون ان، تغییرات در تعالی

(۱) از "Realités Algériennes et Marxism" صفحه ۱۲۰

(۲) از کتاب "Histoire du FLN" صفحه ۵۷

(۳) از مجله "Realités Algériennes et Marxism" شماره ۷ سپتامبر ۱۹۶۱

وقاد رفیقان جهانی و تحریریات کشورهای علیه ماند دیگر و از طرف دیگر در ترتیبیه تحریریات گران قیمت خود اف ال آن در طول هفتمال و نیم جنک انقلابی و تکامل و پیشرفت‌هاشی که در طرز فکر بخش مهی از راهبری رخ داد ناشی شد. توجه آن شد که در مسائل بین المللی اف. آن ابتدا ریچ از سالهای ۱۹۵۸ بعد در ارگانهای خود در برخورد های بین اطلاع صریحاً از لک کشورهای امریکا پیشنهاد و بنام از اینها می‌ایم امریکا انتقاد نمودند و چنانچه ذکر شد در برناهه طرابلس موضع صریحی در مقابل امیریا می‌سیم و بنخود وستی با کشورهای سوسیالیستی ایجاد نمودند. این سیاست را رئیس جمهور الجزایر و دبیکل حزب اف. آن اد رفیقان اول خود با تحداد شروع مکراتا مید کرد. بطور معونة با ظاهرانظر ایشان در ازیستان اشاره می‌شود: «..... در خانه می‌خواهم بگویم که چند روز پیش در رایا لات متعدد امریکا کارشی منتشر شده که الجزایر راه خط‌زنگی را کرته است: راه دوستی با کشورهای سوسیالیستی. می‌خواهم از همین کلخوز در رفاقت اد اعلام بکنم که مابین دوستی مفترضیم. علیرغم تمام شکلاتان، علیرغم اینکه منابع مس احمد داد است، بنام تمام مردم الجزایر و بنام مبارزین شهید می‌گوییم که هیچ رشوه ای از از جانب آن دوستی‌هاشی که چنین گزارشاتی در کشور اینها منتشر می‌شود، نمیتواند دوستی مارا باشامتزلزل کرد اند.» (۱) این تحول در عین حال از اراه مبارزه اصولی و اید علویک در داد اخیل جبهه و از اراه تصفیه اساسی در رهبری حزب دوستی تسریل و ممکن شد. مثلاً می‌شود بعنوان نموده ذکر کرد که در آخرین کمیته مرکزی منتخب درنگکره اف. آن در آوریل ۱۹۶۴ تحریریا هیچکس از اعضا دوستی انتخاب نشدند. و یا از عوامل مو شری که در ریاق اول نواهر شرکت داشتند، مثلاً از کمیته نه ترقی بجز شهد اشی تظیر بن مهدی و دیدوش، جزین بلا هیچگذام تا با خر وا پیکری با انقلاب نماندند، یا کنار قشند و یا مانند بید یاف، آیت احمد و حیدر مصلحانه بمعارزه علیه رزیم پرد اخترد.

بعیارت دیگر اف. ال. آن امروز نه در نیووهای مشکله آن ونه در هریری آن همان چیزی نیست که در سالهای اول تشكیل خود بود.

نکته قابل تذکر دیگر اینست که اف . ال . ان پنایت وصیه برناهه طراپایم میباشست از صورت حزب همه بعصرت حزب پیشگاراول که دران مبارزترين واکاه ترين نمایندگان خلق جاي داشته باشند ، درايد .
نکره عصیانی برای بهبود وضع طبقاتی حزب از راه عضوگویی جدید در رده اول از میان کارگران و دهقانان فقیریا تجاذب نمود . نکره اصل سانترالیسم دموکراتیک را اصل تشکیلاتی آن و موسیالیسم علمی را ایدئولوژی حزب مشخص نمود .

نکته دیگری که بنظر نگارند و توجه بآن کلک بد رک بهتر مسئله مورد بحث میکند اینسته که با توجه به آنچه که شرح آن قبل از رفت میتوان چنین قید کرد که ایدئولوژی مسلط و عده آن گروه جوانانیکه در اعلامیه اول نواہ از انسانها که میشود یکنون پرسن شدید و عیق بود که در حقیقت نه ناسیونالیسم تنگ و محدود و پسروانی، بود و نه تاحد میهن پرست، موسیاتیستی نکامل یافته بود.

در دردی بروزی پرای خود و عشق بیمهن و خلق خود، عشق پرای خدمت بعدم محروم وطن خود بعثایه ملاک همین عامل عشق بیمهن و خلق خود، عشق پرای خدمت بعدم محروم وطن خود بعثایه ملاک اصلی و نقطه حرکت بود که ممکن کرد تا انسان اعاده قانه تا بیمهن پرستی سوسیالیستی بالا بیاند و روز بروز شاخ و پرگ ناسیونالیسم پژوهای رازخود رونکند.

ماد رکشور خود نهاده چنین پدیده ای را کنم ندارم . شخص آقای دکتر مصدق از جمله همین میهن پرستان صادق و پیغمبری پیده که ملاک قضاآوش برای تعیین دوست و دشمن ، سیاست و روش آنها بسبت به مناقم ملت ایران بود . ایشان هم در آغاز زیرا برای ایالات متحده امریکا خوشبینی داشتند و در جلسه کمک (۱) پروردادا ۷ صفحه ۲۴

ویشیانی آن کوششها کردند. ولی روزی هم رسید که به ماهیت حقیقی امریکا یعنی بردن، بجنگ با او بود اختند و عاقبت هم با توجهه مشترک امیریکائی و انگلیسی تحت رهبری امیریکائیها حکومت ایشان وارگون گردید.

در حقیقت چه طایلی جز عشق بعدم و میهن خود و یک انسان دوستی عیق و کامل و احسان رنج ازدیدن فقر و تگدستی مردم زحمتکش در کشورهای عقب مانده و منجمله کشورها ایران موجب میشود که دسته دسته از روشنفکران طبقات متوسط و حتى خانوارهای مرغه پشت بامیازات خود کرده و بطرف افکار مارکسیست کشیده شوند و تمام نیرو و حتی جان خود را در راین راه فدا نمایند تا امیازات طبقاتی و از جمله امیازات خود و خانوارهای خود را در رهمنی خود و تهاب نمایند؟ در شرایطی که احزاب کارگری نتوانسته اند و یا نمیتوانند تمام ذخیره روشنفکری کشور خود را که مرزو دستیزاید است جلب نمایند چه استعدادی وجود دارد که روشنفکران مشکل درد یکسازمانهای اتفاقی و مولی چنین کششی بطرف سوسیالیسم و مارکسیسم پیدا نکنند و خود و مسامران خود را بان طرف نکشانند؟

از خصوصیات عصری که مادران بسرمیریم اینست که سوسیالیسم در کشورهای عقب مانده بین انقلابیون بطور روز افزونی به تهاراه چاره برای ازین بدن عقب ماندگی این کشورها مدل میگردند. آقای نلسون نند لا رهبر کنگره ملی افريقيای جنوبی که از بریتانیا کان نهشت "نیزه لست" است و چندی پیش از طرف حکومت فاشیستی افريقيای جنوبی بحسب ابد محکوم شد در فاعلیت خود بعد از آنکه کمونیست بودن خود را تکذیب میکند چنین میگوید: "... چنانچه گفته ام درست است که تهمت تا" شیافکار مارکسیستی بود مام اما این واقعیتی است که در ریاره رهبران همه کشورهای آزاد شده صادق است. افراد مختلفی چون گاندی، نیترو، نکرمه و ناصر باین امور اعتراف اند. ماقبله ارمی که برای رسیدن بهای کشورهای توسعه یافته و از میان برد اشتن اشاره نماییک نوع سوسیالیسم در این کشورها احساس میشود. (۱)

اگر و یاسه وعله قبل ازاین منتقل گشته اند که این وظیفه راد رشایط پیگرد و فشار و جرس داعی از طرف رئیس همی است. فقط احزاب کمونیست و کارگری بودند که این وظیفه راد رشایط پیگرد و فشار و جرس داعی از طرف رئیس همی است. تعداد اضافی دیگر منفرد شده و از اجرای نقش خود در مقامات ملی محروم میمانند، امروز دیگر باره زه برای سوسیالیسم و دفاع از افکار مارکسیستی در میانه پیروزیها، قدرت ارد وی سوسیالیسم، پیشرفت های نمونه کشورهای عقب مانده گشته اند چنین، بلغارستان، کوبا، ویتنام، کره شمالی و حتى قسمت های آسیائی و افريقيائی شوروی و يخصوص د راه رهاره از حزب کمونیست و کارگری خود این کشورهای رهبری و رساند نماین افکار و مشکل کردند زحمتکشان کشور خود از صورت محدود ماند به یک حزب و یاد سه خارج شدند و بدترین درصد بر نامه های احزاب ملی و ضد امیریکائیست و میهن پرست قرار گیرد.

طبیعی است که منظور ما این نیست - هر کس که کلمه سوسیالیسم را بر زبان راند و ادعای ساخته ای سوسیالیستی بنماید معنی ایشان این نیست که واقعاً موضوع را بطور علمی فهمیده و هدف ساخته ایان سوسیالیسم علمی است. هدف مادران یان چانه وارد شدن و نه تحلیل و انتقاد از ماهیت این کاتیب مختلف سوسیالیستی است. آنچه که من میخواهم اینجا تجد کرد و شیجه کمی یک تن همین عالمگیر شدن فکر سوسیالیسم، بند بیل شدن تدریجی آن به تهاراه چاره این کشورها در تکرواعتقاد انقلابیون و میهن پرستان کشورهای عقب مانده است.

در نظریه حزب کمونیست الجزایر تحت عنوان "الجزایر در حرکت بسوی سوسیالیسم" این فکر طرز جالب نیز بیان شده است: "سوسیالیسم این آرمان شهانگیز و پیروزمند، عرصه اتحادی و قرقگاه" (۱) نقل از روزنامه ایران آزاد، شماره ۱۹، اول تیرماه ۱۳۴۱، صفحه ۲

هیچ انقلابی و یاگروهی از انقلابیون و یا قشر اجتماعی خاصی نیست که بخواهند آنرا از آن خود سازند. بلکه بر عکس سوسیالیسم هر روز با نیرومندی پیشتری هواد آران نوینی بدست می‌آورد و تمام میهن پوستان و انقلابیون را که در کرد و اند سوسیالیسم بهترین راه برای معاشرت خلق آنهاست در مبارزة وحدت می‌سازد، صرف نظر از اینکه این عناصر از جهه کسی ارمان سوسیالیست را فراگرفته و آن دفاع نموده اند^(۱) .

اینها باید بطور عددی مجموعه یک سلسه عوامل و شرایطی که ممکن کرد که اف. ال. ان در جریان هفت سال و نیم و جنگ استقلال و سوال و نیم دروان بعد از آن با آمادگی و زمینه تبلی که داشت در لیک شرایط مناسب جهانی بدترین تکامل و تحول یافته و رسالت تاریخی خود را از هبری جنگ استقلال تا پیشتر اول ملت در ساختان کشور و یا ریزی سوسیالیسم اد امده دهد.

هیئت نمایندگی حزب کمونیست فرانسه تحت ریاست والد روشه دبیرکل حزب در اکتبر ۱۹۱۴ در پاسخ دعوت رسمی اف. ال. ان ازال جزاً بودیدن کرد . این هیئت در مذاکره با احمد بن بلاریش جمهور نکاتی را مذکور کرد که بویزه از جهت تصریح ماهیت خط مشی اف. ال. ان و خود این سازمان جالب است و ما قسمی از این سند را که در تاریخ ۲۰ اکتبر ۱۹۱۴ در "اوامنیته" منتشر شده نقل میکنیم :

"هیئت نمایندگی فرانسه مذکور کرد که حزب وی پیروزی خلق الجزیره را بثباته فتح بزرگ همه خاقانی که برای استقلال ملی و ترقی و صلح و دموکراسی نیز میکنند میتوانند کنند است. این هیئت آن سمت سوسیالیست را که خلق الجزایر در زیر رهبری حزب "جبهه رهائی پخش ملی" در پیش گرفته است کاملاً تأیید میکند ."

تشدید مبارزه طبقاتی - مبارزه برای برکناری و خلع بورژوازی، در راه تأمین حاکمیت جمعیتشا

طبیعی است که راه ساختان یک اجتماع سوسیالیستی در کشورهای عقب مانده از مسیر مبارزه علیه فشید الیس و مالکین ارضی و بورژوازی و خلیط نهاده از حاکمیت اقتصادی و سیاسی کشور میگذرد و هموار میگردد . ولی همانقدر که سرعت و قاطعیت و شدت اتعلی در جهاره زدن فشید الیا و بورژوازی بزرگ لازم و در شرایط معینی آسان است، بهمان اند از هم مبارزه لشکر عظیم خرد و بورژوازی مشکل هاید با حوصله و نرمیش و بردباری و پاشیوه بیشتر ترقیتی همراه باشد. در تعلیمات و ادبیات مارکسیستی اینهاد رجهار چوب و ظایف دولت دیکتاتوری پرولتاریا قرار میگیرد .

مارکس در اثر جاود ای خود "انتقاد از برناهه گوتا" چنین می‌آموزد : « بین جامعه سرمایه داری و کمونیستی دروان تبدیل انتقلابی جامعه اول بجامعه دوم قرارداد . متناسب با این دروان یک دوره انتقالی سیاسی نیز وجود دارد و دولت این دروان جیزی جز دیکتاتوری انتقلابی پرولتاریا نمیتواند باشد ». در الجزایر که طبق تحلیل ترکهای مطروحه و مسموه در کنکره اف. ال. ان میایستی از ایک دوره عبوری و انتقالی باند از کاخی طولانی گذشت در جریان آن قبل از گذار سوسیالیسم تمام عیار انواع و اقسام گذشتها و کناره افتن ها پاپخش خصوصی و با خرد و بورژوازی داخلی بجعل خواهد آمد، طبیعت است که ظایف دلت در مانع از رشد بورژوازی و ازین بودن نام و تمام اقتصاد سرمایه داری بیایست متناسب اداره زمان طولانی و تدریجاً انجام بگیرد .

در ضمن نباید از نظرد ورد اشت که در الجزایر ایجاد تدریجی پایه های مادی سوسیالیسم هم زمان و متوازی با اجرای وظایف انقلاب دموکراتیک توده ای و ضد امپریالیستی انجام میگیرد . یعنی از یک تحریف

انقلاب در مرحله ایست که بورژوازی ملی یا بعبارت دیگر بورژوازی متوسط و کوچک جزو نیروهای انقلابی شمار محدود و از طرف دیگر پایه های مادی آنچنان اجتماعی ساخته میشود که در آن ضریه اصلی علیه بورژوازی و استثمارگران داخلی است . بخصوص که توجه زیادی میشود که بورژوازی کوچک از انقلاب روبرود آن نشه و پیش از اینکه در شهرها و چه دردهات تشکیل میدهد که بنایه تحلیل تزهای کنگره اف . ال . ان . یک منبع بالقوه برای دشمنی با ایدئولوژی ضد سوسیالیستی است *

لذا خط حرکت عمومی ملی شده تا موز از این قرار است که اول از جانشین شدن بورژوازی الجزایر بجای بورژوازی مهربانیست راند و شده فرانسوی جلوگیری شد و او را وارد که منافع خود را تابع منافع تمام ملت بکند . ثانیا بخش دلتی اقتصاد و بخش دسته جمعی اداره شده توسط کارگران و دهقانان (Self-Governement) بطور روز افزون تقویت شوند تا در رئاسیه دیگر مهربانی از آن بخش سوسیالیستی شود . همچینین بطور روزانه بکارگران و دهقانان امکان داده میشود که در اداره اقتصاد و امور کشور نعش اصلی و هبری کنده ای ایفا نمایند و این اقدامات را با سرکوب نیروهای ضد سوسیالیستی بخصوص آنها یکه مسلحانه علیه دلت می جنگند همراه مینمایند *

حال بینیم که این سیاست بجهه ترتیبی در الجزایر پرورخانه عمل درآمده است .

خلع بورژوازیکار و مالکین ارضی بزرگ در الجزایر بطور اساسی با حل مسئله استقلال ملی توانم شد . لذا اوظیفه عده دلت و حزب عبارت شد از جلوگیری از تصریف این زمینها و موسسات منحتی و اقتصادی و جلوگیری از پرکردن "خلاف" ناشی از این خلع توسط بورژوازی و مالکین الجزایر و بطور اخسن معانعت از "لغزیدن" طبقات استثمارگر بورژوا و مالکین بطریح حکومت و تعریف آن بود . انتقام این سیاست جدید راه رفتراز پیش بینی و بیان آن در پرینامه طرابلس (که مورد آن قبل از صفات قبل قید است) میتوان در اظهار انتظرهای رسمی بنیلا رعیت دلت و رهبر حزب اف . ال . ان در مواد مختلف بطور صريح ملاحظه کرد که ما اینجا بعضی از قصتهای صحبت های ایشان را نائل میکنیم :

اقای بن بلا در نطق خود در ۲۸ سپتامبر ۱۹۶۲ (فرداي استقلال) در مقابل مجلس ملی چینین استقلال کرد : در هیچ گفتنی بورژوازی مجازیست که رهبری سیاسی یا اقتصادی کشور امطالی به نماید (۱) و بادرنطق ۱۰ اولیه ۱۹۶۳ این خود چینین میگوید : « میازمه ماحا لاعبارتست از اجرای عملی وظایف مقدن اول نواہر ۱۹۵۴ این مهاره ما یوس کردن بکار برای همیشه ببورژوازی کشور را در میگیر (۲) اقای بن بلا در نطق افتتاحیه خود در کنفرانس فلاحین الجزایر در راکھر ۱۹۶۲ نیز چینین اظهار میکرد : « در فرد ای استقلال نماییست اجازه داده بجای مستعمره نشینان خارجی گذشته ، طبیه جدیدی از سوی الجزایر آن باید که بادرنتیجه حنگ روشنند کردیده و باد رسایه هنکاری با اشغالگران فرانسه پیروزیهای تعدد های دهقانی را زانها بروده باشد » (۳) .

دلت و حزب چنانچه قیلانشان داده شد مهاره براي جلوگیری از جانشین شدن استثمارگران خود را در برجای خارجی ها (از نظر اقتصادی و سیاسی) با عطایات مستقیم دیگر برای ایجاد بخش سوسیالیست و نطفه های بخش سوسیالیستی توانم نمودند (موارد آن در صفات قبلی قید شده است) . همراه با ایشان اقدامات اقتصادی دلت و حزب کوشش برای جلوگشیدن و راندن کارگران و دهقانان برای ایفای نقش

(۱) از نشریه "Documents on Self-Managements" صفحه ۱۳

(۲) همانجا صفحه ۲۴

(۳) از نشریه "Premier congrès des P-llahs" صفحه ۱۰

بیشتر و رهبری کننده ای در زندگی اقتصادی و سیاسی کشور مینماید. آقای بن بلا در همان نطق ۸ سپتامبر ۱۹۶۲ اظهار میکند که "... این باکارگران و هقانان است که اقتصاد کشور و ازاین طریق اداره سیاسی آنرا درست خود بگیرند "(۱) در نطق ۱۵ مه ۱۹۶۳ خود خطاب بباکارگران آقای بن بلا چنین میگوید "... سوسیالیسم را بادستهای خود پیروز کن . این دیگر امروز بسته پیوست" (۲)

این اقدامات فوق الذکر دلت در الجزایر با انواع مقاومت‌ها از طرف مخالفین آن رو برو شد که مقابلاً دلت و حزب برای مقابله با آنها و سرکوهشان از خود قدرت و شایستگی نشان دادند. تقریباً از همان فرد ای تصویب برنامه طرابلس، علیرغم اینکه با تفاوت تصویب شده بود، فعالیتها آغاز شدند. در عمل معلوم شد که تعاملات مختطف در داخل شهر ای ملی انقلاب الجزایر (CNRA) از این برنامه معاشر متفاوتی فرمیده بودند و یا امکان علی‌کردن آنرا آنهم با سرعتی که در ایران تکرار واقع نموده بود، تقریباً از همان انتراف و امکان محصور کردند و مسدود نمودن آنرا میدانند. بحران در رهبری تابستان ۱۹۶۲ رواج اولین نشانه‌های خطرناک مبارزه بین طرفداران بنیادی سوسیالیسم و مخالفین آن بود. در الجزایر در حقیقت امر حرکت و برد اشتمن‌خستین کامپ‌های بطرف سوسیالیسم با مقاومت جدی رو برو شده است. این مقاومت چه از راه اقتصادی که در درجه اول توسط سرمایه داری خارجی بعمل آمد و بارها کردن ۸۰۰ مؤسسه صنعتی و اقتصادی و رهایکردن میلیونی‌ها که کثرازمن با اقتصاد کشاورزی سرمایه داری مدرن و خروج قریب ۵۰ درصد متخصصین و کارکنان و کارگران اروپائی از الجزایر بیرون بردند سرمایه پولی از این‌ها موجید و عینی علی‌شد، و چه از راه مبارزه ایدئولوژیک که در چهار جوب مبارزه علیه "دیکتاتوری بن بلا" نمودن ازادی ای و یازده استفاده از احساسات مذهبی تبدیل مردم که حریة بسیار موثری است بجعل آمد.

همزمان با اکثریّه اف. ال. ا. آقای بشیر برادری عیّر رئیس اتحادیّه علماء چنین اظهار کرد: "... این پنطرونیزمنریا یکدیگر حکومت‌های راک نمی‌شوند که هدف ملت مقابل از هر چیز یکانی، صلح و ترقی است و متوجه نمی‌شوند که اسلام نظری علیات آنها نیاید از آینین خارجی سرچشمه بگیرد، بلکه باید پایه آن اینین عربی- اسلامی باشد" (۳). آقای کان (Kahn) فضروز ناتمامه لوموند را شاره باین اظهار نظر چنین مینویسد: "اشارة به اسلام تهدیل یه آلت ثوانی ای درست آن کسانی شده است که در حال حاضر جرئت نمی‌کنند مستقیماً علیه سوسیالیسم حمله نمایند".

این مسئله اسلام در الجزایر یک مقوله بسیار مهم وجد است، زیرا بین تبدیل مردم ریشه عمیقی دارد، بخصوص که مدتها از طرف میهن پرسنلان در مبارزه ضد استعماری بختوان عالم مقاومت ملی در حفظ شخصیت و فرهنگ ضد استعماری الجزایر از آن استفاده شده و بزرگ شده است. در رواج اسلام در الجزایر همان نقش را بازی کرده است که شیخ دکتر شورما در دوره خطراستعمار خشن ترک‌های عثمانی. لذا انقلابیون الجزایر و طرفداران سوسیالیسم نمی‌توانستند بالدار نگ کن از کسب استقلال جبهه گیری در این مسئله بکنند. وانگهی چنین کاری به صورت یک اقدام چپ روانه بسیار مضر و بی فایده ای می‌بود و اصلاح‌آزمودن داشت. بهمین علت هم انقلابیون الجزایر که در جریان انواع مبارزات از مردمی که داشته و فسون رهبری را موقنه اند بادقت واحتیاط و تمرس کامل یا بن موضوع برخورد کرده اند. در تمام دارک رسی و اظهار نظرها روی حفظ فرهنگ عرب و اسلامی تکیه می‌کنند و البته درین حال پرستش هر نوع مذهب و اثنین دیگر راه را برای ساکنین کشم خود بدون تبعیض آزاد کرده اند و از همین راه حریة مو" ترایدئولوژیکی را

(۱) انتشریه "Premier congrès des Fellahs" صفحه ۱۰

(۲) از "Documents on self-management" صفحه ۴۵

(۳) نقل از روزنامه لوموند، آوریل ۱۹۶۴، صفحه ۸

ازدست معاندان سوسیالیسم گرفته و یا تاحد و دزیادی کندش کرده اند.

اضافه براین مبارزة طبقاتی و فعالیت نیروهای مختلف سوسیالیسم بصورت عملیات جنگی در همان فرد ای تصویب برتونامه طرابلس هم درآمد است . در نطق افتتاحیه خود رکنگر اف . ال . ان دیرکل حزب بن بلا اظهار کرد که "تا وقتیکه ماسرمایه داری رابطه قطعی ریشه کن نکنیم ، ضد انقلابی که در S.F.F.R.S تجسم یافته و آزاد بخواهی تجربیدی همیشه یک پایاگاهی در شهر ماخواهد یافت" (۱) . دو لاست انقلابی مقابلاً برای سرکوبی ضد انقلاب مسلح دست زد و شعار "پاسخ نهر را بازخواهیم داد" پیش کشید . شد . بن بلا در نطق میهم خود در ۱۹۶۴ زوئن ۱۹ در اشاره به یا بن طلب چین اظهار میکند "بود یاف میتوشد کسه با آیت احمد متفاهم کند . آنها بمارزة مشترکشان علیه سوسیالیسم بهم نزد یک میکند . هشیاری ضرورت پیدا کرده است تا انقلاب رانجات دهیم . نهر را بازخواهیم داد . تنها یک قانونیت وجود دارد و آنهم قانون انقلاب است" (۲) . در خاتمه نطق خود تعمیم دلت رابرای تشکیل ۳۰ هزار پاریس تعدد ای از نمایندگان تقد میعنی کارگران و هفتمان برای دفاع از پیروزیهای انقلاب اعلام میکند . اینجاست ان جوهر واقعی د موکراسی که هیچ دلت بهزیزی هرقد رهم که ادعای د موکراسی داشته باشد ، جرئت نمیکند که صد ها هزار کارگر در هقان را مسلح کرد و در خیابانها و کارخانه ها و مؤسسات و مزارع ، آزاد دفاع حکومت خود را زانها بخواهد .

آنهاست بطور خلاصه قضیت از اقدامات دولت در مبارزه برای پرکاری و خالع بجزوی از د مر را " تا مین حاکمیت زحمتکشان : مسلح کرد مود برای سرکوب دشمنان سوسیالیسم دفاع از پیروزیهای انقلاب ، تقویت بخش سوسیالیستی اقتصاد علیغم بخش خصوصی سرمایه داری ، ترتیب ادارات و مؤسسات و کارخانه ها و اکتوولید کشاورزی بد مدت مود و برای مود ، تشویق و اند زحمتکشان برای اداره اقتصاد سوسیاست کشور و امثالهیم .

البته تاکنون یک نفر ابرعلت داشتن عقیده سیاسی مختلف نکشته اند ، جیس و اقدامات از این قبیل نادر راست ، ولی شکنی پایید داشت که بر حسب ضرورت عده ای از مسئولین و گردانندگان ضد انقلاب مجازات بشوند . ممکن است بعد از زندگانیان سیاسی مختلف سوسیالیسم افزون شود . ممکن است ابتکارات و تصریفات اقتصادی و فرهنگی و اداری تازه ای گرفته شود . ممکن است راههایی صلح امیز و یا قهری تازه ای یارشود . بهر حال هرچه که مشکل و نوع این اقدامات و تصریفات و شدت وضعف آنها باشد ، چیزی جز جلوگیری از تسلط استعمارگران فرهنگی زحمتکشان اراسته این مالکیت عمومی بروسا می تولید و بالا بردن سطح زندگی استگرد هقان و روش نفر و بالاخره تا مین حاکمیت زحمتکشان نمیباشد .

نقش حزب کمونیست الجزایر

در اینجا هدف مایل بررسی وسیع و تحلیلی و انتقادی از فعالیت سوسیاست حزب کمونیست الجزایر نیست . صرافی بندگانی آنهم تا آنچه که به بحث و مطالب این طالع مربوط میشود اکتفا خواهد شد . حزب کمونیست الجزایر در جریان عملیات خود بدون تردید نقش مهمی در تربیت و تشکیل تude ها زحمتکش الجزایر باری کرده است . این وظیفه چه ازراه سازمان دادن و متشکل کردن کارگران و هقانان در مبارزات طبقاتی ، در اعتصابات و تظاهرات همدردی وجه ازراه شرکت در مبارزات ملی و استقلال طلبانه (۱) نقل از زونامه لوموند ، ۱۹۶۴ اوریل ۱۸ ، صفحه ۸

F.F.S علامت اختصاری جبهه نیروهای سوسیالیستی (آیت احمد) و FRS علامت اختصاری حزب انقلاب سوسیالیستی (بود یاف) است . (۲) نقل از باردا ، شماره هفتم زوئن ۱۹۶۴ صفحه ۳

وپا لاترازمه درد فاع وانتشار وسیع افکار سوسیالیستی و مبارزه در راه حرکت الجزایر سوسیالیسم انجام داده است . درد وران قبل از جنگ جهانی دوم حزب کمونیست در تشکیل تظاهرات علیه رژیم فاشیستی آلمان و پاپلیا ، در شرکت در برخاد بین المللی در جنگ علیه فرانکو نقش مهمی ایفا کرده است .^(۱) کمونیستهای الجزایر و همچنین مبارزه‌ی که به پیام آن آمدند در مید انتهای جنک در اروپا و تونس چه بسا جان خود را در جنک علیه بربریت فاشیستی ازدست دادند .

حزب کمونیست از همان آغاز فعالیت خود مرتبها برای وحدت نیروهای ملی و تشکیل جبهه واحد از همه آنها مبارزه کرده است . در ۱۹۴۱ شعار "جههه ملی د موکرایک الجزایر" را برای وحدت نیروهای ملی و دموکراتیک برای یک الجزایر جمهوری ، برای زمین و ندان پیش کشید . حزب کمونیست موفق شد با هرها با نیروهای ملی د یکر و حتی با سازمانهای مذهبی الجزایر در کناره هم پیشیند که از جمله میتوان "تکرۀ مسلمانان" را در ۱۹۳۶ و موقوفیت بزرگ نیروهای ملی و ضد استعماری کشور را در تشکیل "جههه الجزایر برای دفاع و احترام بازاری" دراویت ۱۹۵۱ شاهد آورد . بعد از عدم موقوفیت این جمهه و از بین رفتش ، حزب کمونیست کوشش مجددی در شش مین تکرۀ خود در فریه ۱۹۵۲ برای "اتحاد محل روی خاک ملی برای الجزایر آزاد و مستقل" مطرح میکند و گیتۀ مرکزی آن در اول نوامبر ۱۹۵۳ تحت پایی از اعتماد میهن پرستان بر مبنای برناهه شخصی برای تشکیل پناه جبهه ملی د موکرایک الجزایر" دعوت میکند . ولی بعلت تشتت در احزاب واخلافات داخلی که قبل از کار انفصال این اقدامات بجائی نمیرسد تا در اول نوامبر ۱۹۵۴ قیام ملی آغاز یکلی وضع و راه مبارزه را تغییر میدهد .

حزب کمونیست در آستانه نوامبر ۱۹۵۴ در واقع دارای نفوذ و اعتبار قابل توجهی بین مردم بسود و نمونه این اعتقاد را نتایج انتخابات شهرداری ۱۹۵۰ و انتخابات تقاضیه است که در چندین شهر و محل در صدر احزاب ملی قرار میگیرد .^(۲)

معذل لک این نکته را باید تذکر داد که طبقه کارگر الجزایر در آستانه نوامبر روپه رفته طبقه جوانی بود (تمد ادن از ۱۹۱۱ تا ۱۹۴۸ سه برابر شده است) . همچنین طبقه کارگر الجزایر بیش از نزدیک بود ش به منشاء دهقانی و در ارتباط داشت بمن باد هقانان خاصیت نیمه دهقانی داشت که این طبقه را مستعد قبول و تحت تأثیر قارگرفتن ایدئولوژی خود بیرونی مینمود . نکته دیگر درباره خصوصیت طبقه کارگر الجزایر اینست که چون این طبقه تشکل و رشد خود را به دنباله مبارزه علیه بیرونی خودی بلکه در بارزه علیه بیرونی استعماری بدست آورد است ، از این جهت آمادگی بیشتری برای مبارزه در کنار بیرونی خودی نشان میداد تا بارزه طبقاتی بایرونی خودی که این آخری هم بنویه خود تحت فشار استعمار و رضاد بآن قرار داشت .

پناپر تحلیلی که در مجله "واقعیات الجزایر مارکسیسم" شده است و اساس ارزیابی ذکرشده در سطحی بالا از این منبع است ، علی‌غم مبارزات طولانی سدیکائی ، مبارزات همدردی با وطن و تونس و غیره اعتراضات بزرگ و موقوفیت آمیز ، دریک جله و از زبان مجله "علی‌غم اهمیت و نقش و نفوذ آن ، طبقه کارگر نتوانست بحلت شرایط تاریخی و عینی ، رهبری عملی سیاسی وايد ئولوزیک جنبش را در دست بگیرد "^(۳) . بنظر میرسد که صحیح خواهد بود اگر اضافه بر عامل عینی - تاریخی ، عوامل دهنی هم که کم می‌زند است اضافه شود . برای رساندن نظر خود اینچنانکاری را یاد آوری میکنیم . حزب کمونیست الجزایر اساساً سیاست ملی خود را برایه ای گذاشته بود که تا غیر اساسی در تخمین آن نمیداد مسئله رهبری جنبش ملی بپرسویت خالی از اشکالات سیاسی ارجمندی نمیتوانست نباشد .

(۱) (۲) و (۳) نقل از مجله "Realités Algériennes et Marxisme" صفحات ۱۳۰ و ۱۴۱ و ۱۵۱

بطوع عدد ه نقطه حرکت قابل ایرادیه حزب کوئینیست درسلته ملی (که عده ترین، اساسی ترین و فروی ترین سلطنه کشور بود) میشی بر عوامل زیرین است: اولا به مسائل ملی کشور کم توجه داشت. در نتیجه حزب در ۱۹۴۸ اد البرکل حزب چنین اظهار میکند: « که بهادران به جنبش ملی که آنهم ناشی از داد از این کافی با توجه هامیشود. کادرهای ماباندازه کافی با توجه مردم و بخصوص توده سلطان در ارتباط نیستند ولذا برای آنها مشکل است که تمام آنچه را که مردم احسان میکنند حس کرد و در خد مردم باشند ». این محدودیت دستیعمن با توجه ها و بخصوص توده سلطان در اینجا تقویت میشود که در شکل حزب در ۱۹۳۶ کوئینیستهای الجزایری مدتها بود که در شاخه حزب کوئینیست فرانسه در الجزایر در فعالیت بودند ندانش حق تشکیل احزاب سیاسی و سند یکاهای الجزایری تاروی کارآمد جبهه توده ای در فرانسه در سال ۱۹۳۶ موجب شده بود که فعالیتهای سیاسی و سند یکاهی در خانک الجزایر وجود دیه اروپائیهای بود. لذا در موقع تشکیل حزب کوئینیست الجزایر این داده داخل حزب شده و در آغاز یک رنگ اروپائی بان دادند. این مطلب از اینجهت که حزب را زد اشنین کادرهای وزیده و تهیت شده بهره مند میکرد و از طرف دیگر همیزیست اقلایی سلطانان الجزایری و اروپائیان الجزایر و ارندگان مذهب مخالف بود که اینونان به لسوی یک واقعیت جدید ازملت الجزایر را ممکن نمینمود، بسیار میثت و بالارزی است ولی در عین حال با توجه بشرايط خاص کشور وجود یک دیوارین اروپائیان و مردم بیوی که در جریان پیش از یک قرن سلطان خارجی و اجرای سیاست تبعیض و تحفیر نسبت به شخصیت الجزایری ایجاد شده بود و در طرز تفکر ناخود آنکه الجزایری یک نوع بغض و احسان بیگانگی و شففی نسبت به بزرگسی که اروپائی و بخصوص فرانسوی بود تولید شده بود، موجب شد که از همان آغاز توده زحمتشان بحزب کوئینیست باریغت کمتری نزد یک شوند. بهین ترتیب است مسلله اتحادیه کارگران که تا مدت تها بصیرت شاخته CGS فرانسه فعالیت میکردند و بعد اهم که اسم آنرا عوض کرد و U.G.S.A نداشتند ولی چون ماهیت و نیروهای محرك آن عوض شد لذ انتوانست تسود کارگران سلطان الجزایری را در بر بگرد.

نانیا همراه با حزب کوئینیست فرانسه و قسمی از بورژوازی ملی الجزایر از محارب استقلال و اتحاد با فرانسه مدافعه میکرد. اساس شهیلک این سیاست را میتوان در نظر میگیریم تا در ۱۹۴۹ یافته مخواهان یک اتحاد آزاد میان مردم فرانسه والجزایر میباشیم. اتحاد آزاد سلامح حق جدائی را هم در بر میگیرد ولی نه اجبار بحد ائیرا. حتی اضافه میکنم که در شرایط تاریخی امروز این حق برای الجزایر با وظيفة متحد شدن هرچه شگفتزیاد موکرایی فرانسه همراه است » (۱)

کمیته مرکزی حزب کوئینیست الجزایر در مانیفس خود در ۱۹۴۶ مطلب فوق راجهین بیان میکند: « انجام انتخابات برای یک مجلس بود که دولت الجزایر که تمام امور الجزایر اداره نماید و راه را برای یک جمهوری دموکراتیک الجزایر باز کند بطوریکه قانون اساسی و مجلس خود را داشته و باحلقه های آزاد آنها انتخاب شده با جمهوری فرانسه متحد شود » (۲)

این طرز تفکر که تا مدت تها هم سیاست ملی بضمی از تایندگان بورژوا - د موکراتیک الجزایر مانند فرهت عبا من را تشکیل مید اد صرف نظر از اینکه در شرایط تسلط یک سرمایه داری اتحادیه ایالتی در فرانسه هیچ وقت نمیتوانست بیک اتحاد برایر، واقعی و دموکراتیک منجرب شود، در اسان خود آزادی از اینابی و اعتقاد ناشی میشود که انقلاب برولتی در فرانسه قد م برآزادی مستعمرات فرانسه انجام خواهد شد. فرهت

(۱) از کتاب "Algeria et l'Algérie" صفحه ۹

(۲) از "Texts choisis sur l'Algérie" توسط موریس تورز، صفحه ۱۹

(۳) از مجله "واقعیات الجزایر مارکسیسم" شماره اوت ۱۹۵۷ مقاله

میباشد. بعد از درکتاب خود "جنگ و انقلاب الجزایر" منتشره در ۱۹۶۲، صفحه ۱۹۲، این اشهاه راچجین میکند: «ماشهاه دیگری هم کرده ایم. مامبارزان ملل مستعمره را در مبارزه رهائی پیش پولناریسای سپاهیان میکنند».^{۱۰} حسبین: «طبقه کارگ فرانسه اکثراً شعا ماید».

روپا شی مستحبین در دیم، جسمیدن بچشم تاریز مر را بر سر مبارکه مجله "حصاد" کوئیستهای الجزایر بهم بعد ها این مخورد نادرست را قویا طرد کردند و در سرمهجه مجله "حصاد" لجزایر و مارسیسم" شعار اکتبر ۱۹۰۸ در ریاض بسط میگشود: "اشتها خواهد بود اگر ما انتظار آزادی خود را از پولناریای فرانسه داشته باشیم . . . چنین بزمیاید که آزادی یک کشور مستعمره امکان ندارد مگر آنکه پولناریای کشور استعمارگر قدرست بگیرد". حتی رفاقتی رهبری حرب گوئیستیت الجزایر در این اقدام از خود شجاعانه و شرافتمند آنده در برپوشور خود تحت عنوان "برای یک ملت الجزایر ازاد و حاکم و خوشبخت" مشتره در مارس ۱۹۰۷ چنین میگویند "این حقیقتی است که سیاست ملی ما کاهی جحت فتنا، اند شعله هی، استعمالی تغییر شکل داده بود".

نهضت سفار ایشان را تا پیرامون سده بیست و سهمین قرن می‌گردانند. این اتفاقات در اینجا مورد بررسی قرار نمی‌گیرد. از این‌جا آغاز می‌شود که در این مقاله این اتفاقات مورد بررسی قرار می‌گیرند.

حرب نهضتی ایران بر سر برخورد سپاه پاسداران اسلامی را بین دو نواحی موضع درستی دوقاب آن میگیرد. بعد از توانایی ۱۹۵۴ حزب کمونیست الجزایر از همان دو نواحی موضع درستی دوقاب آن میگیرد. حزب کمونیست الجزایر بتاریخ سپتامبر ۱۹۵۰ از امکانات محدود علی برخورد ازد و وزان برای توضیح هدف خود رفتاری استفاده کرد و باعضاً خود رفتاری که دسته های پارتیزانی بودند در سوریه بیان کردند که میدهند چنانچه قبلاً ذکر شد رسالهای اول پیش از هبیری اف. ال. ان. آ. ال. ان. سیستم کمونیستها برای ورود در سه های آ. ال. ان. سیئول منطقه را کرد. حزب کمونیست راههای اول کوشش برای برقراری تعاس بارهبری اف. ال. ان. برای وحدت عمل میکند و چون موفق نمیشود از این نظر که رهبری حزب و تدبیرهای مساخت شرکت را بینش مسلحانه بودند، در جلسه کمیته مرکزی حزب در جلسه ۱۹۵۵ تصمیم به تشکیل دسته های "بارزین آزادی" گرفته میشود (این دسته هاد را واقع درسته های چریکی بودند). با اخراج دراواخر آوریل ۱۹۵۶ اولین تعاسها بین حزب کمونیست و رهبری اف. ال. ان. برقراری میشود و اذ اذ اکرات برای وحدت بهجاشی نمیرسد جو ن اف. ال. ان از حزب کمونیست تقاضای انحلال ورود انفرادی افزای آن به اف. ال. ان را میکند و حزب کمونیست با آن موافق نمید. شهباواقت معمی که میشود اینست که دسته های موجود "بارزین آزادی" و فراد او طلبد برای عملیات نظامی دیگر متعلق بحزب کمونیست بصف آ. ال. ان بیرون نمود و در طول جنگ استقلال تمام خود را حزب کمونیست قطع و زیرهبری سیاسی اف. ال. ان فعالیت نمایند.

از این پیشنهادها همراه یاد یگرهازین الجزایری در راه استقلال ملی کشور خود از بیغ استعمار با پشتکار مبارزه و جانشاسی میکنند. هشت تغرض و کیمیه مرکزی به آ. آ. ان میبینند که از آنها سه نفر شهید میشوند و ۲۱ نفر را اعضاً کسیه مرکزی در زندان آنها مازد اشتباها میافتد و چه بسا کار رهای ذی یقیمت در یک حزب هم دارد اثباتی حنگ حان خود را فدا میکند.

مشهله حفظ استقلال سازمانی و سیاسی حزب کمونیست از موارد مورد مباحثه و مجادله است که طرفین دلایل زیادی له علیه آن می‌اورند. مستقل از مرحله انتخابی آنچه که همه متفق اند اینست که حزب کمونیست الجزایر با حفظ استقلال سازمانی و سیاسی خود از هیچ‌گونه کوشش برای تقویت اف‌ال و پشتیبانی از دولت مؤقت جمهوری الجزایر فروکذاری نشود.

از همه مهتر آنکه حزب کمونیست الجزایر زاره انتشارات خود نظیر "حقایق الجزایر و مارکسیسم" (۱) و نشریات مهندسی نظریه مردم ما پیروز خواهند شد. یا "برای یک ملت الجزایر آزاد و حاکم و خوشبخت" کو شغف مد اول برای تحریت توده ها، هدایت فعالین جوان و کم تجربه انقلاب، انتقاد از عملیات نادرست واشتهای در جریان جنگ استقلال و بعد از آن و بخصوص با مطرح کردن منظمه و پیگیر فکرسوسیالیسم و نشان دادن راه نجات الجزایر بعد از استقلال کل بزرگی بتحول فذری رهبری اف. ال. ان و کادرها و توده ا. ال. ان نمود.

شهید راه استقلال و این بیان از این پنام اف. ال. ان بن مهدی در الماجاهد ارگان اف. ال. ان این حقیقت را اعتراف کرد و نوشت که "بخصوص رسایه حزب کمونیست الجزایر بود که بعضی از این پرسنل آرزو و تصویر یک الجزایر سوسیالیستی را میکنند" (۲).

حزب کمونیست الجزایر فعالیت وظیفه تاریخی خود را بعد از استقلال الجزایر به سوق دادن انقلاب بطرف سوسیالیسم و پیروز کردن آن دوچندان نمود. روزنامه الجزیره جمهوری در واقع بیک شنبع مهی در رتأید چنانچین رادیکال در اف. ال. ان و دفاع از اقدامات دولت درجهت بنافع مددم و راهنمایی شوریک و عملی مبدل شد. حزب کمونیست الجزایر اولین سازمانی بود که در آن روزهای شلوغ و تاریک تا سپتامبر ۱۹۶۲ در جریان بحران رهبری اف. ال. ان تمام مردم را برای فشردن صفو خود و ایجاد وحدت ملی در اطراف پیروی سیاسی مشکله در تلسمن (Tlemcen) برهبری بن پلا، دعوت و تشویق نمود. روزنامه الجزیره جمهوری اولین نشریه ای بود که رسیماً برنامه طرابلس را منتشر کرد و تر و پیج داد و چنانچه در قسمتهای قبلی اشاره شد تلاش خود را برای وحدت تمام نیروهای فعال طرفدار سوسیالیسم در حزب واحدی که پایه اساسی آنرا اف. ال. ان تحول یافته تشکیل میداد کاراند اخت و کنگره ا. ال. ان هم بینظیریات آنها پاسخ مبتدا داد.

این اشتباه و غیر منصفانه خواهد بود اگر کسی از روی روش حزب کمونیست در سپتامبر ۱۹۶۴ در مسئله وحدت بخواهد روش حزب را در سالهای جنگ استقلال مهد انتقاد قرار دهد. چون در این صورت ماجشم روی حقایق گذاشته و اعتقادی بتحول در اف. ال. ان و جهان از خود نشان نمیدهیم.

این موضوع را در قسمتهای قبلی توضیح دادیم که وضع اف. ال. ان و سیاست و معتقدات آن در زمان تشکیل و سالهای اول جگونه بود و همچنین توضیح دادیم که چگونه در اف. ال. ان تحت یک سلسه عوامل یهم داخلى و جهانی تغییرات و تحولات بزرگی چه در ترتیب نیروهای مشکله آن و چه در ترتیب و تفکر رهبری آن و چه در وطنی سیاسی آن حاصل شد.

چنین تغییرات و تحولات هم بطور طبیعی منتهی از نوع دیگری در حزب کمونیست الجزایر داد و مجموعه روابط متقابل این دو حزب در طول زمان درنتیجه تغییرات و تحولات ظل نهادها تحت ناشریه ای که عدم توجه وندم برخورد دیگریکی باین جریان اجتماعی اکثر از روی عدد نباشد ناشی از بی توجهی است و اشتباه امیز میباشد.

صرف اینکه جبهه ای اعلام میشود لازمه اش این نیست که حتی احزاب دیگر که در آن لحظه تاریخی هدفهای نهایی متفاوت را تعقیب میکنند خود را مغل نمایند. حزب بالجزایر وقتی خود را منحل کرده درد پیکری داخل میشوند که هدف نهایی و بایعبارت دیگر استراتژی و تاکتیک آنها واحد باشد. گاهی (۱) از این مجله ایسال ۱۹۵۵ تا ۱۹۶۲ هفت شماره منتشر شده بعد اتحت همان نام و با اضافاتی بصورت کتابی درآمد.

(۲) ازمجله "حقایق الجزایر و مارکسیسم" شماره مارس ۱۹۵۷

مشاهد ه میشود که بین دستگاه و نیروهای ملی در کشورما بطور مکانیکی از تجزیات الجزایر دستگاه و حدت استفاده میشود. تحت نام جبهه، احزاب دیگر ابانحل سازمانهای خود و لذت انتصاف از هدفهای نهائی شان مجبور میباشند. اف. آل. آن در جریان دهسال حیات خود تحول پیدا کرد و از سازمان تسام خلق برای آزادی واستقلال ملی به حزب پیشوای اول سازنده سوسیالیسم مبدل شد. در مرحله اول هدف نهائی د وحرب یکی نبود ولی هدف فوری که استقلال ملی بود واحد بود. بهمین علت هم حزب کمونیست الجزایر با تمام نیروی خود برای جنگ استقلال کمک نمیداد. آنچه جنگ بود چون هدف واحد بود لذا سازمان نظامی خود را منحل و پا آ. آل. آن یکی شدند. ولی در سازمان سیاسی چون د مراحل اولیه هدفهای نهائی اف. آل. آن آنطوری که در برنامه طرابلس در ۱۹۶۲ و بعد از آن روشن شد، روشن نبود، لذا احزاب کمونیست الجزایر دست نگهداشت واستقلال سیاسی و سازمانی خود را حفظ کرد.

انتقاد رستو از فلسفه اجتماعی مارکس و انتقاد بر این انتقاد

اینکه به انتقاد رستو از مارکسیسم و انتقاد این انتقاد میپندانیم . در این بخش نیز سبک بخش که شنید عمل میکنیم : نخست می بینیم والٰت رستو چه میگوید سپس به ادای پاسخ دست میزیم . این سبک از لحاظ علمی امانت آمیز تر و سود مند تراست زیرا خواننده را به آگاهی اصول مطلب مورد ملاحظه میکند و از راه رهراه موْلف این مسطور از عرصه وارسی گذرانده وارد عرصه داروی میسازد تا اگر احیاناً تا خواهد مُسند ق نظر نگارند « باشد ، اطمینان بیشتری باین تصدیق خواهد داشت ، زیرا آنرا آگاهانه خواهد شمرد و در آن شرکت وجود آنی خواهد یافت .

در این بخش ماد رقطع انتقاد از رستو فلسفه اجتماعی مارکس را بیان میکنیم و میکوشیم تاباً توسل به نقل قول برخی سخنان راهنمای کلاسیکهای مارکسیستی منظره ای و کوارشی ازاند بشیوه بزرگی را که تئوری‌سین های عده‌هه مارکسیستی درباره حرکت تکاملی جامعه و محركهای درونی این تکامل ، که شته و آینده اش گفته اند ، بدست دهیم و درغین حال به بیان قدماً "خواهیم کوشید راین زمینه بازیج و فوق العاده مهم از "اصحاب راگی" باشیم نه از "اصحاب حدیث" . دیگر گفتنهای لازم موقع خود را گفتند خواهد شد .

معرفی رستو از مارکس و مارکسیسم

والٰت رستو فصل دهم کتاب خود را که از فصول بزرگ آنست و "مارکسیسم" که میکنیم و مراحل رشد "نام دارد (صفحه ۱۴۵ تا ۱۶۷) به معرفی مارکس و بیان فلسفه اجتماعی وی اختصاص میدهد . تصور او از شخصیت مارکس و از فلسفه وی مخلوط و مخدوش ، مذالف واقعیت تاریخی و سندیت علمی است ولی از آنجا که در محیط اجتماعی ایالات متحده آمریکا چندان خراقة ضد کمونیستی انباشت شد ، که محن گفتن بسی مسئولیت درباره آن با بیم کیفری همراه نیست ، لذا رستو با غرور و صلاحت و اعتماد بنفس اطلاعات منتشرت و مصنعت پیوند خوبیش را در راین زمینه مطرح میسازد . رستو بیان نکاتی ارزشمندی مارکس قصده است شخصیت وی را چندان کوچک کند که شخصیت خوبیش را بآن برا بررسازد . وی مبنی میسند که هر مارکس اور دارای "خود پسندی ایلیمانه" میدانست . بعیده رستو تمام آفرینش فکری مارکس تا مال ۱۸۴۸ است و از آن پس وی دیگر چیزی نیافریده است و امام موضوع بحری اقتصادی مارکس عبارت است از انگلستان در دو روان "طیران" و وضع اقتصادی انگلستان در آن دو روان که حالتی خاص از تکامل اقتصادی است . مارکس بازگانی و کشاورزی و فعالیت اقتصادی طبقه متوسط جامعه این کشور را مورد مطالعه قرارداد و لذا سود *

بخش اول این مقاله در شماره پیشین مجله دنیا چاپ شده است

متوسط" و "طبقة متوسط" را مطلق کرده! در آن ایام رشد اقتصادی فرانسه و آلمان هنوز در مرحله نازل بود و مارکس از روسیه نفرت داشت مگر در اخیر عمرش یعنی زمانی که به دعوی رستورانکران این کشور مارکسی را جدی گرفتند. در برآرای کشورهای چین و هند جز چند مطلب روزنامه نگارانه جیزد یکی نوشته است، حال آنکه ماکتون در برآرای تکامل اقتصادی کشورهای جهان تجارت فراوان داریم و بخلافه در زمان ما مسئله ناسیونالیسم و جنبش‌های ملی مطرح شده و صحبت از انتخاب شیوه‌های سیاسی و اقتصادی مختلف بیان آدمه است و حال آنکه در زمان مارکس چنین نبود.

رستو این طالب را میگوید برای آنکه بپنتر خود "مخدودیت" مفروض تفکر مارکسی و لذا تنگ مایگی است تراجمات علمی اواز ایافت کند. این کوشش ع بشی است. اهدیت شهروی مارکس را باید در مقطع تاریخی ارزیابی کرد. این شهروی اعم از اصول جهان بینی و اصول اقتصادی و جامعه شناسی آن تحول انتقالی در تفکر فلسفی، اجتماعی و اقتصادی ایجاد کرد و علوم انسانی را ز ماقبل تاریخ خود خارج ساخت و آنها را زیرصه مهیم باقی ها و مجدد تراشی ها وارد عرصه ا است تراجمات دقيق، عینی و هیبت ساخت. تجارب پیش از قرنی که از عین این شهروی که شته است بنحوی درخشان زند بودن، صحت اصولی و سلامت علمی بینادهای نظری آنرا ایافت کرد. و امداد برآرای مخدودیت فکری مارکس باید گفت هر متقدیر هرقد زهم که واجد تبعوغ پاشد بهره‌جهات از لحاظ استفاده از داشت ملغی و اطالعات قابل‌علوماتی که در دستور ارد و از جهت رشد و تکامل تاریخی زمان خود د چار مخدودیت است. مارکس هم مانند دیگران پیشه و ران بزرگ تاریخ تابع همین قانون است و درست بهمین جهت است که دوست میداشت بگوید ما هرگز اعلام نمیداریم که آنچه که بسیان دست یافته ایم حقیقت مطلق است و تنهای کاری که مانده است آنست که باید در بر ایران بزانود را داد، بلکه م فقط مدعا هستیم که رهنمایی عطیی بدمست داده ایم. مطالعه مارکس از جماعت افغانستان برای آن بود که مارکس از کلی تراشی و اشتراع باقی پرهیز داشت و احتجاج خود را بزینه شنخین بنا میکرد و اما اینکه آیا مارکس از کوشش علمی و تلاش مطالعاتی خویش نتائجی گرفته است که دارای ارزش علمی و علی است یانه مطلعی نیست که بتوان با اشاره به مخدودیت میدان این تجزیه اش آنرا از پیش رد کرد. ای چه بمسا کشیات د و انساز که در زینه تجارت مخدود انجام گرفته است. مثلاً میدان آزمون پدیده های طبیعی و زیولوژیک در عصر ما با دروان سراسر ایشان نیوتن و چارلس داروین قابل قیام نیست. با اینحال قوانین مکانیک و قوانین تحول انواع که از جانب این دو دانشنده کشف شده است محتوی حقایق مهمی است که امروز، با آنکه غنی ترشد و حالات و جهات متنوعی یافته، ارزش علمی خود را محفوظ داشته است و انگیزه نباید فراموش کرد که آنچه که مارکسیسم نام دارد در عصر ما تنها بطالعات مشخص مارکسی مخدود نماند. است. مارکسیسم بمعایله علم بسط و تکامل پذیرفته، میدان آزمون و دامنه تصحیم خود را وسیعتر ماختاست و هرگز به تکرار سختان مارکس در هیچ زمینه‌ای که نکرد و بعیی جلوتر رانده است. این سفعه و نیزگی آقای والتر رستو است که اند یشه ای رادرحد و آغازگر آن مخدود میباشد و سپس با آنکا به مخدودیت فکری و تجزیه آن آغازگر، آن اند یشه را مخدود و چلوه گر میکند!

با اینحال و ادام شیوه انکار آمیز رستو، وی ناجار است که اعتراضاتی بسود مارکس یکند و مینویسد: "او (یعنی مارکس- ۱۰۰) ناظر به انسانیاتی بود که روزی برکعبای بیرون خواهند شد. به طبیعت بپنتر خود میدان شکن خواهند داد و رمحیطی که فرآوانی، نیاز و وسوسه خست را از میان برده است، برای شادی روح و هوای دل خود در کارکوشند. این درواقع یک امید نجیابانه و بحث است. این نه فقط یک آرزو بلکه حتی یک امکان است. ولی همانطور که دریابان فصل ششم کتاب خود گفته ایم تنها امکان (آلترناتیف) نیست. توجه به فرزند زایی و گرفتاری به کمال نیز هست. بسط مرزهای ننسانی و

جهش در فضای خارج، توصل به لذات مبتنی و اکر شیطان بسود مستهای تابکار عمل کند شاید انسداد نیز هست (۱).

پن معلوم می شود کسی که "خود پسندی ابلیسانه" ای داشت آرزو های نجیبانه ای در سر بر می برد و خواستار مساعدة شهادت انسان بود. اکر "خود پسندی ابلیسانه" بچین نلا شهادت بیانجامد چندان بد نیست! سپس رستو پیوند:

"(مارک) سیستم در خود ملاحظه خود را ایجاد کرده است، سیستم که پرازا شهادت ولی همچین سرشار از برخی نظریات استوار است و نکث مو" تری نسبت به علم اجتماع و رهنود عظیم است برای میاست اجتماعی" (۲).

شهاده مهم اسلوبی رستو آنست که مارکسیسم را از تکامل آنی آن جد امیکند. این اشتهاه یاعمد فقط مخصوص رستو نیست. غالب نقادان مارکس در باخترسرا مایه داری همین شیوه رابکار میرند و این نیز نکوشی ایست. تردیدی نیست که فرمولیندی مسیاری از مسائل از جانب مارکس در شرایط تاریخی معین انجام گرفته که امروز نمیتواند اصالت و رنگ وطنی پیشین خود را حفظ کرده باشد، یعنی با حفظ ما هیئت صحیح تاریخی خود ای جه بسا که کهنه شده است. انچه که امروز مارکسیسم نامدارد عبارت است از اند انشی که مارکس و انگلش آنرا بنیاد نهاده اند و این آنرا بسط داد و پرایته نهضت های انقلابی و ساخته ان سوسیالیسم و تعبیمات شوریین های فراوان این نهضت آنرا غنی تر ساخته است. مقابله با این میمیست علی است که دشوار است. و انکی اطلاع آقایان نقادان از آد، تا چیز است. لذا توجیح میدهند بعنوان رد مارکسیسم، برخی احکام جد اکانه از اثار مارکس بیرون اورند و اتهابا با صلاح ر د کنند. تاره اینکار امانت لازم را بخچ نمید هند و مطالعه همه جانبه نمیکنند، چنانکه در مردم انتقاد رستو خواهیم دید.

آر، رستو نیز از نین و کمونیسم صحبت میکند ولی بعنوان چیزی جدا از مارکس و مارکسیسم. وی میگوید نین در جهان کارگران و دهقانان (که گواه مارکس در باره شان جز چند جمله نگفته بود!)، در جهان جنگها و رقاپتهای ملی با اشتباها مارکس رو برو بود. رستو میگوید: نین تصمیم گرفت پیغمبری مارکس را علی رشم شکست پیشکوئی های وی علی کند. با آنکه روسیه برای سوسیالیسم نضج نداشت، با آنکه پولناریا در این کشور راقیت بود، نین نیل به قدرت راهد ف قرارداد. رستو میگوید، نین بجا ای ان حزب کمونیست که با بد جزئی از نهضت سوسیالیستی باشد، یک "گروه زیده توعلهه" برای اجراء انقلاب بوجود آورد. نین پس از ۱۹۲۰ و سرکوب کرونشتاڈ، بسوی ایجاد دلت مستبده رفت. اما تالین اتکیه های مادی و نتا میوشا لیسم د دلت پلیسی را بران افزود، لذ ایجای د ترمینیسم اقتصادی د ترمینیسم سیاسی د ولتی بوجود آمد! خروشچف مسئله کمونیسم را ازکشور شد یافته بکلی متوجه کشورهای رشد نیزه ساخت. بین مشتره ای که مارکس از کمونیسم داد و سیاست اقتصادی کمونیست ها تفاوت زیادی است، لذا کمونیسم خصلت غیرمارکسیستی دارد! (۳).

در این نظره خود سرانه و سراپا مغلوط و اتباع از تھصیب و بغض که والت رستو از تک شامل مارکسیسم داده بقدرتی اثلاط تاریخی است که لازمه بیان همه و اثبات همه توثیق کتابی است. واقعیت انس است که نین بر اساس تعالیم مارکس و انگلش و بالطبع این تعالیم پر شرایط در این میا لیسم و (۱) والت رستو، مراحل رشد، کتاب تا مبرده در بخش اول این مقاله، صفحه ۱۵۶

(۱) همان کتاب، صفحه ۱۰۸

(۲) همان کتاب، صفحه ۱۶۲

انقلابهای پرولتاری استراتژی و تاکتیک حزب طبقه کارگر را پایه گذاری کرد. پیروزی انقلاب اکتبرو پدایش حکومت سوسیالیست شوروی دلایل عیان صحت واقعیت تحلیل مارکسیستی لنین بود. جامعه نوینیاد سوسیالیستی علی‌رغم اشتباها و انجرافات سنگین دوران کیش‌شخصیت استالین در پرتو تعالیم مارکس و لئینین پدیدشد، استحکام یافت و تکامل پذیرفت. خود آزمون این جامعه آموزش مارکس و لنین را غنی کرد استالین برآساس تعالیم لنین گامهایی درجهٔ ایجاد و تحکیم نظام نوین سوسیالیستی پرداشت ولی شیوه تحدید مذهبی و فرماندهی نظامی راجانشین روش خلاقیت علمی و اراده پرترمیش جامعه برآسان مکررت د موکرایک ساخت و توارض وعواقب تطبیق رنج افر و دیریگی پذیراًورد. کوششی که از تکرّه بیستم اتحاد شوروی برای رفع خطاهای دوران کیش استالین، بسط مکرراسی سوسیالیستی و خلاقیت مارکسیست شد در خط اصلی گامی مارکسیسم لنینیسم است و بر بنیاد اندیشه‌های مارکس و انگلیکن و لنین استوار است و در این کوشش خروشی‌گرفتاری دیوار حزب کمونیست شوروی ذیسهم است. لذا در اینجا از هیچ‌گونه "فصلت غیرمارکسیستی کمونیسم"، از هیچ‌گونه "شکست مارکس" نمیتوان صحبت کرد.

بيان رسو از قفسه اجتماعي مارکس

واست و متعدد رصفحات ۱۴۵ تا ۱۴۷ کتاب خود خلاصه‌ای از تئوری مارکس ضمن هفت تز مختلف بدست میدهد و نظریه "جبرااقتصادی" ادعایی مارکس، مسئله مبارزة طبقائی، مسئله پدایش سرمایه دارد از بین قواد الیم، تضاد کارگر سرمایه دار، ظهور امپریالیسم و بسط تضاد های آن، بحرانها و جنگهای امپریالیستی و انقلاب پرولتاری و دیکتاتوری پرولتاریارا با بیان خود و اصطلاحات خاص خوشن به با بیان مارکس و مارکسیستها و اصطلاحات آنها بشکل بسیار موجز ذکر میکند و درین ششم مذکور میگرد که از این‌بین د بعد تکلیل لنین از تئوری مارکس تشریح شده است. سپس رستو به بیان وجهه شباht و اختلاف شوروی مارکس با شوروی "مراحل رشد" میبرد ازد و مطهور کلی متذکر میشود:

مارکسیسم نیز (مانند شوروی) "مراحل رشد اقتصادی" والرستو - ۱۰۰ ط.) تئوری آنست که چگونه جوامع منتهی به آموختن تئوریک تکنولوژی عصر صنعتی در درون مستریوت خود شان منافع عالم (compound interest) خویش را تا می‌میازند و سپس مراحلی ازینی در می‌آید تا بررسید به آن مرحله ای از فراوانی که مارکس آنرا کمونیسم میخواند (نه سوسیالیسم که تابع دیکتاتوری پرولتاریاست) (۱) سپس رستو به بیان شباhtهای نظریه خود و مارکس میبرد ازد و شباhtهای زیرین را بیین دو شوروی می‌یابد:

- الف) هر دو جامعه را لاحظ د ورنیاع رشد اقتصادی پربر می‌میکند.
- ب) هر دو قبل دارند که تغییرات اقتصادی عوایق سیاسی و فرهنگی و اجتماعی دارد ولی رستو تصریح میکند که وی معتقد نیست که اقتصاد عنصر مسلط است.
- ج) هر دو واقعیت گروهها و طبقات و منافع آنها یگانه نیروی تعیین کننده ترقی اجتماعی نیستند.
- د) هر دو برآنند که منافع اقتصادی تعیین کننده آن محیطی است که از آن جنگ بر میخورد ولی رستو تصریح میکند که وی به تقدیم اوایلیت (primacy) منافع اقتصادی معتقد نیست.
- ه) هر دو هد فرازراوانی مصطلح قزاداده اند. مارکس میگوید این زمانی است که کار به نیاز عمومی بدل شود. رستو مدعی است که وی در این زمینه سخن گفتشی بیشتری دارد.

و) از لحاظ اقتصادی هر دو شریعه برروی تحلیل رشته ای (Sectral analysis) تکیه میکنند ولی گویا تحلیل مارکس تنها بر شرط کمالهای صرفی و رشته سرمایه محدود است و حال آنکه رستو مدعاً است که یک "شوری دینامیک" تولید "ربابست میدهد" (۱) پس از بیان شاهد ها که رستو ضمن آن به اختلافات نیز اشاره کرده است، رستو بیان وجوده اختلاف بین دو شریعه مبین از و آنها را نیز بدین نحو بیان میدارد:

الف) فرق اول در بین انگیزه های حرکت اجتماعی (Social motivation) است و رستو برآنست که شریعه مارکس گویا از مبنای مطلق کردن (Maximisation) سود برخاسته است و حال آنکه رستو مدعاً است که وی انسان را در درست، غراغت، ماجرا، آزمایش، اثبات و خانواده طالعه میکند و این طرز تحلیل منجر به تشخیص یک مسلسله مراحل جاده و ضروری تاریخ نمیشود بلکه منجر به "الگوهای انتخاب" میگردد. مقصود رستو آنست که گویا مارکس بوجود مراحل "قدر" رشد معتقد است و حال آنکه مراحل رستو منوط به اراده انسانی است و اختیاری است.

ب) فرق دوم آنست که برخلاف مارکس که گویا معتقد بدور فکار جامعه منحصر به مصلحت اقتصادی تعیین میگردد، رستو مدعاً است که ششون مختلف جامعه در هم موئند یعنی امور فرهنگی و اجتماعی و سیاسی مشکس نکند، بخششای مختلف هستی انسانند و بر اجرای اثبات جامعه و از آنجمله بر اجرای اثبات اقتصادی آن تا "تبیه مستقل و مطمئن خود را باقی میکند ارنده، لذا اصل توازن قواست نه مطلق شدن یک پروسه معین. مقصود رستو آنست که گویا مارکس اقتصاد را علت بالذات میدانست و بقیه را معلول بالذات و منکر هرگونه تأثیر متقابل و متعاقن شوون اجتماعی در هم بود!

ج) شریعه مراحل فرضیه "فوق العاده ساده شد" مارکس را درباره آنکه تصمیمات جامعه فقط متعلق بکسی است که مالکیت را دید تصرف دارد رد میکند.

د) مارکس و هنگل درست میکنند که تاریخ در ارتقاء مدنیت و نظریات و نیروهای متفاوت بجلسو اساسن سود عام موجب کمتر شدن تصادمات است و توانی بین دولت، رفاقت، معرفت عالم پدید میگردد. (۲)

درینکات فوق رستو یک مسلسله دعاوی علیه مارکس مطرح میکند و یک مشت احکام دلخواه را بیان میکشد که لازمه بحث و فحص در اطراف آنها و آنها تا ملیت کتابی است و از حوصله این مقاله خارج است. ماصرفاً بجهت مراعات حجم مقاله از همچوی دعاوی رستو فقط و فقط یک نکته را مورد بررسی قرار میدهد و این نیست نیمثله‌گرد ترمینیسم اقتصادی مارکس است زیرا اگر روشن شود که درین انتقاد بینای رستو دلیل نیست سراپای بنای انتقادی رستو از مارکس فروخواهد بدخش. درواقع نکته که در فوق راجع بنظریات رستو در مورد مارکس که این نشانه یک اشتباہ اصولی رستو را در فلسفه اجتماعی مارکس و در کل غلط آنست. رستو فلسفه اجتماعی مارکس (ماطربالیسم تاریخی) را به آنچیزی بدل میکنند که مارکس و انگلش از آن بیش از همه کراهت داشتند و آن "جبر اقتصادی" (د ترمینیسم اقتصادی) است. رستو صریحاً همین اصطلاح را در مورد استنباط اجتماعی و تاریخی مارکس ذکر میکند. این درک نادرست از شریعه اجتماعی مارکس از همان نخستین تراز تزهیه هفتگانه رستو درباره مارکسیسم دیده میشود. از انجاکه این نخستین تزهیه‌ی ای رستو هم محتوى خلاصه‌ی همترین نظریه سوسیولوژیک مارکس است وهم بمنظور تکارنده در آن حد اکثر مبالغه عالمیانه انجام گرفته است از ازانقل میکنم و مورد مدافعت قرار میدهد. بد عوی رستو مارکسی پرآنست که:

"مذکومات میماسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع تابع آنست که پروسه اقتصادی آن جامعه چگونه"

(۱) همان کتاب، صفحه ۱۴۸
(۲) همان کتاب، صفحه ۱۵۶

رهبری میشود. رفتار سیاسی و اجتماعی و فرهنگی افراد اصولاً تابع منافع اقتصادی آنهاست. آنچه که از آن پس می‌آید از همین جانشی میکردد. تاد روانی که کمونیسم در سده یعنی هنکامیکه بارگاهی از دشمن مود است برداشته میشود و انگیزه های دیگرانسانی و آرزوهای وی سلطه می‌یابد" (۱).

بدین ترتیب رستو مصراست که مارکس نه شهابه سلطه بودن و اولویت عامل اقتصادی معتقد است بلکه آنرا مطلق میکند، همه چیز را از سود و مالکیت ناشی میشود. حتی بنا "ثیرمتاکس" عوامل فرهنگی و سیاسی و اجتماعی برروی اقتصاد جامعه معتقد نیست و همه چیز را تابع هر ف اقتصاد یا ت جامعه میشمارد. درواقع اگر مارکس چنین گفته بود حکم فوق العاده یک طرفه ای درباره حرکت جامعه، قوانین تکامل جامعه اهرمها و انگیزه های تحول تاریخی صادر و تاریخ پغرنج انسانی را بعد مفتر ساده کرد بیو خوش خطا مارکس بهمیچوچه چنین چیزی نگفته است و این بیان نادرست و ساده شده از شوری اجتماعی مارکس که بسیار بین خالقالان مارکسیسم متاول است (و حق در زمان خود مارکس این مغلطه در مردم جامعه شناسی مارکسیست شده است)، اگر محصول غرض نباشد، لااقل محصول عدم طالعه دقیق مارکسیسم است. انگلمن در مکاتبات خود (از انجله نامه) مونخ ۲۲ سپتامبر ۱۸۹۰ انگلمن به بلخ و نامه ۱۴ اوت ۱۸۹۳ انگلمن به مرینک) تصریح میکند که گناه بخشی از این تعبیر غلط از فلسفة اجتماعی مارکسیسم بکردن مارکس و اوست زیر آنها که علاوه داشتن عینیت و پورت حرکت تکاملی تاریخ را مستقل از عوامل ذهنی و فکری و روانی بیان داردند، نقش زیر بنای اقتصادی و سلسله زایش و رونای معنی جامعه از زیر بنای اقتصادی را بر جسته کردند ولی فرست نکردند اشکال این زایش و رونای "ثیرمتاکل" این روشنابر زیر بنارا چنانه شاید و باید نشان دهند، مگر در برخی موارد که به تجزیه و تحلیل های شخص تاریخی دست زدند (۲). اندلسن بسبیب انصاف علمی خود این سخن را نوشته است ولی ازان زمان تاکون چندان درباره شوری اقتصادی مارکس تا ملیفات وسیع نگاشته شده است که محظی برای سو" تعیین نیست.

ولی بمنظور میرسد که آقای والتر رستاو زهمه این طالب بی خبراست و برچسب اسقاط" در مینیسم اقتصادی" کماکان بنتظر او برچسب مناسبی است. برای آنکه معلوم شود که رستاو ریان فلسفه اجتماعی مارکس توجه اند ازه خطأ کرد، است، بجایست با این فلسفه از بیان کالاسیکهای مارکسیست آشناشونم و چون در اینجا زد کراسناد ضرور است از نقل قول طالب اساسی از توشه های مارکس، انگلمن و لین احتزار خواهیم کرد تا روشن گرد چکونه مدعی بی مطالعه سخن گفته است.

مسئله رابطه حیات مادی اجتماع با حیات محسنوی آن و اینکه کدامیک از این دو ارجح است وجودی برد یکری مقد است و که امیک تدبیر کنند دیگری است، در جامعه شناسی علمی و ما ترالیستی مارکس که "ماتریالیسم تاریخی" نام دارد، مسئله میگزی و میکند، است. مارکسیان طبقاً اصل ماتریالیستی تقدیم عام ماده بر شعور پر پوسه ها ویده های اجتماعی (که تاریخ آن بخشی از تاریخ حرکت ماده، بخشی از تاریخ طبیعت است) بیان اندک تردید و ابهام این نتیجه مم و در انساز رامیگرد که هستی مادی جامعه یعنی (۱) همان کتاب، صفحه ۱۴۵

(۲) انگلمن بکرات خواستاران رابطه اثر معروف مارکس "۱۸ بروم لوشی بنا پارت" احواله میدهد و میگوید که مارکس در این اثر تا "ثیرمتاکل" جهات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و معنوی را در زمینه مشخص حوالد یک دروان بالاستادی نشان داده است. اهمیت فوق العاده ای که مارکسیسم برای شوری انقلابی و حزب انقلابی دولت انقلابی قائل است به بہترین نحوی ثابت میکند که بهمیچوچه صحبت بر مطالعه کرد ن عوامل اقتصادی نیست.

شیوه تولید زندگی مادی پر شعور اجتماعی ده مجتمعه ای از افکار اجتماعی، ایده‌ولوژی و روان اجتماعی است مقدم است. شایان تصریح است که در متریالیسم مقابل مارکس، توضیح و تعلیل و تحلیل پدیده های اجتماعی در چارچوب ایده‌ایسم (تقدیم شعر برماده) باقی نماند بود، زیرا متریالیستهای پیش از مارکس افکار، روحیات، عقاید و نظریات افراد جامعه یا مردم ان بزرگ و زنده را انگیزه اساسی حركت جامعه و تحولات مادی آن می‌شمردند. نخستین کمی در تاریخ که کاخ والای توضیح ماتریالیستی جهان را از نیاد ناقبة آن ساخت و جهان ارگانیک و غیر ارگانیک، طبیعت و جامعه، ماده و شعورها باقوانین واحد و پیکری توضیح داد مارکس و همکار کریکش فرید ریش انگلمن است.

فلسفه اجتماعی مارکسیسم ازانطباقی احکام و قوانین ماتریالیسم دیالکتیک برپدیده های زندگی اجتماعی و بررسی جامعه ناشی می‌شود. این علم علم عامتهای قوانین تکامل اجتماعی است. انگلمن در نطقی پرسنل مارکس کشف در انساز مارکس را در ریاضی تاریخ تکامل پشتاز خیصی کرد و بدین نحو بیان نمود: "همانطورکه داروین قوانین تکامل جهان ارگانیک (آلی) را کشف کرد مارکس قوانین تکامل تاریخ پیش از رامکشوف ساخت یعنی این واقعیت ساده را که تا این اواخر در زیر ساختهای ایده‌ولوژیک پنهان بود و حاکی از آنست که انسان قبل از آنکه بتواند سیاست‌علم، هنر، مذهب و غیره پردازد باید بتواند بخورد، پیشود، مسکن نکند، بپوشد، ولذا تولید وسایل پایاً مسلطه زندگی و بدین مطلب هر مرحله معین تکامل اقتصادی خلق یاد و روان، آنچنان پایه ایست که ازان موسیات دولتی، نظریات حقوقی، هنر و یا حتی معتقدات مذهبی افراد معین نشأت می‌کند و بهمین مطلب است که برآن اسامی این موسیات و نظریات و تصورات را باید توضیح داده برعکس، آنطورکه تاکنون عمل می‌شده است". (کلیات مارکس و انگلمن، منتخبات آثار بیزان روسی، جلد دوم، صفحه ۱۵۷)

مارکس در اثر مصروف خود موسیم به "انتقاد بر علم اقتصاد" حکم مهم خود را در ریاضه تقدیم هستی مادی اجتماع بر شعور و حیات مندوی آن، حکم را که ظهر بر جسته ماتریالیسم پیگیر اوست، بنحو زیرین افاده می‌کند:

"انسانهای روتلید اجتماعی معیشت خود، وارد مناسبات معین و ضروری که پاراده آنان وابسته نیست، یعنی وارد مناسبات اجتماعی می‌شوند، که بمرحله معینی از تکامل نیروهای مولده آن اجتماع" مرسوط است. مجموع این مناسبات تولیدی، بنیاد اقتصادی اجتماع و یک زیستنای واقعی است که بروی آن رهیانی قضایی و سیاسی ساخته شده، وازان اشکال معین شعور اجتماع ناشی گردیده است. شیوه تولید زندگی مادی پروسه اجتماعی، سیاسی و روحی زندگی جامعه را میدین می‌کند. این شعور مردم نیست که تعیین کننده هستی آنهاست. برعکس، این هستی اجتماعی آنهاست که شعور شان را تعیین می‌کند. (منتخبات آثار مارکس و انگلمن - چاپ روسی - جلد اول، صفحه ۳۲۲)

لینین تئوری‌سین بزرگ مارکسیست، بنویه خود، لب اندیشه مارکس را در زمینه تکامل اجتماع باعماق درخوردی بدین نحو بیان می‌کند:

"مارکسیسم راه بررسی جامع وهمه جانبه پروسه ظهور و تکامل و انتظام فرما سیوهای اجتماعی - اقتصادی را اشناز داد و مجموع کلیه گرایشها متنافق راطلاعه نمود و آنها را پیش ایطی که دنیا قابل تعریفند تا" قبول کرد و مهربانی می‌کنند و خود سری را در انتخاب اندیشه های "راهبر" و تغییر آنها مرفوع شانه و پیشه های بلا استثنای همه اندیشه ها وهمه گرایشها مختلف را در حالت نیروهای مادی مولد کشیده است. افراد خود تاریخ خویش را می‌آفرینند ولی انگیزه های افراد، پیویسه توده های افراد چیست، چه چیز موجب تصادم ایده ها و مجاہدت متضاد است و مجموع همه این تصادمات که بنیاد سرای افعالیت

تاریخی انسانهارا پدید می‌آورد چیست و قاتون تکامل این شرایط چگونه است. مارکس بهمۀ این مسائل توجه کرده و راه را برای بررسی علمی تاریخ که با وجود ذجوان و متناقض بودن فراوان خوش پرسه ای است مبتنی برقوانین، نشان داده است.^(۱) (لینین - کلیات بزبان روسی - جلد ۲۱، صفحات ۴-۵)

ولی مارکس که اصل تقدیم محتوى مادی اجتماعی بر شعوان آن را تصریح کرد، اینست، در عین حال بگزالت پژوهندگان پدیده های اجتماعی را از برخورد مکانیکی به پدیده های اجتماعی، از تهدیل سوسیولوژی ماتریالیستی بنویی "جیرا اقتصادی" انظرور که رستو میکوشد مارکسیسم را بد ان بد کند، از عدم درک ویژگی نسخ اجتماعی برحد را داشته است. مارکس در این این شیوه خوبی "سرطایه" ویژگی قوانین تویید سرمایه داری را که در رواج ویژگی قوانین تکامل اجتماعی (لاقل تا قبل از پیدایش جوامن سوسیالیستی است) بیان میدارد و مثنا که بطورکلی د رویید سرمایه داری همه قوانین کلی بشکل بسیار درهم و غیری و تقریباً بمعابه کریش مسلط، بمعابه نوسانات متوجه شایسته که هرگز استوارانه مستقر نمیگردد.^(۲) تحقق پیدا یرد.

مارکس نه تنها این خصلت ویژه و پژوان اصطلاح قوانین اجتماعی را الاقل در چارچوب جامعه مبتنی برطبیت متناقض تصریح مینمود، بلکه جدا برحد رمید اشت که طرح تکامل اقتصادی - اجتماعی شماتیزه شود و بشکل تجریدی و بصورت قالبی و بختنه وار در آید.^(۳) بر عکس تا گذید مینمود که باید فاکت ها و مطالعه واقعیتی علیی یا یه تحقیق فرارگیرد، زیرا یا آنکه ماهیت تکامل اجتماع و مراحل مختلف آن یعنی ماهیت فرماسیونها (یا صورت بند یهای اقتصادی - اجتماعی یکی است، شکل بروز و پیشرفت های آن میتواند بسیار متعدد و متفاوت باشد. برخلاف دعوی رستو مارکس بهمچو مرحله بندی مقدار و بلاتغیر و یکداشت تکامل اجتماعی از جهت شکل بروز معتقد نبوده است. مارکس این تذکرای ابعاع و صراحت و دقیق که خاص اوست بدین نحو مطرح میکند:

"یک زیر بنای واحد اقتصادی، که از جهت شرایط عدد ه همان زیرنیست، در اثر حلالات بسی نهایت مختلف آمپریک، شرایط طبیعی، مناسابات نزدی و ترا ثباتات تاریخی مو" فر از خارج وغیره میتواند در بروز خود تفعیل (واریاسیون) و در جرات (گراد اسیون) بی نهایت پدید آورد، که میتوان آنها را بکل تجزیه و تحلیل این حالات آمپریک مفروضی، درک کرد."^(۴)

مثلاد رهبرد مختصات جامعه شرقی مارکس متن کریگرد که:

"شرایط اقلیی و زمینی، بورژو پنهانه ظیم بیانه ای که از صحرای افریقا، ازمیان عربستان و ایران و هند و تاتار، تاریخ اتفاقات فلوات آسیاکی معتقد است، سیستم آبیاری همنوی راز طریق تعریه ها و تأییسات آبیاری، به پایه رزاعت شرقی تهدیل کرده است."^(۵)

بریوی همین استد لال مارکس نشان میدهد که حکومتهای مستبده شورکاری خواهی استان شمره همین کمی آب و نظارت د ولت بر توزیع آب بوده که موجب تعریک قدرت درست دست و لشکری شرقی شده است. نقش این مؤسسه سیاسی یعنی دولت نیز در ریشه اجتماع و ازان جمله در راستاد آن روشن است. لذا در این تحلیل علمی و مشخص، مارکس نقش عامل چهارگانی (شرایط اقلیی و زمینی) را فوق العاده پرجسته میکند؛ بد و آنکه بشیوه افزاد قشری بیم داشته باشد که کویا این تصریح، این نوع تحلیل، نقش عامل اقتصادی (نیووهای مولده و ناسیات تولید) راضعیت میکند و سپس به نقش مهم د ولت اشاره میکند یعنی نقش عامل سیاسی را در پیدایش شکل اقتصادی یاد آور میشود. البته مارکس از این خطای فاحش بدر است که تاریخ را به توده ای از خود است در هم برهم که به انتخاب نسلها مربوط است (انظر

(۱) مارکس - سرمایه - جلد ۳، چاپ روسی، سال ۱۹۴۹، صفحه ۸۰۴

(۲) مارکس و انکلس، کلیات، چاپ روسی - جلد نهم - صفحه ۳۴۷

که رومتو معتقد است) مدل کند . او به قانونشند بودن پروسه تاریخ انسانی عقیده دارد و این قانونشند رأیزینه ای و مستقل از اراده انسانها مشمرد . ولی این معنای آن نیست که قانون بشكل یکتاخت است ، متحده الشکل عمل میکند و تحت تأثیر قوی مغذی عوامل که در آنها اعمال اقتصادی مسلط است تنوع ظیعی از اشکال بخود تغییرد .

در برآرائه اهیت مطالعه کنکرت و دقیق تاریخ نه فقط مارکس ، بلکه انگلیس نیز تذکرات مو" کدی دارد . مثلاً انگلیس در نامه معرف خود به لک شمیدت در تاریخ ۵ اوت ۱۸۹۰ از لندن چنین نوشت :

"ولی استنباط تاریخی ما مقدوم برهجیر رهنمای مطالعه است نه اهرم تجربه بافی های از نوع تجربه بافی های مکمل . باید سراپا تاریخ را از نو مطالعه کرد . باید شرایط هستی فرماسیون های اجتماعی مختلف را قبل از آنکه بکوشیم تا نظریات مروطه سیاسی ، حقوقی ، هنری ، فلسفی ، مذهبی و غیره را از آنها بیرون بکشیم و رجزیات پژوهش کنیم "(۱)

انگلیس برای آنکه مقطعه های افرادی مانند پابول بارت را که در زمان او مانند رستود زمان ما استنباط تاریخی مارکسیست را به "د ترمینیسم اقتصادی" مدل میکند فاش کند رمکاتیات او اخیر عمر خود یک سلسله اظهار نظرهای بسیار ذی قیمت درباره نقش اراده های فردی در پیدا ایش حادثه تاریخی ، رابطه تک رو پوسته تکامل اقتصادی ، نقش تصادفات در تاریخ ، نقش متعاقن روبنا و استقلال نسبی آن نموده است که ذکر همه آنها در اینجا مخزن را بدراز خواهد کشاند . ماطالبان را بطالعه نامه های انگلیس به شمیدت ، بلوخ ، مرینگ ، شترکتبورگ ، د انلیسون و دیگران مراجعته میدهیم . برای دادن نمونه ای از بررسی دقیق و علمی کلاسیکه اداره برایه قوانین اجتماعی نظریات فوق العاده عميق و خلاق انگلیس را در مردم رابطه " اراده فردی و حادثه تاریخی " ذکر میکنیم . انگلیس در نامه ۲۱-۲۲ سپتا مبرخود بمه بلخ چنین منویسد :

"تاریخ چنین ساخته میشود که همیشه نتیجه نهائی از تصادم تعداد کثیر اراده های جد اگانه حاصل می آید و ضمناً هر یک از این اراده ها ، باز به برکت تولد ای از شرایط و مخصوصات حیاتی ، به آنچه زی که اینک هست بد میگردد . بدینسان عدد ای پایان قوای مقاطعه و گروه بیشمار متواتری الاشاعر قو ا وجود دارد و از این تقاطع یک نتیجه مشترک یعنی حادثه تاریخی حاصل می آید . این نتیجه تاریخی را میتوان بازی مثابه محصول یک قوه که بعنوان کل ، بنحوی ناخود آگاه و بلا اراده عمل میکند ، مورد بررسی قرارداد . زیرا نچه که یکفرد میخواهد ، از طرف همه دیگران مواجه با مانع یشود و در آخر آنچیزی بروز میکند که احدی خواستارش نموده است . بدین ترتیب تاریخ ، بد انسان که ناامروز جریان می یافتد ، مانند یک پرسوسته طبیعی - تاریخی جریان دارد و ماهیتا تابع همان قوانین حرکت نیز هست ."

از این مخزن انگلیس بری می آید که " حادثه تاریخی " از یکطرف نتیجه تقاطع گروه بیشماری از متواتری الاشاعر قوای ارادی است ولی از طرف دیگر خود حادثه تاریخی مثابه یک کل دارای شخصیت مستقل است و نیروی است که بلا اراده و بنحوی ناخود آگاه و در رهه انتخاب و " اختیار " افراد جد اگا عمل میکند زیرا جمع این قوای بیشماره ، جمع ریاضی نیست بلکه نتیجه دارای یکنی بغضی و حذف بعضی دیگر است . و بهمین جهت این کل ، این جمع بست را باید مستقلانیز اندیشیک پدیده طبیعی - تاریخی مورد بررسی قرارداد و تنهایانه میتوان بر اساس اراده و انتخاب فردی را در پرسه تاریخی توضیح داد .

انگلیس سپرده رهمین نامه نقش اراده فردی را در پرسه تاریخی و ارزش و عیار آنرا وشن میسازد و مینویسد : از این وضع که

(۱) منتخبات مارکس و انگلیس ، چاپ روسی ، جلد دوم ، صفحه ۴۶

" اراده افراد جد اکانه که هریک طالب آنچیزی هستند که وضع فیزیکی و شرایط خارجی (یعنی در آخرین موجله اقتصادی) آنها ، آنها برآمدند و میکشد (یا بعبارت دیگر شرایط خصوصی و عمومی اجتماعی) ، این نتیجه برئی آید که این اراده ها برابر با صفر هستند ، بر عکس اراده فردی در اراده کلی نظیر شرکت میجود و لذادر آن مستحب است " (۱)

با این بیان انگلمند قلت کنید . اراده فردی خود محصول دوچیزاست : شرایط خصوصی با وضع فیزیکی و شرایط عمومی اجتماعی که در آخرین مرحله اقتصادی است . یعنی اراده از یکسو تابع مذکور است جسمی انسانی و از سوی دیگر تابع حیط اجتماعی - اقتصادی است . و انقت خود این اراده که محصول این دو عامل است نه بعنوان صفر بلکه بعنوان عددی واقعی دیگر که ظیمه پرسه تاریخی شرکت دارد .

هداف از نقل قولها و منونه های فوق آنست که برخورد نرم ، خلاق و غنی و میقاصلی مارکس و انگلمن را را انتطباق متن ولیزی علومی جامعه شناسی ماتریالیستی بر منص واقعی تاریخ و پژوهش این نسخ نشان دهیم ولا جرم باین نتیجه یوسیم که این جامعه شناسی " در ترتیبیم اقتصادی " نیست بلکه در تعین آنکه عامل اقتصادی را بحق و بجا و بنا باصطلاح مو" که و مکررا نگلمن " در آخرین تحمل " عامل تعیین کننده ماهیت تکامل اجتماعات انسانی مشغیر به پیچوچه نه نقش عوامل دیگر (عامل اقلیعی و جغرافیائی ، عوامل پیولوژیک ، عامل روانی و فکری) را نکر است و هنر آنست که این عوامل ممکن است در زنجای آنچه ، در این یا آن دوره صاحب تا" شیری فوق العاده مهم باشند .

بهین جهت مارکسیسم خلاق پیوسته تحمل مشخص وضع مشخص راتتها اسلوب صحیح علمی میشود و از انتطباق قشری و حتی اجرای احکام قصاص حاضر را ماده برواقعیت نرفت دارد . این یکسی از ظاهر جدی سوزنکیویسم است که بجای منشا " گرفتن ارزشگی کی واقعیت " ، زندگی واقعیت را رکالبد نشک احکام و افکار از پیش اماده شده ، پژووجیر و یکلک تکنیک و رعایت بندگانیم .

البته این بدان معنای نیست که در تحلیل فاکتها ، باید اسلوب علمی تحلیل که مارکسیم آنرا بد مت مید هدفت نشود . بهیچوچه مارکس و انگلمن اینین خود را " رهنمای عمل " رهنمای برسی میشود دند ، برای عمل ، زندگی ، فاکت ، واقعیت امثال قائل بودند و هر آن بودند که باید به شوری نهاده بعثایه و سیله ای برای سمعت یابی در انبوی واقعیات متنی شد .

بهین جهت جامعه شناسی مارکسیستی میتواند هاید نسخ بُفرنج جامعه را مید مدقیقتر و جامع تر بشناسد و جزء اسلوبی خود را مید مدقیق تر و حسامی تر کند . از زمان پیدا ایش مارکسیسم تاکنون در این زمینه کارپزگی انجام گرفته ولی نمیتوان اعتقاد نکرد که اگر برخی عوارض هنری مانند نوعی انجاماد نسبی حیات شوریک دارد و این تیعنی شخصیت استالین نبود . جامعه شناسی مارکسیستی میتوانست غنا" بیشتری کسب کند و از انجمله در پی بحث مم رابطه دیگر کنیکی عنصر پیولوژیک و عنصر سوسیولوژیک در تکامل جامعه ، روان فردی و روان اجتماعی و نقش آن در تکامل جامعه غوری می بیشتری نماید . اکنون بتناugen کار بسیاری از کارشناسان و دانشمندان بر جسته علوم اجتماعی در شرکتی واقعند . بعنوان نمونه اظهار انتظاره سه من از فلا منه و اید شولوگهای سرشناس و معتبر شوروی رانقل میکنیم . فیلسوف معمرو فاشیووی آکاد میسین میتین مینویسد :

" باید مذکور شد که مثلا در ایالات متحده امریکا بیش از چهل پژوهشگاه جامعه شناسی وجود دارد و همچنین باید گفت که در آنجایی ارشاد کامل از فلاسفه و جامعه شناسان و روان شناسان مشغول تنظیم باسطلاح جامعه شناسی صغير (میکروسوسیولوژی) وسائل مدبریت و منجریسم (Managernism)

(۱) مارکس و انگلمن ، آثار منتخب بروسی ، جلد دوم - صفحات ۴۶۹ تا ۴۶۴

وغیره هستند. البته این عمل باشیوه های غیرعلی و برای هدفهای خاص پرآگماتیک انجام میگیرد. در کشور ما پژوهشگاهی کنکرت جامعه شناسی برآسان شیوه ماتریالیسم تاریخی که جامعه شناسان عالم ماست، میتواند و باید پژوهشگاهی واقعی علی بیاشد؛ ولی باید تصریح کرد که در اورتنتیزم پژوهشگاهی مشخص جامعه شناسی ما حسابی عقب مانده ایم . آ . و ماتساندر روف رئیس دانشگاه لینکراند بحق در سخترانی خود مذکور شد که ضروری است روانشناسی صنعتی گسترش یابد و درباره ایجاد آزمایشگاه روانشناسی صنعتی در جنبه انشگاه، سخن گفت . این نوع پژوهشها ، اگربرآسان ماتریالیسم و اسلوب دیالکتیک انجام گیرد، میتواند نتایج جدی بدست دهد (۱) .

پرسپریو . پ . فراتنسف یکی از جامعه شناسان نامی معاصر شوروی مینویسد :

"باید تا گذید کرد که اکنون نفاذی روحی انسان و بقایای عادات و رسمیه که جامعه طی قرون متادی پیروز شد اد" است و در آن ، آن نوع نسبات اجتماعی که آلانیندۀ شخصیت انسانی است ، مسلط است ، به ماتع جدی بدل شده است . ماجامعه شناسان شوروی توجه کافی بمعطالتۀ سائل روانشناسی اجتماعی می‌ولند اشته ایم ویله "پیوند ناگستی تغییرات ایدئولوژی روانشناسی توده ها را منظم نکرده ایم . شوریسین های بوروزا کوهه‌ها کاخ سیاه کردۀ اند و "اداره ناپذیر بودن" واکتش روحی جامعه و تغییرناپذیری "طبیعت" روحی انسان را میرهن ساخته اند . این یکی از ارکان ایدئولوژی بوروزاری است که موافق با حقیقت نیست . در آثار لینین اشاره صریح به درک علمی روان جمعی توده ها و تطور آن هست . این امر برای پرآتیک مدارای اهتمیت فراوانی ااست" (۲) .

وسرانجام ایلیچف مسئول پخش تبلیغات دستگاه کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی مینویسد :

"ناد رست است که ضرورت تحقیقات واقع‌علمی مارکسیست روانشناسی اجتماعی امروز تردید قرار دهیم . تا امروز روانشناسان متشابه‌اعمالۀ روان فرد مشغولند و مختصات روانی گروه مردم و روان جمعی را مطالعه نمیکنند . لذا در پرآتیک تربیتی ما گاه مختصات میشوند و روان این یا آن گروه را در رناظم نمیگیرند" (۳) .

ایلیچف در همین مقاله نکته مهمی را تصریح میکند و آن اینست که وجود شرایط عینی (شرایط اقتصادی و اجتماعی) به تنهایی برای ایجاد انسان نوین کافی نیست و عامل ذهنی (روان فردی و اجتماعی) بنهایه خود را ایجاد نمیکند .

شرایط عینی تربیت انسان نوین در زند ماضید آمده است ، ولی هرقد رهم که شرایط عینی بخودی خود مساعد باشند ، به نتایج طلوب تعمیر میگیرد . حساب تائیز خود بخودی شرایط عینی حساب غلطی است ، زیرا نقش فعال عامل ذهنی را از دایره حجمیه خارج می‌سازد .

این نقل قولها بانها یست صراحت نشان میدهد که اولاً مطالعه روان اجتماع از عرصه پژوهش شوریسین های مارکسیست درمانده بود و شاید علت آن بود که چون مارکسیسم نوشتن تعیین کننده عامل ذهنی (اقتصادی - اجتماعی) را مهرج ساخته لذا ، کویا ، نیازی بپرسی عامل ذهنی نیست . ثانیاً یک رشته مشکلات علی که در سرراه تکامل آتی جامعه نوین و پیروز انسان نوین پدید شده ، نقش حساس و فعال روان فردی و اجتماعی را روشن ساخته و حل آن مسائل بدون درک این مسئله شدنی نیست . ثالثاً

(۱) میتین، "ترقی علم وظایف تحقیقات فلسفی" ، مجله فلسفی سال ۱۹۶۱ شماره ۷ چاپ مسکو

(۲) یو . پ . فراتنسف ، "لکنیویسم سویسیالیستی و تکوین شخصیت" مجله فلسفی سال ۱۹۶۱ شماره ۵ ، چاپ مسکو

(۳) ایلیچف ، "مبارزه بری علی تکامل جامعه" مجله کمونیست ، سال ۱۹۶۲ ، شماره ۶ نوامبر ، چاپ مسکو

شوریعنین های مارکسیست ببررسی عمقی مسئله آغاز نهاده اند و جامعه شناسی مارکسیستی از جهات
مبانی شوریک خود کوچکترین "مانع اصولی" برای حرکت در این جاده ها ایجاد نمیکند.

پس از این بیان فرد و از ماتریالیسم تاریخی و برخی سائل مهم آن تصور میکنیم میتوان تصفیه
حساب وجود این خود را با اولت ویتن رستو پایان یافته دانست . البته سخن بسیار است ولی آنچه که
گفته شد میتواند راهی باشد به آنچه که میتوان افزود و خرد مندان را اشاره ای کافی است .

جامعه شناس غرب که مدعاً است میخواهد در قبال مارکسیسم قد علم کند و بهمن محصولات آن
"شوری مراحل" والتر رستو است دچار بیماری ضعف و بحران است و برخلاف دعوی رستو برسی
مشخص تاریخ انسانی را کارکذاشت و به آراستن و پیراستن سرمایه داری پرداخته است . باین امر خود
جامعه شناسان غرب معتبرند . ازانجله ملا آفای و لفکانگ رُته (W. Rothe) در کتاب "آد مکهای
مسئوی و پیزهای دیگر" چنین مینویسد :

"در حالیکه امروزه اموری اجتماعی مارکسیستی در خاور با وزن سنگینی بر تاریخ و بنیاد شوریک
قرار دارد ، جامعه شناسی غرب ، بجز مکتب جامعه شناسی تاریخی هاید لبرک ، بواسطه کمود برسی
تاریخی بسیار است . در امریکا که مرکز جامعه شناسی کنونی است ، پژوهشگاهها براز مصالح تحقیقاتی
است که ایلاظت شوری نوین جامعه مورد سنجش قرار گرفته ، قسمی بحث آنکه فائد نیروی سازنده است
و بخشی بدان جهت که بنا بر قول کورت زانت هایمر در " دفاتر فرانکفورت " ، جامعه شناسی بیک افزار
کنفرمیسم و نان خورد ن پنجه روز بدل شده است . آیا الفاظ کوه آماسی (Bergcavokuheln)
مانند " جامعه هموار شده " ، " طبقه متوسط " ، " جامعه صرف و سیع " یک ایدئولوژی درست حسابی
نیست " (۱) .

در رواج نیز جهان امیریا ایستگی قادر نیست آن چنان جامعه شناسی سرشار و زنده ای بدست دهد
که بتواند افزار تکنولوژی اجتماعی ، حریه نیزد مرقی و انقلابی باندد . بد نیست این برسی را با سخنان تویث بی
درباره نقش تاریخی امروزی ایالات متحده امریکا ، زاد کاه رستو و جامعه شناسی وی ختم کنیم . آرنولد
توین بی بزرگرین مؤخر معاصر انگلستان و مؤلف اثر چند جلدی " پژوهشی درباره تاریخ " در اثر اخیر
خوبیش موسوم به " امریکا و انقلاب جهان " مینویسد :

" امروز امریکا دیگر اسلامگر و پیشوای انقلاب جهان نیست ، واحسان من آنست که امریکا حتی
وقتی نقش کهن ایرا بیو یاد آوری میکند (۲) نه فقط ناراحت یکه همانی میشود . امروز امریکا لید رجن بشن
ضد انقلابی جهانی در دفاع از سرمایه بزرگ است . اوکلون ازانچیزی دفاع میکند که دعرصعتیق روم قدیم
از آن دفاع میکرد . روم پیکر ایه مد افع اغیانی " در مقابل فقرابود " (۳) وسین این مؤخر معروف بورژوا که
Wolfgang Rothe . "Der Roboter und der Andre" . Zines Verlag , (۱)
Wiesbaden , 1958 , S. 81-82

مفهوم رُته از " ایدئولوژی " یعنی نظریات مبنی بر منافع سیاسی و اقتصادی ملیعه خاص . منظوش آنست
که الفاظی مانند " جامعه صرف و سیع " غیره برای متناسب از وضعی است که سرمایه داران در آن ذی معمتد .
(۲) توین بی قبلا مذکور شده بود که امریکاد رسال ۱۸۷۵ که جنگ استغال را آغاز کرد بر این قوای انقلابی
جهان بود .
(۳) Arnold Toynbee , "America and the World Revolution London , Oxford University , 1952 p. 16

اصلًاً میانه ای با مارکسیسم و کمونیسم نداشتهان کتاب می‌افزاید :
”آمریکا از تیری مارک انتقلابی به نیروی مارک ا محافظه کار بدل شده است ۰۰۰ و تمام نقش
تاریخی خود را بروزیه داده است ” (۱) .
جامعه شناسی مارکسیانگر آن نقش مارک انتقلابی است که اتحاد شوروی ایفا می‌کند و جامعه شناسی
رسویانگر آن نقش مارک ا محافظه کار که ایالات متحده آمریکا درکار ایفا نمی‌کند .

از در راه تکامل اقتصادی کدامیک را باید برگزید؟

پیشگفتاری د رباره موضوع بحث

درواههای اخیرین طرفداران راه رشد سرمایه داری و سوسیالیسم دموکراتیک بحث داشته - داری در جراید و محادل اجتماعی کشور درگرفته است . این مارزه قبل از همه نتیجه نموده است که پسرفت های اردگاه سوسیالیستی و مبارزه بین سوسیالیسم و سرمایه داری در مقیاس جهانی در ایران میکند . اصولاً محنتی اساسی در این مانور بین دشیوه تولید سوسیالیستی و سرمایه داریست و تمام جزیائهاییکه از لحاظ ایجاد سیاست اقتصادی در کشورهای سرمایه داری جهان دارد نمیتواند خارج از میدان باشد . ثیراین نبرد قرارگیرد . در این ماقربت مورد م جهان راهی سبی ساختن جامعه سوسیالیستی ، جامعه ایکه زندگی مادی و معنوی انسان را بسایر انسان مرفه و با فرهنگ تأمین نماید جستجو میکند .

شیوه تولید سوسیالیستی پس از پیروزی انقلاب کمیراکتر و پیدایش اقتصاد نشاءای در اتحاد جماهیر شوروی برتری خود را نسبت بشیوه تولید سرمایه داری نشان داد . پس از جنگ جهانی دوم پس از سلسه از تنشیهای دیگر نیز برای رشد سوسیالیستی کامنه اند و هم اکنون شیوه تولیدی نامنده سلطه خود را در این سوم جهان برقرار ساخته و اردگاههای عظیمی که شامل یک چهارم کره زمین با یک میلیارد نفر جمعیت است بوجود آورده که رفته تمام ملل کشورهای سرمایه داری را بسوی خود جلب نینماید . پیشتر تهای شکرگاه علمی ، فنی و فرهنگی این ارد و ناهای نمایندگی این دو مردم جهان ، بیویه اهالی کشور - های توافقنامه میکند (۱) . واقعه های برای همه کشورهای در حال رشد غلبه بر عقب ماندگیهای گذشت - های ناگستین باشیوه تولید اجتماعی دارد . مبارزه آشکار بین دشیوه تولید اجتماعی - سرمایه داری و سوسیالیستی . در جهان سبب شده است که طرفداران هریک از این دشیوه های اثبات نظرات خود کشورهای سوسیالیستی و سرمایه داری را بینان مثال ذکر نکنند .

موضوع بحثی که در جراید و محادل اجتماعی کشورهای جهان دارد بحث بین د جناح روشنگران سرمایه داریست . جناح خشک و جامد روشنگران سرمایه داری بهیچوجه خاکر بحد ول از شیوه تولید سرمایه داری نیست و تصویر میکند با ایجاد سیاست صحیح اقتصادی که بفعالیت خصوصی از ازاد امنیت و سیعی بد هد میتوان بر تمام دشواریهای اجتماعی - اقتصادی غله نمود و برای رفع مشکلات موجود احتیاج بشیوه تولید سوسیالیستی نیست . ولی جناح آگاه واقع بین روشنگران کشورهای از ضعف و سریوش اقتصاد سرمایه داری داخلی و سرمایه انصصاری خارجی آگاهی دارد و عمق دشواریها و عقب ماندگی کشور را در رک نینماید راه دیگری جستجو میکند که راهی بین سرمایه داری و سوسیالیستی است . طرح موضوع سوسیالیسم دموکراتیک در جراید کشید ، بیویه از جانب مقاماتی که دارای مشاغل حساس دلتی هستند نشانه ایست که (۱) سهم تولید صنعتی اتحاد شوروی در سال ۱۹۱۷ تقریباً سه درصد تولید جهان بود . در سال ۱۹۳۷ به ۱۰ درصد و در سال ۱۹۶۱ به ۲۰ درصد و هم اکنون سهم کشورهای سوسیالیستی در تولید اث صنعتی جهان بیش از ۳۷ درصد است .

این موضوع بد تهاست در محافای حاکمه کشور نیز نفوذ کرد و طبقه حاکمه برای دردست گرفتن نهضت سویا لیستی آغاز بحث و طرز ادامه آنرا بدست عناصر فعال و آگاه خود سپرده است.
نظریه‌روان شیوه تولید سرمایه داری

سرمایه داری ایران طی نهم قرن اخیر توانست بارشد و گسترش خود روش‌نگران فراوانی نیز برای دفاع از شیوه تولید موجود پرورش دهد. اکثر روش‌نگرانی که در انشاگاههای اروپا و امریکا تحقیق نموده اند و اکثر سکان دستاگاههای اداری، اقتصادی، میانی و فرهنگی را در درست ادارنده تمام مساعیشان برای رسیدن بسطح اقتصادی و مدنی کشورهای سرمایه داری اروپاست. این روش‌نگران هریک بتفاوت دلیلی وضع طبقاتی خود پیرو مکتبی شدن و تعالی آزادی را خود با ایران آورند. آنها در سیاری از سو ارد بد ون در نظر گرفتن خصوصیات ملی، سطح رشد نیزه‌های مولد و فرهنگ عمومی، امکانهای مالی و نیز روی انسانی از برترانه ها و حتی سیاست اقتصادی کشورهای سرمایه داری اروپا و امریکا د میزند ولی نتایج هر دنیا نهضت را بدست نیمازند. برای این گروه از روش‌نگران شیوه تولید سرمایه داری برای ایران بهترین شیوه است و با اصلاحات اداری، مالی، فنی و دریافت کل از خارج میتوان برد شوارهای موجود فاقع آد و سطح زندگی مردم را بسطح زندگی اهالی ملاد سواد یا انگلستان رساند. آقای ارسلان خلعتبری یکی از اسخنگوان فعال این گروه تقدیم دارد که «سرمایه داری امروز با سرمایه داری این مان تنازه‌های روسیه» یا اوایل قرن بیستم مشته میشود. در واقع کسانیکه سرمایه داری رایعت آنچند نقد هر کشمی برای منافع خود مانع اصلاح وضع مردم و پیشرفت اقتصادی کشیده میشوند مود حمله و انتقاد قرار دیده هند بحقیقت سرمایه داری امروز توجه نداشت. چه سرمایه داری امروز فقط بتفویعه قابل دره کشیده نیست بلکه بتفعیل مداد است و وضع سرمایه گذاری عصر حاضرها چهل سال پیش و حتی زمان قبل از جنگ اخیر تغییر یافته و در مسیر مملکت و مردم قرار گرفته ۰۰۰ درست بعکس نکته و عقیده آنها یعنیکه سرمایه داری رامانه میداند سرمایه داری باعث رشد و توسعه اقتصادی کشورها گردیده و سطح زندگی مردم را بالا آورد ۰۰۰ همه ماله عده زیادی دارای مسکن، اتومبیل، رادیو، تلویزیون، یخچال و سایل تغیری، پس انداز و قدرت بیشتری میشوند که فرانسه، ایتالیا، المان، انگلستان و امریکا و کشورهای دیگر ارای رژیم سرمایه داری نموده های کیا و زنده اان میباشد» (۱).

د) کترکاویان یکدیگر از برادران سرمایه داری نیز در مقام ستایش از زیرزم سرمایه داری برآمد و چنین مینویسد: «همین رژیم سرمایه داری یا «کایتالیسم» بید که موجب شد غرب هزارهای برابر با یکدیگر میزان تولید بیفزاید و سطح زندگی را چنان بالا برده که روزی دچار کوئی نشید» (۲).

در مقابل کسانی که باقیه های ناد رست کشورهای رشد کرد سرمایه داری صنعتی غرب را نهونه ای برای ایران حساب میکنند و تصویر مبنیانه بند که این قیا میتواند میلیونها نفره تهدید است ما و یا جوانان روش‌نگران مارکه در تکاپو پیدا کرد ن راهی د ربارزات اجتماعی هستند به اصول شیوه تولید سرمایه داری مؤمن نمایند و راه رسیدن اثرا رابه افکار علی سویا لیستی سد کند، شخصی نیز پیدا میشوند که خصوصیات جامعه سرمایه داری مارعیق تبرد رک مینمایند، راه بهبود آن و چهارچوب وظایف دلت و لر راشان میدهند. ملا آقای د ترجیحین پیرنیامینویسد: «نظام اقتصادی ایران ۰۰۰ میشی بر امثال فعالیت خصوصی و آزاد است و

(۱) ارسلان خلعتبری، رژیم سویا لیستی یا سرمایه داری - که امیک برای کشور ما مفید تراست؟، مجله خواندنیها، ۱۹ خرداد ۱۳۴۲ (۹ زوشن ۱۹۶۴)

(۲) د کترکاویان، د کترارست جاتی چه میگوید؟، مجله خواندنیها، ۳۲ خرداد ۱۳۴۲ (۱۳ زوشن ۱۹۶۴)

توسعة اقتصادي کشور باید در چهار چوب این نظام اقتصادي انجام شود. در چنین نظامی تقابل افراد به توسعه فعالیت و تأسیسات یعنی ملی سرمایه کذاری نقص اساسی واصلی برآرد. نقص دلت محد و داست به امر بوجید آوردن شرایط مادی و اجتماعی لازم برای رشد و تکامل فعالیت خصوصی افزاید^(۱). یاملاً افای دکتر علی محمد اقتداری می‌ستم سرمایه داری کشور ما و قشر دلت را بشرح زیرین مینماید: «... حد و د دخلات دلت در فعالیتهای اقتصادی جامعه بارزیم سراسی و فلسفة اجتماعی جو مع مختلف ارتباط دارد. در سیستم سرمایه داری مخطط که بارزیم سراسی و فلسفة اجتماعی کشور ما واقع می‌هد و ظایف دلت محدود به ارتاد ورهبری، تنظیم و کنترل تعالیتهای اقتصادی می‌شید ... ۰۰۰ امزور خوشبختانه علم اقتصاد پرچمه^(۲) از پیشرفت و تکامل رسیده است که تشخیص و درمان مسائل اقتصادی امکان پذیر است. تجربیات کشور هک^(۳) توسعه یافته بخوبی نشان میدهد که همگنیه میتوان با ایجاد و اجرای تدبیر مختلف مالی، پولی یا ارزگانی مشکلات اقتصادی را برطرف کرد و در تبدیل پلرکد برونق و تسریع رشد اقتصادی بد ون و قوع ت侮م گاسهای نیزگی برد است»^(۴).

روشنفران بهزاری مادر عین حال از تغییرات اساسی اقتصادی - اجتماعی چهان نیز غافل نیستند و میدانند که رشد سرمایه داری بشکلهاشی که صدها سال پیش در کشورهای غرب صورت گرفته است در ایران امکان ندارد. کسانیکه پسحروف سرمهاده داشتند بزرگ بودند پیش از این دلت را برای رشد سرمایه داری ضروری تشخیص میدهند و اقتصاد با برنامه را برای رشد سرمایه داری ایران لازم میدانند. «برنامه گزاری اقتصادی امروزه در کشورهای توسعه نیافته کلید توسعه اقتصادی را تی می‌شید ... ۰۰۰ اقتصاد سرمایه داری قرن نوزدهم در تحقیق تحوّلات در قرن پیشتر به برنامه گزاری اقتصادی متعال می‌شود و در کشورهای سرمایه داری نصو اقتصادی همانکه از طریق سیستم برنامه گزاری پیچیده اقتصادی نامی می‌ردد ... تولید کشور توسعه نیافته در شروع توسعه اقتصادی فاقد قابلیت انعطاف لازم است. در یاصوت اکر سرمایه کذای در رشته هایی متوجه کردند که با تحریم مقتضی دست گرفته محصل ملی اقتصادی نشده است، تهرم پولی، اقتصاد کشور توسعه نیافته را تبدیل می‌کند ... در مراحل ابتدائی توسعه اقتصادی در کشورهای توسعه نیافته نیتیان توانایی طالی جامعه را بسیار سرمایه گذاریهای بخصوصی متوجه ماخت»^(۵).

به اول کلی عقیده روشنفران بهزاری در ایران اینست که شیوه تولید سرمایه داری میتواند در اثر اصلاحات معین و مکهای دلت با گامهای سریع پیش برود. در رشد سرمایه کذاریهای خصوصی نقش دلت راهنمایی، دادن مزايا و معافیتهایی برای سرمایه داران، تغییر مکانیسم اعتمارات، ساختن کارخانه های مورد نیاز و فروختن آن با قساطط طویل الدست، مثلاً بیست ساله بکار فرمایان مخصوص^(۶)، کم کردن مالیات بر راحد سرمایه داران^(۷)، ایجاد شرایط بادی مانند ساختن راهها، بندرهای قزوین^(۸)،

(۱) سخنرانی آقای دکتر حسین پیرزیان اسلامی استاد دانشگاه تهران در شانزده همین جلسه سخنرانی ماماده باشک مرکزی ایران، مجله باطن مرکزی، اسفند ماه ۱۳۴۲

(۲) سخنرانی آقای دکتر علی محمد اقتداری استاد دانشگاه ارشاد ایران اکنونمیست،

(۳) دکتر مصطفی پرندی حقیقی، اقتصاد قرن پیشتم یا اقتصاد برنامه ای، مجله تحقیقات اقتصادی، مجله

دانشگاه حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی، شماره ۸۷ و ۸۸، اسفند ۱۳۴۲

(۴) مهندس ابراهیم هدایت پیغمبر رئیس مرکز جلب سرمایه، راستاخیز صنعتی و کشاورزی ایران، تهران اکنونمیست

اول فروردین ۱۳۴۳ (۲۱ مارس ۱۹۶۴)

(۵) ارسلان خلعتبری، بازهم مالیات ... کم کردن طالیات باعث تشویق سرمایه گذاریست، تهران اکنونمیست

۱۸ اسفند ۱۳۴۱ (۶ مارس ۱۹۶۳)

د ائرساختن پست و تلکراف و تلفن و بی سیم واحد اث واد ارده سه های بیزگ و صنایع سنین و ایجاد شرایط اجتماعی مانند وضع واجراه مقراتی برای امنیت، کسب و کار و حلقه مالکیت خصوصی ۰۰۰ (۱) است.

هدف اساسی د ولت سرمایه دار امروز شناخت دادن برتری شیوه تولید و سیستم سرمایه داری بر شیوه تولید و سیستم سوسیالیست و مبارزه با نفوذ روز افرون افکار کمونیستی در ایران است. در این مبارزه نفس اقتصادی و ارشادی د ولت که افزار طبقه استعمارگراست خواه و ناخواه مال بسال بیشتر میشود و جوش خودرن و امتزاج سرمایه های دولتی، خصوصی و انصاری خارجی رفته جدی تو سرعت صورت میگیرد. باید خاطرنشان ساخت که طرفداران سرمایه داری در ایران همکنی نسبت بسیاست اقتصادی دولت دارای نظر واحدی نیستند. مثلاً د ولت ای طرفدار اتحادیار بازگانی خارجی، عده ای طرفدار خطایست گرفتی و د ولت ای دیگران سود بازگانی پشتیانی مینمایند. همچنین عده ای د ولت راتاچر و سرمایه داری بدلی حساب میکنند و معتقدند با یاد کارخانه های دولتی بسرمایه داران فروخته شود و د ولت ای برعکس پا به پای کمل جدی بسرمایه داران و حمایت از آنان بسرمایه داری دولتی توجه خاصی دارد. ولی همه نظریات که ارائه میشود بخاطر حفظ و توسعه سرمایه داری برآینست و تلاش سرمایه داری دولتی کمل به نکام میگیرد. و نکام سرمایه داری خصوصی است نه تاریک مقدمات شیوه تولید سوسیالیستی و جهش بسوی آن.

کامپینه ای که ازاواسط اسنده ماه پارسال بنخست وزیری "حسنعلی منصور" تشكیل یافته و حزب "ایران نوین" که زائیده همین کامپینه است، برنامه های ایشان "دادن کار مردم به مردم" (یعنی سرمایه داران)، تشویق فعالیت های خصوصی و دم دخالت د ولت در کار آنان میباشد. اجرای این برنامه یعنی پیروی از نظریات آن گروه از طرفدار ایران سرمایه داری که رشد سرمایه داری خصوصی را بر سرمایه داری دولتی ترجیح میدهد. کامپینه فعلی علاوه نیازمندی های مهیب در این راه بود است. اتحادیار قدر و شکر دولتی را لغو کرد، اعتبارات بازگانی و تولید را افزایش داد و در مدد است کارخانه های دولتی را به "مردم" بفرود و با پشتیانی از سرمایه داران به حساب خزانه د ولت راه را برای سرمایه داری های خصوصی بیشتر هموار نهاد.

آیا شیوه تولید سرمایه داری میتواند شهابیه ای اجتماعی- اقتصادی ایران را بر طرف سازد؟

روشنگران بهرژایی بد ون آنکه شیوه تولید سرمایه داری و نتایج حاصله از آنرا بورد بررسی قرار دهند و چهار ب د مشتب و متفنی آنرا برای جامعه کنونی ماستجنده با مثالهای از قلان و بیهان کشور رشد یافته صنعتی میخواهند نظریات خود را بهمراه مردم بقولانند. در بررسی پدیده های اجتماعی قبل از همه با یاد همان پدیده ازد اخیل و خارج مود بررس و تجزیه و تحلیل قرار گیرد، تضاد اخیلی و تمايزیان بر پدیده ه روش شود و درجه تاثیر عامل خارجی در نکامل تضاد یا تضاد های داخلی آن معین گردد تاثییجه گیری علمی اجتماعی درستی ایران بدست آید. مثالهای همواره میتوانند نقش کمکی را برای دلایل منطقی داشته باشند ولی خود نمیتوانند لیلی بر اینات این یا آن پدیده اجتماعی باشند. بهمن علت عالم علوم اجتماعی و اقتصادی نمیتواند برای اثبات نظریات خوب سرمایه داری امریکا و سوئد یا انگلستان و فرانسه را برای پدیده های اجتماعی و اقتصادی ایران بثباته دلایل بازگارانه دهد. مقایسه ایران با امریکا، انگلستان و سوئد و یا هر کشور شد که صنعتی بهیچوجه با منطق ساده نیز وفق نمیدهد. شیوه تولید سرمایه داری در کشورهای نامبرده دارای سابقه ای بیش از ۲۰ سال است. حال آنکه شیوه تولید سرمایه داری در ایران

(۱) دکتر حسین پیرنیا، مقاله ذکر شده.

مریوط بقعن جاری است. در کشورهای نامیرد زیرینی مادی و فنی بیش از صد سال است که پایه گذاری شده است، حال آنکه در کشور مانختین کام ایجاد چنین زیر بنایی یعنی صنعت ذوب آهن بیش از سی سال است که بر روی کاغذ مانده است و با مخالفت نهاد انحصارهای خارجی و بازرگانان وارد گشته اند. آلات روبرو میشود. دشواریهای اجتماعی- اقتصادی ایران بهبود جوچه شباخت باکشورهای رشد یافته صنعتی سرمایه داری ندارد. در ایران هنوز مشکل بیسوسادی، بی غایی و کم غایی، مسکن، ایجاد زیر بنای مادی و فنی، ایجاد حداقل شرایط سهده است برای علوم طراحی است و در کشورهایی رشد کردۀ صنعتی حل مسائل بیکاری ناشی از اتوط سیون، مسئله آنکه رشد در رسانه باشد و گاه موسیالیستی، مسئله تعیین زیادگی عذر سرمایه و مسود اتحادی- مسئله بازاریابی وغیره افکار را میگیرد. ولی وبانکی را بخود جلب نموده است.

واعقیت اینست که شیوه تولید سرمایه داری که از چهل سال پیش مورد حمایت مستقیم دولت قرار گرفت و دولت ایران با تمام امکانهای مادی و معنوی به کسرتمن آن کلک نمود و خود نیز به بزرگترین سرمایه دار گروپ تبدیل شد، نتوانست سطح زندگی اعالي را حتی بیمزان رفع مسلح زندگی کشورهای رشد کردۀ صنعتی پرساند، نتوانست مسئله بیسوسادی و افزایش کود کان راحل نماید، نتوانست زیر بنای مادی و فنی راکه شرط اساسی رشد سریع نیروهای مولده جامعه است پایه گذاری نماید، عقد ماندگی کشت و کار کشاورزی و امپریوی را لزین ببرد، مرک و میر نوزاد آن را بحد اقل برش چهل سال اخیر بیش از ۲۵ هزار کیلومتر راه ۳/۰ سازار کیلومتر راه اهن، هزاران کارخانه کوچک و بزرگ، بنادر روفرود کاشهه که مدرن ایجاد شده اکثر آنها با سرمایه گذاری دولتی یعنی مالیاتی که تهدیه های مردم پرداختند یا از راه استئمار کارکارانی که در کارخانه ها و معادن دولتی و خصوصی کار میکردند بوجود آمد. در طول چهل سال اخیر شروع شد ان کشور شرود خود را بعد ها بر ابراز فایق داد و بجای توسعه سرمایه گذاری در رشته های اساسی تولید بخوبی و ملاحتا و کاخهای زیبا (در سوسی و انتقال سرمایه به بانکهای خارجی دست زدن وکترین توجهی بسرونوشت کشور نداشتند. طبق آماری که مازناتهای رسمی کشور انتشار اد ندرشد تولید منتفع دهد هسال اخیر بخاور متوسط ۱ درصد و در کشاورزی ۳ درصد بوده است. تاره این رشد در زمینه بسیار تنگی و برایه صنایع و کشاورزی بسیار ضعیف انجام میکرد. آیا با این سرعت رشد سالانه میتوان بر تهدید سنتی بیسوسادی عقب گشتنی کرد و زیر بنای مادی و فنی جامعه را پایه گذاری نمود؟

طبق گزارش رسمی بیش از ۵۰ درصد خانواره های ایرانی نمیتوانند بهبود جوچه زندگی خود و کود کاشتند را این کنند، ۱۵٪ اعالي کاملا مستحق و قبیرند، از هر ۱۰۰ نفر که بسن هفت سالگی میرسند فقط ۵ نفر میتوانند در بخش اند، از هر ۱۰۰ نفر نزد ناداده نفرشان بسن ۲ سالگی میرسند، ۵۰ هزار سکنه ساحل جنوب فقط یک مامای دیپلمه و ۱۵۰۰ توانان بودجه بهداشت دارند. ۶ میلیون نفر ساکنین دهات فقط ۲۱ بیمارستان با ۸۷۶ بیخ خواب دارند که بسیار ۱۷۹۶۳ نفر یک بیخ خواب میرسد. طبق حساب یکی از کارشناسان اقتصادی ایران درآمد سرانه ۱۷٪ جمعیت دهات که ورکده نشین اسالانه بطور متوسط ۳۶۵ توانان است که روزی یک توانان میشود. ۱۰٪ شهرنشینان که ۵ درصد اعالي کشور را تشکیل میدهند پردازند و ۴۰٪ درآمد ملی را اخذ ب میکنند و بقیه بطور نامتوازنی بین ۱۰٪ اعالي کشور تقسیم میشود. این توصیف است ناقص ارزند که سرمایه داری امروزی کشورها را در ایران پابهای کسرتمن تدن فساد های اجتماعی از قبیل قاجان، ساختن کالاهای تقلبی، رشوه خواری، کانسٹریزم بدزدی، انتحطاط اخلاقی، فحشا، رواج مواد بخدره و همه جهات منفی راکه در کشور مادیده میشود توجه (۱) طبق گزارش مجرای کشور شروع شده اند ایران تبدیل را از افاده از دریاچه زرمالان (Zerulan) بیش از ده هزار و پلا و کاخ دارند.

داده است. غلبه بر این بهمه دشواری‌های اجتماعی- اقتصادی بهبود شرایط تولید سرمایه- داری، لغو انحصارهای دولتی بنفع سرمایه داران و بدل تدریجی مالکان بسماهی داران می‌رسنیست. این بدان معنی نیست که سرمایه داری در ایران دیگر قاد را برداشت خواهد بود و مواجه با برخان داشت و مددی غیرقابل عبور نموده است. برای رشد سرمایه داری در کشورهای مکانهای فراوانی وجودد ارد و گسترش سرمایه داری، در صورت اتخاذ تدابیر صحیح، حتی میتواند نسبت بگذشته سریع تصورت گیرد. لیکن این آفریزش سرعت اولاً بهبود شرایط قابل مقایسه با سرعت رشد شرایط تولید موسیمالیست نیست و ثانیاً میتواند پاسخگوی احتجاجات مادی و معنوی اهالی شهرها شد. این موضوع از پیش‌بینی‌ها و سرمایه‌گذاری‌های اتسی نیز بخوبی روشن می‌شود.

طبق برآورد کارشناسان اقتصادی ایران اگر سرمایه‌گذاری سازمان برنامه و سرمایه داران در عرض پنجاه ساله جاری با موقیت پیشرفت نماید و سازمان برنامه با ۲۰۰ میلیارد ریال سرمایه‌گذاری و سرمایه- داران با ۱۵۰ میلیارد ریال سرمایه‌گذاری میتوانند ۶ درصد رشد سالانه را می‌نمایند آنوقت در آخر نقضه پنجاه ساله سوم (۱۳۴۱) درآمد سرانه هرفرد ایرانی به ۱۸۷ دلار خواهد رسید. بفرض حفظ سرعت سالانه ۶ درصد، درآمد سرانه در سال ۱۳۵۱ به ۲۲۶، در سال ۱۳۶۶ به ۲۶۴، در سال ۱۳۷۱ به ۲۹۰ در سال ۱۳۷۶ به ۳۲۹ دلار افزایش خواهد یافت.^(۱) با این ترتیب اگر هیچگونه حد مده غیر مترقبه‌ای در رشد و تکامل شرایط تولید سرمایه داری در ایران رخ ندهد پس از ۲۵ سال تازه درآمد سرانه هر فرد کشور سطح یکی از عقب مانده ترین کشورهای اروپایی‌انی اسپانیا خواهد رسید که ملت قهرمانش برای رسیدن بسیار کشورهای راقیه و ساختن جامعه موسیمالیستی در تک روی براند اختن رژیم دیکتاتوری فرانکوست. جنبه‌دیگر این رشد و تکامل شرایط تولید سرمایه داری در ایران عقب مانده امروز اینست که فاصله درآمد سرانه و بالشیجه اختلاف مسطح زندگی ملت ماباکشورهای رشد کرده صنعتی در عرض ۵ سال آینده برآورده بیشتر از امروز خواهد شد. یک حساب ساده نشان میدهد که از اختلاف بین درآمد سرانه در ایران (۱۵۰ دلار) با کشورهای رشد کرده صنعتی (۱۱۷ دلار در سال ۱۳۶۶) در حدود ۶۷ دلار و نسبت بین دو درآمد سرانه ۱ به ۷ بود در سال ۱۳۷۱ یعنی سال ۱۸۷ دلاری درآمد سرانه تقریباً به ۲۷۰ دلار خواهد رسید و کشورهای رشد کرده صنعتی به بیش از ۲۰۰ دلار و غایت این دو درآمد ۲۸۰ دلار و نسبت بین آنها ۱ به ۹ خواهد رسید.

در لبادی این پیکره‌های بیجان مسائل اجتماعی- اقتصادی فراوانی نهفته شده و در پشت سر آنها بطبیعت، کشورهای اجتماعی و مارکزی طبقاتی وجود دارد که همواره سمت حرکت، صعود و نزول نمود ارهای اقتصادی- اجتماعی را تعیین می‌کنند. پیکره‌های با لامه برآورد و نتیجه گیری کارشناسان اقتصادیست نشان میدهد که شرایط تولیدی جهان سرمایه داری و مناسبات بین دیگر کشورهای کم رشد و رشد یافته صنعتی که اکثرشان کشور امریکا می‌باشد هستند قابل دوام نیست و تغییر شرایط تولید سرمایه داری در سیاری از کشورها، بیویه کشورهای در حال رشد، حتی و غیرقابل اجتناب است و در آینده کشورهای سرمایه داری جایی نخواهد داشت.

(۱) روزنامه کیهان، ۱۳ اذر ۱۳۴۹، روزنامه اطلاعات، ۳۱ اذر ۱۳۴۹. طبق حساب کارشناسان نشریه وزارت بازرگانی درآمد سرانه آخرین نهضت ساله دوم ۱۰۹ دلاری، در آخر پنجاه ساله جاری (سال ۱۳۴۶) به ۱۹۰ دلار و در سال ۱۳۶۶ به ۲۸۲ دلار خواهد رسید.

شیوه تولید سوسایلیستی، تنبیه املاح درد های اجتماعی - اقتصادی ایرانست

دربیحی که بین طرفداران سرمایه داری آقای دکتر اسنگانی وزیر سابق کشاورزی و سفیر کیمی
سابقاً بیان در رایتالیا در گرفته است مسائل مهم اجتماعی مطرح شده که همه انباناشی از تابعیت مساقیم دو
شیوه تولید سوسیالیستی و سرمایه داری در کشورها و انعکاسی از مبارزه طبقاتی در ایران است. در وانی که
کنونیسم مانند "شبیخ" سرا برآورده از افراد گرفته بود سپری شد و اکثرن کنونیسم که تختیم مرحله ای همین
شیوه تولید سوسیالیستی در یک سوم جهان بسته و پدر کراصلی آن در طول ۲۵۰ کیلومتر مربع ای شمالی کشور ما
قرارداد به صورت واقعیت در خشائی خود نمایی میکند و نهاد فاشنی آن نیز سال بسال خیره کنند ه ترمیشود.
جھنی که امروزه در رفاقت جراحت و حافظ اجتماعی ماصوت میبود رخد و دسد ویست سال قبل در اروپا آغاز
گردید. قبل از این تاریخ نیز متفکران و دانشمندان نویسندگان نظریه کامپانلاد رایتالیا، تومن موردن ایستان،
من میبین د رفراشنه و د هیچ عالم سرشناس د یگر که از استماره سرمایه داری و تهیید مست و وضع فلاکت بار
توده های زحمتکش رینج میرید ند جامعه نامرد رامرد استقاد قرارداد ند و در جستجوی جامعه سعاد تندی
که برای همه مردم رفاه و آسایش نماید بارآمد ند. در تاریخ کشورمان نیز میباشی تابناک فراوانی وجود د
دارد که با تعالیم خود علیه استماره استماره برخاسته و همواره در صدد پیدا کردن اصولی بودند که بتوانند
عدالت اجتماعی را برقرار سازد و بر اهربین ستم و تهیید مست پیروز گردند. لیکن هیچکی از این دانشمندان ای
نیت نداشتند که ایشان خدمت جامعه شناسی، ایصمث علم جامعه درآورند.

همه پیرهان مکتب سرمایه داری که بدخ و بنای آن برخاسته اند به چوچه نمیتوانند در ها و زنشیهای جامعه سرمایه داری را از میونها تقدیر میکنند، پنهان نمایند. اکثریت طبقه ایمن در ها را تحمل میکنند، بنج این شیوه تولید را میکشند، در زیر پر اطاقت فرسای آن خرد میشوند و در مبارزه روزمره خود در آرزوی راهی پسیوی معادت و خوشبختی هستند. در مذاقه تلقی علیه طرف اران سرمایه داری اقای دکتر استنچانی دلایلی ارائه مینماید که بیشتر از لایل برآورد اران سرمایه داری و سیاست اقتصادی کاربریه قابل مقتضی تراست. بعیدی وی "مالک در حال رشد وقتی از جالهٔ غنید الیس خود را بیرون کشیدند اگرچه لیرالیس اقتصادی و راه متروک سرمایه داری ندهم قرن ۱۹ بیفتند خود را تسلیم حراجت مذکوره امیری کرد اند وقت پیویل و از زیبایی خود را صرف خواهند کرد که بعد از اکثریت مردم قفتری و ناتوانتر شوند . . . این مالک حکوم باین هستند که بجای اقتصاد خانواری و شخصی نوعی اقتصاد ملی را اطراف ریزی کنند و بجای ائمه فکر و ذر و نقشه و ندا امیر افراد مسلط بر حکوم حفظ منافع چند دند نفر یا چند هزار نفر یا شد باید در فرقه نسبی تماشی افراد جامعه خود باشند . . . پس اگر یعنوان اینکه برد اشتمن بیک انحصار اقد پی در درجهٔ واگذاری کارهای مردم و انتقال فعالیت سرمایه پیوی از مشهد ولی، به بخش خصوصی است تمثیل شود این راه طریق میباشد. زیرا انحصار دولت مدل پانچار علی چند نفر سرمایه دار میشود . . . و مردم مملکت برای متعول شدن چند انحصار کریبد مالیات غیر مستقیمی پائی باید ازند" (۱)، وی در مقاله های دیگری مینویسد که "هدف سرمایه داری کنترل بروگایل تولید و افزایش را در حد ب هرچقدر بیشتر متفاوت حاصل از کار و تولید برای سرمایه داریست" (۲) و نیز "باید انست که رزیم اقتصادی ایران یک نوع لیرالیس شرقی است. این لیرالیس که هدفش تقویت سرمایه داری و اساجیان امتیازات است از طریق

(۱) دکتر ارجمندی، آیا سومیا لیسم دموکراتیک راه حل مشکلات است؟ هفته نامه باشنداد، ۱۳۴۲/۱۰/۱

(۲) دکتر ارجمندی، پیشترین راه برای میرزه پرورد از سرمایه ملی کی است؟ هفته نامه باشنداد، ۱۳۴۲/۳/۸

مدخله دولت در اقتصاد بنفع فعالیت آزاد صاحبان نفیذ فعالیت دارد » (۱)

چهل سال قبل انحصار قند و شکر از طرف دولت و پس از چندی انحصار بارز تانی خارجی و همه تابیر اقتصادی — اجتماعی بخاطر شد سرمایه داری دولتی و خصوصی صورت گرفت و شرایط انتروزی اتخاذ چنان سیاست اقتصادی را بیجام مینمود. امروزه که دولت در صدد لغو انحصارها و ادن امتیازهای گوناگون سرمایه داران و مالکان است باز هم چنین سیاستی بخاطر استحکام شیوه تولید سرتایه داری و جلب سرمایه داران و مالکان در جهت واحدی با سرمایه داری دولتی و انحصاری خارجی و مشکل آنان برای مبارزه با شیوه تولید سوسیالیستی وکتوپیسم است . سرمایه داری که در بازار اداری تحت فشار سرمایه های انحصاری خارجی است میتواند بخاطر اند امیریالیستها بسوی توده های مردم متعایل شود و درین هم با آن سادر مبارزه علیه امیریالیسم و ارجاع همگام گردد . و امداد دولت بخاطر جلوگیری از این تعایل از مالکیاتهای که از اهالی مینمود که شتهای فراوانی سرمایه داران و مالکان مینماید تا آنان سود کافی بدست آورند و با انتزاج سرمایه های شان با سرمایه داری و سرمایه اند ماری خارجی بر اثر اشتراک منافع از همکاری با توده های مردم و مبارزه با امیریالیسم دری جویند.

آنچه که در اسنگانی در احاطه شیوه تولید سرمایه داری و سیاست لبرالیسم اقتصادی دولت را مورد انتقاد جدی قرار میدهد و بیتفاوت بودن این شیوه تولید را برای کشورمانشان میدهد کاما حق دارد . ولی در تقدیم از شیوه تولید سوسیالیستی در لفاظ انتقاد از کمونیسم زده لال کافی ارائه مینماید و نسخه محق است . وی مانند بسیاری از وشنفتکران سوسیال دموکرات دربررسی دشیوه تولیدی راه سوین را پیشنهاد میکند که گویا میتواند جوابگوی مسائل برم امور کشور را بآباد است اقای ارسنگانی در انتقاد از کمونیسم، یا بهتر بگوییم نخستین مرحله آن یعنی شیوه تولید سوسیالیستی چنین اثبات گردید: « کمونیسم مالکیت دولتی بررسیالی تولید را علام میکند و هر نوع مالکیت خصوصی را مخالف منافع جامعه میداند . . . سرمایه داری که عبارت از احتکار نتیجه کار مترکم افراد و انحصار را سیاست تولید یاد خالست در توزیع درآد هاست درین کامنیستی ملخی و منفی است . . . در کمونیسم عوامل انسانی بر اثر الغای کلیه از اراده یهای فردی رغبت زیادی بکار و تولید ندارد ». نویسنده پس از انتقاد از سرمایه داری و کمونیسم حد اعد الی بین این دشیوه تولیدی که عبارت از سوسیالیسم دموکراتیک است پیشنهاد مینماید و چنین مینمیشد: « سوسیالیسم دموکراتیک یا استفاده از تحریمه دو زیم مذکور بعد از این وطنی خود می بندد ها احساسات و عواطف پیشی وحدت احتظامی تطبیق مینماید، یعنی هرچه که صدی د ولیک تولید برای تنافع عموم و بقصد افزایش تولید و نثار بر توزیع در رامد لازم پیاشد تصدی تولید را به افراد و اینکه از ۰۰۰ در سوسیالیسم دموکراتیک انحصار را سیاست تولید یاد خالست در توزیع رامد ها محدود بود و میشود که ابتكار افراد برای تولید زیاد تشویق شد و در عین حال این حدود مانع از انسانست که سرمایه دار از طریق تحصلیل نفیذ سوسیالیستی و افراد در جل تنافع مراحم حمامه باشد . . . در سوسیالیسم دموکراتیک مسئله تولید مشترکه با تعیین نسبت سهم افراد جامعه از درآد های عمومی یکجا طرح میگردد . یعنی ارتباط این د موضوع با هم محقق میماند و حل یک موضوع مستلزم حل موضوع دوام است . عبارت دیگر بر هر برد از از سرمایه ملی توسط از رزیهای طبیعی و انسانی، منظمه اضافه تولید و افزایش د رأد هاست تا این در آد عاد لانه میان افراد تقسیم شود و ان افراد بایستفاده از اراده یهای فردی مانند حق مالکیت، حق ازادی بیان و فکر، حق ازادی مذهب و سایر حقوق شخصه فردی از اراده خود پیشتر استفاده کند و پیشتر تشویق پکار شوند و د استدکه از افرای این دین سهم میرند و تقسیم سهم این در آد بستگی به نتیجه کار ذکری یاد میشود، فیزیکی یا مفترزی نهاد ارد . . . با توصلی سوسیالیسم دموکراتیک تصدی بزیره برد ای

(۱) هفته نامه باشنداد، مقاله در اسنگانی، اول تیرماه ۱۳۴۳

از سرمایه ملی میان دولت و افراد و اجتماع افراد در قالب شرکت‌های سهامی تخصیم می‌شود و با استفاده از تشویق افراد از طریق توزیع عادلانه درآمد های عین تعبین نسبت سهم هر یک از افراد جامعه بتناسب ارزش کار و احتیاجات انسانی آنها و اطمینان باشند که هر چه درآمد جامعه افزایش یابد بسهم او افزوده می‌شود قدرت داعی تولید جامعه هر روز افزایش بیاید ”(۱)

مسئلی را که دکتر ارسنجانی در تراویح سوسیالیسم دموکراتیک مطرح نموده است تازگی ندارد حتی قبل از پروزی انقلاب کمیر اکبر نیز بعد از ازسران انترنا سیونیتال د وظیفه مسئله سوسیالیسم دموکراتیک وظایف آنرا طرح نمود و تعالیم مربوط بدینکه تحری پرولتاپرای عین جنبه طبقاتی ساختمان سوسیالیسم را بدرواند اختنند و با این ترتیب زمینه فذری برای منشعب شدن انترنا سیونیتال د و راهراهم ساختند. پس ازانقلاب کمیر اکبر نهضت سوسیالیسم دموکرا میجهانی عملابد و خشن انانقلابی و فرمیستی تقسیم شد. بخش اقلایی چنگ داخلی، انقلاب سوسیالیستی و دینکه تحری پرولتاپرای ساختمان جامعه سوسیالیستی ضروری می‌شود و بخشی فرمیستی انقلاب و دینکه تحری پرولتاپرای اتفاقی می‌زند و راه دموکراتیک طولانی را اساس ساختمان جامعه نابرد و می‌انست. در مراره زمانی وادی یولوزیک بین این دو عقیده رفرمیسته بانمایند کان سرما یه داری و خرد بورژوازی و بیویه قشرهای بینابینی جوش خوردند و در همه کشورهای سرمایه داری بطرقداری از سوسیالیسم دموکراتیک برخاستند و اکنون لبه توزیع عادلانه در آنها کوئینیست است نه سرمایه داری. در تراویح دکتر ارسنجانی نیز تهدی د ولتی بر تولید، توزیع عادلانه در آنها، انتظام افراد بر حسب کارنکه یاد متی آنها، آزاد یهای فردی، بیهیجان آوردن توده ها و غیره تمام اقتهاش از تعالیم مارکس و لنین و تجارب اتحاد شوروی است. چنین اقتهاش برای جلب توجه های مردم و قشرهای بینابینی و دن ورکن آنها از افکار سوسیالیسم اقلایی ضروریست و در سیاری از کشورهای بین طریق عمل می‌شود. رشد سریع افکار کوئینیستی، پیروزیهای انتقالات سوسیالیستی در یک سلسه از کشورها، پدایش ارد و کاه عظیم سوسیالیستی، تلاشی سیستم مستعمراتی، پیدایش کشورهای نو استقلال، رشد نساموزن سرمایه داری و رقابت احصاراتی بزرگ برای سلطه دنیا زارهای کشورهای در حال رشد بسبب شدن کنه فعالیت سوسیالیسم دموکراتها و سوسیالیستهای راست گسترش بیشتری پیدا کنند. اکنون قشرهای بینابینی و عمل سرمایه داری بوجم سوسیالیسم دموکراتیک را در رسیاری از کشورهای نواستقلال و در حال رشد بدست گرفته اند. موسیالیست های دموکرات بعضی جهات آموزش مارکس و لنین را اخذ، جهات اصلی آنرا کرد، تعلیم دینی وحدات ملی را آن در اینجا می‌دانند و در بعضی از کشورهای اسلامی تبدیل ها و اساختن جامعه سوسیالیستی از آن استفاده مینمایند و بعضی از کشورهای دیگر را هماره با افکار روز افسوزن کوئینیستی. برای تجسم منظره ای از افکار سوسیالیسم نایگر در بعضی از کشورهای نو استقلال بد نیست که پیش سلسه نظریات و ایده های متشابه آنرا از تظریگذاران ناوجوه شتابه آن با سوسیالیستهای وطنی مان بهتر آشکار شود.

بعضی های عراق و سوریه ادعا میکنند که سوسیالیسم امریست ضروری و از ما هیئت ناسیونالیسم عرب نشان میکرد. اینهاد راعلامیه ها و قرارهای خود از هماره با امیریالیسم، از نزد یکی و همکاری با کشورهای سوسیالیستی، از ساختمان دولت دموکراتیک توده ای د م میزندند. آنها با این ادعاها توانستند تکه کاهی در میان بورژوازی خرد و متوسط پیدا کنند. بعثیهایکه پس از قیام فریه ۱۹۶۳ حاکمیت را در عراق بدست گرفتند با روشهای وحشیانه و غیر انسانی قرون میانه ای هزاران تن از کوئینیستهای عراق را که قد اکارتین و صادق ترین درنده اران ساختمان جامعه سوسیالیست هستند زجر کش نمودند و بسیار جالهای زندان

(۱) دکتر ارسنجانی، بهترین راه بسیاره برد اری از سرمایه ملی که است؟ هفتة نامه با مشادر، ۸ خرداد ۱۳۴۳

اند اخترت. در هنند وستان که د ولت درد سرت بجزئی ملی است از نظریه "راه تکامل سوم" طرف داری مشو چند سال پیش ابولاکلام آزاد یکی از رهبران و شوریسین های حزب تکرگه هنند چنین اظهار نظر کرد: ما باور ند اریم که در جهان فقط در راه سرمایه داری و سوسیالیستی وجود دارد. ما میگوییم راه سرمایه نیز اکسان در ارد که راه مکمل است و به عنین جهت مآگاهانه فرمول "جامعة نمونه سوسیالیستی" را قبول کرد ایم! ولی در رواج یعنی "جامعة نمونه سوسیالیستی" در عمل بخاطر استحکام استغال سرمایه داری هنند است. بجزئی ملی هنند از تجارت کشورهای سوسیالیستی در برناهه ریزی و اقتصاد با برناهه برای تحکیم مواف خود در مقابل سرمایه های انصاری خارجی استفاده میفاید. نظریه "جامعة نمونه سوسیالیستی" که رهبران حزب تکرگه هنند از آن پشتیبانی میکنند به چیزی برای ساختمندان جامعه سوسیالیستی نیست. این نظریه د اطمینان فشار نیروهای ارجاعی که سال از لحاظ اقتصادی سوسیالیستی نیرومند نیشوند و نیروهای پرولتاری که از لحاظ کمیت و کیفیت روبه افزایش است قرار دارد. طبیعی است که با اذنش زمان و رشد جامعه هنند نیز بین قطب های اقتصاد جامعه نیز شدید تریشید و رایزن بمارازه اکتوبر آغاز شده است و لست هنند نه تنها در مقابل سرمایه داران داخلی بلکه در مقابل سرمایه داران خارجی نیز عقب نشینی مینماید و امکان بیشتری برای فعالیت همه جانبه و استثمار حرمته کشان به آنها میدهد. نظریه "جامعة نمونه سوسیالیستی" و راه سوم هنند وستان که تمام اتحاد تا میراث شوری سوسیالیسم د موترا یک غرب قرار دارد و نیروی سوم سوسیالیستهای د موترا کات کشور ما را آن پشتیبانی مینمایند تنهای نیجه مثبت شن استحکام مواضع بجزئی ملی است نه ساختمن جامعه سوسیالیستی. واقعاً همین از اجرای چند برنامه اقتصادی نیز نخست و پیر قید هنند مجبور بچنین اعتراضی شد. و گفت: ماحیلی کفراز یک سلسه از کشورهای بزرگ سرمایه داری سوسیالیستی هستیم. ماحتی تزدیک سوسیالیسم هم نیستم! در کشورهای اسلامیکه هنایا می تفدو الی یا پایایی قنید الی وسلطه امپریالیسم ریشه های محکمی دارد قشرهای انقلابی و بخشی از بجزئی ملی تهدیه های مرد مرایا اید الهای انقلاب کبیر فرانسه و امریکا علیسه قنود الیم و زمیند اردن بزرگ و سلطه امپریالیسم بزمی انگلستان و قشرهای رادیکال بجزئی خرد و متوسط میکوشند و چونه مشترکی بین مارکسیسم و ایده های انقلابی بجزئی ملی در قرون ۱۹ و ۲۰ و تعالیم دینی، بسویه السلام، مسیحیت و بودائی پیدا کنند. نمونه بر جسته این نوع سوسیالیسم را میتوان در راند و نزی دید. در قانون اساسی سال ۱۹۴۵ ساختمن سوسیالیسم در اند و نزی هر اسا من دموکراسی، هدایت اقتصاد و آداب ملی و رندر ترقه شد و بد. "سوسیالیسم اند و نزی" بعد هاشخص تورگدید و اکتوبر پرینچ اصل زیاستوار است. عدالت، ملت، ناسیونالیسم، بخشنده و ایمان مخددا.

د کترسوکار رئیس جمهوران و وزیر فرشاً "موسی‌الیسم اند ونژی" را پایان‌نويش تحریج می‌کند: **ما در**
ند ونژی برابر مردم را زراعلایه جفرسن، اعلامیه استقلال امریکا که توسط تومان جفرسن نوشته شده است،
خذ کردیم. ماموسی‌الیسم محتوی اسلام و مسیحیت، موسی‌الیسم علمی مارکسیسم را اقتباس کردیم و شکل
آزاد اپلی خود را بآن مخلوط نمودیم و در نتیجه ایدئولوژی ملی خود را بوجود آوردیم! موکارنو می‌گوید که
برای ایجاد اند ونژی آزاد ماباید اکتوون بسلایه امپریالیسم و فکر ایسم خاتمه بخشیم. این نخستین گام
هم‌برای ازین بردن استعمار انسان از انسان و ساخته‌مان سوسیالیسم را دند ونژی است. نظیر این افکار
معنی اختلاط مارکسیسم با ایده‌های انقلابی قرون داشته و تعالیم دینی در روسی‌الیسم برمده، مصر، الجزیره
مالی، شنا، عراق و غیره نیز دیده می‌شد. این نوع موسی‌الیسم غالباً از لحاظ فرم ملی و از لحاظ ماهیت
مبنی خود بیروت و مکرانیک است. البته همه کشورها از لحاظ پیشرفت در این راه در رک رد یاف قرارند ازند.
متلا حجمیونی مصر در این راه کامباید این کشیش ملی، شده و مینی از

در صد صنایع در دست داشت ، ساعت کارروزانه به ۷ ساعت تقلیل یافته و در مجلس مصوّر نیز از ۲۰۰ نفر نباشد .

نفر نباشد ۱۸۸ نفر یعنی بیش از نیمی از نمایندگان نظایر کارگردان هفتم است .

بیشتر برای ماکشوارهای که در طلاق جشن راهی بسوی ساختمان جامعه سوسیالیستی هستند ، کواینکه قراگرفتن تجارب آنان مفید است ، ولی آنها نمیتوانند تئوئی کامل پا شنند . هند وستان و اند تری ، پرم و غانمونه کاملی از جامعه سوسیالیستی نیستند و بیشوده تئوریسم های " تئوری سوم " و " سوسیالیسم " این کشورهای ایران نموده حساب میکنند . نمونه کامل جامعه سوسیالیستی آن کشورهایی هستند که شیوه تولید سوسیالیستی در آنجا سلط است . این کشورهای سوسیالیستی پراساس تعالی مارکس و لینین بوجود آمدند و در اجرای برنامه های خود پیروزیهای عظیم تاریخی بدست آوردند .

در اول تاریخ تکامل جامعه سرمایه داری نه مرکانتیلیست ها ، نه فیزوکرتاها و طرق اران لیبرالم اقتصادی نتوانستند قوانین داخلی رشد جامعه نامبرده را در کنده . آنها فقط محیط خارجی این جامعه را محدود بررسی قراردادند و هیچگاه توانستند بعمق آن راه پابند . ولی مارکس با تجزیه و تحلیل جامعه ، قوانین پیدا شد و این بین رفت و شویه تولید سرمایه داری را در راه اهای خود " سرمایه " نشاند اند . هدف مارکس بطور یکه خود در پیشنهاد " سرمایه " یاد آور میشود عبارت بود از " کشف قانون حرکت جامعه معاصر " . تمام مسائلی را که مارکس در این رخدود مورد بررسی قرارداد - از انا لوازمش اضافی ترقه ناتجید تولدید وسیع و مسائل ارضی و بانکی - بخاطر رشد و اقتضیت جامعه سرمایه داری ، سیر تاریخی ، وظایف جامعه نامبرده و سرنوشت نهایی آن بود . مارکس با توجهات فراوان جامعه پیچیده و پغمناج سرمایه داری ، ارتباط داخلي و روابط متقابل شیوه تولید سرمایه داری را در هبای سال مورد بررسی عميق ودهم جانبه قرارداد و دستا پیش از آن بدست آورد . وی میگرد که قوانین داخلی شیوه تولید سرمایه داری ، قوانینی است عینی و خارج از اراده ماؤد رجیان رشد و تکامل خود موجب تمرکز و مرکزیت سرمایه میشود . در این جریان کارووسایل تولید رفته رفته خاصیت اجتماعی پیدا میگردد ولی سود حاصله از تولید تنصیب صاحبان وسائل تولید یعنی سرمایه داران میشود که اصول نقشی در تولید سرمایه داری امروزی نداشته . در شیوه تولید سرمایه داری خواه و ناخواه سرمایه دار دستهای کمتری تمرکز میشود ، بسوی انحصار میور و واکریت مردم از وسائل تولید محروم میگردد . انصار سرمایه دار دست عده معدودی پابندی برای شیوه تولید سرمایه داری که خود موجد آنست میگردد . تمرکز سرمایه و اجتماعی شدن کاریه آن نفعه از رشد خود میرسد که دیگر در قالب مناسبات سرمایه داری نمیتواند و باید با شیوه تولید دیگری عوخر شود . در این جریان استثمار ، تهدید مستقیم و مست و ببعدالت اجتماعی که باعث هدیجان و عصیان طبقه کارگر و همه زحمتکشان میگردد نیز نقش اساسی را در تبعیض شیوه تولید بازی میگنند . شیوه تولید نوین که پاسخگوی کارووسایل تولید اجتماعی باشد طرز تولید دیگری جز شیوه تولید سوسیالیستی نمیتواند باشد . علم اجتماعی که توسعه مارکس ، ائکل و لینین بیشود آمد علم در که قوانین عینی جامعه ، علم تغییر جامعه سرمایه داری ، علم شکل تبدیل ها وجد ایت مبارأة آنسان برای سرنگون ساختن استمارگران ، علم بهیجان آوردن زحمتکشان در راه ساختمان واستحکام جامعه سوسیالیستی و علم اداره اقتصاد و سیاست جامعه سوسیالیستی است . این علم نیز مانند همه علوم دیگر طبیعی و اجتماعی در جریان رشد و تکامل خود مواجه باد شوارهای ، تصاده هایی بیوده است که توانسته است پس از پیروزی پسرهای از آنها راه پیشرفت خود را هموتسارد . علم مارکسیسم برای تختستین بار آزمایشگاه اجتماعی خود را در روسیه پیدا کرد . در این آزمایشگاه پهناور و رئارتیک آزمایشگاهی وسیع شمریخش و ناگواری بعمل آمد که بسیاری از آنها میتوانست صورت نگیرد . در روسیه برای تختستین باره رهاریت بشری بدر ترین و بزرگترین ببعدالیه یعنی مالکیت خدموچی تقدیم شد و در بررسی میگردید . در روسیه برای تختستین باره رهاریت بشری بدر ترین و بزرگترین ببعدالیه یعنی مالکیت خدموچی تقدیم شد و در بررسی میگردید .

نیروی مشکل توده ها از میان برده شد و تمام وسایل تولید و توزع ملی میزند های مردم متعلق گرفت و بدست دولت که نطاپینده کارگران و دهقانان بود سپرد شد. سوسیالیستی های واقعی که از عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه توزوت دم میزند قبل از همه باید این بزرگترین بیعدالتی را که اساس تمام بیعد الیهای جامعه سرمایه داری است از میان بردن. آنها عیکه میخواهند با حفظ مالکیت خصوصی بروسائل تولید، جامعه اقتصاد با پیرنامه پایه گذاری شد، بمارزه با استثمار کار و انسان بمنابع طبیه، مسابقه و تبرد بـ سرمایه داران در اران در مقیام کشورهای سپس در مقیام جهانی صورت گرفت، توزیع عادلانه توزوت و درآمد ملی، مبارزه با پایسوساید، تهدید سی و ناخوشی پیروزی های شرکت و درخشانی بدست آورد. در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیست توده های زحمتکش با شوق و هیجان بینظیری زیبناهی مادی فتن جامعه را بیزی کردند و کشور عقب مانده ای را بد و سرمایه داران و طالبان بد و مین کشوری که صنعتی و کشاورزی جهان بد یسل نمودند. پیروزی های در خشان شیوه تولید سوسیالیست موجب سو^استفاده کروی نیزگردید که در رامشان استالین قرارداد اشت. جلال و جبرون که استالین برای شخص خود بوجود آورد بود سو^استفاده های غیرقابل تصور از قدرت دیکتاتوری بولتاریابد که بخاطر مبارزه با استثمار کار و ایجاد جامعه سوسیالیستی بوجود آمد و استقرار قدرت شخصی و بد و کنترل استالین موجب زدن این شدن و نایابی بسیاری از فرزندان انقلاب گردید، موجب بیم و تکرانی طبیونها انسان در داخل و خارج شوروی شد. همین امر است که در روشنگران خرد بیرون ای ساختن جامعه سوسیالیستی و اید علوی مارکسیستی را توانم با راعاب و فشار میکند و دیکتاتوری بولتاریارا که موکراتیک ترین و انسانی ترین اندیشه حکومتهاست، غیر از آنچه که مارکس و لنین نشان دادند چلوه گرمیزاد.

اگر در همان استالین سو^استفاده های غیرقابل جبرانی از دیکتاتوری بولتاریاب میشود آمد و کیش شخصیت استالین زیان علیعی، فعالیت های اجتماعی- اقتصادی شوروی وارد ساخت بهیچوجه تصریفی متوجه شیوه تولید سوسیالیستی نیست. نیروی شکوفه اخلاقی و پیشرفت این شیوه بقدرتی بود که حتی توانست در مقابل پایندگانی که کیش شخصیت بیاراورد بود با سرعتی بیش از سرعت کشورهای سرمایه داری بجلود و فضله ای را که اتحاد شوروی با کشورهای بزرگ سرمایه داری داشت کم نماید (۱). کیش شخصیت استالین در شوروی نیز برا ای اعوامل عینی خاصی بروز کرد که امکان تجدید عینی آن در کشورهای دیگر وجود ندارد. بنابراین وحشت روشنگران خرد بیرون ای درست نیست و کارهای خلاف قانون استالین نیزگراند معیاری برای نادرستی مارکسیسم و پیدا اکرد ن راه سوم و حد اعتقد ای باشد.

همه آنها عیکه دم از ایجاد جامعه سوسیالیستی و انهاد موکراتیک میزند مادام که پیش درآمد و اساس آنرا بیزی نکنند ادعاهای پیش و ناکامیشان حتی است.

این پیش درآمد که بخاطر تحول عیق اجتماعی شروع است چیست؟ قبل از همه مسئله قدرت حاکمه است. حل مسئله تغییر شیوه تولید اجتماعی چه از راه انقلاب و چه از راه رفرم های طولانی بد و حل مسئله قدرت حاکمه میسر نیست. نقض عد^ه ای هم که در ترتهای طرفداران سوسیالیسم دموکراتیک و ای اندیشه آقای دکتر اسنگانی که خواستار اجرا سوسیالیسم در کارگری سلطنت میشود است وجود دارد، همین مسئله (۱) پیش از انقلاب کمیا کمتر حجم تولید صنعتی امریکا ۸ بار بیشتر از روسیه بود. و اکنون مجموع تولید صنعتی امریکا فقط ۳۵ درصد بیشتر از اتحاد شوروی است. در سال ۱۹۱۷ روسیه پنجین کشور صنعتی جهان بود یعنی بعد از امریکا، آلمان، انگلستان و فرانسه فراراد اشت و اکنون د و مین کشور صنعتی جهان و حجم تولید صنعتیش بیش از مجموع تولیدات صنعتی سه کشور آلمان، انگلستان و فرانسه است.

اسامی وهم است . شاید شخص آقای دکتر اسلامجانی به نظریات خود مومن باشد ولی ایمان فردی اگر پشتونه اجتماعی نداشته باشد نمیتواند نقش مهیی داریں جریان باری کند . کارساختان جامعه سویا لیستی کاریست جمعی و باید با ایمان جمیعی که برآسان برنا مفتشک بوجود مایید صورت گیرد . سویا لیستی ای وطنی ما از نیروی سوم گرفته تا سویا لیستی ای دموکرات باید قبل از همه خاصیت طبقاتی نظریه خود و مسئله قدرت حاکمه را مشخص نمایند و به پرشتهای زیپا سخن قانع کنده ای بد هند : آیا میتوان با وجود وحظ رژیم دیکتاتوری فعلی پیش درآمد و ایام جامعه سویا لیستی را در کشوری بینی کرد ؟

ایام ممکن است بدون ریشه کن کرد نفوذ امپریالیسم ، بیویه امپریالیسم امریکا که توسط کار شناسان و مستشاران خود همه بخشها ای اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی مرازین نظرد ارد ساخته ای جامعه سویا لیستی را در رایان آغاز نمود ؟ د ولتی که ما همایجاد و فراهم آوردن پیش درآمد و ایام جامعه سویا لیستی ایرانست باید از کدام طبقه یا طبقات تشکیل شود ؟ آیا این د ولت در شرایط حفظ رژیم موجود میتواند از خطر کرد تا ای نظامی و امپریالیستی محفوظ بماند ؟

نقش بیرونی ، حقوق ، وظایف و دایره فعالیت آن محدود بچه حد و دی خواهد بود ؟ آیا میتوان با وجود سلطه شیوه تولید سرمایه داری و انصارهای خارجی توزیع عادلانه مروث را عملی نمود و سیسی بیشتری از را در ملی را بتوسعه تولید ، بیویه به ایجاد زینتی مادی - فنی جامعه اختصاص داد ؟

همه اینها شوالیهای بموضع و بجائی است که هر حزب انقلابی ، یاهر عالم اجتماعی باید بدآن پاسخ بدهد . مسئله قدرت حاکمه محنتی اساسی و سرآغاز هر تحول دموکراتیک در ایرانست و بد ورنوشن کردن این مسئله نمیتوان گامهای مهیی د راه ایجاد جامعه سویا لیستی برد اشت . لینین بارها تکرار میکرد که "بیشک عدد هر انقلاب مسئله قدرت حاکمه است . قدرت درست کدام طبقه است ، این کلید حل تمام مسائل است . . . مسئله قدرت رانه میتوان نادیده گرفت و نه تحت الشاعر قرارداد ، زیرا این یک مسئله اساسی است که همه چیز را در ریاست کامل انقلاب و در سیاست خارجی و داخلی آن معین میکند " . و نیز "انقلاب قدرت حاکمه ازدست یک طبقه بدست طبقه دیگر چه ای تظاهر و فصم صرفانی و چه از نظر قوه عملی و سیاسی آن ، علامت درجه یک ، ولاست عدد و اساسی انقلاب است " . در کشورهای نیز حق و ثبات اید الهای سویا لیستی بد ون درست آشتن قدرت حاکمه ، بد ون انتقال قدرت ازدست طبقات است همارگر جامعه ما بدست زحمتکشان میسر نخواهد بود . د ولت امروزی ما ، د ولت سرمایه داران ، افزار عده طبقاتی آنان و خدید بثابه شخصیت سرمایه دار و نماینده جامعه سرمایه داری رعنی و ارشاد تولید جامعه رانیز بعده دارد . چنین د ولتی بهیچوجه اجازه نخواهد داد که پیش درآمد شیوه تولید سویا لیستی به آسانی و بد ون تصاد مات خونین جانشین شیوه تولید سرمایه داری گردد . نکته مهی را که مایل در جریان مبارزه فعلی خود رناظریم اینست که د ولت بیرونی ای مان بهیچوجه پکارچه نیست . نیروهای ضد انصاری که اکثریت سرمایه داران مرا شکل مید گند و خواهان فعالیت آزاد برای همرو تند شدن هستند در اخیل مهد این عمل این د ولت رفته رفت قوت میگیرند ، ولی قشر آگاه ان برای مبارزه با زحمتکشان و افکار کمونیستی خواهان درست آشتن انصارهای مسود مند برای رفع نیازمندیهای خود و نیروهای انتظامی است و برای اجرای نظریات خود به رجا مه ای در میلید . بسیاری

از کسانیکه پجامه سوسیالیستی دارمده اند طرفداران جدی سرمایه داری هستند که هدفشان گمراه کردن و نظریه ساختن توده ها از جا راه بخاطر جامعه واقعی و نوین سوسیالیستی است. لیکن این اشخاص و یا گروههای ریاکاران به جامعه سوسیالیستی درآمده اند نمیتوانند سیر تاریخی پیشراب سوسیالیستی سد کنند و یا آنرا برای همیشه بجاده منکلاخ و مرگبار سرمایه داری سوق دهند. این راهی است که سیران برای همه خلقهای انسان گزیر است و تنها شرایط داخلی و ارتباط جهانی هر کشوری است که سرعت سیر رسید ن بسوسیالیسم را تبدیل و یا کنده مینماید. مارکسیسم که این قانون را کشف کرده است بر اساس تصورات شخصی یک یا چند نفر بوجود نماید. چنانکه گفتیم مارکس بادقت کامل و برا اسرار عوامل عینی موجود و ببرسی دقیق علوم گذشتۀ بشری جامعه سرمایه داری را مورد بررسی عمیق قرارداد تا توائیست مسیر تاریخی و سرنوشت نهایی آنرا کشف نماید. لین نوشت که مارکسیسم مقصد راست زیرا حققت است. وی درین حال بار ها خاطرنشان ساخت که "مارکسیسم هیچگاه آیه و دگم نیست، هیچگاه تعالیم تمام و کمال و غیرقابل تغییر نیست بلکه راهنمای عمل است"^(۱). "ما هیچگاه به شوری مارکس پیصرت نظریه تمام شده و غیرقابل تغییر نگاه نمیکیم" برعکس معتقد بدم که این نظریه سنگ بنای انجنان علمی است که از سوسیالیستی نمیخواهد از زندگی عقب بطنند باید انرا همه جانبیه بسط دهدند^(۲).

وظیفه اساسی مطبق تعالیم اساسی مارکسیسم پر شرایط مشخص کشوار است. مادام که شرایط شخص اجتماعی و اقتصادی کشور را برای جلب و تشکل توده های مردم و ایجاد جامعه سوسیالیستی نمیتواند نیروی واقعی خود را برای جلب و تشکل توده های مردم ایجاد نماید. مارکسیسم که بر این نظریه نهاده شد و مکنن شد. بد ون شک در کشورهای سوسیالیستی عاری از تاثیر اراده اب و منن ملی، سوابق تاریخی و تعالیم دینی نخواهد بود. این بد ان معنا نیست که طرفداران شیوه تولید سوسیالیستی نهادند زبان و پرینامه شترکی برای فعالیت آتی خود پیدا کنند تاهم خود متعدد شوند وهم توده هارا در راه اجرای وظایف عظیمی که برنامه سوسیالیستی ایران در مقابلشان گذاشته است مشکل نمایند. پیروزی شیوه تولید سوسیالیستی در ایران حتی است ولی این پیروزی هیچگاه راهی رانظیر اتحاد شوروی یا چین، آلمان دموکراتیک یا بلغارستان طی نخواهد کرد، بلکه راه و شکل مخصوص بخید خواهد داشت که از سطح رشد نیروهای مولده جامعه نا، مواضع طبقات جامعه، همارۀ طبقاتی، گذشتۀ تاریخی و ادب و سمن ملی ناشی میشود. لیکن سوسیالیسم ایران مانند هر جامعه سوسیالیستی دیگر ارادی جحتوی مشخص و معینی است. یعنی باید وسایل تولید جامعه متعلق بهمۀ جامعه باشد و مالکیت خصوصی بروایل تولید لغذی داد، اقتصاد بپردازه اسلامی فعالیت‌های اقتصادی اجتماعی را تشکیل دهد و در نخستین مرحله تکامل خود بر اصل "هر کس باند ازه کارش" استوار یاشد. مقدمه پیش درآمد ساختن جامعه سوسیالیستی که همان ایجاد راه رشد نیروهای داریست در ایران بمنظور نگارنده میتواند شامل نکات زیر باشد:

- اتحاد و تشکل تمام نیروهای خدمتی بخاطر سرنگونی آن، تشکیل دولت ملی و دموکراسی از نمایندگان کارگران، دیوانان و همه قشرهای دیگر را که در سرنگون ساختن رژیم فعلی شرک داشته اند.

- ملی کردن بانکها و اتحادهای خارجی.

- دادن زمین بالغونه دیده قاتان، لغو اقساط خرید و وامهای کشاورزان بد ولت و رباخواران، ایجاد شرکت‌های تعاونی نیرومند بمنظور ایجاد کشاورزی بزرگ مکانیزه.

- حل مسئله ملی در ایران و دادن خود مختاری به اقلیت‌ها.

- ایجاد شرکت‌های مختلط تولیدی و پخش با سرمایه داران ملی.

(۱) و (۲) لین، آثار کامل، جلد ۲۰، صفحه ۸۸، چاپ روسی. (۲) همانجا، جلد ۴، صفحه ۱۸۴.

- طرح ریزی اقتصاد با برنامه برای تمام بخش‌های تولیدی کشور .
 - توسعه هنگاریهای اقتصادی، فنی و علمی باکثورهای سوسیالیستی .
 - ایجاد زیر بنای مادی — فنی جامعه تا استقلال اقتصادی و سیاسی کشور تا مین شود و نیروها مولد جامعه با سرعت بیشتری رشد نمایند وعقب ماندگی فعلی را از بین ببرند .
 تدابیر بالایتیواند تاحد و دی چهارچوب، نحوه و سمت فضاییت مارا در شرایط فعلی معین کند و بیشک با تغییر وضع داخلى و جابجا شدن طبقات و قشرهای اجتماعی نکات بالا نیز باید تغییر نماید .
 بد و ن چنین نرس و استکار خلاقی نمیتوان در مبارزة عظیمی که بین دشیوه تولیدی در میدان نبرد د وران ماجریان دارد موقفیت و پیروزی بد ست آورد .
 مبارزه بزرگ را که مارکسیسم در راه تغییر افکار مردم ، در راه تغییر جامعه آغاز کرد است، نیروی شگرف، قد اکاری، قربانیهای پیشمار و بیان قلبی عیقی بد رستی و پیروزی حتمی این راه از مارکسیست‌ها میطلبد . در مقابل دشمنان خطرنانک و نیزگزاری که از همه تجارب طبقات استثمارگرد رطوب تاریخ، ازمهومه دینی، آداب ملی، نیروی پول و روزمرنیزه استفاده مینمایند تا مانع گردیدن توده ها سازمانهای مارکسیستی شوند، تنهایان با تشكل همه نیروهای ضد رژیم و ضد امریالیستی، با استکار پیشکار، بادر نظر گرفتن آداب و سنت ملی تعالیم مارکسیستی را در میان توده های مردم رسخ داد، آنها بهمیجان آورد و برای مبارزه در راه زندگی بهتر و غلبه بر تیرگیهای موجود آسوده ساخت . این راهی است که حزب توده ایران طی کرد و میکند و این بهترین راه برای ساختمن جامعه واقعا سوسیالیستی و وقاد موکراتیک است .
 ن . غازیانی - ۱۹۶۴ اوت ۱۵

تصحیح لازم

در شماره اول سال پنجم مجله صفحه ۴۸ سطر ۱۷
 بجای "آنه ئیسم" چاپ شده است "نه ئیسم"
 و معنای عبارت بلکل مخلوط شده ، لطفاً تصحیح فرمائید .

و نیز در شماره دوم سال پنجم مجله صفحه ۴ ۹
 بجای "سرهان" چاپ شده است "شرون ان"
 اصلاح فرمائید .

در پیرامون جهان بینی احمد کسری تبریزی

سروش ایران درست شعاست · سروش ایران
آن خواهد بود که شما بخواهید و در راهش بکوشید و
بانجام برسانید · به پیشانی کسی چیزی نوشته نند ه
سروش با بخت نتیجه کارها و کوششهای هر کسیست ·
احمد کسری

مقدمه

برخی معتقدند که کسری دارای نظریات فلسفی نیست و احیاناً اگرند آنها لفظی درباره نظریات فلسفی وی بیان آید با توجه میگویند : " کسری که فلسفه ندارد " · این اظهارنظر از انجام ناشی میشود که معتقد بند این یا از کسری جزو نمیباشد و یا اینکه کمان میکند از " فلسفه " و نظریات فلسفی هنگام میتواند سخن در میان باشد که مطالقاً مقولات فلسفی بعنوان موضوع و هدف پژوهش مطرح و تحلیل گردند ·
ما در این نیستیم که کسری مباحث فلسفی را جد اکانه مورد پژوهش قرارداده و موافقیم که وی اصولاً منطق و حکمت و اصول را بعنای " فلسفه باقی " ، " باوه کوشی " و " چیزهای بیهوده و گزافه میشمرده و در زمرة علوم قرارنیصد اده است ولی مطالعه و امزش دقيق و ژرف اثمار کسری نشان میدهد که جهان بینی اش برینای نظری " پاک بینی " قرارداده شده است · اصول نظری " پاک بینی " شامل برخورد کسری نسبت به پدیده های جهان و رابطه انسان با سپهراست و در این میان تحلیل وی از " سرشت " انسان جای مرکزی را شغال میکند ·

الف - درباره هستی، " شناخت معنی درست جهان "

کسری در واقعیت وعینیت جهان خارج از ذهن انسان هیچگونه تردیدی نداشت · او براین عقیده بسیار پیشگویید که در جهان ظلمی عینی و کردشی درونی وابدی حکم فرماست :

" جهان دستگاهی است در چیده ، بخود میگردد و از روی سامانی پیش میرود ... "(۱)
" ... دستگاهی است که همولاره میگرخد ، بی اندکی اندکی نظم خود را ازدست دهد یا اندکی سستی رخ دهد ... "(۲)

و نیز علت پیدایش پدیده های جهان را از خود آن دانسته در این باره چنین میگوید :

" جهان دستگاهیست خود کار : شب و روزش از خود شر ، زستان و تابستانش از خود شن ، مرگ و زندگی از خود شن ، شگر و باران از خود شن ، پیشرفت از خود شن ، افزودن بکمال کیمی آفریدن از ... "(۱) " و رجا و بند بندیا " بخشد و م · صفحه ۷۵ (۲) پیام بد اشمندان اروپا و آمریکا " صفحه ۲۲

خود شر . اینها همه از روی سامانی رخ میدهند و پایی میشود "(۱)"

ولی در اندیشه کسری قبول تبايج علم طبیعی صاریحه قانونمند بود ن پرسه های طبیعی نه تنها جهت تقلائی و وزن فکارها تشکیل میدهند بلکه در عین حال دارای رنگ دیستی نیز هست زیرا وی اراده صانع و " دست پروردگار " را در نظام عالم دخیل میداند و میگوید : " این نظم و آراستگی از خود این جهان تواند بود ... خود سر و جد اکانه نمیباشد ... یک ستگاه دیگری در پشت سر این برپاست . دستگاهی که بودنش را میدانیم و از جگونه بودنش ناگاهیم "(۲)"

و نیز میگوید : " منعیکوئیم همچون پیروان کیشانها مدارها را به پشت سر سپهان از منعیکوئیم خدا را در اسماش نشانده ، میلیونها فرشته در زیر دست اوگزاریم که یکایک کارهارا باد سرور جد اکانه بانجام رساند ..." (۳)"

و نیز : " همان سپهان کارخانه خدا است و ما نیز ازان سخن هر انیم . بود ن در سپهان آخشیچ گفته ما خواهد بود "(۴)"

در عین حال در اندیشه کسری باور بانکه وجود دارای غایتی است و احقاد بخداوندی که در ورا هستی و اد اره کنند مانست وجود دارد . از توضیحات زیر چنین برمایید که کسری خدا را نه تنها بتعابه علتدخستین میشود و نیز بخلاف نظر خود در مورد " بخود گردیدن " جهان و نظم و سامان ارالی - دست از خالق نمیکشد و در آفرینش پدیده ها و تحولات جهان هدف و " خواستی " می بیند . این جهان یک دستگاه در چیده هسامانیست . چنین دستگاهی ناپاوهنک و پیوهن تواند بود و هر آنچه خواستی ازان در پیانست . ادمان در اینجهان پیوهن زستنده افریده را آزاد میان را آفریده و این زمین را زیستگاه انان گردانیده . این زیستن خود یک خواست ارجمندی میباشد "(۵)"

درجای دیگر باز کاملاً یعنیکن تمامیانش درباره اختلاط صانع و مصنوع امرتیسم و تشویزی بروشنی دیده میشود :

" ... داشته باشند از اکارگاه میکنند و ما دارند کارگاه را در پشت سر آنی بینیم "(۶)"

ولی علیرغم تمام این اندیشه ها و توضیحات خد و تقدیم و پیشنهاد های نظری سیستم جهان بینی کسری بر دیس ممکن است . دیگریم با تمام مدد و پیشنهادها پیگیر پایش در شرایط تاریخی مشخص جامعه ایران بود و مقابله با جهان بینی سلط مذهبی کامی است بجلو . کسری ببرسی خود را در مورد سیر پیشرونده پدیده ها جهان در فرمولهای زیرین خلاصه کنند :

" جهان همیشه در پیشرفت است ... " آینده جهان پر شکوه تروارجد ارت از اذ شته آن خواهد بود "(۷)"

البته احتجاج کسری درباره " پیشرفت " ماهیتا اید الیستی است چه کسری علت پیشنهاد ایم را در تضاد درونی اشیا و در ماهیت داخلی پرسه ها نمی بینند بلکه در نیروی حرکت خواسته افریدگار " میداند "(۸)"

(۱) - " ور جاوند بنیاد " بختر یکم، ص ۱۲ - ۱۲

(۲) - " پیام بد اشمندان اروپا و امریکا " ص ۲۲ - ۷۶ - ۷۵

(۳) - " دین و جهان " ص ۴

(۴) - " احمد کسری " بخوانند و اوری کنند

(۵) - " احمد کسری " دین و داش " تهران

(۶) - " ور جاوند بنیاد " بخشنده و مص ۷۷

(۷) - " همانجا " ص ۱۳۲۹

(۸) - " ور جاوند بنیاد " بخشنده و مص ۱۳۲۹

حکم‌سروی کمیکوید : " جهان هیجوقت بسرناید ، روزگار نیوینی بروی جهان بازخواهد آمد " (۱) پلاؤاسته در درد موثرترين حكم مذهب رسی درباره باصطلاح " بسرامدن جهان " ، " آخرالزمان " " ظبیر امام غائب " وغیر اینهاست .
 اعلام وجود پیشرفت ازلى وحاوید انى برخلاف اسلوب تفکر متافیزىكى است كه به پدیده هاد رمقطع رشد ديلكتيكي نميکرد و اتهارا تکرار ميپندارد .
 کسروي به تن پيرانگى وکيفي که در پرسنگاصل پدیده هاي جهان سرميزند واقف بوده ومعتقد بود که در اين تئيرات جهش نيزخ ميدهد ، وي وجود جهشرا در پروژه ديدعماشى ظبیر پيدايش رکره زمين " از تو مادر رجخند " در پديد آمدن گياهان و حانوان ، در ظبیر حيات و انسان ميديد (۲) . ولی از آنجاکه کسروي منبع علمي حرکت و تکامل ، " پیشرفت " را نميد است لذا متوجه اين امر نيز نبوده حرکت و تغيير کسي وکيفي جزد و مرحله حرکت واحد نيس است و در اين حرکت پوروسه در چند نقطه جهش مدار عبور از جالت کي بحال تکيفي ، از حرکت تکاملی بمرحله انتقلابي است .
 فقدان آگاهي درباره حتى آن مطالع طومانیبيعیه بالاخص مسائل بیولوژی (۳) کمدتهاي پر را با الات پربر . همین طلت است که صاف خود اى کامل وي ارتشلوری شده و معتقد بود که " جهش از کارهای نابويسيه (۴) است (۵) و " درخ داد آن خواست دست آفرید کارنمايان است " (۶) . بدین سان محتوى " جهش " کسروي فايد مبنای علمي واید آليستي است .
 آنديشه السين بودن " جهش " در مردم برانگيختن و تقدیر اجتماعي آشنا متعكس است . کسروي مينويسد : " پيدايش برانگيختن نيز از اينونه است . در آن نيز خواست اتفاقيه کار در ميان و دست اوتمنايان ن است . يکرده از ميان دیگر سروي افرازد ، و راه زندگى مينايد بوجز ايمغها (۷) تجيکويد و حزب بسود جهان از نميکوشند ، باعهمه گراهيمهاي تبرد . چنین کسی خز برانگيخته خد انتواند بود ، و حزب خواست خدا تقواند برخاست " (۸) . روشن است که همین بنيان در مردم رشد « اعمه بشتر » چنانکه ذکر شد نشت ذائقه علیمت است .

آنديشه " پیشرفت " دايم در اصول نظری عقاید کسروي رابطه کامل با قبول و تطبيق اصول ایستوريسم (۹) دارد که در سيارا از اشاره علمي کسروي بجهزه در پرسنی موضوعهای اجتماعی و سیاسی اذکار سیاسته است . بدین نحو کسروي ميکوشيد پدیده هاي اجتماعي را در مقطع تاريخي و در زمان شخصی پرسنی تفايد . وي ميگفت : " زمان پیش رونده همچوپرا دیگر ميگردد اند " (۱۰) " چيزی چون زمانش گذشت وزمنه از از ميان رفت خواره ای ارج ميکردد ، و اين ناد انيست که کسانی چنان چيزی را از دست ننهند و همچنان بدخ مردمان کشند " (۱۱) .

(۱) - احمد کسروي " موهومات - خرافات يا پندارها " چاپ سوم تهران ۱۳۲۲ ص ۱۳

(۲) - " ورجاوند بنیاد " پخترد و مص ۷۶

(۳) - " ورجاوند بنیاد " پخترد و مص ۷۱

(۴) - همانجا پختريکم ص ۲ و ۷

(۵) - " ورجاوند بنیاد " پخترد و مص ۷۱

(۶) - همانجا

(۷) - حقائق

(۱۰) - " دين و انش " ص ۱۷

(۱۱) - " دين و جهان " ص ۲۴ - ۲۳

انطباق اصل ایستاده بود و مثلاً در تعیین شکل حکومت منعکس شده : " ۰۰۰ اگر روزان اسلام جهان را خلافت شایستی امروز مشروط میشاید (۱) " . دئیسم یعنی ایقان بوجود صانع و حرکت نخستین ، سامان دهنده و آراینده جهان ناگزیر و متناسب با طرد فادالیسم (شیوه قضاوقدیری) و فاناتیسم (مهوم پرستی) میانجامد . چنانکه یکسی از اینها ترین ، مترقب ترین چنیه های " پاکدینی " یعنی ناسازگاری وی با کنه پرستی ، خرافات پرستی یعنیه " کارهای برون از آئین سپهر " از این اصل نظری بر میخیزد . از اینجا کسرسوی علت غب افتادگی و درماندگی ملت‌توبیه‌نشرا در وجود آلد گیها و خرافات مذهبی میدانست لذ اتصافات متعددی را با اتفاق از اندیشه های زبانمند - خرافی اختصاص داده بود . در تاریخ فکری خلق‌های مسلمان مسئله قضاوقد و میحث جبر و اخیار از مطالبی است که پرسانیها مشاجرات شدیدی روی داده و تاریخچه دارد که شرح‌شیرون از اراضی این پرسانی است - واما آنچه مسلم است آنستکه احکام دین در اصل بر محور تقدیر و می‌خرد و تقریباً نعمت اجتماعی داشته و منجر به تعیین کوکورانه از سیر حوات می‌شوند . مقولاتی نظیر " رزق مقسم " ، " لوح محفوظ " و احکامی مانند " عبدی برباد ولما یکون الاما باید " ، " عرف الله بقبح العزائم " و مسیاری از این قبیل که در افکار تدوینی جایگزین شد و در زندگانی اینها زیان‌قوش افاده از اندیشه قضاوقد ری بر میخیزد . در اصول نظری عاید کسرسوی برخورد واقع‌بینانه و مترقب بمسئله یخته‌سروش شده است :

" دروغ است آنچه میگویند : " رخدادهای جهان از پیشترنوشته شده " بودنیها بوده " ۴۰۰ دروغ است آنچه میگویند : " بدختی و نیک بدختی هرگز پرش‌نوشته شده " . بدختی و نیک بدختی جزا از کارهای خود آدمیان بر میخیزد " (۲) " .

کسرسوی بمقتضی منفی و مضر " قضاوقد " در عرصه اجتماعی بدختی بی برد و آنرا " بزرگترین و بدتر پندار (۳) و مانع جدی در راه ترقی توده مسلمان میدانست (۴) . وی بانکاً استدلال روشن سعی میکرد تابخت و سرنوشت را از فهم البی و مذهبی و اساطیری آن آزاد کند ، معنی واقعی و زیستی بآن بدد هدف " بخت جزیمه شلب (۵) و تلخ کارهای آدمیان نیست " ، " هرگزی به کاری کوشیده و خواهد برد است ، ولی این‌کوشش از اهانتها و افزارش را میدارد (۶) " .

تصویر صوفیانه سرنوشت و بخت مضمون دروغ بسیاری از اشعار برخی شاعران را تشکیل میدهد که حق پدرستی از اطراف شادر روان کسرسوی هعواوه بتعابه " یاوه گوئیهای گمراحتنده " ، " بیهوده گوئیه " زبان اور " مواد اعتقد جدی قرارگرفته است .

تصویر نبرود نتوان بمیزان اهمیت‌ونقش مترقب پیکارکسرسوی در راه در ره ریختن بنای اوهام و انتها پندارهای مذهبی که بزرگترین مانع راه رسید فکری توده است بی برد و همچنین بتوصیف محیط ملو از موهومات و مساعد برای رواج بازار سالوسی و عوامل فربی حامعه ایران‌بنیاری نیست . اشاره باین واقعیت مدرجه در مطبوعات برای روشن شدن وضع شاید کافی باشد .

تنها در تهران ۷۰۰ فالگیر مال رسمی موجود است که دولت بعنوان یک " قشر اجتماعی "

(۱) - " بخوانند و اوری کنند " ص ۱۰۰

(۲) - " ورجاوند بنیاد " بخش یکم ص ۴۸

(۳) - " ورجاوند بنیاد " بخش یکم ص ۴۸

(۴) - " موهومات - خرافات " ص ۸۲

(۵) - " شیرین

(۶) - " موهومات - خرافات " ص ۸۱

"دارای کسب وکار مشخص" از آنها مالیات اخذ میکند" (۱) .

ولی از آنجاکه شادروان کسری تصور تحریدی از انسان داشت، توجهی پریشه‌های عبیق اجتماعی خرافات نمیکرد، **جان سختی** اینها را در نظر نمیگرفت . اونید است که شاخه های خرافات برتبه یک احتماع قرارداد ارد و نمیتوان بی افکند نتنم شاخه هارا خشکاند . بهمین طبق کسری بخطاب ذهن انسان را مولد گمراهی‌پسند آشت ولذا "اصلاح مفرزها" را راه رهائی میشمرد .

گفتم کسری جهان را دارای قانون و نظم لایتغیرمیپند آشت ولی پاید متذکر شویم که مفهوم جبر برای وی جنه تقدیر مطلق نداشت . چه ، او شمن قبول نظم و اراستگی جاوده برای انسان اختیارتبسی قائل بود و معتقد بود که این حریدان معنی نیست که هرکسی دست گزارده و در انتظار پیشامد ها بشنیده هر آن بود که انسان ها باتکا" خرد آزاد" و "ازوه کوشش خردانه" میتوانند از این نظم بتفع خود استفاده نمایند . کسری حکم کلی خود را در راه این مقوله که میگوید : "هرکسی بهرکاری کوشد هوده خواهد برد اشت با توضیح زیر ممکن میسازد :

"کشاورزی کسری خواهد گندم دارد باید تخم کارد . مردمی که میخواهد باخوی و آسایش زند باید بکاری یا پیشه ای پردازد بیمار کسری خواهد ببیند باید ، باید بدمان بپردازد ،

توده ایکه میخواهد سرفرازی اش باید به نیک خود کوشد" (۲)

ولی پیبانات سرشار از خوش‌بینی فوق بتوضیح نیازمند است . زیرا سخن کسری کمیگوید : هرکسی بهرکاری کوشد هوده خواهد برد . اشت مشروط باین شرعاً است که آنکسری خواهد میتواند بکارمشخص بکوشد و این خواستن و توائتن را نیز شرایط محیط اجتماعی و مشخصات انفرادی شخص معین میکند و چنان نیست که صرف تعصیم انسان‌های اجراء هرکار و رسیدن بهر تیجه کافی باشد . کسری این مشروط بودن اراده انسان‌هارا نمی‌بیند .

البته باید گمان رود که کسری با اصالت اراده بمعنای مطلق کلمه معتقد است و اصلاً به مشروط بودن اراده انسان‌ها معتقد نیست . وی از اراده را ازیقه قوانین و موائز جهانی بیند ولی حدود این محدودت را بسیار وسیع تر از آن که هست میپندارد . کسری میتویسد :

"تواند بود که کسری هزار سال زنده بیاند تواند بود که مرد ای بجهان بازاید ، تواند بود که ازستک شتر در آید تواند بود که اتفاق برگزدد" (۳)

چنانچه اینرسی بالا گهود است کسری در مردم مقولات فلسفی جبر و اختیار تصویرات تقریب‌دارستی دارد . در رایج‌بازی‌اید اور شویم که ملت اینکه کسری به برسی این قبیل مباحث میپرد ازد برای رد "قضای اسماعی" ، "محجزه" و خرافات رایج و رای اخذ تاییح معقول است . مراد وی از این مباحث است که زنجیرهای خرافی را بگسلد و ووده را از خواب تغلت بید از نموده و در زندگی آنها شهروحرارت بدمد و آنها را برای تامین زندگی بهتر عرصه پذاریکشاند . بهمین سبب است که در چنین مواردی کسری بیشتریک خادم ترقیخواه اجتماعی است تا يك متکر عیی و استاد مسائل فلسفی و نظری . باز بهمین منظور پژاتیک است که کسری وی در ضمن رد مفهوم "قسمت و طالع" از مقولات ضرورت و تصادف سخن میراند و ساعی است مسئله تصادف را در متن "سامان و آراستگی" و در ائمه ضرورت "عنی" برسی کند (۴) .

(۱) — مجله‌تهران مصور شماره ۸۲۵ — "وجاوند بنیاد پخشیر یکم ص ۶۴
(۲) — "وجاوند بنیاد" پخشیر یکم ص ۶
(۴) — "موهومات — خرافات" ص ۸۷ — ۸۶

خواننده آثار کسری همواره با آموزشی سرزنش و فلسفه ای خوشبینانه روبروست و ازان گرما میگیرد و این خود جایزه‌منیت آموزش "پاکدینی" کسری و هسته مترقب است.
کسری در این پکار مقدس هرگونه اندیشه لاقید آنه وصفانه در مرور زندگی را جسوانه می‌سورد اتفاقاً شدید قرار میداد و میتوشت:

"صوفیان چنین پند اشته اندکه خدا اینجها را دشمن میدارد و اینست آنرا خوار داشته اند وهمیشه نکوهشهاشی سروده اند. بسیاری از انان زندگی را پارستگی پذیر خود شماره بسا جهان را زند ای برای خود پند اشته اند. . . صوفیان از خوشبای این جهان دامن پرچیده و سختیها بخود داده، این زندگی را جزیرای گداختن تن و خواهشهای آن تپد اشته اند" (۱) (۲)
آثار کسری مشحون از مارره قاطع و پیکر طیه احکامی استکه جهان پرستی را نفی و جهان را "فانی" و "زندگی آنجهانی" را تبلیغ مینمایند (۳).

البته نباید بپیچ و بجهه تصویر و کفر کسری جهان پرمیست را در مفهموم هد و نیستی (کیشلزت) تبلیغ مینمود. بالعكس، درست در رد هد و نیسم است که خراباتیان را مرد اتفاق قرار میدهد (۴).
میانی تعالیم کسری در تحلیل زندگی وايجاد عشت و طلاقه جهان میتنی برغل و "خرد" پکار در راه آبادی جهان، تامین زندگی سعادتمند بشر بر اساس نظام تهیه و این نوامت (۵) و از این جهت یك شباht غاید مابین اصول تعالیم کسری و اخلاق سرزنش اپکورواسپینوزا بچشم میخورد.
لازم است عذر کش شویم کفر کسری در اتفاق خود از بیرخی اشعار شاعران کلاسیک قرون وسطائی ایران که حاوی تعالیم جبری باور به تقدیر و تبلیغ کیشلزت است ازان جا که منجر بفراموشی توده زحمتکش از ند صدای شوم اجتماعی میشود کاملاً محق بود. وی پدرستی نشان میداده تعالیم خراباتیان که میگفت "رخدادهای جهان از پیشتر نوشته شده مودتیها بوده پس نباید به گذشته و آینده آند پیشید ود میگردانیم ارجمند شمرد میخوشی پرداخت" شهre امر حزت تندستی و درمانندگی نیست (۶)، مهتر از همه کسری د ولت وزارت فرهنگ را باشانه آثار صوفیانه و جبری کری و ثراباتی گزی متهم میسازد و در اثر خودسئولین را بشدت میکشد (۷).

ولی شادر و روان کسری در ازای این دلایل و اتفاقات خود از ارشیه برقی از شعراء و متفکران کلاسیک قرون وسطائی ایران دچار اشتباہیز بود. این لغزشی از این جهان اشی میشده که وی تختست به خصلت تباشق عرفان ایرانی قرون وسطائی پر نبرده و پیکار ببروی همه آن عرفان خط بطلان کشیده بود و دوم اینکه او به ورکلی اریشه آن شاعران را از مقطع دهان مشخص آنها مورد برسی قرار نمیداد. هرگاه وی در این مطالب نیز حتی از اصل ایستور رسی پیروی میکرد شاید خشم مقدش ترسکین یافته و در ازای این بیهودگی اند ازه با غلط را تهدید آد. " خراباتیگری "، هد و نیسم یا پاتنه ییم در لفاظه " صوفیگری " که روح سیاری از اشعار شاعران و متفکران کلاسیک ایرانی قرون وسطائی از تشکیل میدارد و روان انتها معهم لا

(۱) - " ورجاوند بنیاد " بخش یکم ص ۴۷

(۲) - ر. ک. به " ورجاوند بنیاد " بخش یکم، " بخوانند و اوی کنند " " راه رستگاری " وغیره

(۳) - " دادگاه "

(۴) - " راه رستگاری " ص ۸۹، " دادگاه " ص ۱۶

(۵) - " ورجاوند بنیاد " بخش یکم ص ۴۸

(۶) - ر. ک. به " دولت بما پاسخ دهد "، " فرهنگ است یا نیزه " و " گفت وشنید ".

بصورت اندیشه های اپوزیسون مقاومت علیق تعالیم مذاهب سلط در می آمد . و حد توجه (پاتتمیسم) نسبت به تئولوژی و تئیسم متوقف شد . جهان پرستی و لود رفه هم خرافاتی و هد و نیس نقطه مقابل احکام دین درباره تبلیغ " زندگی آخرت " قرار داشت . و نیرجیگری " آن زمان از آنچه که بیشتر در سمت تسلیم به تقدیر و سرگشت نبود " بلکه درجهت بر ملا ساختن تناقض داشت . خود احکام مذاهب و دعاوی موظله کنندگان دین بود لذا از جهت تضعیف تأثیر آنها بود . درست از همین نقطه نظر که در جامعه کنٹری ایران اندیشه های تعالیم صوفیانه پراکنده است و ازار سالومی ، یاس و نویسیدی و انواع مفاسد اخلاقی بسیار گرم است اموزش اخلاق سرزنده کسری و مازره بی امان وی با هرگونه افکار شکاک و مدبینانه ارزش اجتماعی خطایری کسی مینماید . این بجاره بورزه در درون رژیم کودتا که برای فساد و اتحاط اخلاقی وائزها زینه مساعد بیشتری فراهم شده حائز اهمیت بسیار زیاد است .

تفی مطلق ارتبه فکری و معنوی خلقوی ایران و دم برسی آنها ازقطع من شخص تاریخی و کانی بر فشار " یکم دیمه " (جشن کتاب سوزانی) " آزادگان " انجامیده بود که نس طما و نه علا کار درستی نبود . نتیجصنه همین امر را حتی در آن نیزه میتوان دید که حریه برانی بدست ارتقا عبایم جمود ادکه توائیست از محیط تعصب امیز جامعه علیه کسری و ازانش استفاده کند .

ب - درباره " سرشت " انسان و " پی بردن پیگوهر آدمی "

ستگه بنای عقاید کسری نظریات وی درباره طبیعت انسان است . این نظریات وی دوآلیتی (ثنوی) است ، جه ، امعنقد بود که در انسان دوجه هر تضاد " آشیخ " یک یکم وجود است کم در عین حال یکه مستقل هستند همواره در جان نزاع و شکاشی راهی همیباشد . این دوجه هر عبارتند از " گوهر روان " و " گوهر جان " که سرمنشا کلیه اندیشه و رفتار انسان میباشد :

(۱) " خدا آدمی را ازد و گوهر سرمه : گوهر حان و گوهر روان که سرچشم کنکارها (۱) و خواهات که ای مفدوت همیباشدند . " (۳)

کسری خصائص حمیده و اعمال پست دیده را " بگوهر روان " و " العکس " ، صفات ذمیمه و خیمه اکرد ارزش رایه " گوهر جان " یا " تن " نسبت میدهد و در این شخص جنبه مینویسد :

" آدمی از گوهر حان هوس ، آروشک و خشم و گننه و خود نمای و هر تبریزی و چالوسی و ستمگری و دروغی و دروغی و مینه اربافی و دیگر خوبهای ناستوده را میدارد . خوبهای که بیشتر یا کم در جانوران نیز هست . "

از گوهر روان نیز فهم و اندیشه و خرد و شرم و آزم و اینگونه چیزهای بسیار استوده را میدارد ، چیز هایی که وی ره خود است . " (۴)

کسری از این توضیحات درباره خصائص دجوهر انسانی با این تیجه میرسد که محتوی سمت و ماهیت اندیشه ها و اعمال و رفتار آدمی بسته بحال نزاع این دجوهر متشابه است جه ، برتی و نیر و متدی یکی سبب ضعف و ناتوانی جوهر دیگر میشود " بعثایه د وکفه ترازو . چون یکی بالا رفت آندیگی پائیسن آید " (۵) .

(۱) - کردار ، آنچه کنند " (از فرهنگ پیمان) (۴) - " و رجاوند بنیاد " بخشی کم ص ۲۳

(۲) - خواستها " آنچه خواهد " (۵) - همانجا

(۳) - " و رجاوند بنیاد " بخشی کم ص ۱۹

نتیجه استنتاج کلی از این حکم مبانی تعالیم اخلاق کسری را تشکیل میدهد: "آدمی نیکی و بندهرد و را در تهاد خود میدارد و میگوید دعوی اینکه "آدمی نیکی پذیرنیست" ادعایی است باطل و دروغ (۱) .

بررسی "سرشت" انسان نیز در "پاکدینی" کسری بمنایه بحث مجرد و خالص نظری نیست بلکه مهدف از این تحلیل اخذ نتایج صریح اخلاقی و الاتجاه اجتماعی و عملی است . زیرا کسری بنا بر همین توضیحات درباره "طبیعت" انسان و حکم اینکه "آدمی نیکی را در تهاد خود دارد تشا این میابد که تکان داده شود و پیروزی یابد " (۲) این نتیجه اجتماعی را میگرد که از اه زیر و مند کرد ن " گوهر روان " ، پیروزی دادن آن اصلاح انسان و در تجاه تغییر و اصلاح جامعه میسر است . در این رسالت کسری نقش عده را بعده " خرد " انسان که باعترافه محصول همین "گوهر روانی" خدا دادی است ، واگذار مینماید . لذا بمنظوری یا توجه آدمیان درباره "سرشت" خوبی و "شناختن توهه خود" از اه اساعده اصول "پاکدینی" ، "آمیختهای زندگانی" میتوان چاید بتجدد در ترتیب آنها کوشید و از این راه شالوده جامعه پر عذر و داد و پرا بری و نظم اخلاقی مبنی بر مکاری اجتماعی و همزستی و دوستی و صلح ، "مانندیک خانواده " را بیخت . اینست بمنظار کسری "فرهنگی که به رکسی پایا است ... (۳)" کسری مانند روشنگران علاج درد جامعه را در اساعده طبع و دانش در "دبستان و اسواند کرد ن توده " نمیداند بلکه وی "راه رستگاری را در ترویج مبانی "پاکدینی" می انگارد .

کسری در زیر نارسائی آگاهی علمی و عدم اطلاع جامعه کافی از قوانین عام پیدا شوند و تکامل جامعه پسر فرق بین انسان و حیوان را در غلای که زایده رشد و تکامل قوانین عین طبیعی است نمیدانست بلکه در " خرد " محصول "گوهر روانی " میشمعد و از این جای خطا پیدا شوند انسان را از "جهن‌هایی" میپند اشت که در آن "دست افرید کار نمایان بوده " .

از آنچه کسری میکشد از ساخت دیرپرامون "سرشت" انسان نتایج اجتماعی و عملی میگیرد لذا اوی تنها بقول وجود حومه های دنواهه اتفاقاً نکرده بحلومنورد و آموزن خود ویژه ای درباره عالمی های مفری انسان تدوین مینماید . بعقیده وی انسان دارای قوی های مفری فراوان است که عمد ترشیان عبارتند از "نیروی پندار" ، "نیروی اندیشه و فهم" و "نیروی خرد" . وی وظائف هریک از این قوه هاراچنین تشریح مینماید :

"پندار انتست که کسی میشیند و از مشترک خود چیزهایی پیدا آورده که خود پنداشید یگران نیز از گوید پندار یکی از رفتاری های آدمی میباشد اند پنهان است که از جیزی بچیزی بگری می برد و از نک دانسته بیک ناد انتسته راه پاید . . . خرد شناسته راستیکچ ، نیک و مدنی و راهنمای آدمی بسوی آمیف ساست . . . (۴)" . بد و نمرد ید چنین طرح و تحلیل مطالب در مردم فعالیت مفرانسان ذهنی است . و نیز ارتقا مقام

(۱) - "ورحاوندستیاد" بختر یکم ص ۲۴ - ۲۵ (۲) - "ورجاوندستیاد" بختر یکم ص ۲۴

(۲) - البته به متکران دیگری نیز میخیریم که بوجود و امتزاج دنیروی متنباد یکدیگر در انسان اشاره نموده اند . مثلاً سعدی نیز براین بود که در البد انسان خیر و شر توان است و انسان بایسد بوسیله عقل بعنیری این رعنی چیزه شود . ولی در انسون عاید نسروی این ثبات مرکز اصلی تعالیم اخلاق و اصول تدریس اجتماعی را تشکیل میدهد . بهمین رو مردم توجه خاصی قرار گرفته است .

(۴) - "دین و جهان" ص ۷

" خرد " تاریخه معیارکل حقیقت تیزغیرطبی است . اشتباه عده نظری دراینچادر تقسیم سیمای معنوی انسان بدیختروتجرید بخشی - یعنی " خرد " ، عقل از جمیع فعالیت های روانی انسان و تفکر کوی وی از فعالیت فیزیولوژی دماغ مادی و انتساب آن بجهه غیرمادی (روان) است . میدانیم که کلیه فعالیتهای روانی انسان و جمیع اندیشه های وی از فعالیت فیزیولوژی مغز مادی - یکانه دستگاه تفکری ناشی میشود . ولی باز برخلاف بیان کسری درمورد " نیروی پندار " (تامیزاتی درمورد نیروی اندیشه و فهم) این دستگاه مستقل " جد اسر " همچون معده ایکه شیره پس میدهد نیست بلکه تقدیر نوعی فعالیت فیزیولوژیک ماده بسیار غریب و شکل یافته یعنی مفرازانسان است که بشکل فعالیت روانی ظاهر مینماید .

ایقان بوجود " گوهر روانی " الیه و فنا تا پذیر در انسان طبعاً به باور به انتقال " روان " وجود " جهان دیگر " یکشاند . دراین مردم اموزش کسری با تئولوژی پیوند می یابد . ولی در " پاکدینی " توصیف ویژه ای درمورد " جهان دیگر " امده که مبایت محسوسی بالا حکام متداول مذاهب دارد . کسری موافق توضیحات خود درباره جوهرهای دوگانه انسان و خواص و نقش انانها ، درمورد " جهان دیگر " چنین مینویسد :

" . . . کسانیکه دراینچهان بمنکی زیسته و پیروی ازروان و خواهاتکاری آن واژخرد و راهنماییهای آن کرده اند ، چه خید دریابند و چه در تبلید ، روانهایشان شاد و خرسند میباشد و در آنجهان شاد تر و خرسند تر خواهد شد . کسانیکه نه اینچنین بوده اند روانهایشان افسرده و ازده میباشد و در آنجهان افسرده تر و ازده تر خواهد گردید " (۱) .

(۲) سپرایکمال صراحت اخلاق منماید که " . . . این بیگمان جزیاد اشها و کفرهای خد ایست . دراد اممهین تکتارکسری احکام پرازفاترز را درمورد " روزنیات موسخر " کفرخواست خدا " شهادت دادن پیغمبران و نقش امامان " جزای تنی " رابطه دعاوی " دروازدنش " و " پندارهای خام بی خرد انه " رد منماید (۳) .

کسری نیز مانند همه دولتیست ها اتعیین " جای روان " پس از " جد ای ازتن " عاجزمائده (۴) دراینچور ازروش خود میگیرد : " بهر چزی که راه نیست باید ایستاد و پندار نبرد اختر " پیروی نموده از توسل به فانتزی و " سخن بافی " احتساب میورزد . این دستگیری از آن نطاچی است که گسیختگی حلقات زنجیر سیستمهای شتوی بهتر از سایر نقاط نمایان میشود و در معرفتیکه متفکرین موجود ان این سیستم هان خواهند بود .

در " پاکدینی " که سرشار ازفسله حیات است تحمل فراوان انسان و جهان پرستی و حسن نوع پیروی جای عده را دارد و این خود در شرایط تسلط ایدئولوژی های خرافی اهمیت اجتماعی والاچی کسب مینماید . کسری از جمله مینویسد :

" برخاستن ادمی از میان حاتر ان همچون شکفتن گل از میان بوته ها و خاره است ، همچون پدید آمدن میوه از میان شاخه ها پرگه است . ادمی کل جهان است ، میوه افريش است ، خدا آدمیاز افریده و اين زین را بآنان سپارده که بپرایند و بیارایند و آباد شگرد اند باید يهها در برد بآشند با سایش و خرسندی زیند و همواره روحه پیشترفت باشند مبد انسان که يك باغیان در باغ گیاهان هر زه را ازیشه کند و درختهارا بپراید و کلمهای زیارا بپیروزد ، آدمیان

(۱) - " ورجاوند بنیاد " پختردوم ص ۸۶

(۲) - همانجا ۸۷

(۳) - " ورجاوند بنیاد " پختردوم ص ۸۶

(۴) - همانجا ۸۷

باید بازیم آن رفتار را کنند . آنچه زیان آور و بیجاست نایاب دگرند ، آنچه سود مند و جاست بـ
نگهداری شکوشنـد " (۱) •

کسری در دنیاـه این سخنان انگلـهـا ، " هرـزـهـهـاـیـ" اجتماع را با " هـرـزـهـهـایـ سـپـهـرـ"
همطرـاـزـدـ استـهـ وـعـنـاـهـ مـوـانـعـ رـاهـ پـیـشـرـفـتـ تـوـدـهـ وـعـنـاـهـ زـیـانـدـ شـعـارـدـهـ ،ـ نـبرـدـ هـرـانـدـ اـخـتنـ " سـتـمـکـوـاـزـمـدـ .
وـسـایـرـ اـنـگـلـهـادـ حـامـعـهـ رـاـ مـانـدـ نـبـرـدـ طـیـهـ " هـرـزـهـهـایـ سـپـهـرـ" رـاـ اـزـاـهـمـ " بـایـاـیـ" اـنـسـانـ
پـیـشـمـکـشـدـ (۲) •

جـ بـیـزـنـیـ اـشـتـ عـلـمـ ،ـ سـطـلهـ شـناـختـ وـجـلـیـلـ فـراـوانـ " خـردـ "

ایـقـانـ بـعـتـایـاجـ عـلـمـ وـجـلـیـلـ آـنـ اـزـهـستـهـ طـیـ مـنـقـیـ " پـاـکـدـینـ " اـسـتـ .ـ کـسـرـوـیـ مـنـوـیـدـ :
" دـانـشـهـاـوـهـنـرـهـاـمـایـ پـیـشـرـفـتـ حـمـاـشـدـ " (۳) •

" اـرـدـ اـنـشـهـاـهـرـچـ بـرـأـدـبـایـدـ پـیـرـفـتـ " (۴) •

کـسـرـوـیـ مـعـتـقـدـبـودـهـ تـایـجـ طـوـمـ مـعـتـرـهـ هـسـتـنـ وـلـذـاـهـرـچـ تـرـقـیـ یـاـبـنـدـ تـسـلـطـ اـنـسـانـسـپـهـرـفـروـزـیـ بـاـ
اـسـرـانـاـکـشـودـهـ حـدـیدـیـ گـشـمـودـهـ یـشـوـدـ وـاـمـکـانـاتـ اـسـتـفـادـهـ خـلـانـیـ اـزـنـیـوـهـایـ سـپـهـرـیـاـیـ ئـکـاـمـلـاـفـارـسـارـیـ
بـیـشـمـشـوـدـ وـالـتـسـیـجـهـ بـاعـثـ تـسـهـیـلـ کـارـاـنـسـانـمـیـگـرـدـ .ـ اوـدـ اـشـرـاـ بـعـنـزـلـهـ نـیـروـیـ مـحـرـکـ عـلـیـ اـتـصـاصـایـ
وـرـشـدـ زـنـدـگـانـیـ دـانـسـتـهـ دـرـایـ بـارـهـ چـنـینـمـیـوـسـدـ :
" اـدـمـیـانـ دـرـسـایـهـ اـیـشـاـ (ـ دـانـشـهـاـ جـ سـ .ـ) اـرـیـتـیـ بـهـترـ آـگـاهـ مـیـگـرـدـنـ ،ـ رـازـهـایـ پـوـشـیـدـهـ
بـسـیـارـیـ رـاـ بـدـ سـتـمـیـاـوـرـنـ ،ـ اـزـمـنـ وـآـبـ وـهـوـاـ وـاقـتـابـ کـهـ سـرـچـشـعـ زـنـدـگـانـیـ سـودـ مـیـجـوـنـدـ .ـ بـهـ آـبـادـیـ
زـیـنـکـهـ بـایـیـ وـرـجـاوـدـ اـیـشـانـتـ بـیـشـتـرـ قـوـانـدـکـوـشـیدـ ،ـ بـرـایـ زـنـدـگـانـیـ کـاـجـالـهـاـافـزـارـهـایـ سـودـ مـنـدـبـیـسـیـارـ
تـوـانـدـ سـاختـ " (۵) •

شـادـرـوـانـ کـسـرـوـیـ بـیـشـاـهـ سـرـسـختـ تـرـینـ وـقـاطـعـ تـرـینـ دـشـمنـ حـنـکـ وـخـوـنـیـ بـاـتـامـ حدـتـ نـسـبـتـ بـهـ
اـسـتـفـادـهـ اـزـتـرـقـیـاتـ طـوـمـ دـرـرـاهـ توـسـعـهـ سـلـاحـهـاـیـ جـنـگـ وـخـرـبـ نـغـرـتـ وـاـنـزـجـارـبـارـاـنـبـیـمـایـدـ :
" اـیـنـ سـیـاهـکـارـیـ وـدـبـیـختـیـ اـسـتـ کـهـ اـزـ اـنـشـهـاـوـهـنـرـهـاـیـکـشـتـ رـمـدـمـانـ وـوـیـرـانـ گـرـدـ آـنـدـنـ شـهـرـهـاـ
کـوـشـدـ ،ـ سـیـاهـکـارـیـ وـدـبـیـختـیـ اـسـتـ کـهـ بـیـشـ اـزـهـمـهـ اـفـزـارـهـایـ گـزـنـدـ وـثـابـوـدـیـ ۰۰۰ـ سـازـنـدـ اـنـ اـرـجـ
دـانـشـهـارـاـ نـدـ اـنـسـنـ اـسـتـنـ اـسـتـنـ (۶) •

ایـنـ سـخـانـ صـلـحـجـوـانـهـ وـغـدـجـلـکـ نـفـنـهـاـ بـسـیـارـمـتـرـقـیـ بـودـ (ـ نـیـزـ اـمـانـیـ بـرـیـ کـاـغـذـ آـمـدـهـ کـهـ کـوـهـ جـنـکـ
خـانـعـنـسـوزـ جـهـانـیـ دـوـمـ گـرـمـ بـودـ وـجـارـجـانـ فـاـشـیـسـ دـرـهـمـ جـاتـیـلـیـخـ جـنـکـ مـیـگـرـدـ) ،ـ بـلـکـهـ هـمـ اـکـنـونـ نـیـزـ دـرـ
عـرـامـتـ کـهـ اـمـبـیـالـیـسـتـهـاـ بـیـوـسـتـهـ خـودـ رـاـ بـرـایـ جـنـگـ نـایـبـوـدـ کـنـنـدـ آـمـادـهـ مـیـسـاـزـنـ ،ـ دـارـایـ اـخـبـارـ وـشـایـانـ
تـوـجهـ اـسـتـ .

کـسـرـوـیـ طـرـنـدـ اـرـاشـاعـهـ وـسـیـعـ طـوـمـ دـرـمـیـانـ تـوـدـهـ مرـدـ وـخـواـهـانـ اـزـمـیـانـ رـفـتـنـ مـرـزـیـنـ عـالـمـ وـتـوـدـهـ بـودـ .
کـسـرـوـیـ بـخـطاـ طـوـمـ رـاـ نـیـروـیـ مـحـرـکـ اـصـلـیـ جـامـعـهـ مـحـسـوبـ مـیـدـ اـشـ ،ـ بـدـینـجـهـتـ اـنـرـاـ کـهـ دـرـآنـ دـرـوـانـ کـمـهـ
تـرـقـیـاتـ طـوـمـ بـحـایـ " هـوـدـهـ " وـآـسـایـشـ وـرـفـاهـ مـرـدـ ،ـ جـنـکـ وـدـبـیـختـیـ وـوـرـانـیـ بـارـمـیـاـوـرـنـ) ،ـ نـیـتـیـجـهـ " یـکـطـرفـهـ "
بـرـدـنـ بـیـشـرـفـتـ وـدـرـقـدـ اـنـ " رـاهـ خـردـ " ،ـ " رـاهـ بـاـکـدـینـ " مـیـشـمـرـدـ .ـ شـادـرـوـانـ کـسـرـوـیـ مـوـجـهـ تـبـوـدـکـهـ
علـتـ عـدـهـ دـرـمـاسـیـاتـ تـولـیدـیـ جـامـعـهـ نـیـفـتـهـ اـسـتـ کـهـ مـانـعـ وـسـدـ رـاهـ رـشـدـ نـیـروـهـایـ مـوـلـهـ مـیـشـوـدـ .

(۱) - " وـرـجـاوـنـدـبـنـیـادـ " بـخـشـرـیـکـ صـ ۱۸ - ۱۷ (۴) - " وـرـحـاوـنـدـبـنـیـادـ " بـخـشـرـیـکـ صـ ۱۰

(۲) - " هـمـانـجاـ " (۵) - " هـمـانـجاـ " بـخـشـرـیـکـ صـ ۱۸

(۳) - " بـخـشـرـیـکـ صـ ۲۴ (۶) - " بـخـشـرـیـکـ صـ ۲۶

لذا " رستگاری " در اینواردراء " پاکدینی " نیست بلکه چاره در در تغییر وابط فرسوده تولیدی و نظام پوسمیده اجتماعی است . احترام عیق کسری را به علم متوان از این حکم زیرین بخوبی دانست : " دانش از کارخانه گفتگو دارد . دین در جستجوی پدید آورده کارخانه است در انجایزکه پیوستگی در میانست باید دین یاد اش درست آید و هرگاه نایاب باید از دین کاست " (۱) .

کسری اسلوب معرفت خاصی نداشت . مأخذ عاید شناخت و را بیان او درباره " نیروهای محظی " و اعمال دماغی انسان مشخص مینماید که آن نیزینه خود ، چنانچه مشهود است ، با برخورد وی نسبت بسیه نظر علم پیوند دارد .

اقراره صحت و اثیار نتایج علم بدین معنی است که کسری باکان درک پدید مها و رازها و قوانین جهان معرفت است . این مطلب را علی الخصوص تعریف وی از دانش نیزینشان میدهد که میگوید : " ... باید دانست دانش امیمهای است که از راه جستجوی از میشیامانند آنها باید است آییند وی پهلو (۲) گردد .

در همانجا پس میگوید : " باید دری اینویود که رازهای نادانسته هرچه بیشتر دانسته گرد و شروری آدمی بر سپهر ، و سود جوئیش از نیروهای شناخته و ناشناخته آن فروشی باید . بیان زیرین کسری دیگر هیچگله تردیدی در اینکان وی به درستی و اثیار حقایق معرفتی باقی نمیکند اراد : " دانش بابر هروده ای که میرست باید پذیرفت . این نادانیست که کسانی چیزهای را که تاره مشنوند نمیزیرند . نادانیست که در جهود لیدا ایستند . چنین رفتاری بهرد ستاویز باشد ناسراست " .

کسری براین بود که نیروی حسن معرفت جوی آدمی ایازل کوشیده تامحیط اخلاق خود ، اشیا و پدیده های عالم را بشناسد و در اینجا اهانزد انش اشاره کرده و اثرا یکانه و سیله میداند که این از روی انسان را بالفعل میگرداند : وی مینویسد :

این از اتفاقهای عینی و معتبرد انش است که " ... جهان کامیکام پیش میرود زمان بزمان بهتر و اشکوه ترمیگردد ، و ادمی ازند اشتن وند اشتن و توانستن اغزاریده بسوی داشتن و داشتن و توانستن ولی گرچه کسری خود معتبر است که : " ... چگونگی زندگانی بسته باین شناختن میباشد و آدمیان تاجیان رانیک شناستن در آن را خواهند شناخت " (۵) . معرفه الت و محركیه اعماق هارا و اد ارشناخت محیط ریشه قوانین سپه مینماید در این مهندیهای مادی و تکامل قهری نیروهای مولده نمیداند بلکه در انگیزه میدانند که بطور کلی " در تهاد آدمی نهاده شده " (۶) .

تفسیرهای کسری از " سرشت " انسان و اعمال دماغی وی در نظریات معرفتی وی بسیار مؤثر

(۱) — " راه رستگاری " ص ۳۴

(۲) — بی شک ، آکسیوم

(۳) — " فرجاوند بنیاد " پخش سوم ص ۲۴

(۴) — " دین و انش " ص ۴

افتاده ووی را در این بحث در موضع اصحاب عقل (راسیونالیسم) قرار میدهد : " خرد شناسنده نیک و پر استوکج سود و زیست " (۱) .

سلط شیوه اصالت " خرد " (۲) در پرسه شناخت بیش از همه در این نمایان است که سروی مقام و پرا تام عیار و سیله سنجش مطلق حقیقت، تادرجه " ترازوی داری " میان " راست و دروغ و درست و نادرست بالامیرد (۳) .

ایمان کسری بمقتضی سترک " خرد " مدار اصلی نظریات اجتماعی وی است . بدین حیله معتقد بود که طل کلیه گفتارهای عامه، " گرهای زندگانی " در کم بهادرن، " ارج نگداشتن بخرد " پیروی نکرد ان ازان نهفته است (۴) . کسری برای نشانه ادن رل عظیم " خرد " در حیات بشری چنین مقایسه میپرورد ازد :

" راهنمای قارن ادن " خرد " در زندگانی " ۰۰۰ بدان میاندکه راه روانی که در تاریکی شب و در رک زمن ناهمواری را میپیماند، پراغی راکه درست میدارد خاموش گردانند و روش را پوشند و ازان بپرسندی نخواهند، و در آن تاریکی از گود الی در غلطاند " (۵) .
ید و تردید پرستش " خرد " وارقاً مقام وی و ثبت حق آن از این نقطه از تاریکه در مقابل اید غولی وی فعید الیس و احکام مذکوری کم برتری ایمان و این متنی است قرارداد و پدیده است بسیار متفرق .
در اثر شاد روان کسری انتقادات قاطعی علم گوئه جهاد فی یاتزل مقام " خرد " دیده میشود . وی لخطاب بعلفین اند پیشه های بدینه شکال و نیز از موضع راسیونالیست افرادی بعاقابه میپردازد و میگوید : " اگرچشم سپرید دن و گوش شهر شنیدن است خرد نیز بپرشناختن سود و زبان و نیک مید و راست و کج است " (۶) .

لیکن این اند پیشه های تعقلی، مثبت و واقع بینانه بعوینکه کسری را از تغلقی د و رسازد ، بالعکس، راه را برای ایمان بوجود " حقیقت عالی " " مافق حقایق " صاف تر و هموار تر مینماید : " هستی افرید کار و لگانی و توانانی و دانانی او و چاید این روان از گوهر دین است ، داشتها هرچه پس ترورود بر استواری ایشها خواهد افزود " (۷) .

بد پنسان نظریات شناخت کسری و التیجه اصول نظری عقاید وی متناقض و متفاوت است . از کسو ایمان بعینیت حقایق و صحت مدرکات و امکان دریافت رازهای ناکشوده، نفی تعریف و خلصه های شکان و سه هر کنیوسم وارد انواع بندی از های الفاظ و تبیه تواریخ " مقام " خرد " و شهود انانچه در برابر ایمان و تسبیح، از سوی دیگر - اخراج بوجود " افرید کار بینانه و توانان بجاورد " - به شایه " حقیقت مافق حقایق کسری خود کم بیش توجه این تناقض در سیستم بوده و سعی کرده است تا از این بن بست بیرون آید . اما این تلازن و کوشش ویرا به تمثیل دارد و " آکتوستیسیسم "(۸) کشانه است .
ب دریکه و د برابن بود که در بجان پدیده ها دوکنه اند : پدیده هایی که قابل درستند که وظیفه

(۱) - " دریرامون خرد " چاپ سوم تهران ۱۳۲۶ ص ۷۲

(۲) - شهیوم " خرد " در کسری مبعنای تام عقل و خرد نیست .

(۳) - " راه رستکاری " ص ۱۲ (۴) - " ور جاوند بینیاد " بخشی کم ص ۳۷

(۵) - " ور جاوند بینیاد " بخشی کم ص ۳۷ (۶) - " نظر ایده آلبستی که خمن قبول عینیت

(۷) - " راه رستکاری " ص ۲۲ (۸) - نظر ایده آلبستی که خمن قبول عینیت
پدیده ها و حقایق ، امکان درک آنها و باختی از آنها را نفی میکند .

علوم گشودن و "بی پهلو" گردانیدن آنهاست (۱) و نیز پدیده هایی هستند که "به آثارهایی نیست" نظری "اغاز افریشتر" (۲) واینگونه چیزهای نادانسته فراوان است که باید بسته باشند (۳) "دانش همچیز را درنیابد" (۴) .

بدینکوئه نظر اخیر کسروی با برخورد وی درباره نقش انسداد رکشیدن رازهای جهان و نیز با توضیح خود وی درباره رابطه بین "پاکدینی" و داشت که فواید اشاره شد تناقض آشکار پیدا میکند .
تجلیل "خرد" ویزگد اشت نقشی در پریوسه شناخت دروغه اول در شخص خود کسروی بسیار موثر افتاده و پیرا به اندیشه‌مندی "قائم‌بدات" ، "بی نیاز" ازاقیاس و متفکری غنی مدل ساخته بوده روش و علم معرفتی بسیاری از اشتباها شادر وان کسروی چه در زمانی مسائل نظری و چه در پژوهش‌های علمی و پژوهه در مسائل اجتماعی و سیاسی دراین امر (۴) یعنی در اصالت "خرد" بود . در سایه همین شیوه تعقلی افراطی بود که چه بساکسروی در مردم مطلب یا موضوعی اظهار نظر کرد و تناایج قطبی اتخاذ مینمود که عو آکاهی وی در آن زمینه یامحدود و ناچیز بود و بالا اقل برای تشریح واستنتاج مطلب مورد نظر غیرکافی و در مواردی هم مأخذ استنباط نادرست بوده است .

د - درباره رشد جامعه

کسروی صحت نتایج علم (ابیعی راد رباره سیر تکاملی داعی پدیده های سپهسر و جامعه قبول دارد . منظمه این تکامل یقید کسروی چنین است :

"روزی بوده که آفتاب و ماه و زمین و دیگر ستارگان نمیبوده و حای همه اینها یک توده بخواهی فضای مایستاده . این توده بخارانگاهان بگرد خود چرخیدن گرفته است ، و در میان این چرخیدن زندگی از آن حد اکرده و مفضل پرتاب شده و هر کدام دیر که دیرگری دیری دیگری ، هم بگرد خود و هم بگرد توده مادر چرخید آغاز کرده ، که زمین ما و دین کره ها و ماهها ازان پدید آمده .

دراین کره زمین تاکستان بسیار رازی که اثراکسی نمیداند ، ازگایه و درخت و جاتر و آدمی نشانی نمیبود ، تا هنگامی رسیده که روهای (اریامود رخت) سر برآورده ، سپس نیز هزاره هایی گذشته تا زندگی پیدا شده و حائز ان پدید آمده سپس نیز هزاره هایی گذشته تا آدمی نمایان گردیده ."(۵)

پس از این وی پتوصیف دو رنمازی سیر تکاملی جامعه بشر پرداخته میشود :

"آدمیان از زنکه بروی زمین پیدا شده اند همینه روسوی بمهتری داشته اند و همیشه کام بگا ، اند . دانشمندان : میناگاه که روزی بوده که آدمیان در چنگلها یا بین غارها میزیسته اند . هیچیکی از افزارها کاچالهای (۶) از هر کسی را نداشته اند ، هیچیکی ایکشاورز . ۰۰۰ دامپوری . . . و اینهای نمیشناخه اند . ۰۰۰ زمان برای سخن گفتن در میانشان نمیبوده . چیزی که هست از همان آغاز زده پیشتر میهتری داشته اند "(۷) .

سپردراد ام این "ارج منظمه رشد جامعه کسروی یعنی استفاده از سئوک و غلزار دو توسعه کشاورزی و امیروری و معاشریت پیدا شد و استفاده از انشد رزندگانی انسانیای بد وی ول زمان درایجاد

(۱) - "دین و دانش" ص ۴

یکم صفحات ۷۵۰ - ۱۳۲۲ تهران

(۲) - "دانش خانه - وسائل زندگی

(۳) - "ورجاوند بنیاد" بخش یکم ص ۱۵

(۴) - "دین و دانش" ص ۹

پنجم ص ۵۸

شناسایت و همکاری بین انسان‌هادرنبرید بازیوهای طبیعت اشاره‌نموده ازاین درونای ترسیمی تکامل حاصله بین نتیجه میرسد که: "ادمیان از این‌همه پیشرفت‌هوده ای (۱) که باستی برگرفته اند حاصله باشند نهاده اند. هرگزست به شانته نصافه اند . . . (۲)"

کسری در توضیح علت این امر بگوید، مردمان هنوز بعدهم "باهم زسته" پن نبرده و معنی آثر نمیدانند لذا "تیرمهایی" (۲) بوجود میابد که همواره باهم دنزاع وجود آل میبودند (۴) سرانجام "کسی یا کسانی" برانگیختگانی "برخاسته اند" و "بعدم در سهائی درباره" هم زسته داده و این فهنهاید اندکه بچایی کشاورزی و زیارتی توانند با هم دستی زست، و قانون یا این برای اثنا کذاره بنتیار سر شته داری (۵) نهاده اند ۰۰۰ پس از این بود که ادانی در زندگانی بهره از اسایش و خرسندي یافته اند ۰۰۰ و این در میان تیره ها پداشده ۰۰۰ (۶).

چیکه اندیشه کسری دیراره رشد جامعه اینست که : انسانها دردار مختلف تاریخ از تمن
شهرگری " بهره نمیرند و از " پیشرفت " رفاه سعادت نصیب آنها نمیشود با این طبع بوده و هست که دیرین
مراحل تکامل جامعه یک جانبه، ایکراه - تنها از راه داشت - یعنی ، ۰۰۰ از راه افزایش از و پر بردن
بنیوهای سپهر و آلاهی از گوشه های جهان و مانند اینها" (۲) رشد میابد . ولی زمانیکه راه دیدگی
راه دین " ، رام خرد " - یعنی ، شناختن معنی درست جهان ، و پی بردن پوهر آدمی
ود استن جایگاه آن در میان آفریدگان ، وزستان با این خرد و مانند اینها " بارش راه علم همراه میشود
از ترقی ، پیشرفت " هوده درستی " بدست میابد (۳) . اینست کسری بر عقیده " دوگانگی
حقیقت " پیگیر بوده و معتقد بود که اثربره " این درواه از هم جداست ولی هر دو اهم باید بود " تا
از آلاهیها و انسنهایا و تمن یافته (۴) .

بدینسان چنانه هوید است دراین نظریه "دوگونگی حقیقت" "دوجانبگی پیشرفت" نه تنها اصل کلی سوسیولوژی کسریو بلکه کلید سیستم وی نیز نهفته است .
بدون تردید این طرح تکامل جامعه بشرطی حی است برای این شیوه استنیاط ذهنی تاریخ . لذا تنازع اجتماعی وی قانون عالم و غیرعلمی است . چکسریو در توجه درک ایده‌الایستی از تاریخ بشرطی محرك عدد جامعه را دررشد نیروهای مولده و تغییر احتمیت در مناسبات تولید ، در صورت بند یه‌ای اجتماعی ، در تحولات زیر بنای مادی و اقتصادی جامعه نجسته بلکه بخطاب ترقی علم و پیشرفت دانشها و آکادمیهای می‌حویلند لذا به اشتباه نظریه "دوگونگی پیشرفت" جامعه بشرطی پیش‌می‌کند و دراین است عدد خطاطی کسریو در زمینه جامعه شناسی .

ولی ازاین مسئله ممده و اساسی که بگذریم در طرح ترسیعی کسری اندیشه های قابل توجهی نهفته که در مریضی هاد وی در مرور مسائل اجتماعی و سیاسی موثر افتاده اند . قبل از هر جیزگاه ترقی در این است که کسری بمنظمه توجه زیادی داشته و به صحبت و تعیین تابعیت علم ایقان کامل دارد و تابعیت علم در شکل اصول نظری جهان بینی و تاثیر سیزاعی نموده . هر چند باید اذعان نمود که سطح ترقیات علم و

- (۱) - توجه "روجاوند بنیاد" بخشیکم ص ۱۰
 (۲) - "روجاوند بنیاد" بخشیکم ص ۹۶
 (۳) - "پام بدانشمندان اروباوامریکا" ص ۱۶
 (۴) - "یکدسته از مردم ، طایفه " (رمک مفترهنک پیمان)
 (۵) - "روجاوند بنیاد" بخشیکم ص ۱۰
 (۶) - همانجا
 (۷) - همانجا
 (۸) - همانجا
 (۹) - همانجا
 (۱۰) - دیلکت حکومت

من جمله علوم طبیعی در حوزه کسری و بحث از این مباحث بود که مأخذ استفاده وی قرار گرفته و در تدوین پایه های نظری آرا وی موثر افتاده .

طلب دیگری که در طرح فوق جلوه توجه می کند عبارت است از مسئله پیدا شدن دولت " سرشته داری " است . کسری " سرشته داری " را بعنوان پدیده زیستی می انگارد که در درجه اول صنایع تاریخ بیان آمد . برای آن مشاهده ای از این قائل نیست . و تجزیه این نکته توجه دارد که ظهور دولت با " کشاورز " و " نیزه " تیره ها " همراه بوده . لیکن از انجا که کسری بیانیت طبقاتی جامعه بفهم مبارزه طبقاتی بمعابده عدد قوی پیشبرنده جوامع طبقاتی متناقضی نیزه بود ، لذا منظور وی از " تیره ها " - طبقات و از " کشاورز " نیزه " - مبارزه طبقاتی نیزه . بلکه وی بطور کلی " نیزه بین ادمیان " " کشاورزین تیره ها " را در نظر می گرفت . همین عدم درک ماهیت طبقاتی جامعه وند انتن جنبه طبقاتی دولت است که به توانی های نادرست وی در راهه وظایف دولتی شده . کسری بد رستی ی نیزه بسود که " سرشته داری " را گذیده " کشاورز " و " نیزه " است ولی معلوم است که دولت محصول " کشاورز " و " نیزه " بین ادمیان بطور کلی نیست بلکه محصول مبارزه طبقاتی است . دولت حاکیت طبقه استثمار وظایف را برروی طبقه استثمارشونده و مظلوم شکل قانونی داده ، منافع طبقات ستمگر تأمین و تسجیل نموده است .

هـ . نظریات اجتماعی و سیاسی کسری ، طرحی از جامعه آینده ، " زیستن با آینین خرد "

بی شک کسری از وضع موجود جامعه ایران بسیار تاخته است بود و خوبی میدید که می هنر غب مانده و متشدد رفاقت دسته ای میزند . امتحان روحی طالب این بود که در روابط اجتماعی ووضع موجود تبدلات هسقی صورت گیرد . ارمان عالی وی در تکونین جامعه بود که در آن عدالت اجتماعی و دموکراسی و مبارزی هزاردری حاکم بآشد ، ظالم و مظلوم نباشد و قوه های مردم بصورت " یک خانواده " زندگی نمایند . شعار اصلی جامعه : " هر کس را پاندازه شایستگی و کوشش " (۱) باشد . پکاری امام و زم خستگی ناپذیر کسری در راه اصلاح نظام اجتماعی و لهراس اصول " پاکدینی " نمونه بارزی از آن عشق و محبت فراوان نیست که نسبت بعیین وهم می هنان خود در سرد است . در این نیزه مقدس اخود را جانباز ترین نوع پرور و میهن پرست نشان داد .

غایید سوسیولوژی و سیاست کسری و اصول نظری جهان بیشتر وی که در رفق بیررسی شد پیشوند تاگستنی داشته ولی از انجا که پایه نظری این سیستم در خطوط عده ذهنی واید " الیستی است لذا نظریات سوسیولوژی وی نیز ; هرچند که در مسائلی حتی بمراقب بالاتر و مترقی ترازو مازن نظری آن قرار دارد نمیتواند دارای پایه عینی وطنی شمرده شود .

اندیشه عامی که در بنای نظریات اجتماعی کسری قرار گرفته درد و حکم زیرین بیان شده :

" سرشمه کارهای هر کس مغزا وست . هر مغزی نیز از روی اندیشه هایکه در اوست کار می کند " (۲)

" همیشه رفتار نتیجه اندیشه است " (۳) .

همین احکام " پاکدینی " در جای دیگر چنین تفسیر می باشد :

(۱) - " امروزچه باید کرد ؟ " چاپ چهارم تهران ۱۳۳۶ ص ۳۸

(۲) - " در پیرامون رمان " چاپ سوم تهران ۱۳۲۹ مقدمه صفحه ۱

(۳) - راه رستاری " ص ۹

" انسان را بکاری مغزش و امید ارد " مرکز اراد مغزراست . مفترابع اندیشه هاییست که در آن جاگیرد . اندیشه های ضد هم مذهه هارا از کار اندارد " (۱) باین احکام وفسیرات علی الاصول ایرادی نمیتواند وارد باشد . لیکن مطلب بررسانست که در پاکیزه سرچشم رفتار پرکار از مأخذ قرارگرفته است تصمیع خود اندیشه و فکر . زیرا مقدم بیراین لازم است بسوال آیا اندیشه و فکر خود محصول چیست ؟ منشأ و مأخذ آن چیست ؟ پاسخ داده شود . داینچاست که در پاسخ متباین ، دوسلوب معرفتی متناقض ، دوهر خود عینی - علمی و ذهنی غیر علمی دربرابر هم قرار میگیرد و شالوده دوایده ٹولوی مخالف و دوخط مشی اجتماعی و سیاسی جدال هم را صیریزد .

در جاییکه در مبدأ " مأخذ تفکر عالم عینی و انعدامی وی قرار داده نشده خود مغزقرارداده میشود با توجه همیشگی که " مکاهی های هر توده مولود اندیشه آن توده بود موجکونگی گردید اینها وایستگی کاملی بچگونگی اندیشیدن افراد آن توده میباشد " (۲) .

کسری نیز براین اصل ذهنی بودکه بعوض اینکه خستین کلتک تنه بپرواصلح جامعه را بپرکردن ظلام فرسوده موجود و مناسبات اجتماعی پوسیده عینی بکوهد بر " مذہبیانگاه " فروق میاورد و میخواست از ازهار نیرومند گرد آیدن " گوهرهای روان " ، " نیزه های مغزی خرد " نخست اندیشه های توده را اصلاح و " یکپارچه " نموده و سپس جامعه ایده آل خود را پدید آورد . در این رسالت اصول اخلاقی " پاکیزه " بعنایه " آمورگار خرد ها " (۳) نقش عده را بعهد میکرد .

چنین است فسرده آن را به اینه ناگستنی که بین اصول نظری خاید کسری و نظریات اجتماعی و خط مشی سیاسی وی قرار داشته واژلایی نفته " و تفسیرات فراوان وی میتوان خلاصه کرد .

بنابراین اصل که " اندیشه های زیانمند " افکار توده را " الوده " مذهه هارا بپارساخته " و باعث " پرکندگی اندیشه ها " و انتیجه سبب درماندگی و زیستی ایرانیان است کسری انتقادات اجتماعی خود را دروغه اول متوجه طرد مکاتب و اندیشه ها - خواه دارای منشأ ایرانی و خواه منشأ خارجی باشد - کرده بود . در اینبارزه با " پرکندگی اندیشه ها " بدآموزه های زیانمند " است که انتقاد از کیش با خشم مهی از مبارزه ایده ٹولوی کسری را تشکیل میدارد .

برخی مباحث فراوان کسری که بانتقاد از اندیشه های خود بحث جالبی باشد که در این وجیزه نمیگنجد . در اینچنانها باشاره این نکته اکتفا میکنم که گرچه عدم آگاهی علی ازیشه طبقاتی و اجتماعی دین و علت باقی و طرق رائل شدن خرافات مذهبی از اذهان ، کسری را به برخی برسیهای اشتبا امیز و در موادی نتایج غیرعلمی در زمینه جامعه شناسی کشاند بود (۴) مع - درنهادن " خرد " و منطق در پایه دین ، آزاد کردن آن از فهم عرفانی متداول پرگرد اند ن آن بعنزله

(۱) - " دادگاه " ص ۱۴

(۲) - " در پرآمنون رمان " ص ۱

(۳) - " و رحاوند بنیاد " بخش دوم ص ۵۳

(۴) - مثلاً چد اکدن پلی تئیسم (بیت پرستی) از منوئیسم (پرستش بخدای یگانه) و قراردادن سد ضخیم بین آنها و تصور اینکه میتواند تاریخ جامعه بشرادرین مونوئیستی - بعکس پلی تئیسم - از اینجا که آفریدگار یگانه محور تعالیم آنها بوده ، مردمان را از تصورات خطدار بیاره جهان ، از گمراهی و تادانی دوران تسلط ادیان پلی تئیستی نجات پخشیده آثار ایشاگره ترقی سوق داده (" دین و جهان ")

"مبانی اخلاقی عقلانی" وارد ساختن ضربات حکم برایه فرق اسلام، بویژه کیش رسمی از صفحات درخشان و پر مریکار اید ئولوی کسری است که تاثیر بسیار اوانی در راه رشد فکری تود مسلمان جامعه خرافی ایران داشته و خواهد داشت.

شادروان کسری ضمن تحلیل هرسی گرفتاریهای جامعه وسعي در اشاعه اصول "پاکدینی بهای راه و وسیله" رستگاری تود مردم" منظره ای نیز از جامعه آینده ترسیم مینماید که از نظر اجتماعه ایست نوبن برینیادی استوار.

(۱) در موایزن نظام اجتماعی آینده جایی برای رژیم سلطنت واستبداد نیست واز" حکومت مشروطه و قانون" طرفداری میشود کسری این طرز حکومت را برآزند هرین شکل حکومت مینماید از "مشروطه بهترین گونه سرشته داریهاست" (۲) .

و در هر دو از این امر اصول سرشته داری یا حکومت همان مشورت مینماید واستبداد چه ازسوی یک تن، چه ازسوی یک دسته استبداد است، ما هر دو از اصول مشورتیم" (۳) .

کسری تفاوت بین سلطنت - استبداد و مشروطه (حکومت خلق) را در ماهیت خصلت آنها میدید و مثلا براین اصل درست و مترقب مینهاد که: "مردم برای حکومت نیستند، بلکه بریکس حکومت برای مردم است" (۴) .

مولف "تاریخ مشروطیت ایران" نیز معرف پوده "حبش مشروطه نا انجام مانده و بسیاره گردیده" و معتقد بود که جنبش مشروطه را باید پانجام رساند (۵) . ولی کسری پختا "شایستگی و ناشایستگی توده"، آمادگی و آماده تبودن مردم" را در تغییر نوع حکومت و مهتر از همه در پایان ازی حکومت توده ای از عوامل اصلی میشمرد (۶) . این برداشت اشتباها میز کسری از عدم تشخیص دقیق نیروهای محرك انقلاب مشروطت ناشی میشود. زیرا علاوه بر عقب ماندگی و انحصار اجتماع که ناشی از کود دیرینه قرنها بود علتمستقیم ناکامی انقلاب مشروطه را باید قبل از هر چیز رفق دان و حدت در رحناج انقلابیون و در سازشکاری بیرونی از لیرال دید.

ولی کسری در عین حال میگفت: "همچون ناصرالملک و دیگران نمیتوان مشروطه برای این توده زد است، بعکس آنها، با آنکه مایسیار دیرکرده ایم و ماید شتاب کنیم" (۷) .

حبه دیگر دموکراتیسم عقاید اجتماعی کسری در برخورد وی نسبت بمسئله حادی چون مسئله اراغی بروز نیکند. وی مخالف ملکی، "دیده داری" بود و هوخواه براند اختن رئیم فئود الی و اصل ارضی بود. نثار وی در این زمینه در اصول "ورجاوند بنیاد" درینهای صریح یکوتاه وی چنین مذکور است: "زین بهر کاشتن و مهره برداشتن است"

"زین راکسی از آنکه کارد"

"آنکه نیکارد و با آباد نمیدارد باید فروشد و گرنه ازدست شریا بگرفته شود" (۸) .

(۱) - در مقدمه "مشروطه" شادروان کسری حکومت دموکراتیک خلق را در نظر میگرفت.

(۲) - "بخوانند و داروی کنند" ص ۱۰۰ (۶) - "امروزجه باید کرد؟" ص ۲۶

(۳) - "امروزچه باید کرد؟" ص ۱۶ (۷) - همانجا ص ۱۱

(۴) - همانجا ص ۷ (۸) - "ورجاوند بنیاد" بختر سوم ص ۱۶

(۵) - همانجا ص ۱۲

درست استدکه شادروان کسری براساس همان راه " پاکدینی " که گفته شد ، مانند سایر زمینه های اصلاحات اجتماعی در زمینه کشاورزی نیز هنوز نامه شخص و دقتی تنظیم نکرد . بود ، ولی ازانجـاـکه کشاورزی را به تایه سپترين پیشنهاد می‌تواند و نیز ازانجـاـکه مسئله ارضی از مسائل حاد جامعه ایران بودگذا پیان ارج ویژه ای قائل بود .

کسری خواستار تقسیم اراضی باند ازه لزوم " بین کارندگان زمین " بود (۱) . او در توسعه کشاورزی رهایی کشاورزان ازست " دیه داران و فتخواران " در پیهود عقی حار کشاورزان و ازیان برداشت اخلاق میان دموکراتی اسلامی (۲) و حقیقت که باید " دیه ها بزرگ رو شهرا کوچکتر گردد " (۳) . حقیقه های خرد بخوبی از خلیلیات اجتماعی کسری راهم چنین میتوان در اصول منوط به زمینه " سرمایه " و " بارگانی " که برایه تحدید حدود آنها قرارداد مشاهد گردید . " در بازگانی برای سرمایه اند ازه هکانیده شود (۴) که کمی تواند بیشتر از آن راه اند ازه . زیرا سرمایه افزایکار است و در جاییکه از اداد باشد رشته کارهای بیش از همه درست پول بوده ، جزیه ها بیکار خواهد گردید . مکسانی که پول بسیار میدارد دست دیگران را خواهد بست (۵) . رواج اند یشه های سوسالیستی در جهان و ایران نهاده است در منچ و تکون جهان بینی ایده ئولوگهای ترقیخواه غیرپرولتری موثر نیفتند . این تاثیر در مردم شخص دموکراتی و مرتقی مانند کسری بیشتر نمایان است . گواه روشن این تاثیر را بیش از هر چیز رعده شمار اجتماعی وی میتوان دید که میگوید : " هر کسی تواند باند ازه شایانی و کوشش ارزندگی بهره باید " . این " قانون دادگانه " را وی چنین تفسیر مینماید :

" داستان پستی ملندی در زندگانی (یاد ارایی وند اری) که یکی از بُرگواریهای پیزگیست و اند یشه همه میکشاوراهان جهان را بخود گشیده ، مایک راه روشن و ساده ای در چاره جویی بانپیش گرفته ایم . ما میگوییم : هر کسی باید باند ازه جزیه خدادادی هاند ازه کوششی که درگرد اندین چرخ زندگانی بکار میرد از خوشبها بهره باید . روشنتر گوییم : هر کسی باند ازه ایکه در سیچ درایسته های زندگانی و در راه اند اختن چرخ آن شرکت داشته بهمان اند ازه ازتیجه کوششها برخورد ارگد د . این یک قانون دادگانه ایست .

یک جمله بگوییم : این نیاشدکمکس نکوشد و ازتیجه کوششها دیگران برخورد ارگد د ویا بین اند ازه کوشش بهره باید " (۶) .

ولی کسری این اصول درست رامی خواهد باتحدید مالکیت خصوصی برای از ایجاد تولید بخشند نه براساس لغوان که متنضم لغوط بفات و اشاره متقاض اجتماعی است . وی مینویسد :

" برای آنکه این قانون را روان گرد اینم چند کار را باید بدیده گیریم :

۱ - در از ای از ای سرمایه اند ازه ای گزارده شود کمکس بیش از آن بکار تواند اند اخ :

۲ - زمینه باکشاورزان بخشد و گردیده ، هر کسی بیش ازند ازه دسترس تواند داش :

۳ - ماشینه باکوچک باشند کمکس تواند با سرمایه کم یکی را بکار اند ازه :

۴ - از پیوں برای ای دادن کمایه فتخواریست حلول گفته شود (کارهای باشکی از این سخن بیرون نست) (۷) .

(۱) - " و رجاوند بنیاد " پخته سوم ص ۲۰ (۵) - " و رحاوند بنیاد " پخته سوم ص ۲۰

(۲) - همانجا (۱) - دین وجهان " ص ۱۸

(۳) - همانجا (۲) - همانجا

(۴) - تعیین گردد

بدینسان علیرغم سعی زیاد و آرزوهای درخشنان و آرمان مقدس علم و علاوه‌کسری طرح جامعه تو را پیشنهاد ننماید و حاممه ایده آل وی از حیطه حاممه سویاً بیستی تخلی خرد و بیورژوائی گاهی فراتر نمی‌شود.

بدون ترد پد احمد کسری تبریزی از سیماهای روشن تاریخ - فرهنگ و انتظامیهین ماست و بعنوان دمکرات انقلابی، روزنده بن باک ویگیر علیه دردهای اجتماعی وایده یولویهای ارتقا می‌نماید. ستم و استعمار و جنگ بعثابه مبارز قاجار در راه برقراری عدل و اراده و برایری و دمکراسی اجتماعی و صلح، پیزله معارض پروپریتین پرسن و انسان دوست و فیز داشتند و پژوهشگر عالیقامت مجبوب کلیه زحمتکمان چشم ایران می‌آشد و مرحمسب همین مبارزات قهرمانانه خوش است که شریت شهادت نوشید (۱) .

بدون مبالغه می‌توان گفت که نقشی راکه کسری در بین افراد ای روزهای غفلت زده اوهام و خرافات مذهبی بازی کرده کم نظیر نموده . مکتب کسری برای عده محسوسی ارزجتکشان بهیه روش نظر کران ترقی خواه مکتب تجدید خواهی و آموزشگاه رزم‌جوئی بود . کسری آنها را بعرصه پیکارکشانید و حیاتشان روح و گرما دمید . آنکه شماره از ای خواهانیکه از این " پل " گذشتند و در صفو نهضت ازادی پیش فرار گرفته اند اندک نیست . اکثر شاگردان این مکتب پس بمحمد و دیت آن برده وصف پیشوای رهبری از منفکران ما طی قرون بیان شده است جای خواهد داشت .

(۱) بخش سیوگرافی این مقاله که از طرف نویسنده تهییه شده بود به عنوان تلخیص حذف شده است .
(هیئت تحریریه دنیا) .